



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir

پادشاہ

بزرگداشت

خدیجہ کبریٰ

دسمبر ۱۹۶۶-۱۹۶۷ قمری

۱۹۶۶ء ایف، میرٹھ جلا وطنی ۱۹۶۶ء

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

یادواره بزرگداشت حضرت خدیجه کبری (سلام الله علیها)

نویسنده:

سید حجت موحد ابطحی

ناشر چاپی:

یاران خدیجه کبری

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

فهرست	۵
یادواره بزرگداشت حضرت خدیجه کبری	۱۴
مشخصات کتاب	۱۴
پیشگفتار	۱۵
عوامل مؤثر در بزرگداشت حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام	۱۹
اشاره	۱۹
نقش اساسی ائمه جماعات و خطباء در بزرگداشت حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام	۱۹
نقش استادان، معلمان، مسؤولان آموزش و پرورش در بزرگداشت حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام	۲۰
وظیفه شناسی شعرا عالیقدر درباری حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام	۲۰
نقش مداحان اهل البیت در بزرگداشت حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام	۲۱
نقش پرچمها و پوسترها در بیداری جامعه نسبت به عظمت حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام	۲۱
جلسات تفسیر قرآن و دعا و معرفی حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام	۲۱
افطاری دادن و انفاق به نام خدیجه کبری عَلَیْهَا السَّلَام	۲۲
حرکت برای بزرگداشت حضرت خدیجه از متن جامعه و اعتقادات دینی	۲۳
بستر سازی برای تحقیق و تألیف درباری حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام	۲۴
آمادگی روحی ملت ایران، زمینساز موفقیت مراسم بزرگداشت	۲۵
نامگذاری مراکز علمی، دینی، اجتماعی به نام حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام	۲۵
نمونه هایی از شعرهای بزرگداشت خدیجه کبری عَلَیْهَا السَّلَام	۲۶
جایگاه جلسات توجیهی در گسترش امر بزرگداشت حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام	۲۹
رسالت مبلغین اعزامی به شهرها و روستاها در بزرگداشت حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام	۳۰
محتوای گزارشات شوق آفرین است	۳۲
اشاره	۳۲
[۱ -] در گزارشی آمده است:	۳۳
[۲ -] و در گزارش یکی دیگر از مبلغین آمده است:	۳۴
[۳ -] گزارشی دیگر	۳۵
[۴ -] گزارش چهارم	۳۶
مراجع بزرگ تقلید و بزرگداشت حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام	۳۷
اشاره	۳۷
پیام مرجع عالیقدر حضرت آیت الله العظمی، صافی گلپایگانی مد ظله العالی	۳۷
متن اطلاعیه مرجع عالیقدر، حضرت آیت الله العظمی، آقای حاج سید صادق روحانی، مَدَّ ظِلُّهُ الْعَالِی	۳۹
متن نامه مرجع عالیقدر، حضرت آیت الله العظمی، آقای حاج سید صادق شیرازی، مَدَّ ظِلُّهُ الْعَالِی	۴۱
کنگره نکوداشت حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام	۴۲

۴۲ اشاره
۴۳ ایجاد سامانه اینترنتی بنام حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام -
۴۳ مراسم بزرگ نکوداشت حضرت خدیجه در اصفهان
۴۵ آثار و برکات کنگره نکوداشت حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام
۴۵ اشاره
۴۵ نامه ای از شهرستان دهلران
۴۶ نامه ای از رفسنجان بسمه تعالی
۴۷ نامه ای از شهرضا
۴۹ اظهار نظر یکی دیگر از داوران مسابقه فرهنگی هنری کنگره
۵۱ اظهار نظر یکی از مباحثان نامدار
۵۴ آثار فراخوان ادبی - هنری سرچشمه کوثر
۵۴ مقاله های برجسته
۵۶ همایش بزرگ برای تجلیل از حضرت خدیجه در تهران
۵۷ متن سخنرانی پر محتوی و پر شور و سوز خطیب دانشمند و دلسوخته اهل البیت عَلَیْهِمُ السَّلَام آقای حاج شیخ حامد رضا معاونیان، در همایش بزرگداشت حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام در تاریخ دهم رمضان المبارک ۱۴۲۶ قمری
۷۰ بزرگداشت حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام در شهرستان کرج
۷۱ برنامه بزرگداشت حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام در سایر شهرها
۷۱ گزارشی و اشارتی و سفارشی
۷۱ بر کرانه ی سرچشمه ی کوثر
۷۴ آثار و برکات بزرگداشت:
۷۴ آموزه های سرچشمه ی کوثر
۷۵ اشاره ای به نکات برجسته ی زندگی حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام
۷۶ فضایل ویژه ی حضرت خدیجه
۷۷ پیشنهادهای به فرهیختگان، در بزرگداشت حضرت خدیجه
۷۸ سرچشمه کوثر
۸۴ کتابنامه خدیجه کبری عَلَیْهَا السَّلَام
۸۴ اشاره
۸۵ ۱: آخرین گفتارها در پایان زندگی، ج ۲
۸۵ ۲: آخرین مرد آسمانی
۸۶ ۳: آسیه الگوی مقاومت
۸۶ ۴: آموزشهای دینی برای نوجوانان، ج ۲
۸۷ ۵: اخلاق در قرآن، حالات خوب نفس
۸۷ ۶: از اسلام چه می دانیم (محمّد ضَلَّى اللّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ)
۸۸ ۷: اعتصام ش ۳

۸۸	۸: افق وحی
۸۹	۹: الدر الثمین فی ایقاظ النائمین
۸۹	۱۰: الوقایع و الحوادث، ج ۷
۹۰	۱۱: الوقایع و الحوادث، ج ۱
۹۰	۱۲: امام علی عَلَیْهِ السَّلَام از ولادت تا شهادت
۹۱	۱۳: امیران ایمان یا زندگینامه خدیجه
۹۱	۱۴: انبیس العهد و مونس اللحد
۹۲	۱۵: بانوی بانوان جهان
۹۲	۱۶: بررسی تاریخی منزلت زن از دیدگاه اسلام و ...
۹۳	۱۷: پاسدار اسلام شماره ۹۲، سال ۸
۹۴	۱۸: پاسدار اسلام ش ۴۷
۹۴	۱۹: پاسدار اسلام ش ۴۹
۹۵	۲۰: پاسدار اسلام ش ۸۹
۹۵	۲۱: پاسدار اسلام ش ۹۴
۹۶	۲۲: پاسدار اسلام ش ۹۲
۹۶	۲۳: پیام انقلاب ش ۱۲
۹۷	۲۴: پیام انقلاب ش ۶۱
۹۷	۲۵: پیامبران، سه جلد در یک مجلد
۹۸	۲۶: پیامبر موعود در تورات و انجیل
۹۸	۲۷: پیام زن س ۲ ش ۱۲ (ماهنامه)
۹۹	۲۸: پیام زن س ۳ ش ۱ (ماهنامه)
۹۹	۲۹: پیشوای اسلام
۱۰۰	۳۰: پیغمبر و یاران ج ۲
۱۰۰	۳۱: تاریخ اسلام از آغاز تا هجرت
۱۰۰	۳۲: تاریخ اسلام (دوران پیغمبر صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ)
۱۰۱	۳۳: تاریخ اسلام در آثار شهید آیت الله مطهری رحمه الله ج ۱
۱۰۱	۳۴: تاریخ ایران اسلامی دفتر اول از پیدایش اسلام، ایران اسلامی
۱۰۲	۳۵: تاریخ پیامبر اسلام
۱۰۳	۳۶: تاریخ پیغمبر خانم ج ۱
۱۰۳	۳۷: تاریخ تحلیلی اسلام
۱۰۴	۳۸: تاریخ تحلیلی اسلام ج ۲
۱۰۴	۳۹: تاریخ تحلیلی و سیاسی اسلام
۱۰۵	۴۰: تاریخ سیاسی اسلام

۱۰۵	۴۱: تاریخ صدر اسلام
۱۰۶	۴۲: تاریخ فقه و فقها
۱۰۶	۴۲: تاریخ مختصر اسلام
۱۰۷	۴۴: تاریخ مقدس
۱۰۷	۴۵: تاریخنامه طبری ج ۱
۱۰۸	۴۶: تاریخنامه طبری، ج ۳ تا ۱
۱۰۸	۴۷: تحلیلی از تاریخ اسلام ج ۱
۱۰۹	۴۸: تشخیص، تصمیمگیری و اقدام خواص در وقت لازم
۱۰۹	۴۹: جایگاه زن در اندیشه امام خمینی قدس سره
۱۱۰	۵۰: جایگاه زن در اندیشه امام خمینی قدس سره (تبیان آثار موضوعی هشتم)
۱۱۰	۵۱: جمال و کمال زن
۱۱۱	۵۲: چشمه در بستر (تحلیل از زمان شناسی حضرت زهرا عَلَیْهَا السَّلَام)
۱۱۱	۵۳: حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام
۱۱۲	۵۴: حضرت فاطمه عَلَیْهَا السَّلَام
۱۱۲	۵۵: حج
۱۱۳	۵۶: حجاب مقدس ترین وسیله استحکام
۱۱۳	۵۷: حوادث تاریخی
۱۱۴	۵۸: حیات القلوب، ج ۲
۱۱۴	۵۹: خدیجه شکوه زندگی
۱۱۵	۶۰: خدیجه کبری عَلَیْهَا السَّلَام
۱۱۵	۶۱: خدیجه کبری عَلَیْهَا السَّلَام
۱۱۶	۶۲: خصایص فاطمه عَلَیْهَا السَّلَام
۱۱۷	۶۳: خلاصه تاریخ اسلام از پیدایش عرب ج
۱۱۸	۶۴: خلاصه زندگانی فاطمه زهرا عَلَیْهَا السَّلَام
۱۱۸	۶۵: خورشید رسالت محمّدی
۱۱۹	۶۶: خون و خورشید
۱۱۹	۶۷: داستان پیامبران، ج ۳
۱۲۰	۶۸: درسهایی از تاریخ تحلیلی اسلام، ج ۴
۱۲۰	۶۹: در مکتب فاطمه عَلَیْهَا السَّلَام
۱۲۱	۷۰: دروس تاریخ اسلام دوره ۱
۱۲۱	۷۱: دلائل النبوه ج ۲
۱۲۲	۷۲: رسول الله، محمّد بن عبدالله
۱۲۲	۷۳: رمضان در آینه تاریخ

۱۲۳	۷۴: رمضان در تاریخ
۱۲۳	۷۵: روضه الصفا، ج ۲ - - - - -
۱۲۴	۷۶: رویدادها ج ۳ مناسبت های ماه های قمری - - - - -
۱۲۴	۷۷: ره توشه راهیان نور (ویژه ماه مبارک رمضان) ۱۴۱۹ ق - ۱۳۷۷ ش - - - - -
۱۲۵	۷۸: ره توشه راهیان نور، (ویژه ماه مبارک رمضان) ۱۴۲۱ ق - ۱۳۷۹ ش - - - - -
۱۲۵	۷۹: ریاحین الشریعه، ج ۲ - - - - -
۱۲۶	۸۰: زنان اسوه در قرآن - - - - -
۱۲۶	۸۱: زنان پیامبر اسلام - - - - -
۱۲۷	۸۲: زنان مرد آفرین تاریخ - - - - -
۱۲۷	۸۳: زنان نامدار در قرآن، حدیث و تاریخ - - - - -
۱۲۸	۸۴: زن در زندگی پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آله وَ سَلَّمَ - - - - -
۱۲۸	۸۵: زندگانی حضرت محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آله وَ سَلَّمَ - - - - -
۱۲۹	۸۶: زندگانی حضرت فاطمه عَلَیْهَا السَّلَام - - - - -
۱۲۹	۸۷: زندگانی صدیقه کبری فاطمه زهرا عَلَیْهَا السَّلَام - - - - -
۱۳۰	۸۸: زندگانی علی عَلَیْهِ السَّلَام، ج ۱ - - - - -
۱۳۰	۸۹: زندگانی فاطمه زهراء عَلَیْهَا السَّلَام و زینب کبری عَلَیْهَا السَّلَام - - - - -
۱۳۱	۹۰: زندگانی محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آله وَ سَلَّمَ - - - - -
۱۳۱	۹۱: زندگانی محمد پیامبری که از نو باید شناخت - - - - -
۱۳۲	۹۲: زندگانی محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آله وَ سَلَّمَ پیامبر اسلام - - - - -
۱۳۲	۹۳: زندگی پیامبر اسلام از بعثت تا هجرت - - - - -
۱۳۳	۹۴: زندگی حضرت محمد خاتم النبیین - - - - -
۱۳۳	۹۵: زندگی محمد پیامبر اسلام، ج ۱ - - - - -
۱۳۴	۹۶: زندگینامه خدیجه کبری و فاطمه علیهما السلام - - - - -
۱۳۵	۹۷: زندگی سیاسی حضرت فاطمه زهرا عَلَیْهَا السَّلَام - - - - -
۱۳۵	۹۸: زن و شوهر: ج ۲ - - - - -
۱۳۶	۹۹: ستارگان درخشان، ج ۱ - - - - -
۱۳۶	۱۰۰: سروش، ش ۱۵۴ - - - - -
۱۳۷	۱۰۱: سلام بر خورشید، ج ۱ - - - - -
۱۳۷	۱۰۲: سلام در اسلام - - - - -
۱۳۸	۱۰۳: سیرت رسول الله، ج ۱ - - - - -
۱۳۹	۱۰۴: سیره چهارده معصوم عَلَیْهِمُ السَّلَام - - - - -
۱۳۹	۱۰۵: سیره صحیح پیامبر بزرگ اسلام ج ۲ - - - - -
۱۴۰	۱۰۶: سیری در تاریخ صدر اسلام - - - - -

۱۴۰	۱۰۷: سيف الواعظين
۱۴۱	۱۰۸: سيمای زنان در آيينه زمان
۱۴۱	۱۰۹: سيمای زنان فداکار صدر اسلام
۱۴۲	۱۱۰: سيمای زنان در قرآن
۱۴۲	۱۱۱: شاهد ش ۹
۱۴۳	۱۱۲: شرح حال و فضایل خاندان نبوت
۱۴۳	۱۱۳: شکوه زندگی
۱۴۴	۱۱۴: شمع انجمن
۱۴۴	۱۱۵: شهبانوی اسلام
۱۴۵	۱۱۶: صديقه شهیده، زهرا عَلَیْهَا السَّلَام
۱۴۵	۱۱۷: صديقه طاهره بانوی نمونه اسلام
۱۴۶	۱۱۸: طبقات، ج ۱
۱۴۷	۱۱۹: طريق المؤمنین
۱۴۷	۱۲۰: طريق المؤمنین در بیان ارکان دین
۱۴۸	۱۲۱: فاطمه الزهرا عَلَیْهَا السَّلَام از ولادت تا شهادت
۱۴۸	۱۲۲: فاطمه چه گفت؟ مدینه چه شد؟
۱۴۹	۱۲۳: فاطمه زهراء عَلَیْهَا السَّلَام
۱۴۹	۱۲۴: فاطمه بر کرسی رهبری
۱۵۰	۱۲۵: فاطمه زهرا عَلَیْهَا السَّلَام
۱۵۰	۱۲۶: فاطمه زهرا عَلَیْهَا السَّلَام از ولادت تا شهادت
۱۵۱	۱۲۷: فاطمه زهرا عَلَیْهَا السَّلَام
۱۵۱	۱۲۸: فرهنگ فاطمیه (القبای شخصیتی حضرت زهرا عَلَیْهَا السَّلَام)
۱۵۲	۱۲۹: فرياد یک رسالت
۱۵۲	۱۳۰: فهرست موضوعی تراجم
۱۵۳	۱۳۱: قصص الانبياء
۱۵۳	۱۳۲: قصص قرآن، تاريخ انبياء
۱۵۴	۱۳۳: کامل ج ۱ تاريخ بزرگ اسلام و ايران
۱۵۴	۱۳۴: کتابی که باید خواند
۱۵۵	۱۳۵: کوثر س ۱ ش ۱
۱۵۵	۱۳۶: گلستان قرآن س ۴ ش ۹۵ پياپی ۱۲۹ سال ۱۳۸۰
۱۵۶	۱۳۷: گنجینه های ويران
۱۵۶	۱۳۸: ماتمکده
۱۵۷	۱۳۹: مادر نمونه اسلام

۱۵۸	۱۴۱: مجموعه زندگانی چهارده معصوم
۱۵۸	۱۴۲: محمّد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله وَ سَلَّمَ پیامبر خدا
۱۵۹	۱۴۳: محمّد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله وَ سَلَّمَ پیام آور آزادی، ج ۱
۱۵۹	۱۴۴: محمّد رسول الله صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله وَ سَلَّمَ
۱۶۰	۱۴۵: محمّد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله وَ سَلَّمَ پیغمبری که از نو باید شناخت
۱۶۰	۱۴۶: محمّد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله وَ سَلَّمَ پیغمبر شناخته شده
۱۶۱	۱۴۷: محمّد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله وَ سَلَّمَ خاتم پیغمبران، ج ۱
۱۶۱	۱۴۸: محمّد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله وَ سَلَّمَ در شیرخوارگی و خردسالی
۱۶۲	۱۴۹: مکتب انقلاب ش ۵
۱۶۲	۱۵۰: ناسخ التواریخ حضرت عیسی علیه السّلام ج ۳
۱۶۳	۱۵۱: وفات حضرت فاطمه علیها السّلام
۱۶۳	۱۵۲: همراه با پیامبران در قرآن
۱۶۴	۱۵۳: همسران رسول خدا
۱۶۴	۱۵۴: یک بحثی تحلیلی و تاریخی درباره‌ی همسر
۱۶۵	۱۵۵: ینابیع الموده ج ۱
۱۶۵	کتابنامه حضرت خدیجه علیها السّلام
۱۶۵	الف: به عربی
۱۶۶	ب: مقاله عربی:
۱۶۶	ج: به فارسی:
۱۶۷	د: مقاله:
۱۶۷	ه: ضمنی:
۱۶۷	و: ضمنی / به فارسی:
۱۶۸	[موارد دیگر]
۱۶۹	مقاله هایی درباره‌ی حضرت خدیجه علیها السّلام
۱۶۹	اشاره
۱۶۹	مقاله اول
۱۶۹	اشاره
۱۷۱	خدایچه بانوی اسلام
۱۷۴	علل ظاهری و باطنی این ازدواج
۱۷۶	کیفیت خواستگاری خدیجه
۱۷۷	مقاله دوم
۱۷۷	اشاره

۱۷۷	
۱۷۹	نام بلند آواز او
۱۸۰	پیامبر و پیمان زندگی مشترک
۱۸۶	دوری از یار مهربان
۱۸۷	غذای بهشت
۱۹۰	رحلت بزرگ بانوی جهان عرب
۱۹۲	ضربه هولناک مرگ خدیجه
۱۹۳	مقاله سوم
۱۹۳	اشاره
۱۹۴	کرامت نفس
۱۹۴	همسران پیشین
۱۹۶	ازدواج با پیامبر
۱۹۷	نخستین مسلمان
۱۹۹	پشتیبان مکتب
۲۰۰	در چشم و دل محمّد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ أٰلِهِ وَ سَلَّمَ
۲۰۱	مقام خدیجه
۲۰۳	جدایی
۲۰۵	مقاله چهارم
۲۰۵	اشاره
۲۰۵	۱ - فضائل اخلاقی و علمی
۲۰۷	۲ - پرورش فرزندان صالح
۲۱۰	۳ - توجه به نیازهای عاطفی و خواسته های فرزندان
۲۱۱	۴ - رعایت آیین شوهرداری
۲۱۵	۵ - برترین معیارهای انتخاب همسر
۲۱۶	مقاله پنجم
۲۲۹	مقاله ششم
۲۵۰	مقاله هفتم
۲۵۰	اشاره
۲۵۱	خدیجه بنت خُوَیْلِدُ
۲۶۶	مقاله هشتم
۲۶۶	اشاره
۲۶۶	سخنان بزرگان و دانشمندان دربارهی خدیجه
۲۷۴	سروده های شعراء دربارهی حضرت خدیجه

- ۲۷۵ «اُثم همدانی» مظهر آزادی و ایثار ... «اُثم همدانی»
- ۲۷۸ «هُوز همدانی» سعی خدیجه میان بیت و حرا ... حامد اهور «هُوز همدانی»
- ۲۸۹ همسر خیرالوری خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام ... مصطفی بهرامی از شهر ری
- ۲۸۹ «جان نثار» کوکب برج شرف، خدیجه کبری ... «جان نثار»
- ۲۹۳ «حیاتی» خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام مهین بانوی اسلام ... محمد حیاتی کاشانی «حیاتی»
- ۲۹۵ «خائف» جهان بانوی اسلام حضرت خدیجه کبری عَلَیْهَا السَّلَام ... حسین زارعی «خائف»
- ۲۹۶ «دزه» الگوی زندهای عالم ... شیخ علی اکبر وزنه «دزه»
- ۲۹۸ «روحی» ام فاطمه ... مهدی روحی همدانی «روحی»
- ۲۹۹ «زولیده نیشابوری» روشنی بخش شب تار ... «زولیده نیشابوری»
- ۳۰۰ «سخای اصفهانی» پرتو جاوید ... فضل الله شیرانی «سخای اصفهانی»
- ۳۰۳ «شهلا» خدیجه در تاریخ اسلام ... صدیقه صابری «شهلا»
- ۳۰۴ «صحت» رباعی دربارهی حضرت خدیجه ... علی شیرانی اصفهانی «صحت»
- ۳۰۴ «شادروان طالع» خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام ... «شادروان طالع»
- ۳۰۴ «عنقا تهرانی» حضرت خدیجه کبری عَلَیْهَا السَّلَام ... عباس «عنقا تهرانی»
- ۳۰۵ «فاطر» سلام آورده جیریش ز سرمد ... علی اصغر فراهی «فاطر»
- ۳۰۷ «مرحوم فراهی کاشانی» در وصف خدیجه کبری عَلَیْهَا السَّلَام ... «مرحوم فراهی کاشانی»
- ۳۱۱ «کمیل» خدیجه بنت خویلد عَلَیْهَا السَّلَام ... محمود شریفی کاشانی «کمیل»
- ۳۱۵ «کمیل» خدیجه، بانوی ایثار ... محمود شریفی کاشانی «کمیل»
- ۳۱۶ «علی غفرالهی، ماهر اصفهانی» سلام بر خدیجه ... «علی غفرالهی، ماهر اصفهانی»
- ۳۱۸ «ماهر اصفهانی» بانوی خردمند و وفا کیش، خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام ... «علی غفرالهی، ماهر اصفهانی»
- ۳۲۱ «مسافر» ام الائمه ... شیخ علیرضا محمدی «مسافر»
- ۳۲۲ «مؤید» مدح حضرت خدیجه کبری عَلَیْهَا السَّلَام ... سید رضا مؤید خراسانی «مؤید»
- ۳۲۲ بند اول
- ۳۲۴ بند دوم
- ۳۲۵ بند سوم ... ای خریدار جان پیغمبر
- ۳۲۶ تشکر و سپاسگزاری ...
- ۳۲۶ پینوشت
- ۳۴۲ درباره مرکز

یادواره بزرگداشت حضرت خدیجه کبری

مشخصات کتاب

نام کتاب: یادواره بزرگداشت حضرت خدیجه کبری

نویسنده:

میر سید حجّه موحد ابطحی

فرزند مرحوم آیت الله، حاج سید مرتضی موحد ابطحی قدس سره

تاریخ انتشار: رمضان المبارک ۱۴۲۸ قمری - ۱۳۸۶

حروفچینی و صفحه آرائی: میرنگار - اصفهان

ناشر: یاران خدیجه کبری - اصفهان

نوبت چاپ: اول

تیراژ: ۳۰۰۰ جلد

* * * * *

اصفهان - حوزه علمیه - مدرسه صدر بازار و مدرسه ذوالفقار

اصفهان - خیابان احمد آباد - کوچه ملک الأطباء - بیت الزهراء عَلَیْهَا السَّلَام

میر سید حجّه موحد ابطحی

به پیشگاه مقدس:

خاتم الانبیاء، داغدار مصیبت خدیجه کبری عَلَیْهَا السَّلَام

فاطمه زهرا عَلَیْهَا السَّلَام یادگار بزرگ و ثمره اصلی زندگی خدیجه کبری عَلَیْهَا السَّلَام

امیرالمؤمنین علی عَلَیْهِ السَّلَام که سالها در سایه مهر و محبت و سرپرستی خدیجه کبری عَلَیْهَا السَّلَام بودند

همه امامان و امامزادگان بزرگوار، که به مادر بزرگشان خدیجه کبری افتخار می نمودند

همه بزرگان و حق شناسانی که حضرت خدیجه کبری عَلَیْهَا السَّلَام را مایه مباحات خود می دانند

اهدا می گردد.

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا وَ نَبِيِّنَا وَ حَبِيبِنَا وَ طَبِيبِنَا

الَّذِي بُعِثَ رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ وَ بَشِيرًا لِّلْمُذْنَبِينَ

مُحَمَّدِ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ

وَ عَلَى آلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ الْأَنْجَبِينَ، لَا سِيَّمَا

الْإِمَامِ الْمُنتَظَرِ وَ الْوَلِيِّ الْمُتَّقِمِ

الْحُجَّهِ بْنِ الْحَسَنِ الْمَهْدِيِّ (عج)

وَ لَعَنَهُ اللَّهُ عَلَى أَعْدَائِهِمْ أَجْمَعِينَ مِنْ أَلِ أَنْ إِلَى قِيَامِ يَوْمِ الدِّينِ

آمین آمین آمین

پیشگفتار

چند سالی بود که توجه به عظمت و ایمان و اخلاص و ایثارهای برجسته و استثنائی حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام و رحلت جانگداز آن بانوی بزرگ تاریخ اسلام مرا تحت تأثیر قرار داده بود و سعی می کردم در سالگرد وفات آن حضرت (در دهم رمضان المبارک) عرض ادبی داشته باشم و در سخنرانیهای روزهای ماه رمضان و در سایر مجالس و محافل، توجه دوستان خانندان رسالت را به

آن شخصیت بزرگ تاریخ اسلام و پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ جلب نمایم.

تا اینکه در ایام میلاد مبارک سید الشهدا، امام حسین عَلِيهِ السَّلَام در سال ۱۴۲۶ قمری، شبی به دیدن یکی از انسانهای پاکیزه خوی و دلباخته خاندان عصمت و طهارت عَلِيهِمُ السَّلَام که از زیارت خانه خدا و مدینه منوره برگشته بود رفتیم و او که در آن سفر زیارتی به سیری معنوی و پروازی روحانی دست یافته بود و در صحنه های گوناگون، حالت توجه و تنبه یافته بود، سخن از عظمت یاور دلسوز و همسر فداکار رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ به میان آورد و از کوتاهی و قصور یا تقصیر مسلمانها و شیعیان، در مورد حقوق آن حضرت که «ام المؤمنین» و «ام الائمه» و «ام الزهراء عَلِيهَا السَّلَام» و اول بانوی مؤمنه جهان اسلام و بزرگترین ایثار گر در راه پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ و اسلام بوده است، سخن گفت و آنچه آن سخن او از دل بر می آمد که لاجرم بر دل می نشست.

او با سوز دل از کوتاهی دربارهی معرفتی عظمت و شخصیت آن حضرت سخن گفت و از اینکه در مساجد و محافل دینی در ایام وفات آن بزرگ یار فداکار پیامبر خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ در ماه مبارک رمضان، که بهترین فرصت تبلیغ فراهم است، کمتر قدمی برداشته نمی شود، اظهار تأسف نمود و نه تنها از عهدهداران تبلیغات دینی گلایه نمود، که شدیداً خودش را ملامت می نمود که در این زمینه کوتاهی کرده است.

این کمترین ارادتمند خاندان رسالت عَلِيهِمُ السَّلَام با اینکه در تمام مناسبت های مربوط

به شخصیت های بزرگ خاندان نبوت و امامت عَلَیْهِمُالسَّلَام در حد توان عرض ارادتی دارم و در تشویق طلاب و مبلغین برای انجام وظیفه و فعالیت تبلیغی در معرفی و عرض ارادت به ساحت مقدس آن پیشوایان حق و عدالت و چراغهای هدایت و سعادت، گامهایی ولو کوچک بر می دارم، ولی در آن دیدار روحانی و پر فیض، انقلابی درونی در خود احساس کردم و بر خود لرزیدم و با خود حدیث نفس کردم که:

راستی ما و جامعه ما، که مسلمانیم و خود را مرهون هدایتها و راهنماییهای رسول خدا صَلَّی اللّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ و قرآن و اسلام می دانیم، تا چه اندازه در برابر فداکاریها و ایثار گریهای بزرگ یاور پیامبر خدا، مُحَمَّد مصطفی صَلَّی اللّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ یعنی حضرت خدیجه کبری عَلَیْهَاالسَّلَام سپاسگزاری کرده و عرض ادب نموده ایم؟

آیا مگر نه اینست که آن حضرت با کمال صفا و صمیمیت و ایمان و اخلاص، تمامی ثروت بی نظیر خود را در راه ترویج اسلام و تثبیت پایه های رسالت پیامبر خدا صَلَّی اللّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ مصرف نمود و زخم زبانها و شماتت زنها را بر جان خرید و دست از یاری و حمایت رسول خدا صَلَّی اللّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ برداشت و تا سالها تنها زنی بود که نماز می خواند و با تمام وجود و شخصیت و ثروت و جایگاه اجتماعی خود، از اسلام و قرآن حمایت می کرد؟ آیا مگر نه اینست که او تنها زنی بود که لیاقت داشت محل نشو و نمای کوثر قرآن، حضرت فاطمه زهرا عَلَیْهَاالسَّلَام باشد و با به

دنیا آوردن چنان گوهری، دریای متلاطم غم و اندوه پیامبر صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم را ساکن سازد و با نزول سوره «انا اعطیناک الکوثر، فَصَلِّ لِرَبِّکَ وَ انْحَرْ، اِنَّ شَانِئَکَ هُوَ الْاَبْتَرُ» برای همیشه، رسول خدا صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم را از امواج غم و غصه برای آینده اسلام و مسلمین بره اند؟

آیا مگر نه اینست که فداکاریهای او آنچنان عظیم و کارساز و مخلصانه بود، که تا سالها پس از وفات او، هر گاه رسول خدا صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم نام خدیجه را می شنیدند، چشمان مبارکشان غرق در اشک می شد و از جانفشانیهای او با دنیایی از سوز و گداز یاد می نمودند؟

آیا مگر نه اینست که رسول خدا صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم سال وفات آن بانوی برجسته و حضرت ابی طالب عَلَیْهِ السَّلَام را به نام عام الحزن (سال غم) نامگذاری نمودند و با این نامگذاری تاریخی، سپاسگزاری بی دریغ و کم نظیر خود را نسبت به فداکاریهای آن دو چهره برجسته عالم اسلام اظهار داشته و در صفحه تاریخ ثبت نمودند.

و آیا؟ و آیا؟ و آیا؟

آن شب، این افکار و سؤالات، در دل و جان من طوفانی به راه انداخته بود و تصمیم گرفتم که با توان محدود و امکانات و تجربیاتی که در سالهای نهضت فاطمیة عَلَیْهَا السَّلَام با عنایات الهی و لطف خاندان عصمت و طهارت عَلَیْهِمُ السَّلَام به دست آورده ام، وارد میان عمل شده و با تهیه پرچم و پوستر و تهیه و توزیع کتابهای مناسب و تشویق و تبلیغ برای برگزاری مجالس بزرگداشت سالگرد وفات آن حضرت، در دهم ماه مبارک

رمضان و فعالیت گسترده برای افطاری دادن در مساجد و حسینیه ها و منازل شخصی و تهیه برنج و روغن و خرما و حبوبات به عنوان افطاری خانواده های نیازمند و توزیع آنها به یاد احسان و انفاق های حضرت خدیجه و بحث و سخنرانی درباره ی آن حضرت در عموم مساجد و محافل دینی و ... عرض ارادت نموده، تا اینکه از برکات گسترده ی این حرکت معنوی بهره مند شویم و لذا تصمیم گرفتیم که با مذاکره و نشست با علما و خطبا و ائمه جماعات و شعراء و مداحان اهل البیت عَلَیْهِمُالسَّلَام و خیراندیشان جامعه و امناء مساجد و دیگر اقشار مردم با ایمان و ولایت، برنامه های مناسبی را طراحی نموده و به اجرا بگذاریم و سالگرد وفات حضرت خدیجه کبری عَلَیْهَاالسَّلَام را گرامی بداریم.

در بخشهای گوناگون این یادواره، از برنامه ها و اقدامات انجام گرفته، به شکل فشرده یاد می نمایم.

عوامل مؤثر در بزرگداشت حضرت خدیجه عَلَیْهَاالسَّلَام

اشاره

در دو سال گذشته، عوامل گوناگونی، در تحقق بزرگداشت حضرت خدیجه کبری عَلَیْهَاالسَّلَام مؤثر بود و دست به دست هم دادن آن عوامل، حرکت نورانی تجلیل از آن بانوی بزرگ را جامه ی عمل پوشانید، که بعضی از آن عوامل، گروه هایی برجسته از جامعه بودند و بعضی دیگر حالتی در نهاد ملت و دسته سوم، اعمال و برنامه هایی، که در ایجاد جنبش و حرکت مردمی نقش بسزایی دارد و با توجه به اینکه شناختن این عوامل می تواند در گسترش و تداوم برنامه های بزرگداشت حضرت، تأثیر اساسی داشته باشد و برکات شناخت و الگوگیری از زندگی حضرت خدیجه کبری عَلَیْهَاالسَّلَام را افزایش دهد، لذا ما در ضمن چند بخش، مهمترین آن عامل ها را بیان می نمایم.

نقش اساسی ائمه جماعات و خطباء در بزرگداشت حضرت خدیجه عَلَیْهَاالسَّلَام

با توجه به اینکه سالگرد رحلت بانوی بزرگ تاریخ اسلام، حضرت خدیجه عَلَیْهَاالسَّلَام دهم ماه مبارک رمضان است و در عموم مساجد، علاوه بر نماز جماعت (با حضور گسترده ی مردم با ایمان) برنامه سخنرانی بعد از نماز ظهر و عصر برقرار می باشد و در بسیاری از مساجد و حسینیه ها، در شبهای ماه رمضان، برنامه تفسیر قرآن و سخنرانی به اجرا در می آید و ائمه جماعات شخصاً عهدهدار سخنرانی می باشند و یا از خطبا عالیقدر دعوت می نمایند برای سخنرانی، لذا فرصت بسیار مناسب و شایسته ایست برای بیان ابعاد شخصیت و فداکاریها و ایثار گریهای حضرت خدیجه عَلَیْهَاالسَّلَام و بدون اینکه نیاز به سرمایه گذاری مادی و معنوی ویژه و جداگانه ای باشد، امامان جماعت و خطبا بزرگوار، می توانند در روزها و شبهای قبل و بعد از دهم رمضان المبارک، با سخنرانی درباره ی تاریخچه زندگانی و ازدواج و فداکاریها و رحلت جانگداز حضرت خدیجه عَلَیْهَاالسَّلَام

(که در متن تاریخ اسلام و قرآن و پیامبر اکرم صَلَّی اللّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم است و آشنایی با آن، عبادتی بزرگ می باشد و فراگیری درس‌هایی از آن، از اهداف مقدس روزه داری ماه رمضان «لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ» به شمار می رود و از مقاصد اصلی اجتماع در مساجد و محافل دینی می باشد) گام بزرگی در معرفی شخصیت حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام بردارند و بدین وسیله در رشد انس و علاقه ی مردم نسبت به دین و ایمان و پابندی آنها به ارزشهای متعالی اسلامی، نقش مؤثری ایفا نمایند.

نقش استادان، معلمان، مسؤولان آموزش و پرورش در بزرگداشت حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام

جایگاه مقدس تعلیم و تربیت و گستردگی میدان فعالیت استادان و معلمان و مسؤولان با نفوذ و تأثیر گذار دانشگاهها و مراکز آموزش و پرورش، رسالت مهمی را در امر احیاء همه ی ارزشهای دینی و اجتماعی و اخلاقی، بر دوش آنها می گذارد.

آنها به خوبی می توانند در معرفّی الگوهای مثبت و سازنده و جلب توجه جوانان و نوجوانان به بزرگان علم و دین و اخلاق و فضیلت، نقش بی نظیری بر عهده گیرند و بر این مبنا شایسته است، از امکانات مادّی و معنوی که در اختیار دارند بهره جسته و در تجلیل و بزرگداشت حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام که الگوی فضیلت و ایثار، آزادی و آزادگی، اخلاق و شرف اجتماعی، معنویت و خداجویی هستند، گامهای بلندی برداشته و در تکامل انسانی بزرگترین سرمایه های جامعه (یعنی جوانان) به توفیق بیشتری دست یابند.

وظیفه شناسی شعرا عالیقدر در بارهی حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام

پس از شروع حرکت برای بزرگداشت حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام، از اولین گروه هایی که دست به کار شدند و آمادگی خود را برای انجام وظیفه دربارهی آشنایی با عظمت حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام و سپس اقدام برای معرفی آن بزرگوار به جامعه (از طریق سرودن شعر) نشان دادند، شعرا با ایمان و معتقد به مکتب ولایت و امامت بودند، که بخشی از آن سروده ها در سال ۱۴۲۶ با عنوان «غروب ماه حجاز» و بخش مفصلتری، در سال ۱۴۲۷ قمری، به عنوان «شمع محفل طه» به همت مداح دلسوخته اهل بیت عَلَیْهِمُ السَّلَام آقای حاج علیرضا مهرپرور جمع آوری و منتشر گردید (۱)، که همین اقدام ارزشمند، دیگر شعرای مکتب ولایت را در شهرهای مختلف به حرکت واداشته و پس از انتشار دو اثر یاد شده، شعرهای فراوان دیگری، دربارهی مدح

و منقبت یا رثا و مصیبت حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام سروده شده، که امید است در آینده ای نزدیک، مجموعه های ارزشمندی با کمیت و کیفیت بالاتری، که مناسب عظمت والای حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام باشد، منتشر گردد.

نقش مداحان اهل البیت در بزرگداشت حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام

با توجه به جایگاه و نفوذ مداحان اهل البیت عَلَیْهِمُ السَّلَام در میان مردم، نقش آنها در مسأله بزرگداشت حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام به خوبی روشن می شود. آنها با حضور گسترده ای که در مجالس دینی و اجتماعی دارند و علاوه بر هیئات مذهبی، در بسیاری از اجتماعات و گردهماییهای تأثیرگذار، جایگاه قابل توجهی دارند، می توانند در فرهنگ سازی در امر بزرگداشت بانوی بزرگ اسلام، به مسؤولیت بزرگ خود، توجه جدی مبذول دارند و با انجام وظیفه در این میدان و فضای الهی، اجر و قرب معنوی تحصیل نمایند.

نقش پرچمها و پوسترها در بیداری جامعه نسبت به عظمت حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام

از ابتدای فعالیت برای بزرگداشت حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام تا کنون، چندین نوع پرچم، با تعداد زیاد تولید گردیده و با نصف قیمت در اختیار مردم علاقه مند قرار گرفته و بیش از پانزده نوع پوستر (با طرحهای جالب و متنوع) به چاپ رسیده و در شهرهای مختلف و بعضی از کشورهای دیگر، در سطحی وسیع و با تیراژ زیاد منتشر گردیده است، که نقش بسیار مؤثری در جلب توجه عموم مردم و بیداری وجدانهای آنها داشته است.

بسیاری از مردم و حتی روحانیون و تحصیل کرده ها، برای اولین بار با دیدن پرچمها و پوسترها، توجه به سالگرد حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام پیدا کردند و سپس به سوی شرکت در برنامه های بزرگداشت آن حضرت و مطالعه دربارهی عظمت و شخصیت آن بزرگوار، کشیده شدند و چه بسا قدمهای مؤثری در آگاهی بخشی به دیگران و آشناسازی علاقه مندان، برداشتند.

جلسات تفسیر قرآن و دعا و معرفی حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام

ماه مبارک رمضان، فرصت بسیار مناسبیست برای تشکیل جلسات تفسیر قرآن برای عموم مردم (اعم از مرد و زن) و نیز زمینه مساعدیست برای برگزاری مجالس دعا (همانند دعای افتتاح، دعای ابوحمزه و ...) که با حضور گسترده ی مردم از رونق ویژه ای برخوردار است.

ارتباط بسیار نزدیک شخصیت حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام با تاریخ اسلام و زندگی و رسالت پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ و نزول و تثبیت قرآن و احکام آن، زمینه ی بسیار مناسبیست برای مطرح نمودن بخشهایی از فداکاریها و خدمات و عظمتهای آن حضرت در جلسات قرآن و دعا و بیان شرح حال و زندگی بزرگ الگوی کمال و فضیلت، می تواند بر صفا و معنویت جلسات یاد شده بیفزاید و شرکت کنندگان و مستمعین

را تحت تأثیر عینی مباحث قرآنی و دعاها (که همه مدیون فداکاریهای حضرت خدیجه می باشند) قرار دهد.

با توجه به توضیح یاد شده، شایسته است که برگزار کنندگان جلسات یاد شده و گویندگان و خوانندگان دعا، در این گونه محافل نورانی، انجام وظیفه نموده و با تلاش برای بزرگداشت حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام و ذکر فضائل آن حضرت، دین خود را ادا نموده و در پیشگاه رسول گرامی اسلام صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ و حضرت زهراى مرضیه عَلَیْهَا السَّلَام و ائمه معصومین عَلَیْهِ السَّلَام سربلند و سرافراز گردند.

افطاری دادن و انفاق به نام خدیجه کبری عَلَیْهَا السَّلَام

از راه های بزرگداشت حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام و زنده نگاه داشتن خاطره فداکاریها و انفاق های آن حضرت، افطاری دادن به روزه داران، در مساجد، حسینیه ها، مدرسه ها و منازل شخصی می باشد که نه تنها فیض و ثواب افطاری دادن دارد، بلکه توجه همه را به آن همه ایثار و انفاق مالی آن بزرگوار، که موجب پیشرفت اسلام و تحکیم مبانی آن در جامعه گردید، جلب می نماید. علاوه بر اینکه درس عملی، برای همگانی شدن احسان و انفاق به شمار می رود و اقتباس از روش رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ (که به یاد حضرت خدیجه قربانی می نمودند و به نیازمندان و بالاختص دوستان خدیجه کبری عَلَیْهَا السَّلَام اعطا می کردند) محسوب می گردد.

و همچنین تهیه و توزیع ارزاق مورد نیاز مستمندان، با نام و یاد حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام (۲) برنامه ی بسیار مؤثری است، که می تواند اثر ماندگاری در ذهن و خاطر اعضا خانواده نیازمند به جای گذارد و آنها را دلبسته ی اسلام و احکام آن و علاقه مند به چهره ی فداکار حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام که حامی و یاور راستین پیامبر گرامی

اسلام صِدِّقِي اللَّهِ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلِّمْ بوده است، بنماید و رشته ی ارتباط دل و جان آنها را با بزرگان دین و مذهب مستحکم نماید.

حرکت برای بزرگداشت حضرت خدیجه از متن جامعه و اعتقادات دینی

هر حرکتی که بخواهد مستمر، گسترده، عمیق و ماندگار باشد، باید از متن جامعه و اعتقادات و باورهای پاک و احساسات لطیف مردم، سرچشمه بگیرد، تا اینکه به وسیله ی پشتیبانی و حمایت و سرمایه گذاری های مادی و معنوی، شخصی و عمومی، علمی و فرهنگی لا یزال جامعه، گسترش و عمق و استمرار پیدا کند و ماندگار شود.

از ویژگیهای حرکت اخیر، در مورد بزرگداشت حضرت خدیجه عَلِيهَا السَّلَام اینست که، با الهام از نهضت عاشورای حسینی و نهضت بزرگ فاطمیه (در دو دهه ی گذشته) سعی شده است که مراسم تجلیل از بانوی بزرگ اسلام، در متن مردم و جامعه و در مساجد و حسینیه ها، مجالس دعا و قرآن، عموم مدارس و مراکز علمی، از شهرهای بزرگ تا دورترین روستاها برگزار گردد و از افطاری دادن با خرما یا شیر و ... (به شکل ساده) تا توزیع غذا به وسیله ی مردم در محل برگزاری نماز جماعت (به شکل گسترده) بهره گیری شود و در جلسات چند نفری، تا همایش های بزرگ، یاد و خاطره آن حضرت گرامی داشته شود، که به صورت یک فرهنگ عمومی و برخاسته از عمق دل و جان مردم، تجلّی پیدا کند، که طبیعتاً همراهی اصحاب رسانه ها و صاحبان موقعیت های بزرگ اجتماعی و رسمی را نیز به دنبال خواهد داشت.

رشد فعالیت های مربوط به بزرگداشت حضرت خدیجه عَلِيهَا السَّلَام نشان می دهد که به تدریج، گویندگان و نویسندگان، اندیشمندان و هنرمندان، ثروتمندان و نیازمندان و ... همه و همه را تحت تأثیر

قرار داده و به عنوان احساس مسؤولیت دینی و وجدانی، همه را شریک و همراه خواهد نمود، آن چنان که هر کسی احساس کند بزرگ داشتن حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام یعنی تجلیل از قرآن، پیامبر، اسلام و همه پاکیها و ارزشهای انسانی و دینی و نه تنها زنان جامعه، بلکه همه ی مسلمانها، از آن بزرگ افتخار تاریخ اسلام و انسان، الگوی بزرگی برای تکامل خود برگزینند.

بستر سازی برای تحقیق و تألیف دربارهی حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام

توجه عمومی و گسترده طبقات گوناگون اجتماع به یک موضوع و تمایل آنها به آشنایی با ابعاد گوناگون آن موضوع، زمینساز گرایش محققین و نویسندگان به سوی تحقیق و تألیف دربارهی جنبه های متنوع آن موضوع می باشد و خوشبختانه فعالیت های دو سال گذشته، دربارهی بزرگداشت حضرت خدیجه نه تنها موجب مطالعه نوشته های گذشتگان دربارهی این شخصیت بزرگ و مراجعه به مقاله های منتشره در مجله های مختلف شده است، بلکه محققین و نویسندگان را آماده ی فعالیت وسیع در این فضای مقدس نموده است، چنانچه نشر و فروش آثار منتشره دربارهی خدیجه کبری عَلَیْهَا السَّلَام افزایش یافته و کتابهایی با تیراژ قابل توجه و بعضاً در چند نوبت به چاپ رسیده و مورد استفاده ی تشنگان آشنایی با عظمت های آن حضرت قرار گرفته است و برخی از مقالات منتشره در برخی از مجلات، یا بخش مربوط به حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام از کتابی جامع، جداگانه تکثیر و منتشر گردیده و نقش خود را در آگاهی طالبان حقیقت، دربارهی عظمت آن بانوی بزرگوار ایفاء نموده است و در اینجا لازم است از همه محققین و مؤلفین درخواست کنیم، که دست به کار شوند و در مورد هر یک از ابعاد با عظمت روحی، اخلاقی، ایمانی و عملی حضرت

خدیدجه، تحقیق نموده و تشنگان معرفت را سیراب سازند و هم اکنون که جامعه، آماده ی آشنایی با این یار فداکارِ رسولِ خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ و اسلام و قرآن شده است، رسالت خود را جامه ی تحقق ببوشانند و دین خود را اداء نمایند.

آمادگی روحی ملت ایران، زمینهاز موفقیت مراسم بزرگداشت

تجربه های مکرر در مناسبت های گوناگون در ارتباط با چهره های برجسته خاندان رسالت و امامت عَلَيْهِ السَّلَام (علاوه بر چهارده معصوم عَلَيْهِمُ السَّلَام) همانند حضرت زینب عَلَيْهِ السَّلَام، حضرت ابوالفضل عَلَيْهِ السَّلَام، حضرت علی اکبر عَلَيْهِ السَّلَام، حضرت معصومه عَلَيْهِ السَّلَام و ... نشان می دهد که جامعه ی فرهیخته و با ایمان و ولایت ایرانی، در هنگامی که متوجه عظمت و جلالت شأن هر یک از مفاخر اسلام و مکتب اهل البیت عَلَيْهِمُ السَّلَام بشود، از هیچ اقدام و حمایت مادی و معنوی فروگذاری نخواهد کرد زیرا می داند که:

۱ - بزرگداشت از بزرگان دین و مکتب، تجلیل از خوبی ها و ارزشهایست که این ملت با فرهنگ، خواهان آنهاست.

۲ - تجلیل از چنین بزرگانی، می تواند نقش مؤثری در معرفی و مطرح کردن الگوهایی که در تکامل ملت و بالاصح جوانان و نوجوانان [دارند] ایفا نماید.

۳ - چنین حرکتی، می تواند نقش مؤثری در خودباوری اجتماعی ایفا نماید و جامعه را از خودباختگی در برابر دشمنان و مخالفان در دین و مذهب و فرهنگ غنی ملت، مصون و محفوظ بدارد.

و بر همین مبنا است، که ملت مسلمان و شیعه ی ایرانی، هزینه های سنگین مادی و معنوی، شخصی و اجتماعی و ... چنین برنامه هایی را بر عهده می گیرد و نتیجه ها و برکات آن را نیز کسب می نماید.

نامگذاری مراکز علمی، دینی، اجتماعی به نام حضرت خدیجه عَلَيْهِ السَّلَام

یکی از راه های جلب توجه عمومی به عظمت و برجستگی شخصیت های بزرگ و حفظ نام و یاد آنها در جامعه، نامگذاری مراکز مهم علمی و دینی و اجتماعی به نام آنهاست.

درباره ی حضرت خدیجه عَلَيْهِ السَّلَام در برخی از شهرهای بزرگ و کوچک، گامهایی برداشته شده و نامگذاریهایی انجام گرفته، که ذیلاً به مواردی که اطلاع یافته ایم (۳) اشاره نموده و

امیدواریم در آینده، مراکز مهم دیگری از قبیل: مدرسه ها، مسجدها، حسینیه ها، خیریه ها، دارالشفاه و درمانگاهها و ... به نام مقدس آن حضرت @نامگذاری گردد و بدین وسیله، نام و یاد آن حضرت، هر چه بیشتر در دلها و زبانها باقی بماند و اینک مواردی را به اطلاع علاقه مندان می‌رسانیم:

۱ - مدرسه علمیه حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام در تهران

۲ - دبیرستان حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام نجف آباد

۳ - دبیرستان حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام خیرآباد قهاوند همدان

۴ - دبیرستان حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام تایباد

۵ - دبیرستان دخترانه حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام یزدی هوایی

۶ - دبیرستان دخترانه حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام شهر سه قلعه

۷ - دبیرستان حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام شهر «نودشه» از توابع شهر پاوه و اورامانات

۸ - دبیرستان دخترانه حضرت خدیجه کبری عَلَیْهَا السَّلَام کاشان

۹ - کانون حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام مشهد مقدس

۱۰ - مؤسسه غیر انتفاعی حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام وابسته به دانشگاه آزاد اسلامی

۱۱ - مسجد حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام - قم - ملکه شاه احمد قاسم

۱۲ - حسینیه حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام اراک

۱۳ - ساختمان پزشکان حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام کرج - فردیس ...، بعد از فلکه دوم، خیابان هیجده

۱۴ - ویژه نامه «بانوی حجاز» متعلق به دانشگاه تربیت معلم کرج، دربارهی حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام و زندگی و شخصیت و اخلاق و فضائل آن حضرت

امید است، در آینده ای نه چندان دور، نام بلند حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام در سردرهای مراکز مهم علمی و دینی و اجتماعی، در شهرهای مختلف ایران و سایر کشورها، زینت بخش باشد.

نمونه هایی از شعارهای بزرگداشت خدیجه کبری عَلَیْهَا السَّلَام

حمایتها و ایثارهای خدیجه کبری عَلَیْهَا السَّلَام در راه نشر و گسترش اسلام، ما مسلمانها را مدیون آن حضرت ساخته است.

حضرت خدیجه کبری عَلَیْهَا السَّلَام اولین نمازگزار زن بوده اند و همه بانوان

و دختران مسلمان، آن حضرت را الگوی خود می شناسند.

حضرت خدیجه کبری عَلَیْهَا السَّلَام صدف پاکیزه ای بوده اند، که کوثر قرآن، فاطمه زهرا عَلَیْهَا السَّلَام را در خود پرورده اند.

خدیجه الکبری صدف الکوثر و حامیه الرسول صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ

سالگرد وفات اسوه النساء، حضرت خدیجه کبری عَلَیْهَا السَّلَام تسلیت باد

بزرگداشت حبیبه الرسول و صدف الکوثر، خدیجه کبری عَلَیْهَا السَّلَام تجلیل از اسلام و قرآن و پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ و اداء دین هر مسلمان، به آن حضرت است.

دوستان و دلباختگان حضرت زهراء عَلَیْهَا السَّلَام تجلیل از حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام را بر خود لازم می دانند.

انفاق و احسان، به نیت اهداء به روح مقدس حضرت خدیجه کبری عَلَیْهَا السَّلَام تداوم بخش راه مقدس آن حضرت است.

ای خدیجه ی کبری و ای پشتیبان بی دریغ رسول خدا، در سالگرد وفات شما، در دهم ماه رمضان، انفاق و احسان و سفره ی افطار خود را گسترش می دهیم.

هفته بزرگداشت حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام در ماه مبارک رمضان، زمینه مناسبی برای آشنایی با عظمت و فداکاری و ایمان و صداقت آن حضرت است.

پیامبر گرامی اسلام صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ همه ساله به یاد حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام قربانی می کردند و برای دوستان آن حضرت و نیازمندان می فرستادند.

در جریان فتح مکه، پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ در سه روز اقامت خود در آن شهر، بالای سر قبر حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام خیمه زدند و در آن اقامت جستند.

امام سجاد عَلَیْهِ السَّلَام در خطبه تاریخی شام، به حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام افتخار نمودند.

حضرت زینب عَلَیْهَا السَّلَام در گودال قتلگاه، درد دل خود را برای رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ و فاطمه زهراء

عَلَيْهَا السَّلَام و خدیجه کبری عَلَیْهَا السَّلَام بیان نمودند.

امامان ما، حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام را وسیله ی افتخار خود می دانستند.

ای فاطمه زهراء اشک چشمان شما، در هنگام وفات مادرتان، حضرت @خدیجه کبری، آتش به جان ما زده است.

پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ، حضرت علی مرتضی عَلَیْهِ السَّلَام و حضرت زهراء عَلَیْهَا السَّلَام در هنگام وفات حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام گریان و دلشکسته شدند.

جایگاه جلسات توجیهی در گسترش امر بزرگداشت حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام

در دو سال گذشته، در آخرین جمعه ی ماه شعبان، با دعوت از علما و شعراء و مداحان و امناء مساجد و خیریه ها و سایر دست اندر کاران امور دینی و اجتماعی، جلسه ای تشکیل داده شد، که با تشریح اهمیت بزرگداشت حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام و بیان راهکارهای عملی و مؤثر در این امر مهم، موجی شایسته در روح و روان آنها ایجاد گردید، که هر کدام از حاضرین را برای تصمیمگیری در اقدام و حمایت از این امر بزرگ، آماده می ساخت.

هر یک از شرکت کنندگان در مجلس یاد شده، در محله، یا مسجد و مدرسه و اداره و مؤسسه و ارگانی، دست به کاری شدند، که نتیجه آن، توجه دادن جمعی دیگر از مردم، به بزرگداشت حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام و ایجاد علاقه عمومی نسبت به این امر مهم، به شمار می رود.

اثر و برکت جلسه های توجیهی یاد شده این بود که، امر بزرگداشت بانوی بزرگ اسلام، به عنوان عمل به یک وظیفه دینی و با حالت خود جوش و با امکانات مادی و معنوی خود مردم، تحقق یابد و به طور طبیعی رشد و گسترش یافته و به تدریج به صورت یک فرهنگ عمومی و برخاسته از عمق جان و اعتقاد مردم در آید.

آثار و برکات

جلسات توجیهی یاد شده، بسیار فراوان و گسترده می باشد، که با تأیید الهی و عنایات خاندان عصمت و طهارت عَلَيْهِمُ السَّلَام امید می رود، در آینده ای نه چندان دور، شاهد عمومی شدن برنامه های گسترده ی این حرکت معنوی و نورانی باشیم.

علاوه بر جلسه توجیهی یاد شده، با دعوت از فضیله های حوزه علمیه، در یک مجلس ویژه برای طلاب و مبلغین، اهمیت بزرگداشت حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام و آثار آن در پیشرفت دین و عمق یافتن آثار تبلیغات دینی در ماه مبارک رمضان و راه های عملی این برنامه مقدس و پر برکت تشریح گردید و حاضرین در مجلس که هر کدام به شهر یا روستایی می رفتند، همراه با امکاناتی مناسب، از قبیل کتاب، پرچم، پوستر و ... برای توزیع در میان مردم هر منطقه، عازم محل تبلیغ خود می گردیدند و با روش های مناسب و با اشکال گوناگون، توجه مردم با ایمان و ولایت را به ابعاد زندگی حضرت خدیجه و نقش آن حضرت در تثبیت پایه های دین و نماز و روزه و زکوة و ... جلب می نمودند، که گزارش های واصله، گویای آثار و برکات این اقدام مبارک می باشد.

رسالت مبلغین اعزامی به شهرها و روستاها در بزرگداشت حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام

ایام مبارک ماه رمضان، در امر تبلیغ، فرصت بسیار عظیمی به شمار می رود برای تشریح و تفسیر مسائل و مباحث اعتقادی و اخلاقی و تربیتی، برای عموم مردم، در همه شهرها و روستاها، بالاخص در مناطقی که از دسترسی به روحانین و مبلغین دینی، در اکثر فصول سال محروم می باشند و با توجه به اینکه سالگرد وفات حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام در دهم ماه رمضان می باشد، مبلغین دینی، که از حوزه های علمیه به شهرها و روستاها و دورترین مناطق کشور می روند، رسالت سنگینی

بر دوش دارند، در امر آگاه سازی مردم نسبت به مهمترین مباحث دینی (اعم از اعتقادی، تاریخی، اخلاقی و ...) و می توانند در توجه دادن مردم، به عظمت شخصیت های بزرگی، که الگوی فضائل و کمالات علمی و عملی، اعتقادی و اخلاقی و ... هستند، نقش بسیار زیادی را بر عهده گیرند.

در دو سال گذشته، بسیاری از مبلغین عظیم الشان، که برای امر تبلیغ به شهرها و روستاهای گوناگون و دور دست سفر کردند و دور از خانه و خانواده، به وظیفه ی سنگین هدایت مردم اشتغال یافتند، برای اولین بار، با سخنرانی و طرح مباحث دربارهی شخصیت حضرت خدیجه عَلَیْهَاالسَّلَام و تشویق مردم به برگزاری مراسم بزرگداشت آن بزرگوار و حرکت دادن آنها به سوی افطاری دادن و احسان و انفاق نمودن به یاد آن یار وفادار اسلام و قرآن و پیامبر صِلَیَّ اللهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ، شور و شوق تازه ای در مؤمنین ایجاد نمودند، که حاصل آن، علاوه بر آشنایی با تاریخ اسلام و دوره ی افتخارآمیز سالهای اول بعثت پیامبر اکرم صِلَیَّ اللهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ، حرکت عملی در راه عمل به دستورات دینی و بالاخص احسان و انفاق به روزه داران عموماً و نیازمندان خصوصاً، به حساب می آید.

گزارشهای واصله در دو سال گذشته، گویای حرکتی پر برکت، در بسیاری از شهرها و روستاها می باشد، که تحت عنوان بزرگداشت حضرت خدیجه عَلَیْهَاالسَّلَام اقدامات شایسته ای انجام گرفت، که نقش سازنده ای در گرایش مردم به سوی مساجد و محافل دینی و فعال نمودن برنامه های تبلیغی و یاری رساندن به ضعیفاء و نیازمندان داشته است و امیدواریم این حرکت تداوم یابد و همه ساله

به شکل روزافزون، مبلغین دینی بتوانند رسالت خود را در این امر مهم و پر فیض و برکت ایفا نمایند.

محتوای گزارشات شوق آفرین است

اشاره

پس از جلسه توجیهی که برای فضیلتی حوزه علمیه و مبلغین اعزامی به شهرها و روستاها، قبل از حلول ماه مبارک رمضان برگزار گردید، مقرر شد که هر کدام از آنها در محل تبلیغ خود قبل از رسیدن دهم ماه مبارک رمضان مشغول تبلیغ و آماده سازی مردم برای بزرگداشت حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام بشوند و با پخش پوستر و پرچم و جزوه ها و مقالات مربوط به آن حضرت و برگزاری برنامه مسابقات علمی و فرهنگی در مورد آن بانوی بزرگ و فراهم نمودن مقدمات برای افطاری دادن به نام مبارک آن حضرت، زمینه را برای توجه عموم مردم به این موضوع مهم جلب نمایند.

پس از مراجعت مبلغین از سفر تبلیغی خود، هر کدام گزارش مکتوب و مفصلی از برنامه های انجام شده ارائه دادند، که بسیار جالب و امیدوار کننده بود و اشک شوق را بر گونه ها جاری می ساخت. در این گزارشها از استقبال مردم از این برنامه ها و اعتراف عموم مردم به قصور در شناخت عظمت حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام و همکاری عملی مردم در مناطق گوناگون، خبر داده شده بود.

در این گزارشها موارد زیر ذکر گردیده بود:

۱ - برگزاری جلسات قرائت قرآن عمومی، بیاد حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام و ختم قرآن نمودن (به شکل تقسیم جزء های قرآن بین حاضرین)

۲ - افطاری عمومی دادن در مساجد، به روزه داران و افطاری دادن به دانش آموزان مدارس، به نام حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام

۳ - اجرای برنامه مسابقات علمی و دینی برای جوانان

۴ - توزیع حواله ی نان بین نیازمندان و

۵ - توزیع ارزاق بین خانواده های نیازمند، به یاد حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام

۶ - تشکیل مجالس اختصاصی به یاد آن حضرت

۷ - اختصاص دادن سخنرانی های شب و روز دهم رمضان، به بحث درباره‌ی حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام و ...

[۱ -] در گزارشی آمده است:

جلسه توجیهی برای بزرگداشت حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام قبل از ماه مبارک رمضان، با حضور جمع کثیری از طلاب و سربازان حضرت ولی عصر عَلَیْهِ السَّلَام و مداحان اهل البیت عَلَیْهِمُ السَّلَام و خدمتگزاران آستان مقدس چهارده معصوم عَلَیْهِمُ السَّلَام با سخنان مولای مکرم ... آغاز شد.

ایشان در ضمن بیانات نورانی و دلنشین و جذاب خود، حاضران را نسبت به وظایفشان در برابر حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام آشنا نمودند و بیان کردند که همه ی ما (اعم از طلاب، مبلغین و مداحان و ...) در مقابل حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام مدیون و مسؤول هستیم، خدیجه ای که پیامبر گرامی اسلام صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ نسبت به او عشق می ورزید و علاقه نشان می داد و هر گاه سخن از همسران دیگر به میان می آمد، می فرمود:

وَ أَيْنَ مِثْل خَدِيجَه ...

در پایان جلسه، پوسترهای حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام و جزوه ها و کتابهای مربوط به آن حضرت، به همراه اطلاعیه های مراجع تقلید، در میان طلاب و حاضران توزیع و تقسیم شد و هر کسی موظف شد که آنچه در توان دارد، در جهت معرفی این بانوی ارزنده، در طبق اخلاص گذارد و کوتاهی نکند.

گروهها و اکیپ های مختلف، به شهرها و شهرستانهای گوناگون اعزام شدند، برای دهم رمضان، سالروز وفات حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام انجام وظیفه نمایند.

اینجانب هم طبق وظیفه ی شرعی و دینی و عرفی و اخلاقی و اجتماعی خود، این وظیفه و مسؤولیت الهی

را به عهده گرفته و با شور و نشاط و حال خاصی که در همه طلاب و شرکت کنندگان در این حرکت الهی و خدا پسندانه، دیده و مشاهده می شد، انجام وظیفه نمودم.

روز دهم ماه مبارک رمضان، هنگام صبح حرکت کردیم و از ناحیه ۴ آموزش و پرورش، شروع به توزیع پوستر در قسمتهای مهم آن اداره نمودیم و در ضمن، افرادی را که مسئولیت فرهنگی و تبلیغی داشتند تشویق نمودیم که خودشان در توزیع پوسترها اقدام نمایند.

در چندین آموزشگاه پسرانه و دخترانه، با مدیران و مسئولان فرهنگی و دینی آنها ارتباط حضوری و شفاهی برقرار کردیم و آنها را تشویق به فعالیت در امر بزرگداشت حضرت خدیجه نمودیم. (و سپس گزارشی از تبلیغات وسیع در میان مردم و در مسجد ارائه شده و آمده است) ... مردم با عشق و علاقه پذیرا می شدند و استقبال می نمودند و تمام وجود و چهره هایشان مالا مال و سرشار از محبت و علاقه به بانوی نمونه و با وفای پیامبر گرامی اسلام صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ بود و این مطلب در سیمای آنها موج می زد.

[۲ -] و در گزارش یکی دیگر از مبلغین آمده است:

اینجانب پس از شرکت در جلسه توجیهی که قبل از ماه مبارک رمضان در منزل جنابعالی تشکیل شد، به این نتیجه رسیدم که در این زمینه بی توجهی شده و سالهای قبل، نسبت به شناساندن این بانوی فداکار، به امت مسلمان کوتاهی شده، که باید طلب بخشش نموده و عذرخواهی کنیم و با خود عهد ببندیم که در آینده، جبران مافات، به احسن وجه بنماییم. با تذکرات و توجیهاتی که از طرف جنابعالی انجام شد، تصمیم گرفتیم که انشاء الله در سالگرد

رحلت این بانوی محترمه، اقداماتی را جهت شناساندن خدمات این بانوی بزرگ، به اسلام و پیامبر عظیم الشان اسلام و تربیت مادر ولایت (فاطمه زهراء عَلَیْهَا السَّلَام) سامان دهیم ...

و لذا در ماه رمضان، با بقیه ی برادران روحانی، که از قم جهت تبلیغ در ماه رمضان، به منطقه سمیرم سفلی اعزام شده بودند، جلسه گذاشتیم و تصمیماتی برای بزرگداشت حضرت خدیجه گرفتیم و پوسترهایی را که از اصفهان آورده بودیم در اختیار آنها گذاشتیم ...

پس از ایام رحلت حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام روحانیون اعزامی به روستاهای اطراف شهرستان اظهار داشتند که: این حرکت بسیار به جا و نو بود و جای آن واقعاً خالی بود و این اقدام را مرضی خدا و پیامبر صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ و ائمه عَلَیْهِ السَّلَام دانستند و به پایهگذاران این حرکت درود فرستادند و توفیقات بیشترشان را خواستار شدند و مقرر شد که در سالهای آینده، در این زمینه اقدامات گسترده ای را انجام دهند.

آنها اظهار می داشتند:

برای مردم منطقه، این حرکت جالب و غیر منتظره بود و با خود می گفتند:

چرا تا به حال کسی یا اشخاصی به دنبال این مسائل و شناساندن این بانوی بزرگ و فداکار نبودند ...

[۳ -] گزارشی دیگر

و در گزارش دیگری آمده است:

با الطاف همیشگی خدای بزرگ و ائمه اطهار عَلَیْهِمُ السَّلَام و با رهنمودهای @حضرتعالی، دو مرتبه دربارهی حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام و چگونگی زندگی آن حضرت سخنرانی کردم و آنقدر مردم تحت تأثیر قرار گرفتند، که در وسط جمعیت نماز گزار، یکی بلند شد و گفت:

من شب دهم رمضان را افطاری می دهم و بعد دیگری بلند شد و گفت:

آقا! شب نوزدهم (شب قدر) را من افطاری می دهم و

دیگری آمد کنار محراب و گفت:

شب بیست و یکم را من افطاری می دهم. در حالی که ما هیچ سالی برنامه افطاری نداشتیم و بر اثر نام مبارک حضرت خدیجه عَلَیْهَاالسَّلَام آنچنان اثری ظاهر شد، که من متعجب شدم، که چگونه بدون هماهنگی قبلی، این چنین مردم متحول شدند و تصمیمگیری نمودند و از برکت نام حضرت خدیجه عَلَیْهَاالسَّلَام، در مسجدمان فداکاریهایی را از مردم می بینم که سابقه نداشته است.

[۴ -] گزارش چهارم

در گزارش دیگری، یکی از مبلغین با اخلاص چنین نوشته است:

... رمضان امسال رمضان متفاوت بود ... هشت سال بود که بنده به این روستا می رفتم برای تبلیغ، ولی گاهی اصلاً متوجه ایام وفات حضرت خدیجه کبری عَلَیْهَاالسَّلَام نبودم و اگر متوجه بودم با اشاره ای گذرا و در یک جمله، از آن رد می شدم. ولی امسال که نهمین سال حضور بنده در این روستا بود، با ابتکار عمل و توجه خاص استاد معظم، به حضرت خدیجه عَلَیْهَاالسَّلَام با آن جلسه معنوی که قبل از ماه مبارک رمضان در منزل جنابعالی برگزار شد و طلاب محترم از آن جلسه ارتزاق روحی و معنوی شدند، مراسم گرامی داشت حضرت خدیجه عَلَیْهَاالسَّلَام (نه در حد شأن آن بانو) ولی متفاوت با سالهای گذشته، برگزار شد که انشاء الله اثرات معنوی آن باعث سربلندی و عزت و سلامت اجتماع خواهد بود و در یک کلام، از گزارشهای رسیده چنین استفاده می شود که: از یک طرف، مردم آمادگی برای حرکت در این مسیر نورانی و انجام وظیفه در بزرگداشت حضرت خدیجه عَلَیْهَاالسَّلَام را دارند و از طرف دیگر، عموم علما و مبلغین و عهده داران امور دینی و فرهنگی جامعه، به

قصور و یا تقصیر خود در امر خدیجه کبری عَلَیْهَا السَّلَام اعتراف دارند و از طرف سوم، لزوم جبران گذشته، مورد قبول همگان قرار گرفته و لذا حرکت های مناسب در این زمینه، مورد استقبال قرار گرفته و سریعاً به نتیجه می رسد.

مراجع بزرگ تقلید و بزرگداشت حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام

اشاره

در ملاقات ها و گفتگوهایی که در این دو سال، با مراجع معظم تقلید داشتیم، همه اظهار می داشتند که: تا کنون در مورد حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام قصور یا تقصیر انجام گرفته است و در اثر فشارهای دشمنان اسلام، به مکتب اهل البیت عَلَیْهِمُ السَّلَام، دوستان و یاران خاندان نبوت و امامت، در مورد مفاخر بزرگ خود کوتاهیهایی داشته اند، که در این فرصت به دست آمده، باید جبران گردد.

حضرت آیت الله العظمی، وحید خراسانی، مد ظله العالی در دو نوبت (در سال ۱۴۲۶ و ۱۴۲۷ قمری) همراه با اشک، از عظمت های حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام یاد نمودند و اهمیت اقدام در بزرگداشت آن حضرت و آشناسازی جامعه با فداکاریها و عظمت های آن بانوی بزرگ اسلام و بشریت را، مورد تأکید قرار دادند.

و همچنین بسیاری از مراجع معظم تقلید و مفاخر حوزه های علمیه و عالم روحانیت، در شهرهای مختلف، با عبارات و جمله های تکان دهنده ای، لزوم آشنایی با شخصیت و فداکاریهای حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام و فواید و برکات الگوگیری، از زندگی و حمایت های بی دریغ آن بانوی بزرگ اسلام در راه قرآن و پیامبر صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ را، مورد تأکید قرار می دادند و کتباً و شفاهاً دعوت به سوی این حرکت نورانی و مقصد معنوی می نمودند، که ذیلاً سه نمونه از اطلاعیه های مورد اشاره را تقدیم می نمایم (۴):

پیام مرجع عالیقدر حضرت آیت الله العظمی، صافی گلپایگانی مد ظله العالی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

افضل نساء اهل الجنة خدیجه بنت خویلد و فاطمه بنت محمد ... (حدیث نبوی)

تجلیل و تعظیم از شخصیت یگانه ی بانویی که با ایثارها و فداکاریها و همراهیها و همدلیها، پیامبر عظیم الشأن، حضرت خاتم الانبیاء صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ را در انجام

بزرگترین مأموریت های جهانی الهی پشتیبان و نقطه اتکایی منیع و عزیز بود، وظیفه ی حقیقت‌ساز همه ی ملت و امت است.

باید همواره یاد ایشان تازه و تجدید گردد، به راستی توصیف نقش و اثر این چهره نورانی در به ثمر رسیدن دعوت اسلام فوق بیان است.

نهال نو پای توحید، تا هفت سال به وجود او و حضرت امیرالمؤمنین عَلَیْهِ السَّلَام در کنار رسول اعظم صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ بر پا و پایدار بود، مصیبت فقدان این بانو برای اسلام و مسلمین و شخص حضرت خاتم المرسلین صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ به قدری سنگین بود، که در تاریخ اسلام سال ارتحال او، عام الحزن نامیده شد.

امتی که بانوانش الگو و اسوه ای مثل خدیجه کبری و حضرت سیده نساء العالمین علیهما السلام دارند، باید به آن، بر امم دیگر مباحثات و افتخار نمایند و بانوانشان در فضیلت و شخصیت و حق پرستی و اعتماد به نفس و اخلاق ملکوتی و ایمان و نجابت و خودسازی و ستر و عفاف، باید ممتاز و در جایگاه بلند و قله های رفیع ارزش های اسلامی و قرآنی باشند.

امید است بزرگداشت روز ارتحال آن بانوی بزرگ اسلام، موجب تعظیم شعائر و آشنایی بیشتر خواهران مسلمان به مکتب و سیره و مواضع و مواقف شکوهمند و پر از صلابت و مهابت آن نمونه برتر فضائل شود.

از خداوند متعال برای عزیزان و دلباختگان آستان اقدس اهل بیت نبوت و رسالت عَلَیْهِمُ السَّلَام که سالروز ارتحال آن بانوی دنیا و آخرت را در این ماه عزیز خدا، گرامی می دارند، توفیق و تأیید مسألت می دارم.

و السلام علیهم و علی جمیع المؤمنین و المؤمنات و

رحمه الله و برکاته

غزه ماه صیام ۱۴۲۶ لطف الله صافی

متن اطلاعیه مرجع عالیقدر، حضرت آیت الله العظمی، آقای حاج سید صادق روحانی، مُدَّ ظِلُّهُ الْعَالِي

به مناسبت دهم ماه مبارک رمضان، سالروز ارتحال حضرت خدیجه کبری عَلَیْهَا السَّلَام

باسمه جَلَّتْ اسمائه

خدیجه کبری عَلَیْهَا السَّلَام آن قدر فضائلش زیاد است که، به این مختصر نتوان بیان کرد، با توجه به چند امر، تا حدی مقام آن بزرگوار روشن می شود:

(۱) در روایات است که، پیغمبر اکرم صَلَّی اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ در سفر آسمانی وصف ناپذیر معراج، به هنگام بازگشت، به فرشته وحی می فرماید:

من به سوی زمین بر می گردم، پیامی هست؟

فرشته وحی می گوید:

درود و سلام خدا و فرشته فرمانبردارش را به خدیجه برسان.

پیغمبر صَلَّی اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ این پیام را اول نزول، به خدیجه رساند. خدیجه چنین پاسخ داد - إِنَّ اللَّهَ هُوَ السَّلَامُ وَ مِنْهُ السَّلَامُ وَ إِلَيْهِ السَّلَامُ وَ عَلَى جِبْرَائِيلِ السَّلَامُ

(۲) در وحی خدای تعالی به مسیح عَلَیْهِ السَّلَام در وصف پیغمبر صَلَّی اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ چنین است:

نسل او از مبارکه است و او مانند مادر توست در بهشت.

(۳) علماء فریقین از مقامات الهیه خدیجه، با عظمت زیادی نقل کرده اند.

(۴) مادر فاطمه زهراست، که در شکم مادر با او سخن می گفت:

حتی در یک روایت است که، روزی خدیجه در نماز به تردید افتاد، که رکعت سوم است یا چهارم.

حضرت زهرا عَلَیْهَا السَّلَام از سازمان وجود مادر ندا داد:

قومی یا امّاه فأنک فی الثالثه.

۵) در کتب عامه و خاصه روایت شده است که، پیغمبر مکرر فرموده است که، خدیجه یکی از چهار زنی است که از بهترین زنان عالمین می باشند.

۶) در گسترش اسلام، یکی از ارکان مهم آن مال خدیجه بود، که آن همه ثروت را

در اختیار آن حضرت گذاشت.

با این خصوصیات، یکی از کارهای لازم و با عظمت، کاریست که آن مرد بزرگوار، جناب مستطاب، حجت الاسلام و المسلمین آقای ابطحی، شروع کرده اند که برای بزرگداشت خدیجه کبری، برنامه هایی به اجراء در آورند و من به تمام مؤمنین توصیه می کنم که، برای خشنودی رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلهِ وَ سَلَّمَ و ائمه طاهرين عَلَيْهِمُ السَّلَام همراهی نموده و به حد امکان، برنامه ها را با عظمت بر پا نمایند و مطمئناً امام زمان (ارواح من سواه فداه) را خشنود نموده و خدای بزرگ به همه جزای خیر عنایت خواهد فرمود.

اول رمضان المبارک ۱۴۲۶ الزّوْحانی

متن نامه مرجع عالیقدر، حضرت آیت الله العظمی، آقای حاج سید صادق شیرازی، مُدَّ ظِلُّهُ الْعَالِي

درباره اهمیت بزرگداشت سالروز وفات حضرت خدیجه عَلِيهَا السَّلَام که در پاسخ به نامه ای که به محضر مبارک ایشان ارسال گردیده، مرقوم فرمودند.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

جناب مستطاب حجة الاسلام و المسلمین، آقای حاج سید حجت موحد ابطحی دامت تائیداته. السلام علیکم و رحمه الله تعالی و برکاته

حضرت خدیجه عَلِيهَا السَّلَام بهترین همسران رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلهِ وَ سَلَّمَ و مادر دوازده معصوم بعصمه کبری، منزلتی بس رفیع نزد خدای متعال و رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلهِ وَ سَلَّمَ دارند، تا جایی که مرویست حضرت پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلهِ وَ سَلَّمَ، انفاق ایشان را ردیف دفاع حضرت امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام قرار دادند و اعتلاء و استقامت دین مبین اسلام را در انحصار این دو دانستند و آن سالی که ایشان و حضرت ابی طالب عَلَيْهِ السَّلَام از دنیا رفتند را «عام الحزن» نامیدند.

و چه بجاست، مؤمنین و مؤمنات کرام، در همه جا روز وفات این بانوی عظیم اسلام را ارج

نهاده و مراسم تجلیل آن بزرگوار را به کیفیتی که مناسب آن شأن عالی است، برگزار نموده، که مسلماً مورد عنایت مولا و آقا، حضرت بقیه الله اعظم «عجل الله تعالی فرجه الشریف و صلوات الله علیه» قرار خواهد گرفت

و الله ولی التوفیق و القبول

۷ شعبان المعظم ۱۴۲۷ هـ صادق شیرازی

کنگره نکوداشت حضرت خدیجه علیها السلام

اشاره

در سال ۱۴۲۷ قمری جمعی از علاقه مندان به خاندان عصمت و طهارت علیهم السلام بالاخص حضرت خدیجه علیها السلام تصمیم گرفتند که برای بزرگداشت آن حضرت کنگره ای تشکیل دهند، که با اقدامات متنوع و گسترده خود در سطح کشور، گامی در تجلیل و آشنا سازی جامعه با فضائل و مناقب و فداکاریها و حمایت های بی دریغ آن حضرت در راه اسلام و قرآن بردارند.

تصمیمگیری یاد شده، جامه عمل پوشید و با توجه به انگیزه الهی و ولایی برگزار کنندگان کنگره، برنامه های متنوع و برجسته ای در سطحی وسیع، به اجرا در آمد که خلاصه ای از آن ذیلاً مورد اشاره قرار می گیرد.

۱ - طراحی و راه اندازی سایتی با نام مقدس حضرت خدیجه کبری علیها السلام حاوی منابع غنی و بدیع.

۲ - تدوین و چاپ کتاب داستان، ویژه کودکان، در رده سنی ابتدایی، با صفحه آرایی و طراحی بسیار جذاب و ارسال آن برای حداقل ۱۳۰۰۰ دبستان در سراسر کشور.

۳ - طراحی مسابقات فرهنگی و چاپ پوسترهای مربوط به آن، ویژه مقاطع راهنمایی و متوسطه، شامل مقاله نویسی، شعرسرایی، نقاشی، خطاطی، گرافیک و ارسال آن برای حدود ۲۳۰۰۰ مرکز آموزشی در سراسر کشور.

۴ - چاپ بروشوری ویژه، حاوی گزیده ای از خصائص شخصیتی و منش و رفتار این بانوی بزرگ و همچنین ساخت لوح فشرده و ارسال آن برای

۳۶۰۰۰ مرکز آموزشی در تمام استانهای کشور.

۵ - گرد آوری و چاپ کتابهای: (۱) سرچشمه کوثر: اثر نویسنده محقق، حجه الاسلام و المسلمین، آقای حاج شیخ علی اکبر مهدی پور. (۲) متن پیاده شده سخنرانی حجه الاسلام و المسلمین، آقای حاج شیخ حامد رضا معاونیان، در مورد حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام) که در جریان همایش عظیم بزرگداشت حضرت خدیجه در تهران، ایراد شده بود.

(۳) شمع محفل طاها (مجموعه شعر دربارهی حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام)، (۴) نمونه زنها، (۵) تجدید چاپ کتاب فروغ آسمان حجاز، (۶) چاپ و نشر کتاب «نگاهی نو به زندگی درخشان خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام» که دو کتاب اخیر، اثر نویسنده محقق و توانا، آقای حاج شیخ علی کرمی فریدنی می باشد.

۶ - برگزاری مراسم سوگواری و سخنرانی، در آستان مطهر امامزاده جعفر بن الرضا عَلَیْهِ السَّلَام با حضور محققین و روحانیون و عامه مشتاقان و دوستان حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام و انعکاس اخبار آن در رسانه های جمعی.

۷ - ارسال نامه ای به تمام مراکز آموزشی در سراسر کشور (برای مقاطع تحصیلی ابتدایی، راهنمایی، متوسطه) و طرح پیشنهاداتی بسیار جالب و مؤثر برای بزرگداشت حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام که ذیلاً متن آن نامه در معرض مطالعه همگان قرار می گیرد.

ایجاد سامانه اینترنتی بنام حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام

در ضمن فعالیت های کنگره نکوداشت حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام ایجاد سامانه اینترنتی به نام آن حضرت می باشد، که شامل تصاویر، مقالات و سخنرانی های مربوط به همایش است.

از قسمتهای دیگر این سایت می توان به زندگینامه حضرت خدیجه، معرفی کتاب های مربوط به آن حضرت و قسمت ترویج نام حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام اشاره کرد. این سامانه را می توان با مراجعه به آدرس زیر بازدید کرد.

www.Khadijeh.com

مراسم بزرگ نکوداشت حضرت خدیجه در اصفهان

در شب و روز نهم و دهم ماه مبارک رمضان ۱۴۲۷ قمری، در عموم مساجد در برنامه سخنرانی پس از نماز ظهر و عصر، از عظمت و فداکاری حضرت خدیجه یاد گردید و در عموم جلسات قرآن و دعای افتتاح و ابوحمزه (۵) در سخنرانی وسط دعا، از مقام و شخصیت آن حضرت تجلیل به عمل آمد، علاوه بر برنامه عمومی یاد شده، در شب دهم و یازدهم، در جوار بارگاه ملکوتی امامزاده جعفر بن الرضا (۶) عَلَیْهِ السَّلَام جنب فرودگان بین المللی اصفهان، مراسم بزرگداشت ویژه ای برگزار گردید، که با مداحی و مرثیه سرایی مداح اهل البیت آقای حاج علیرضا مهرپرور و سخنرانی خطیب توانا، حجه الاسلام و المسلمین آقای حاج شیخ حامد معاونیان (در شب دهم)

و سخنرانی خطیب مکتب انتظار حجه الاسلام و المسلمین آقای حاج شیخ حسن یوسفی (در شب یازدهم) و نیز با اجرای برنامه گروه تواشیح «فلق» و مرثیه سرایی و عزاداری عموم مردم و مداحان اهل البیت عَلَیْهِمُالسَّلَام به انجام رسید.

در این مراسم بزرگ، علاوه بر علما اصفهان و مردمی که از اصفهان و شهرهای مجاور حضور یافته بودند، دسته سینه زنی از یکی از مساجد اصفهان شرکت کرد، که بر شور و حال مجلس افزود

و حال و هوای عزاداری بر حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام، همگان را تحت تأثیر قرار داد.

آثار و برکات کنگره نکوداشت حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام

اشاره

نامه های واصله از مدارس و مراکز آموزشی سراسر کشور و مقاله های رسیده و نقاشیهایی که دانش آموزان دربارهی حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام ارسال نمودند و آثار گوناگونی که فرستادند و گزارشاتی که از مراسم افطاری بنام حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام به دست آمد، به خوبی روشن ساخت که آمادگی ملت ایران و شیعیان و دوستان اهل بیت عَلَیْهِمُ السَّلَام برای احیای امر اهل بیت عَلَیْهِمُ السَّلَام بسیار زیاد و بالخصوص احساسات پاک جوانان (اعم از دختر و پسر) مهیای جهت گیری در مسیر بزرگداشت حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام می باشد و به خوبی معلوم شد که استعدادهای درخشانی در میان جوانان با ایمان کشور وجود دارد، که می تواند سرمایه بزرگی برای اجرای برنامه های دینی و ولایی به شمار آید.

از میان نامه های رسیده و اظهار نظرهای اندیشمندان و صاحب نظران، دربارهی آثار کنگره نکوداشت حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام توجه خوانندگان را به نمونه هایی جلب می نماییم.

نامه ای از شهرستان دهلران

بسمه تعالی

کنگره نکوداشت حضرت خدیجه کبری عَلَیْهَا السَّلَام

ضمن تشکر از بانیان این کنگره، به خاطر معرفی دقیق و عمیق چهره پرافتخار شخصیت تاریخ ساز اسلام، حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام که تأثیر اندیشه ژرف و اموال پر خیر و برکت ایشان، در اجرای رسالت پیامبر اعظم صَلَّی اللهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ بسیار مؤثر بوده است و تبریک سال پیامبر اعظم، به تمام مسلمین جهان و هم وطنان گرامی و قبولی طاعات و عبادات شما بزرگواران، به همین نیت، یعنی معرفی چهره تابناک حضرت خدیجه کبری عَلَیْهَا السَّلَام. وقتی که برنامه های پیشنهادی شما به دستمان رسید، بهانه خوبی بود که این دبستان، در این ایام مبارک، یعنی ماه مبارک رمضان اقدام به برنامه های زیر نماید.

۱- اجرای مراسم نماز، دعای توسل

و برنامه ای کوتاه، در خصوص شخصیت حضرت خدیجه عَلَیْهَاالسَّلَام و کلاسهای انس با قرآن، در محل نمازخانه مدرسه، با حضور دانش آموزان و دعوت از اداره آموزش و پرورش منطقه، در روز دهم ماه مبارک رمضان (روز وفات حضرت خدیجه).

۲ - نصب پوستر در محل مراسم و اهداء جوایز به دانش آموزانی که اسم آنان خدیجه می باشد.

۳ - اختصاص دادن انشای دانش آموزان، به معرفی شخصیت حضرت خدیجه کبری عَلَیْهَاالسَّلَام و اجرای مسابقه از زندگانی آن بزرگوار، بین اولیای دانش آموزان.

۴ - نامگذاری ضیافت افطاری، به نام این بزرگوار، بین دانش آموزان بی بضاعت و بردن مواد غذایی به خانه های آنان و معرفی ده نفر از دانش آموزان بی بضاعت به مؤسسه خیریه، جهت کمک در ماه مبارک رمضان، ضمناً سی - دی این مراسم به ضمیمه ارسال می گردد.

آدرس: استان ایلام. شهرستان دهلران. خیابان معلم. دبستان راضیه

نامه ای از رفسنجان بسمه تعالی

به ستاد بزرگداشت مقام حضرت خدیجه عَلَیْهَاالسَّلَام

فراخوان ادبی، هنری سرچشمه کوثر، استان اصفهان

از مدرسه راهنمایی نمونه دولتی شهید مجتبی اسدی رفسنجان

ضمن سلام و دعای خیر؛ احتراماً بدین وسیله به استحضار می رساند، در پی فراخوان ادبی، هنری سرچشمه کوثر مبنی بر موضوع مسابقات انشاء نویسی، شعر سرایی، خوشنویسی و نقاشی و نامه ای به حضرت خدیجه عَلَیْهَاالسَّلَام مجموعه عملکرد دانش آموزان این آموزشگاه به حضورتان ارسال می گردد.

۱ - موضوع انشاء: اولین نماز گزار اسلام، از دانش آموز محمد عرب، کلاس دوم راهنمایی

۲ - موضوع انشاء: قسمتی از زندگینامه حضرت خدیجه، از ابوالفضل ترابی کلاس دوم راهنمایی

۳ - موضوع انشاء: حضرت خدیجه، از دانش آموز، فرید نبی زاده، کلاس دوم راهنمایی

۴ - موضوع انشاء: زنان بهشتی، از دانش آموز، محمد رضا نصیری راد، کلاس

۵ - موضوع انشاء: اگر خدیجه نبود، از دانش آموز، آرش سلطانی، کلاس اول راهنمایی

۶ - شعر یاور دین، از دانش آموز، امیرعباس عباسپور، کلاس اول راهنمایی

۷ - نقاشی در خصوص حضرت زینب عَلَیْهَا السَّلَام، از دانش آموز، محمدرضا بصیری راد کلاس دوم راهنمایی

امید است مورد پذیرش آن ستاد قرار گیرد

نامه ای از نجف آباد بسمه تعالی

به: کنگره نکوداشت حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام

از: دبیرستان دخترانه معرفت

موضوع: ارسال پژوهش، مقاله، شعر (در رابطه با موضوع سرچشمه کوثر)

پس از حمد خدای متعال و با صلوات بر محمد و آل محمد صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ با احترام، به پیوست، هشت جلد تحقیق، یک عدد شعر و دو عدد مقاله، مربوط به مسابقه سرچشمه کوثر (حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام) حضورتان ارسال می گردد.

نامه ای از شهرضا

به: دبیرخانه کنگره نکوداشت حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام

از: مدرسه راهنمایی شاهد، سید جلال طیبیان، شهرضا

موضوع: ارسال آثار با سلام

پس از حمد خدا و درود و صلوات بر محمد و آل محمد صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ آثار برتر دانش آموزان شرکت کننده در مسابقه فرهنگی هنری سرچشمه کوثر، جهت هر گونه اقدام به حضورتان ارسال می گردد.

اظهار نظر و نتیجه گیری یکی از داوران کنگره

هر نوع تحقیق و بررسی در هر موضوعی که باشد، به خودی خود روزنه های جدید و افقهای تازه را به روی فرد تحقیق کننده می گشاید و به دنبال آن، خوانندگان این موضوعات نیز، از دستیابی های تازه بهره مند می شوند.

در آثار رسیده از دانش آموزان کشورمان در زمینه بررسی «زندگانی حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام» نیز، این اصل به خوبی قابل

مشاهده بود.

رد پای حقیقت یابی در قلم کودکانه دانش آموزان ابتدایی، در تعبیرات ادبی و لطیف

دخترانه و در جستجوی اینترنتی پسرانه دیده می شد.

شاید انگیزه مادّی و کسب جایزه، بخشی از این تلاش و یا آغازگر این تلاش بوده، اما نظم در پوشه بندی ها و حاشیه هایی که با دست و مداد رنگ کشیده شده بود، شیرینی تحقیق را نمایان می کرد.

ضعفی که در پروژه ها دیده می شد، به برنامه ریزی کتب درسی دانش آموزان بر می گردد، ای کاش کتب درسی، هر چند وقت یکبار، با مطالب به روز پژوهشگران، تطابق داده می شد، تا یافته های جدید نیز به اطلاعات فرزندان این مرز و بوم اضافه شود. مانند کتاب «فروغ آسمان حجاز» نوشته آقای علی کرمی فریدنی، که با قلم زیبای خود در مورد این بانوی بزرگ پژوهش کرده و حداقل، دو مطلب را برجسته کرده اند، که در اکثر منابع مهجور مانده است:

۱ - خدیجه عَلَیْهَاالسَّلَام دوشیزه ای ۲۸ ساله بود، نه زنی ۴۰ ساله، که قبلاً دو شوهر داشته است.

۲ - یک زن می تواند با همه نجابت و زنانگی، تدبیر مسأله ای حسّاس، مانند اقتصاد و مدیریت گروهی بزرگ، مانند تْجَار عربستان را در دست بگیرد.

پیشنهاد:

رواج این نوع تحقیقات، افقهای فکری دانش آموزان و دانش پژوهان را باز و گسترده می سازد. آشنایی با منابع و مراجع مانند کتابخانه ها، اینترنت و ... راهگشای این موضوع است.

اظهار نظر یکی دیگر از داوران مسابقه فرهنگی هنری کنگره

در مراسمی که نهم و دهم رمضان ۱۴۲۶ ه ق به مناسبت وفات حضرت خدیجه عَلَیْهَاالسَّلَام و در نکوداشت ایشان برگزار شد، نخستین مسأله، افتخار خدمت برای اولین بار به آن حضرت بود، شخصیتی که در سالهای قبل، بسیاری حتی از تاریخ وفات ایشان آگاه نبودند، چه رسد با زندگی و اتفاقات و حوادث مهم زندگی ایشان و این نکوداشت، جرقه

شروع برای آگاهی یافتن بسیاری از شیعیان و محبین خاندان عصمت و طهارت عَلَیْهِ السَّلَام بود، که این آگاهی و افتخار شرکت و خدمت، نه تنها برای دست اندر کاران این مراسم و بانیان آن بود، بلکه برای کسانی که حتی در مراسم شرکت کرده بودند و یا از شهرهای دور و نزدیک و دیگر استانها در وصف و شخصیت و زندگینامه آن حضرت تحقیق کرده و یا مطلبی نوشتند، بسیار جالب و با ارزش بوده، که از شخصیتی می نویسند و می خوانند، که تا به حال سخنی کامل و مطلبی جامع از ایشان نشنیده و نخوانده بودند و چه اشتیاقی دارد و چه حس و حالی معنوی، برای فیض بردن از چنین شخصیتی، که ام المؤمنین است.

از نشانه های چنین حس و حال معنوی اینست که بعضی، در آثاری که برای ما و در جواب دعوت ما برای شرکت در فراخوان حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام ارسال داشتند، چنین نوشته اند:

در جاهایی، آن حضرت را به عنوان مادر خود خطاب کرده و یا درد دل کرده و مدد گرفته اند، بعضی تازه فهمیده اند که چقدر غافل بوده اند از وجود چنین فردی و چقدر کم توجهی و کم کاری کرده اند.

کسانی در توصیف این احساس خود، در برابر حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام می گویند:

شاید اگر جای آن حضرت بودند، از مال و زرق و برق دنیا و این همه ثروت نمی گذشتند و این گونه بخشش نمی کردند.

در وصف این همه صبر و استقامت و از خود گذشتگی حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام کسانی می نویسند:

خوشا به حال ایشان که چقدر خوب و با معرفت، حضرت محمد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ را شناختند و پی به

وجود شخصیت پیامبر اسلام بردند

کسانی هم از حس مادری و افتخار مادری حضرت زهرا عَلَیْهَا السَّلَام نوشته اند.

بعضی، آرزویشان زیست در زمان حضرت بود و از اخلاق و زندگی حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام درس می گرفتند. خیلی از شرکت کنندگان، آرزوی دیدن آن حضرت را حتی در خواب می کردند.

خیلی ها سعی در پیدا کردن و به دست آوردن نجابت و پاکی، چون حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام را دارند.

و شرکت کنندگانی دیگر آورده اند که: حیران مانده اند، چه واژه ای در وصف چنین شخصیت و فردی به کار گیرند، که لایق و شایسته ایشان باشد.

داور آثار هنری رسیده به کنگره می نویسد

آثار هنری (نقاشی و خط) رسیده به ستاد نکو داشت حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام بسیار خلاق و صادقانه بود و برخاسته از روح ساده و پاک سن کودکی و نوجوانی بود.

پیشنهاد من اینست که این کار در حد وسیع تری انجام گیرد و گستره آثار هنری ارسالی آن هم بیشتر شود و نمایشگاهی از آثار ارسالی برای بازدید عموم بر پا شود. به طور مثال، فراخوان ارسال آثار هنری - برای حوزه های هنری سراسر کشور - ادارات ارشاد و فرهنگ اسلامی استانها - ارسال شود و از افراد برگزیده، در مراسم بزرگداشتی تقدیر به عمل آید و ارتباط مستمر با آنها صورت گیرد.

اظهار نظر یکی از مداحان نامدار

مداح اهل البیت عَلَیْهِمُ السَّلَام آقای حاج علیرضا مهرپرور، که به خاطر گستردگی فعالیت مدّاحی در مناطق گوناگون و شهرهای مختلف و نیز به علت ارتباط با علما و شعرا و اقشار مردم، آگاهی زیادی در چگونگی گرایشهای اجتماعی و برنامه ریزیهای دینی و ولایی دارند، اظهار نظری نموده اند که ذیلاً ملاحظه می فرمائید:

با تفضلات الهی، سوّمین سال است که کنگره ی نکوداشت بانوی بزرگ

اسلام حضرت خدیجه کبری عَلَیْهَا السَّلَام با شعار (مدیون توایم) در اصفهان برگزار می گردد که این موهبت، جای تشکر و سپاس فراوان دارد.

آنچه مسلم است، تجلیل از قدر و منزلت آن بزرگوار، تعظیم شعائر الهی و تکریم کرامتها و فضیلتهاست، البته شناختن و شناساندن شخصیت ارجمندی که همواره درود و سلام خداوند متعال، با نزول وحی توسط جبرئیل به او ابلاغ می شده، کاری بس دشوار است، ولی با این وصف، بر حسب وظیفه و در حد امکان، می بایست این امر مهم صورت پذیرد. بدیهیست ماه مبارک رمضان، خاصه در شب و روز دهم این ماه، که سالگرد ارتحال همسر مهربان رسول خدا می باشد، بهترین فرصت برای بزرگداشت و پرداختن به ذکر مناقب و مصائب آن بانوی نمونه است.

در سالهای گذشته، در ایام وفات آن حضرت، در اکثر مساجد و محافل، یا اینکه ذکری از حضرت خدیجه کبری به میان نمی آمد، یا اینکه در حد مختصر بود که قادر به سیراب کردن تشنگان معرفت آن بزرگوار نمی بود.

خدیجه ای که هر مسلمانی خود را مدیون او می داند، زیرا اشاعه فرهنگ غنی اسلام و تشیع، مرهون اخلاق نازنین و شریف نبوی، دست و بازوی توانا و رشادتهای علوی و ایثار اموال خدیجه کبری عَلَیْهَا السَّلَام می باشد، امّا دریغ از یک سخنرانی مبسوط، یا مدّاحی مربوط به آن حضرت.

البته علت آن معلوم است، چون دربارهی آن بانوی بزرگوار، با آن همه عظمت و شخصیت، کتاب مستقل و مفصل به زبان فارسی به رشته تحریر در نیامده بود، جز دو کتاب، آن هم در سالهای اخیر، یکی «فروغ آسمان حجاز» و دیگری «حضرت خدیجه اسطوره مقاومت» و طبیعتیست که شاعران و مدّاحان نیز،

دست مایه علمی و مستند، در این زمینه جز اندکی نداشتند و این بی بضاعتی در تشرّف به مکه معظمه، هنگام زیارت و عرض ارادت به حضرت خدیجه در حجّون (قبرستان حضرت ابوطالب) بیشتر محسوس بود، که معمولاً به خواندن شعر آقای حسان

«محمد را نکو همسر خدیجه

عزیز قلب پیغمبر خدیجه»

و چند شعر دیگر خلاصه می شد و دربارهی حضرت ابوطالب عَلَیْهِ السَّلَام هم که دیگر معلوم بود و این در حالیست که این دو بزرگوار، مشترکاتی دارند از جمله اینکه هر دو به خدای یگانه ایمان داشتند و بر دین ابراهیم حنیف بودند و دیگر ایمان و علاقه آنها به پیامبر اسلام، حتی قبل از بعثت بسیار ریشه دار بود و اینکه هر دو یاور و دلسوز نبی مکرم بودند. هر دو در یک سال با اندک فاصله وفات نمودند، که پیامبر بزرگوار، آن سال را «عام الحزن» نام نهادند و نیز هر دو در یک مکان (حجّون) دفن شدند و بالاخره اینکه ریشه شجره طیّبه ولایت و امامت، از آنها تشکیل شده است.

یکی عمومی ارجمند خاتم رسولان و پدر امیرمؤمنان و جد امامان، که به قول استاد صاعد اصفهانی:

بگو مدحت باب و جد امامان

شجاع شجاعان، عمومی پیغمبر

و دیگری همسر مهربان و فداکار رسول خدا، مادر گرامی فاطمه زهرا و جدّه یازده امام معصوم، که باز به قول استاد صاعد:

زوج نبی، جدّه ی قبیله ی عصمت

مادر سادات و افتخار محمّد

ولی بحمدالله، در دو سال گذشته، برنامه های گسترده و شایسته ای به اجرا در آمده، که در انجام آنها برکت و عنایت امامزاده جعفر بن الرضا عَلَیْهِ السَّلَام یار و پشتیبان بوده است و به عنوان نمونه می توان از فراهم آمدن

و انتشار کتاب «شمع محفل طاها» که مجموعه شعری درباره‌ی حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام و حضرت ابی طالب عَلَیْهِ السَّلَام می باشد، نام برد.

امید است همه ساله شاهد تشکیل با شکوه تر محافل نکوداشت بزرگ بانوی اسلام، در همه شهرها باشیم، تا با شناخت مقام رفیع آن بزرگوار، مسیر رستگاری را بپیماییم و به سعادت جاوید دست یابیم.

آثار فراخوان ادبی - هنری سرچشمه کوثر

از برنامه های جالب و مؤثر «کنگره بزرگداشت حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام» فراخوان ادبی و هنری بود، که از همه دانش آموزان سراسر کشور (دختر و پسر) دعوت به عمل آمد، که با سرودن شعر و نوشتن مقاله و نقاشی و نامه نویسی به حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام عشق و علاقه و احساسات و عواطف و آگاهی و نبوغ خود را در طبق اخلاص گذارند و در میدان عرض ادب به ساحت مقدس بهترین یار و یاور رسول خدا صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ ظاهر شوند.

این حرکت نورانی، یک جهش جالبی ایجاد کرد و از سراسر کشور، نامه ای مشتمل بر سروده ها، نقاشی ها، مقاله ها و نامه های به حضرت خدیجه به سوی شهر اصفهان و دبیرخانه کنگره بزرگداشت سرازیر گشت، که برگزیده های مسابقه، به اشکال گوناگون و با استفاده از امکانات مادی و معنوی فراوان، مورد تشویق قرار گرفتند و در ویژه نامه ای به نام «سرچشمه کوثر، حضرت خدیجه کبری» شماری از مقاله ها و نقاشی های برجسته، به چاپ رسیده، که بسیار جالب و ارزشمند به شمار آمد.

مقاله های برجسته

۱ - مقاله ای با عنوان «خدیجه أم المؤمنین» از ویدا صادقی و سمیره نظری

۲ - مقاله ای با عنوان «اولین لیک گو» از محترم رضایی

۳ - شعری از عاطفه نادری از شهرستان کلالة

۴ - نامه ای به حضرت خدیجه، از «هدیه علاقبند»

۵ - مقاله ای با عنوان «خدیجه، بزرگ بانوی اسلام» از راضیه عوض زاده

۶ - نامه ای به حضرت خدیجه، با عنوان «شما حرفهای دل مرا می شنوید» از عاطفه سرگلزایی

۷ - نامه ای به حضرت خدیجه با عنوان «خدیجه پاکترین زن زمان بود» از زهرا ضیایی

۸ - نامه ای به حضرت خدیجه، از الهه صمدی

- مقاله ای با عنوان «بانوی سبزپوش سماواتی زمین» از فرزانه سلیمی نیا

۱۰ - مقاله ای، با عنوان «چهار بانوی برتر عالم» از زهرا ملاوی

و نیز از تلاش های ویژه خانم علیزاده، از شهرستان کلاله، مدرسه بنت الهدی صدر، در ایجاد حرکت در میان دانش آموزان برای شرکت در مسابقه و موفقیت آنان، قدردانی شده است.

در ویژه نامه یاد شده، فهرستی از آثار رسیده به ستاد نکوداشت حضرت خدیجه و نام صاحب اثر و نام آموزشگاه و نام شهر و استان آن مرکز آموزشی ذکر شده است.

در این فهرست، در بخش «تحقیق و مقاله و انشاء» از ۱۳۵ صاحب اثر نام برده شده و در بخش شعر از ۹ نفر و در بخش نامه ای به حضرت خدیجه از ۱۹ نفر اسم برده شده است.

همایش بزرگ برای تجلیل از حضرت خدیجه در تهران

در سال ۱۴۲۶ قمری، در تهران در شب دهم ماه مبارک رمضان، با همکاری جمعی از علاقه مندان به حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام از اصفهان، همایش بزرگی در تهران برگزار گردید، که با حضور علما و دانشگاہیان و جمعی از اصحاب رسانه های جمعی (صدا و سیما) و اقشار مردم، از حال و هوای جالبی برخوردار گردید. شاعر و مداح اهل البیت عَلَیْهَا السَّلَام آقای سازگار، متخلص به «میثم» به مدح و رثای حضرت خدیجه پرداختند و سپس خطیب دلسوخته اهل البیت، حجه الاسلام و المسلمین، آقای حاج شیخ حامد معاونیان، سخنرانی پر شور و سوز و پر محتوایی ایراد کردند، که همه را تحت تأثیر قرار داد و اشکها را بر گونه ها جاری ساخت. در این سخنرانی، درباره‌ی قصور و تقصیرهای انجام گرفته، درباره‌ی خدیجه کبری عَلَیْهَا السَّلَام و بی توجهی عمومی نسبت به عظمت آن حضرت و لزوم

جبران گذشته ها، بحث بسیار جالب و فشرده ای انجام گرفت و گوشه هایی از فداکاریها و برجستگیهای اعتقادی و اخلاقی و عملی حضرت، با بیانی جذاب و مهیج تشریح گردید، که فوق العاده مورد استقبال همه قرار گرفت (۷)

متن سخنرانی پر محتوی و پر شور و سوز خطیب دانشمند و دلسوخته اهل البیت عَلَیْهِمُ السَّلَام آقای حاج شیخ حامد رضا معاونیان، در همایش بزرگداشت حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام در تاریخ دهم رمضان المبارک ۱۴۲۶ قمری

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سخن راندن از خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام هم سهل است و هم صعب! چرا که کدام مسلمان است که نام این بانوی بزرگوار و حکایت ایثار بی مانند او و تأثیر آن در احداث، ابقاء و اقامه دین و اسلام را نشنیده باشد؟ و دشوار است چون با شخصیتی عظیم روبرو هستیم، که مات و مبهوت عظمت و جلال اویم.

به راستی با این زبان الکن و کوتاه مجال ما، چگونه می توان کمال و جلالش را بیان نمود:

بزرگ بانویی که هر گاه جبرئیل امین بر پیامبر نازل می شد، عرض می نمود، یا رسول الله! حاجتی دارم:

سلام من و پروردگارت را به خدیجه برسان و حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام در کمال ادب می فرمود:

إِنَّ رَبِّي هُوَ السَّلَامُ وَمِنْهُ السَّلَامُ وَإِلَيْهِ السَّلَام. البته هر کسی از دیدگاه تحلیل شخصیتهای اسلام، با عظمت این بانو روبرو می شود، اولین چیزی که چشم او را خیره می نماید، ایثار بی مانند آن بزرگوار است.

دار و ندار خویش را در ره یار باختم

بدین امید کز کرم، تا بکند به دل قرار

خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام تاجر بود و به راستی تجارتی کرد که هرگز کهنه و نابود نمی شود! (۸) زنی بود بسیار متمول و دارای حشمتی در قریش، خدم و حشم بسیار داشت، کاروانهای تجاری فراوان از آن او بود، زهی تجارت که او کرد. هستی خود را به پای سید ابرار ریخت و نثار کرد، بدون منت و بدون

طلب مزد، اما چیزی را خرید که مگو و آن هم:

دل سید ابرار و محبت حبیب الله را! چندان که رسول خدا تا آخر عمر می فرمود:

هیچکس برای من خدیجه نمی شود! محبت او در صمیم دل حضرت آنچنان جای گرفته است، که نه خدیجه را، بلکه دوستان و دوستاناران خدیجه را هم دوست می دارد.

می دانید که همه، خیره به ایشار آن بانو هستند (که واقعاً هم خیره کننده است)، می بینیم آن همه ثروت را، با شیدایی نثار و ایشار می کند.

در لحظه اولین ازدواج با پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلهِ وَ سَلَّمَ دار و ندار خویش را به پیامبر می بخشد و پیامبر هم بدون هیچ تعارفی، همه آنها را به «باد بقاء» می دهد. او چهارهزار، چهارهزار درهم اگر به پای پیامبر ریخت، پیامبر نیز همه را به این و آن داد، چندان که فرمود:

ثروتی به مانند ثروت خدیجه، برای من مفید فایده نیفتاد. «برای من» یعنی «برای اسلام» یعنی برای احیای دین، که پیامبر همه را خرج کرد و بخشید.

بانویی که روزگاری، بر سر او کنیزکان از پر طاووس سایبان می گسترانیدند قصرها داشت و خانه ها، با آن همه حشمت و ثروت، کارش به جایی رسید که سه سال در شعب ابی طالب، میان یک درّه سنگلاخ، در آن آفتاب سوزان حجاز و عربستانی، حتی لقمه نانی هم نداشت که بخورد و سایبانی که بیارآمد!

اهل تاریخ می دانند که در دو جا از حیات بزرگوار پیامبر، گرسنگی ظاهری ایشان را آزار داد:

اول:

در محاصره مدینه، در غزوه احزاب دوم:

در شعب ابی طالب، تا جایی که گاهی، سنگی با شال بر شکم مبارک خود می گذاشت، می بست و می فشرد که

احساس گرسنگی نکند.

بانوی بطحا، سه سال تمام در غربت، گرسنگی و حالت وحشت، که هر آن امکان ترور پیامبر وجود داشت، بدون نانی، سایبانی و آبی برای خوابانیدن عطش به سر برد و همین بود که بعد از گذشت سه سال، این بانوی بزرگ از شدت شکنجه و رنج نحیفه شد و به راستی به شهادت رسید.

همگان می دانند اگر شکوه نبرد ذوالفقار علی عَلَیْهِ السَّلَام و انبوه ثروت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام نمی بود، نه از اسلام اسمی می ماند و نه از قرآن رسمی! به راستی آن یک پشتوانه مالی بود و آن یک پشتوانه نظامی، برای دین خدا و رسول خدا صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ تا ما مسلمان شدیم. اسلام ما به یقین همان اندازه که مرهون نبرد و رزم علی عَلَیْهِ السَّلَام است، به همان اندازه، مدیون ثروت خدیجه است، نه ثروت او، بلکه ایثار او.

مسلمانی ما وامدارِ «لَضَرْبُهُ عَلَيَّ يَوْمَ الْخَنْدَقِ أَفْضَلُ مِنْ عِبَادَةِ الثَّقَلَيْنِ» است (که اگر آن ضربت نبود، آن روز که همه ایمان در مقابل همه کفر روبرو ایستاده بودند، خبری از جان جانان نمی ماند، تا چه رسد به فرقان او) و هم بدهکار انفاق خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام است، که اگر ثروت او نمی بود، باز هم از ایمان و قرآن اثری نبود، پس ما مسلمانی خود را مدیون اویم و اکنون از خود بپرسیم که چقدر ممنون اویم؟

اگر گبر و آتش پرست نیستیم، اگر حقیقت توحید را می بینیم و ره بیگانه نزدیم، اگر از هفتاد و دو ملت شمرده نمی شویم، بلکه «فرقه ناجیه» هستیم، به برکت حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام و امیر المؤمنین علی عَلَیْهِ السَّلَام است، همین دو و

بس و البته وقتی به این نکته می‌رسیم می‌بینیم:

گر خواجه شفاعت نکند روز قیامت

باید که ز مشاطه نرنجیم که زشتیم

از رسول خدا و خدیجه کبری شرمنده ایم! چرا که در بزرگداشت بانوی بزرگ اسلام، قاصر، نه که مقصریم، کوتاهی‌ها کرده ایم، در نکو داشت نام و ترویج مرام او، که مرام بانوانی است ولایت مدار، که هستی شان را فدای خاتم النبیین و امیرالمؤمنین می‌کنند.

این فرخنده زن که نه تنها همسر و همدم رسول خدا بوده، بلکه تنها رحم پاک و منزّه او را خدا در تقدیر خود انتخاب کرده بود، تا لؤلؤی یکتا و گوهر والایی را که در خزانه خود داشت، پیروانند و خدیجه را به عنوان پاکترین صدف برگزیند.

طاهره قریش، سرچشمه کوثر بود و که می‌داند کوثر چه خیر کثیر است؟

خدای متعال حکیم است و عادل و حکیم عادل وضع شئی فی موضعه می‌کند و هر چیز را به هر کس نمی‌دهد. فیض حق را قابلیت لازم است و این چه رحم قابلی بوده، که نور زهرای مطهر اطهر را شایستگی داشت، که خدا به او بدهد.

سرّ این موهبت چیست؟

سرّش اینست که او هر چه داشت در راه خدا داد و خدا هم بهترین آنچه را که در خزانه داشت به او داد، که «إِنَّ اللَّهَ شَاكِرٌ عَلِيمٌ».

از اسامی مقدس ذات حضرت حق شاکر است، اگر کسی قدمی در راه حق برداشت، خداوند فوراً جبران می‌کند.

خدیجه هستی اش را در راه حبیب الله داد، خدای متعال هم حبیبی خودش را به او داد، چندان که این دختر بی‌مانند هستی، در رحم مادر هم انیس و مونس جان او بود، آقای رحمانی همدانی در کتاب «فاطمه الزهراء

بهجه قلب المصطفی» از مدارك عامه و اهل سنت، از عالمی شافعی نقل کرده است که: پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ بر خدیجه وارد شدند، در خانه کسی نبود و رسول الله مشاهده فرمودند، خدیجه مشغول صحبت است، فرمودند:

با چه کسی صحبت می کنی؟

عرض کرد:

این چنین که در شکم من است با من سخن می گوید و در ایام غربت شما مرا تسلی می دهد.

فرمودند ای خدیجه خوشنود باش! ای که هستی ات را در راه من دادی، خوشنود باش! این دختر است که از او یازده نور به جهان خواهند آمد.

اما و صد اما، که خدیجه گر چه این است، اما نه همین است، بلکه بسیار فراتر و بالاتر از اینست. مطلب بسیار بالاتر از ایثار دار و ندار و انفاق ثروت است!

چرا و چگونه؟ چون که می دانید فرزندان آدم و آدمیان، این چنین نیستند که همیشه هم سن، یا هم عصر خود باشند. روانشناختی انسان را که نگاه کنید:

برخی از سن خود بزرگترند، کسانی هم سن و سال خویشند و بعضی کوچکترند، برخی عمری را سپری کرده اند، ولی هنوز در ایام کودکی اند و افرادی نیز در ایام جوانی، به مانند پیران، متین و وزین اند، پس این چنین نیست که هم سن و هم عصر خود باشند. نیز برخی از افق دیدشان، فراختر از زمان حال بوده و دید وسیعتری داشته اند و جهان بینیشان بسیار گسترده تر از ظرف مکان و زمان خود بوده و کسانی که هم سن خود هستند، معاشرت با هم سن و سالان خود برایشان راحت تر خواهد بود، اما کسی که دید و افق او بالاتر بود و در ظرف مکان

و عصر خود جای نشد، رنج خواهد برد، چرا که اطرافیانش نخواهند توانست او را دریابند، چیزی که او می بیند را نمی توانند ببینند.

هر که هشیارتر رخ زردتر

هر که او بیدارتر بیمارتر

در حدیثی حضرت امیرالمؤمنین عَلَیْهِ السَّلَام فرمودند صَدِيقُ الْعَاقِلِ التَّعَبُ: همنشین و همراه مرد خردمند، همیشه رنج است، چرا که مرد خردمند دید و افقش در سطحی است، که اطرفیان نمی توانند او را دریابند، چون او پیشتاز است و آنها افتاده در راهند، پس مزاحم اویند و نمی توانند عظمتش را دریابند و از همین رو، ممکن است به او طعنه زده و مسخره اش کنند.

تمام بنی آدم در این خاک و در این زمین خاکی بیگانه اند، چه برسد به انسان کامل! چه رسد به سر سلسله رُسل، چه برسد به عقل کل. آن مرغ باغ ملکوتی که نبود از عالم خاک نبی بود، او بود که چند روزی قفسی ساخته بودند تنگ از بدنش. او ملک بود؟! نه! ملک کجا و او کجا! رسد آدمی به جایی که به جز خدا نبیند. جبرئیل در معراج از همراهی او فرو ماند و گفت:

اگر بال دیگری زده و به اندازه بند انگشتی بالا-تر بیایم آتش خواهیم گرفت. او کسیست که جبرئیل و میکائیل خُدام درگاه اویند؛ مگر از کجا آمده و آمدنش بهر چه بوده؟ از عرش به فرش آمده است و آمده تا که تقریر کتاب و حکمت کرده و ما را پاک و منزّه نماید، پس اصولاً خاتم انبیاء و حبیب خدا، بر روی زمین غریبه است.

اینجا خانه او نیست، سرسرای او سرای دیگری ست. زمین تبعیدگاه اوست و تنها برای تعلیم زمینیان آمده است.

اگر بعثت

وی به جای اینکه در جاهلاننه ترین قوم و در بدترین نقطه آب و هوایی جهان بود، در جای دیگری مثلاً در روم مبعوث می شد و به آکادمی های فلاسفه وارد می شد، یا به جندی شاپور ما آمده و همگی بر زانو نشسته و از محضرش بهره ها می بردند، باز هم در بین آنها غریبه بود، چرا که افق دید او در جای دیگری بود، چون روح او بالاتر از عالم مُلک بود.

بنگرید کسی که در درّه ای سنگلاخ به دنیا آمده و به ظاهر شخصی عامی است، در همان روز اول بعثت خود می گوید:

دین من دینی جهانی است و مهدی عَلَيْهِ السَّلَام دارم، که عالم را از عدالت پر خواهد کرد. این دید دید بسیار وسیع و بزرگ است. کسی که آمده دید بشر را باز کند، که ای برادر تو همه اندیشه ای، آمده بگوید که: شما با مرگ تمام نمی شوید، بلکه جاودان هستید. چنین شخصیتی، حتی اگر از بزرگان، دانشمندان، حکما و فلاسفه جهان می آمدند و دستش را بوسیده و می گفتند «لطف آن چه تو اندیشی! حکم آن چه تو فرمایی!» باز هم غریب بود، چه برسد به آنکه در بین قومی آمد و مبعوث شد، که می گفتند:

«يَا أَيُّهَا الَّذِي نُزِّلَ عَلَيْهِ الذِّكْرُ إِنَّكَ لَمَجْنُونٌ» (۹) و تو خود حدیث مفصل بخوان از این مجمل.!

او که سراسر شفقت بود، می سوخت برای این که خلق هدایت شوند و خوابش نمی برد که: غم این خفته، چند خواب در چشم ترم می شکنند.

حال بگو چه کسی می توانست او را در آن بیابان حجاز، در آن درّه های سنگلاخی و در آن قوم جاهلی درک کند؟ کسی نبود! هیچکس او را درک نمی کرد

و زبان حالش این بود که:

مردم اندر حسرت فهم درست.

آنان گاهی ساحرش می خواندند و مردم ان، زمانی مجنونش گفتند. از خانه که بیرون می آمد، خاکروبه ها بر سرش می ریختند. او را در لحظه اول دعوتش سنگسار کردند، تا جایی که از کوه بالا رفت و از پیراهن مبارکش خون می چکید و وقتی که فرشتگان خواستند اجازت بدهد، تا آن مردم را عقاب کنند، با نهایت شفقت فرمود:

«اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِقَوْمِي فَإِنَّهُمْ لَا يَعْلَمُونَ!» با این همه درکش نمی کردند.

ابن عاص پلید (مظهر حيله، مکر، کینه و شرک) هفتاد بیت شعر در هجو، مسخرگی و استهزاء او سروده بود و به کودکان مکه آموخت که هر گاه از خانه بیرون آمد، به دنبالش بدوید، مانند دیوانگان سنگش بزنید و این اشعار را بخوانید.

و او، این روح بیکران، چقدر دردمندانه و چقدر غریبانه می زیست! در آن بیابان غربت و در آن اوج بی کسی، هیچکس را نداشت، مگر یک نفر زن: خدیجه. خدیجه نه به عنوان یک همسر، نه به عنوان جفت زناشویی و زن خانه، بلکه برای اینکه تنها او می توانست این همای عرش نشین را درک کند.

به راستی فقط او می توانست پیامبر را با روح بزرگش دریابد و رسول الله در هیچ کجا آرام نمی گرفت، مگر در کنار خدیجه طاهره و این آرامش نه جسمانی بود و زمینی، که روحانی بود و آسمانی.

کار پاکان را قیاس از خود مگیر

گرچه باشد در نوشتن شیر شیر

نه چون محبت یک شوی به همسرش و نه مردی به جفت اش، بلکه فراتراز اینها

این محبت زان محبتها جداست

حب محبوب خدا، حب خداست

شاعری شعری زیبا سروده، در حکایت حال امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید:

هر کجا بودم

امیدم خانه بود (وقتی با نهایت خستگی می آمدم)

فاطمه بر روی من در می گشود

خنده های دلگشا، یادش به خیر!

به راستی مادر فاطمه هم برای رسول خدا این چنین بود، پشت در همیشه در انتظار، که سید ابرار بیاید، تا در را باز کرده، گرد و غبارها و آلودگی ها را از لباس پیامبر بزدايد. زمانی بر سر و روی مبارک پیامبر شکمبه پر از آلودگی یک شتر را انداختند و این گستاخی چقدر دردآور بود، ولی چون که می آمد، خدیجه در را باز می کرد و با یک دریا محبت پیش آمده، گرد و غبار و کدورت هایی را که بر روی این مرآت الله، از این همه جفا و جاهلیت نشسته بود، می تکاند، یعنی که اگر هیچکس یارت و غمگسارت نیست، من هستم. همچنان که دخترش به امیرالمؤمنین می گفت:

اگر همه مدینه به تو جفا کردند، برای همسرت فرقی ندارد، برای من امیرالمؤمنینی! خدیجه هم می گفت:

یا رسول الله! اگر هیچکس دعوت تو را نمی پذیرد، این همه جسارت به تو می کنند من همراه توأم و اولین ایمان آورنده به تو! آری این خدیجه است.

ما عظمت خدیجه را در ثروتش نمی دانیم، عظمت خدیجه را فقط در این نمی دانیم که او پشتوانه مالی پیامبر بود، بلکه به راستی، او بهترین پشتوانه روحی پیامبر بود.

بهترین تعبیری که می توانم گفت، اینست که، خدیجه دلایرام پیامبر بود، پیامبر با او آرام می گرفت. رسول خدا تا آخرین لحظه های عمر، هر گاه اسم خدیجه را می شنیدند اشک می ریختند، آنقدر نام او را می برد که عایشه به اعتراض گفت:

یا رسول الله! چقدر یاد خدیجه می کنی!؟

فرمود:

عایشه ساکت باش! هیچکس برای من خدیجه نمی شود و چنین بود که هر از گاهی

وقتی گوسفندی ذبح می کردند، می فرمود:

گوشتش را بین دوستان و دوستانان خدیجه توزیع کنید.

خدیجه عَلَیْهِ السَّلَام حالت شیدایی عجیبی نسبت به پیامبر داشت، تا جایی که او خود خواستگار پیامبر بود.

کسی را واسطه قرار داد که چون رسم و رسوم مردمان این است، بگوید محمد به خواستگاری من بیاید و وقتی آمدند پیامی برای ابی طالب فرستاد که مهر و صداق بر عهده ی خودم و این مقدار درهم و دینار را به عنوان مهر من بپذیرد و هنگامی که ابی طالب در مجلس خواستگاری بلند شد و فرمود، مهر چنین است و آن را عروس خانم بر عهده خود پذیرفته است

ابولهب بلند شد و به طعنه گفت:

از کی تا به حال مهر را زنان می پذیرند؟!!

ابی طالب فرمود:

خמוש باش! اگر کسی به مانند محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلهِ وَ سَلَّمَ باشد، می شود که همه زنان برای او جان دهند، تا چه برسد که مهر خود را ببخشند.

آن همه اظهار محبت‌های بی تابانه، که پیامبر به فاطمه زهرا عَلَیْهَا السَّلَام می کرد، یکی این بود که «إِنَّ اللَّهَ أَمَرَنِي بِحُبِّ فَاطِمَةَ» و دیگر اینکه فاطمه پاره جانش بود.

سوم اینکه می فرمود:

فاطمه روح میان دو پهلوی من است.

آخر آن که: بوی گل را از که جویم از گلاب! رسول الله، در فراق خدیجه با بوئیدن و بوسیدن فاطمه، به خود آرامش می داد. از همین رو حضرت رضا عَلَیْهِ السَّلَام فرمود:

پیامبر تا فاطمه زهرا را نمی بوسید، شب به خواب نمی رفت. باید حتماً می آمدند زهرا را می بوسیدند، مدتی سر بر سینه او می گذاشتند و او را می بوئیدند، تا آرامش پیدا نموده و بعد می رفتند.

آری پیامبر هم، این همه شیدای خدیجه و فاطمه او بود،

امّیا خدیجه، چون محبتش محبتی الهی است، محبت زمینی و عشق مجازی نبوده و فراتر از این هاست و چون پیامبر را خوب درک می کند، با این همه بی تابی که نسبت به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم داشت، هر سال که یکی دو ماه رسول الله در خلوت خود در غار حراء به سر می برد، یک مرتبه هم اعتراض نکرد و فقط اطاعت می کرد و همراهی. وقتی هم پیامبر بر می گشتند، با رویی گشاده، با آغوشی باز، از ایشان استقبال می کرد.

هنگامی هم که به پیامبری برگزیده شدند و فرمودند:

من رسول خدایم، من مبعوث شده ام، خدیجه نگفت:

به چه دلیل؟ عجب! بلکه گفت من از آغاز می دانستم! به راستی این روح چقدر پر درک بوده است؟!

امیرالمؤمنین به یاران و مردمان گله می فرمودند، که من از شما خسته شده ام و شما از من، من را امروز نمی شناسید و فرداها خواهید شناخت. این خانم که بود که اُستادِ امیرالمؤمنین، حضرت سید المرسلین را خوب می شناخت و درک می کرد. شایان ذکر است، آنچه که ما در وصف خدیجه گفتیم، در حد عقل و درک قاصر ماست، خدیجه شناسی را زمانی باید، که امام عصر علیه السلام صبح دولتش بدمد، در کنار مسجد الحرام، منبری گذاشته شود و او بگوید خدیجه که بود!

این تعبیر نیز که بگوییم:

خدیجه اشرف زوجات الرسول است، تعبیر خیلی مناسبی نیست، چرا که هر چند در میان زوجات رسول الله، زنان بزرگی چون ام سلمه و ... داریم، ولی گمان نمی کنم بتواند این قیاس، عظمت خدیجه را نشان دهد که بگوییم:

خدیجه اشرف است.

اینها همه کنیزکان خدیجه هستند، خدیجه ای که حق بر او عرض

سلام می کند کجا؟! آنان کجا؟ خدیجه ای که مرحوم محدث قمی، صلواتی را بر معصومین، از حضرت امام سجاد علیه السلام نقل می کند، که در مقطعی از آن، در زمره معصومین و در این سلسله طیبه، صلوات بر خدیجه کبری آمده است.

خدیجه ای که در نیايش صبحگاهان آدینه خطاب به حجه بن الحسن علیه السلام می گوید:

و ابن خدیجه الغراء! یعنی:

می سزد که تو یا مهدی به خود ببالی که فرزند خدیجه ای. خدیجه ای که امام حسین علیه السلام روز عاشورا می گفت:

أنا ابنُ خدیجه الکبری. بنا بر این دیگر زوجات رسول الله با وی قابل مقایسه نیستند. آری این چنین است که ما به راستی در بزرگداشت نام و یاد همچون او کوتاهی کرده ایم و همتی باید که جبرانی کنیم.

نکته ای دیگر اینکه، ما به عنوان یک چهارم مسلمانان دنیا، آیا حق مطالبه را نداریم که بپرسیم، چرا قبور اولیاء و ابناء رسول الله را در بقیع سالیانی پیش این چنین ویران کردند؟ و چرا مطالبه ای برای آبادانی قبور آنها نمی شود؟ بدانید اگر چنین تقاضاهایی در سطح دنیا زیاد باشد، یقیناً بی تأثیر نخواهد بود.

چرا که امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند:

«کسی که به دنبال طلب چیزی برود، یا به همه آن چیز می رسد یا لااقل به اندکی از آن (۱۰)» و همچنین قبر خدیجه کبری و قبر سرآمد امم المؤمنین ها، چه بگویم، خدیجه کبری را امم المؤمنین بنامم؟ (که البته هست) اما او ام سیده نساء العالمین است، ام الائمه المعصومین است، او کافله امیرالمؤمنین است، او بود که برای امیر مؤمنان مادری کرد، هنگامی که رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم علی علیه السلام را در شش سالگی،

به بهانه قحطی به خانه ی خود آورد و به خدیجه سپرد.

آری این خدیجه بود با آن همه شیدایی! ببین شیدایی و بی تابی او تا به کجا رسیده، که چقدر مؤدبانه، چقدر ملتمسانه، چقدر خاضعانه، هنگام رحلتش، خود هم به رسول الله نگفت، بلکه به دختر پنج ساله اش، زهرا عَلَیْهَا السَّلَام گفت:

به پدرت بگو:

مَنَّتِي بِرِ مِنْ بَغْدَادِ، مِنْ كَمَا مِنْ دُنْيَا رَفْتُمْ، خَوَاشِي دَارِمْ وَآنَ اَيْنَكَا مِنْ رَا دَرِ پِيرَاهَنِ خُودِ كَفَنِ كَنْد.

! زلیخا کجا، یوسف کجا؟ و این عشق های مجازی زمینی کجا؟ بیا بنگر که عشق الهی اینجاست (۱۱).

تو گویی می گوید:

آنقدر دل‌بند حبیب رسول خدایم، که می خواهم در قبر هم با پیراهن یوسف باشم، در قبر هم بوی او را استشمام کنم و بعد هم ملتمسانه از رسول خدا خواهش کرد که، مَنَّتِ بَغْدَادِ وَ مِنْ رَا بَادَسْتِ خُودَتِ كَفَنِ كَنْ وَ پِيَامْبِرِ هَمِ هَمِينَ كَارِ رَا كَرْدِ، جَزِ اَيْنَكَا فَرْمُودِ دَرِ هِنْكَامِ اِحْتِضَارِ خَدِيْجَه، زَهْرَا رَا بِيْرُونَ بَرِيْدِ كِهَ حَاشَا مَادِرِ دِهْدِ جَانِ وَ كُنْدِ دَخْتَرِ تَمَاشَا!

دختر پنج ساله اش زهرا عَلَیْهَا السَّلَام را از خانه بیرون بردند، تا این لحظه را نبیند، در همان لحظه آخرین هم خداوند بر او سلام فرستاد و او جواب سلام خداوند خود را داد. پیامبر با یک دنیا اندوه، بدن مطهر خدیجه را برداشته دفن کرد و به خانه آمد. تمامی غمهای عالم به دلش نشست، زهرا پیش آمد؛ در چشم پدر غم می بیند و اشک، در اتاقهای خانه خبری از مادر نیست، پیراهن عربی پدر را گرفت و تکان می داد. می گریست و می گفت:

اِبْتَاهِ اَيْنَ اُمِّي (پدرم، مادرم خدیجه کجاست؟)

آنقدر که پیغمبر بیچاره شد، ماند که به دخترش چه

بگوید؟ جبرئیل به کمک پیامبر آمد و عرض کرد:

یا رسول الله! آمده ام کمکتان! خدایت می فرماید:

زهرا را بر روی زانویت بنشان و بگو زهرا جان خدا به تو می گوید برای مادرت قصری از یاقوت سرخ درست کرده ایم و در بهشت پیش ماست، جایش راحت است و دل دختر آرام گرفت.

بزرگداشت حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام در شهرستان کرج

برخی از علاقه مندان به حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام در سال ۱۴۲۶ فعالیت مخلصانه ای را در شهر کرج در بزرگداشت آن بزرگوار انجام دادند که پایه گذاری یک حرکت بسیار وسیع در سال ۱۴۲۷ گردید.

در این سال ستادی برای بزرگداشت تشکیل گردید که موارد بسیار جالبی را به اجرا در آوردند که از جمله آنها است:

۱- ایراد سخنرانی مفصل راجع به حضرت خدیجه قبل از نماز جمعه اولین جمعه ماه مبارک رمضان.

۲- اطعام و افطاری به ایتام و نیازمندان در شب وفات، در سطحی گسترده.

۳- ارسال سخنان پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلهِ وَ سَلَّمَ راجع به حضرت خدیجه، به همه ادارات شهر

۴- توزیع پرچم و پوستر و کتاب و سی - دی مربوط به حضرت خدیجه در مساجد

۵- ارسال کتاب «سرچشمه کوثر» به شاخه های کمیته امداد و کلیه مدارس آموزش و پرورش چهار ناحیه شهر جهت برگزاری مسابقه خدیجه شناسی.

۶- برگزاری مسابقه مقاله نویسی با موضوع حضرت خدیجه در سطح مدارس.

۷- برگزاری مراسم بزرگداشت حضرت خدیجه، ویژه دانش آموزان دختر دبیرستانی همراه با اهداء کتاب و سی - دی و تکریم کسانی که نام خدیجه دارند و برگزاری مسابقه در جمع حاضر در مراسم.

۸- برگزاری ویژه برنامه، مربوط به حضرت خدیجه، در مراسم صبحگاهی و برنامه نماز ظهر

و عصر، در روز وفات آن حضرت، در کلیه مدارس و ادارات آموزش و پرورش.

۹- برگزاری مسابقه خدیجه شناسی در سطح عموم مردم

۱۰- بزرگداشت حضرت خدیجه در تابلوهای شهر

۱۱- برگزاری مراسم ویژه شب و روز وفات، در مساجد، ادارات، مدارس.

۱۲- پخش برنامه میز گرد و مسابقه خدیجه شناسی در رادیو کرج.

جالب است که بدانیم، دست اندر کاران برنامه، دامنه فعالیت بزرگداشت را به شهرهای نظر آباد، شهریار، رباط کریم، ساوجبلاغ و ... کشانیدند.

فعالیت های انجام شده در شهر کرج، می تواند راهنمای خوبی برای دیگر شهرها و مناطق کشور باشد.

برنامه بزرگداشت حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام در سایر شهرها

گفتگوهای انجام شده و ارسال پرچمها و پوسترها به شهرهای گوناگون، حرکت نورانی بزرگداشت حضرت خدیجه را در عموم شهرها و روستاها، مطرح نمود و با تفاوتهایی در کمیت و کیفیت برگزاری مراسم، در زمینه تجلیل از عظمت حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام پایه گذاری های خوبی انجام گرفته است، که می تواند در سالهای بعد گسترده و فراگیر شود.

گزارشی و اشارتی و سفارشی

نویسنده محقق و جامع و پژوهشگر، دلسوخته اهل بیت عَلَیْهِمُ السَّلَام حضرت حجه الاسلام و المسلمین، آقای حاج شیخ علی اکبر مهدی پور، که از ابتدا حرکت نورانی «بزرگداشت حضرت خدیجه» با قلم و اندیشه، همت و پشتکار، تشویق و حمایت خود، در راه بزرگداشتن مقام حضرت خدیجه، مجدانه و پیگیرانه اقدام نمودند، در مقاله ای زیبا، گزارشی اجمالی از این حرکت نورانی ارائه نموده اند و اشاره ای به فضائل گسترده و برجسته حضرت خدیجه داشته اند و در پایان، سفارشات جامع و پیشنهاداتی به همه اصحاب قلم و قدم و صاحبان ذوق و هنر و دست اندر کاران کارهای بزرگ علمی و دینی و اجتماعی، ارائه نموده اند، که شایان توجه می باشد و اینک متن مقاله یاد شده:

بر کرانه ی سرچشمه ی کوثر

در اوایل ماه مبارک رمضان ۱۴۲۶ ه که برای تبلیغ و ترویج معارف اهل بیت عَلَیْهِمُ السَّلَام در تهران بودم، یکی از خدمتگزاران صدیق اهل بیت از اصفهان تماس گرفته اظهار نمود:

دوستان اهل وفا از اخلاصمندان آل عبا، تصمیم گرفته اند که روز دهم رمضان به مناسبت سالروز ارتحال ملکه ی اسلام، حضرت خدیجه ی کبری عَلَیْهَا السَّلَام همایش شکوهمندی در تهران و اصفهان برگزار کنند، به این منظور قرار شده نوشتاری

در این زمینه تهیه شود و شما را برای انجام این مهم در نظر گرفته اند.

با تمام ذرات وجودم پذیرا شدم، ولی گفتم زمان بسیار محدود است، گفتند:

در حد امکان.

به منزل صدیق ارجمند، محقق بزرگوار، استاد اهری رفته، از کتابخانه ی نفیس و غنی ایشان بهره جستم، جزوه ای تحت عنوان: «سرچشمه ی کوثر» تهیه گردید.

هر بخشی که مهیا می شد به اصفهان فاکس می کردم، عزیزان تایپ کرده با فاکس می فرستادند، اغلاط تایپی اصلاح شده، برگشت داده شد.

سر انجام این

نوشتار در کمتر از ۲۴ ساعت فراهم شد و پیش از فرا رسیدن روز وفات حضرت خدیجه در تیراژ وسیعی منتشر شد، که باید به دوستان با همت و پر تلاش اصفهانی دست مرزاد گفت.

شب ارتحال حضرت خدیجه به اصفهان رفته، مصاحبه ای با سیمای اصفهان انجام دادم که در سطح استان پخش شد.

پس از همایش باشکوه اصفهان، همایش با شکوه دیگری در یکی از تالارهای مهم تهران برگزار گردید.

در این همایش جمعی از عالمان خدمتگزار، محققان تلاشگر، شاعران متعهد و مادحان اخلاصمند حضور داشتند، که پس از صرف افطار از برنامه های جالب و جاذب، به ویژه سخنرانی خطیب ارجمند «استاد معاونیان» که از مشهد مقدس به این منظور به تهران آمده بود، استفاده شد.

گروهی از تلاشگران تأثیر گزار «صدا و سیما» در این همایش، با اجرای برنامه های سودمند، حاضران را در فضای معنوی پر شوری قرار دادند.

در کرج و اطراف آن مسابقه هایی پیرامون حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام برگزار شد و جوایز ارزنده ای تقدیم گردید.

رمضان ۱۴۲۷ که مصادف با «یک هزار و چهارصد و سی امین سال» ارتحال بزرگ ملکه ی اسلام بود، کتاب «سرچشمه ی کوثر» باز نویسی شده، در تیراژ وسیعی تجدید چاپ شد.

کتاب ارزشمند دیگری شامل مدایح و مراثی مربوط به حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام تهیه شده، تحت عنوان: «غروب ماه حجاز» چاپ و منتشر شد.

آثار دیگری در شرح حال حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام خریداری شده، به ۳۶۰۰۰ مدرسه از مدارس کشور ارسال گردید.

تابلوهای فراوانی به صورت پوستر، پلاکارد، کارت پستال تهیه شده، در چند استان توزیع گردید.

پرچمهای جالب و چشمنوازی تهیه و توزیع گردید.

مصاحبه ای دیگر با شبکه ی اول انجام گرفت و در پگاه دهم رمضان

در آستانه ی طلوع فجر، که همه ی عزیزان روزه دار بیدار بوده، مشغول تهجد، نماز شب، تلاوت قرآن، دعای افتتاح، ابو حمزه و غیره بودند و چشم به راه طلوع فجر و ندای ملکوتی اذان صبح بودند و لذا دیده ها به صفحه ی تلویزیون دوخته شده بود و می توان گفت که آن لحظه پر بیننده ترین لحظات سیما در طول شبانه روز بود، این مصاحبه پخش شد و مورد توجه دل‌های شیفته و شیعیان دلسوخته ی اهل بیت عَلَیْهِمُالسَّلَام قرار گرفت.

آثار و برکات بزرگداشت:

و اینک با گذشت دو سال تمام از نخستین همایش حضرت خدیجه عَلَیْهَاالسَّلَام به قسمتی از آثار پر بار این همایش می پردازیم:

۱. فرهنگسازی برای گرامی داشت حضرت خدیجه عَلَیْهَاالسَّلَام برای همیشه، در ایام ارتحال آن حضرت.
۲. چاپ و نشر کتابهای مربوط به آن حضرت در بسیاری از استانها.
۳. چاپ و نشر انواع پوستر، پلاکارد و برچسب.
۴. چاپ و توزیع پرچمهای مزین به احادیث مربوط به آن حضرت.
۵. تجلیل و گرامی داشت آن ملکه ی اسلام، در ایام وفاتش از صدا و سیما.
۶. ثبت تاریخ وفات آن حضرت در همه ی تقویمهای کشور.
۷. اختصاص سخنرانی خطبای ارجمند سراسر کشور، در آن ایام به آن حضرت.
۸. گسترش چشمگیر @نامگذاری نوزادان دختر با نام نامی و یاد گرامی آن حضرت ۹. تبادل پیامهای کوتاه تسلیت ارتحال آن حضرت، به وسیله ی تلفن، تلگراف، اس. ام. اس و غیره.
۱۰. نامگذاری بسیاری از مراکز فرهنگی با نام نامی آن حضرت.
۱۱. چاپ و نشر مقالات علمی در جراید و مجلات کشور، پیرامون شرح زندگانی حضرت خدیجه عَلَیْهَاالسَّلَام و تاریخچه ی تخریب گنبد و بارگاه آن حضرت در «جنه المعلا» به سال ۱۳۸۴ هـ توسط وهابیان بد سرشت.

آموزه های سرچشمه ی کوثر

دُرهای شاهوار فراوانی در کتب تفسیر، حدیث، تاریخ و سیره، پیرامون ملکه ی اسلام، سرچشمه ی کوثر، همسر پیمبر، مادر گرامی حضرت زهرا ی اطهر آمده است، که پژوهشگران را به کار آید، شیفتگان را به وجد آورد، بر تارک صفحات زرین تاریخ جای گیرد.

اشاره ای به نکات برجسته ی زندگی حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام

و اینک نکات برجسته ای که از شرح زندگانی حضرت خدیجه، کمتر مورد توجه قرار می گیرد را، در اینجا یادآور می شویم:

- ۱ - حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام به هنگام ازدواج با پیامبر اکرم صَلَّی اللّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم ۲۵ ساله بود (۱۲)
- ۲ - حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام به هنگام ارتحال ۵۰ ساله بود، که ۲۵ سال آن را خدمت پیامبر اکرم سپری کرده بود (۱۳)
- ۳ - حضرت خدیجه قبل از پیامبر اکرم با هیچکس ازدواج نکرده بود (۱۴)
- ۴ - از حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام تنها یک دختر به یادگار مانده، که حضرت زهرا عَلَیْهَا السَّلَام بود (۱۵)
- ۵ - پیامبر اکرم صَلَّی اللّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم تنها یک داماد داشت، که مولای متقیان امیرمؤمنان عَلَیْهِ السَّلَام بود (۱۶)
- ۶ - زینب و رقیه دختران هاله، خواهر حضرت خدیجه بودند. (۱۷)
- ۷ - مهریه ی حضرت خدیجه ۵ / ۱۲ اوقیه (برابر ۵۰۰ درهم) بود (۱۸)
- ۸ - حضرت خدیجه ۴۰۰۰ دینار به محضر پیامبر اکرم صَلَّی اللّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم فرستاد، که آن را به خانواده ی حضرت خدیجه به عنوان مهریه تقدیم نماید (۱۹) ولی پیامبر اکرم فقط ۵۰۰ درهم از آن را به عنوان مهریه فرستاد، تا مهر السینه باشد (۲۰)
۹. حضرت خدیجه به هنگام ازدواج با پیامبر دختر و دوشیزه بود (۲۱) حضرت ابوطالب نیز در خطبه ی خود گفت:
برادرزاده ام از دختر شما که بانویی با فضیلت،

مشهور به عفت و سخاوت و دوشیزه ای بلند جایگاه است، خواستگاری می کند (۲۲)

۱۰. شایعه ی ازدواج حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام با دو تن دیگر، پیش از پیامبر اکرم صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ تحریف عمدی تاریخ است، برای طرح عایشه به عنوان تنها دختری که پیامبر اکرم با آن ازدواج کرده است، چنانکه طرح دامادی عثمان و ملقب کردن او به «ذوالنورین» منحصرأً برای تراشیدن رقیب سیاسی، برای مولای متقیان، امیر مؤمنان عَلَیْهِ السَّلَام می باشد.

فضایل ویژه ی حضرت خدیجه

در میان همسران پیامبر، بلکه در میان بانوان جهان برای حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام فضایل ویژه ای هست که به شماری از آنها در اینجا فقط اشاره می کنیم:

۱. خداوند منان در کلام قدسی از او به «مبارکه» تعبیر نموده است (۲۳)

۲. خداوند متعال هر روز چندین بار با وجود حضرت خدیجه به ملائکه ی مقرب مباهات می کند (۲۴)

۳. پیک وحی درود و تحیت پروردگار را به خدیجه کبری ابلاغ می کرد. (۲۵)

۴. در عهد جاهلی حضرت خدیجه به «طاهره» ملقب بود (۲۶) و آن به جهت شدت عفت و پاکدامنی او بود (۲۷)

۵. پیامبر اکرم صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ او را «صدیقه» تعبیر می کرد (۲۸) و آن به معنای داشتن بهره ای از مقام عصمت می باشد (۲۹)

۶. پیامبر اکرم در همه ی امور با او مشورت می کرد. (۳۰)

۷. به نقل ابن بطوطه خانه ی حضرت خدیجه به «قبه الوحی» شهرت داشت. (۳۱)

۸. پیامبر اکرم حضرت خدیجه را برترین «ام المؤمنین»ها (۳۲) و برترین بانوی امت خواند. (۳۳)

۹. حضرت خدیجه در بهشت نیز افتخار همسری پیامبر را دارد. (۳۴)

۱۰. امیر مؤمنان در سوک حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام چکامه ای سروده، از او به عنوان: «سیده النسوان» تعبیر کرده

۱۱. پیامبر اکرم در ارتحال حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام به قدری اندوهگین شد که برای سلامتی آن حضرت احساس خطر شد (۳۶)

۱۲. حضرت خدیجه به قدری به امیر مؤمنان عَلَیْهِ السَّلَام محبت داشت، که در میان مردم علی عَلَیْهِ السَّلَام را «نور چشم خدیجه» می خواندند. (۳۷)

۱۳. پیامبر اکرم خطاب به حضرت فاطمه عَلَیْهَا السَّلَام می فرمود:

خداوند بطن مادرت را به عنوان وعاء امامت برگزید. (۳۸)

۱۴. ایمان آوردن حضرت خدیجه در نخستین لحظات مشاهده نور نبوت، نشان عقل وافر و عزم راسخ آن حضرت بود (۳۹)

۱۵. خداوند منان کاخ حضرت خدیجه را به پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ عرضه داشت. (۴۰)

۱۶. پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ همواره از ایثار و فداکاری حضرت خدیجه یاد می کرد و می فرمود:

خداوند از او برای من فرزند عطا کرد و دیگر همسرانم را محروم نمود. (۴۱)

۱۷. به هنگام فتح مکه، چادر فرماندهی خود را در کنار قبر حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام نصب کرد. (۴۲)

۱۸. در روز رستاخیز ۷۰ / ۰۰۰ فرشته با پرچمهای مزین به گلوآزه ی: «اللَّهُ اکبر» به استقبال حضرت خدیجه می شتابند. (۴۳)

۱۹. فرزانه ی قریش با هوش سرشار و مغز اقتصادی بی نظیرش، برای جوانان قریش اشتغال درست می کرد، سرمایه در اختیار آنها قرار می داد و به صورت مضاربه آنان را به تجارت وا می داشت. (۴۴)

۲۰. پیامبر اکرم هرگز برای احدی اجیر نشد (۴۵) و حضرت خدیجه آن حضرت را در رأس کاروان تجارتنی خود به دمشق می فرستاد.

پیشنهاداتی به فرهیختگان، در بزرگداشت حضرت خدیجه

و اینک در پایان این مقال چند پیشنهاد در رابطه با گرامی داشت حضرت خدیجه تقدیم می گردد.

۱. از همه ی خطبای ارجمند می خواهیم که شب دهم و یازدهم ماه رمضان

را به ذکر فضائل، مناقب، سیره، شخصیت و دیگر ابعاد وجودی آن حضرت اختصاص دهند.

۲. از همه ی روزنامه های متعهد کشور می خواهیم که ضمیمه ای به آن حضرت اختصاص دهند.

۳. از همه ی ارباب جراید می خواهیم، بخشی از مجله و صفحه ای از روزنامه ی خود را به آن حضرت اختصاص دهند.

۴. از صدا و سیما می خواهیم که با پخش برنامه های مفید در ایام وفات حضرت خدیجه عَلَیْهَاالسَّلَام، دین خود را به آن بانوی بزرگ ادا کنند.

۵. از ارباب قلم می خواهیم که هر کدام کتابی پیرامون زندگانی آن مادر نمونه، همسر نمونه و بانوی نمونه تدوین کنند.

۶. از صاحبان قریحه، می خواهیم با ذوق سرشار و طبع روان خود، آثار ماندگاری پیرامون آن حضرت پدید آورند.

۷. از پدران و مادران و وظیفه شناس می خواهیم که با نامگذاری یکی از فرزندان خود به نام «خدیجه» در ترویج این نام زیبا سهم باشند.

۸. از مسؤولان مربوطه می خواهیم که: تالارها، کتابخانه ها و دیگر مراکز فرهنگی خود را با نامی این بانو مزین کنند.

۹. از خطاطان، نقاشان و دیگر هنر آفرینان می خواهیم که، از نیروی خلاقه ی خود در آفرینش آثار ارزشمندی در حوزه تخصصی خود تلاش کنند.

۱۰. از هنرمندان متعهد می خواهیم که فیلمهای آموزنده ای از زندگی سراسر ایثار و فداکاری حضرت خدیجه، که در حفاظت و حراست از پیامبر اکرم، تربیت برترین بانوی جهان، تجارت، بازرگانی توأم با متانت، انتخاب کارگزاران امین، رفتار شایسته با کارگزاران، سامان دادن وضع اقتصادی و هزینه کردن آن در راه نشر آیین حق و دیگر آموزه های آن بانوی با فضیلت، فیلمهای جالب و جاذب تهیه کنند.

با تقدیم مراتب سپاس به همه ی تلاشگران در بزرگداشت حضرت خدیجه عَلَیْهَاالسَّلَام

سرچشمه کوثر

نویسنده محقق

و نامدار، حجه الاسلام و المسلمین، آقای حاج شیخ علی اکبر مهدی پور دام عزه، که عمری را در راه تحقیق و تألیف و نشر آثار اهل بیت عَلَیْهِمُالسَّلَام صرف نموده اند، علاوه بر همکاری های بیدریغ و مخلصانه خود در امر بزرگداشت حضرت خدیجه عَلَیْهَاالسَّلَام اثر نفیسی را تقدیم به محضر مبارک آن حضرت نمودند، با نام «سرچشمه کوثر» که تا کنون دو نوبت به چاپ رسیده و چاپ دوم آن در پانزده هزار نسخه منتشر گردیده است

در مقدمه کتاب، با توجه به پیشتازی اصفهان در اقامه شعائر مذهبی و ولایی و لزوم اهتمام در امر بزرگداشت حضرت خدیجه عَلَیْهَاالسَّلَام، نکات جالبی را بیان داشته اند، که علاقه مندان را به مطالعه آنها دعوت می نمائیم:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

از الطاف بیکران ایزد مَنان بر شیعیان شیفته و پاکباخته اصفهان، پیشتازی و پیشگامی آنان در اقامه بسیاری از شعائر مذهبی و اسلامیست.

«سلمان» پیشتاز مسلمانان جهان، از این شهر باستانی برخاسته، غَوَاص بحار علوم اهل بیت عَلَیْهِمُالسَّلَام «عَلَامه مجلسی» آب زلال خاندان عصمت و طهارت را از این شهر به سرتاسر جهان اسلام روانه ساخته است.

«نهضت فاطمیّه» و حرکت عظیم مردمی، در روز شهادت دخت گرامی پیامبر اکرم صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ در این شهر شکل گرفت، آنگاه با عنایت مرجعیت اعلاى جهان تشیع، به اوج شکوه و عظمت خود رسید.

«دهه مبارکه مهدویّه» از این شهر نشأت گرفت، مرزها را درنوردید، از کشورهای اسلامی فراتر رفت، در مناطقی چون سوئد، دانمارک، روسیه و ... نورافشانی کرد.

همایش مردمی و راهپیمایی عظیم نیمه شعبان، از این شهر آغاز شد، شهرهای مختلفی را تحت تأثیر قرار داد و در حریم

کریمه اهل بیت عَلَیْهِمُالسَّلَام و مسجد مقدّس جمکران به اوج شکوه و عظمت رسید و اینک برای اوّلین بار در تاریخ، همایش بزرگداشت سرچشمه جاری کوثر، مادر گرامی صدّیقه اطهر، همسر فرزانه رسول اکرم، ام المؤمنین، خدیجه کبری عَلَیْهَاالسَّلَام یک هزار و چهارصد و سی امین سالروز ارتحال محبوبه یکتا، در این شهر برگزار می شود و صفحه زرّین دیگری بر دفتر مفاخر شهر سلمان افزوده می گردد امید می رود که در سال های بعد، شاهد برگزاری همایش های عظیم تری، در جای جای میهن اسلامی، به همین مناسبت باشیم.

این نوشتار گامی کوتاه در راستای این هدف مقدّس و برگی کمرنگ از این دفتر شکوهمند می باشد.

عذر تقصیر

ای برترین قله شرف، ای والاترین دُرّدانه خلقت را صدف، ای مفتخر به دامادی ات، شاه نجف، ای مزار مهجورت زائران خانه خدا را هدف؛ ای خدیجه کبری، ای محبوبه یکتا، ای همسر طاهّا، ای مادر زهرا، ای نور چشم مولا؛ ما همه مدیون توئیم، شیفته و شیدای کوی توئیم، مفتخر و سرفراز به پیروی از خاندان توئیم، معترف به تقصیر در آستان ملک پاسبان توئیم.

سرچشمه کوثر

یک هزار و چهارصد و سی سال تمام از ارتحال جانگداز سرچشمه همیشه جاری کوثر، اُمّ الائمه النَّجباء، مادر گرامی حضرت زهراء عَلَیْهَاالسَّلَام، همسر فرزانه خاتم الانبیاء، یار و یاور رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ، فرزانه سرزمین بطحاء؛ حضرت خدیجه کبری عَلَیْهَاالسَّلَام می گذرد.

در طول قرون و اعصار، از سوی همه اقشار، در بزرگداشت این مام فضیلت ها، کوتاهی شده و مراسم گرامی داشت آن بانوی بانوان بهشتی، در سطحی شایسته و جایگاهی بایسته برگزار نشده است.

در این دنیای آکنده از نشست ها و همایش ها، که هر روز

در ده ها حوزه فرهنگی و هنری و عرصه های بین المللی، برای چهره هایی که یک هزارم فضائل آن مام فضیلت ها را ندارند، چه حماسه ها که آفریده نمی شود؟ چه چکامه ها که سروده نمی گردد؟ چه مقاله ها که نگاشته نمی شود؟ چه فیلم ها که تهیه نمی شود؟ چه همایش ها که ترتیب داده نمی شود؟!

ولی برای این بانوی گرامی، همسر شایسته خاتم النبیین، مادر مهربان سیده نساء العالمین، مادر خانم گرانسنگ امیر المؤمنین علیه السلام برترین مصداق «ام المؤمنین» در کتاب رب العالمین، امت اسلامی هیچ تلاشی که شایسته جایگاه رفیع و مقام منبع آن شخصیت والای جهان خلقت باشد، انجام نداده اند.

بانوی بزرگواری که ۲۵ سال تمام آرام بخش قلب شریف حضرت ختمی مرتبت صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ در حساس ترین و بحرانی ترین مقطع زندگی آن حضرت بوده، اسد الله الغالب، علی ابن ابی طالب علیه السلام را از شش سالگی در کانون آکنده از مهر و صفای خود، در کنف حمایتش قرار داده، سرور بانوان جهان، حضرت فاطمه زهرا عَلِيهَا السَّلَام را در دامن پر مهر خود پرورش داده، هیچ تلاش شایان ذکری انجام نگرفته است.

سال گذشته برای نخستین بار در تاریخ، همایش «سرچشمه کوثر» در دو شهر تهران و اصفهان، نه در شأن آن مام فضیلت ها، بلکه در حد عذر تقصیر به آستان مقدس آن سرچشمه همیشه جاری کوثر، برگزار گردید.

و اینک در یکهزار و چهارصد و سی امین سالروز ارتحال آن سرچشمه کوثر در ماه نزول قرآن، در سال مزین به نام نامی پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ در شهر مفتخر به عنوان «پایتخت فرهنگی جهان اسلام» مردم مؤمن، متدین، متعهد و متصلب در ولایت

اصفهان، با عزمی راسخ و گامی استوار، در صدد برآمده اند که نخستین گام را در این راستا بردارند و با تلاش های طاقت فرسای خود، مرهمی بر دل مجروح و داغدار دخت گرانمایه اش، حضرت زهراى مرضیه عَلَیْهَا السَّلَام بگذارند.

شرح عظمت و بیان مناقب آن مام فضیلت ها در این مختصر نمی گنجد، این نوشتار به عنوان «عذر تقصیر» در پیشگاه آن ملکه اسلام، به محضر مقدّس فرزند برومندش، حضرت بقیه الله «ارواحنا فداه» تقدیم می گردد.

به امید که آن مام فضیلت ها، دستی به سوی حق تعالی برافراشته، خدای را به حق خود و حق شوی گرامی اش، حضرت خاتم الانبیا، داماد گرانمایه اش اشرف اوصیاء، نور دیده دُر دانه اش، سیده النساء و غنچه در خون تپیده نشکفته اش محسن زهرا بخواند، که از بقیه دوران غیبت کبری صرف نظر فرموده، در فرج فرزند برومندش حضرت بقیه الله ارواحنا فداه تعجیل نموده، دیدگان رَمَد کشیده شیعیان منتظر، به ویژه تلاشگران در عرصه گرامی داشت همایش با شکوه «سرچشمه کوثر» را با دیدار جمال بی مثال یوسف زهرا در دوران حکومت حقّه آن بنیانگذار حکومت واحد جهانی، بر اساس عدالت و آزادی، روشن و منور سازد.

۱۵ شعبان ۱۴۲۷ ه علی اکبر مهدی پور

نگاهی نو به زندگی درخشان خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام

نویسنده محقق و توانا، حجه الاسلام و المسلمین، آقای حاج شیخ علی کرمی فریدنی، پس از تألیف گرانسنگ «فروغ آسمان حجاز، خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام» در ۵۸۲ صفحه، که در نوع خود بی نظیر است و با سبکی نو و نگاهی عمیق، ویژگی ها و عظمت های آن حضرت مورد تشریح قرار گرفته و تا کنون چندین بار چاپ شده است، به پیشنهاد «کنگره نکو داشت حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام» قلم به دست گرفتند

و با نگاهی جدید و به شکلی فشرده، اثر دیگری درباره‌ی شخصیت و زندگی حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام در ۱۴۴ صفحه به نگارش در آوردند، که با تیراژ ده هزار نسخه به چاپ رسید و در اختیار علاقه‌مندان قرار گرفت.

نویسنده عالیقدر کتاب، در مقدمه آن، نکاتی را مورد اشاره قرار داده‌اند، که ذیلاً در اختیار خوانندگان گرامی قرار می‌گیرد:

در رواق سخن

دفتری که در دست شما خواننده‌ی گرامی است، نگاه‌یست گذرا، اما تازه و زنده، به سیما و سیره‌ی الهام‌بخش خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام، یار و مشاور اندیشمند و پشتیبان پر اعتبار پیامبر و خداجویانِ آغازینِ روزها و سال‌های طلوع اسلام و فرود آغازینِ آیه‌ها بر جان پاک محمد صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ است.

پرتوی از زندگی آموزنده‌ی بانویی است، که در حیات درخشانش، پیش از بعثت، دخت فرزانه‌ایست که در خودسازی، چنان توفیق می‌یابد که سمبل ایمان به خدای ابراهیم می‌گردد و مردم روزگارش او را پاک‌منش عنوان می‌دهند و از دگر سو، نمونه‌ی آینده‌نگری، کمال‌جویی و آزادیخواهی، در آن دنیای تیره و تاریک است.

انسان ترقی‌خواه و بالنده‌ای که به برکت همین هوشمندی و پاک‌منشی، سرانجام به دریای موج‌عظمت قرآن و محمد صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ پیوندد می‌خورد و رنگ‌خدایی می‌گیرد و به تدریج به صورت شریک دغدغه‌های پیامبر آزادی و حقوق بشر قامت بر می‌افرازد.

و سرانجام در راه رشد و شکوفایی، بر سکوی افتخار اوج می‌گیرد و در اندیشه و منش و رفتار برای همیشه می‌درخشد و در شمار برترین زنان تاریخ‌ساز جلوه می‌کند و از پیامبر، این مدال افتخار را دریافت

می دارد که: چهار زن نواندیش، در زندگی به گونه ای با درایت و شهامت درخشیدند که سالار زنان شدند:

مریم، آسیه، خدیجه و فاطمه ... «أَرْبَعُ نِسْوَةٍ سَادَاتِ سَادَاتِ عَالَمِهِنَّ: مَرْيَمُ بِنْتُ عِمْرَانَ وَ آسِيَةُ بِنْتُ مُزَاحِمٍ وَ خَدِيجَةُ بِنْتُ خُوَيْلِدٍ وَ فَاطِمَةُ بِنْتُ مُحَمَّدٍ ...» (۴۶)

این نوشته، نگاه‌یست نو به زندگی درخشان خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام، که در یک هزار و چهارصد و سی امین سالروز رحلت یار و مشاور خردمند و همسر فرزانه ی پیامبر و مام فاطمه عَلَیْهَا السَّلَام در راستای برگزاری همایشی پرشکوه، در سالروز رحلت او، به پیشنهاد برخی از شیفتگان اهل بیت در اصفهان - که توفیق پیشگامی در برگزاری همایش و خدمت در آستان آن حضرت را از خدا گرفته اند - به قلم آمد؛ امید که برای همه، به ویژه زنان و دختران نواندیش و معنویت خواه، مفید افتد و شاید هم ادای وظیفه در برابر حق بزرگی که آن مام بزرگ، بر همه ی نسل های آزادیخواه دارد و نیز برگ سبزیست به پیشگاه او و ریحانه اش فاطمه عَلَیْهَا السَّلَام و به پیامبر حق شناس - که حق او را بزرگ می داشت و پس از رحلت او نیز نام بلندش را با دانه های درشت اشک وفا بدرقه می فرمود. امید که در آینده شاهد همایش های پرشکوه تری در سالروز رحلت جانسوزش - که با پیام علما و آیات، به ویژه آیه الله العظمی صافی گلپایگانی، آیه الله العظمی سید صادق روحانی و آیه الله العظمی سید صادق شیرازی، از شهر خاطره انگیز اصفهان آغاز شده است باشیم و راه پر افتخاری را که او پیشتازش بود، راه زندگی قرار دهیم.

علی کرمی فریدنی / تابستان ۸۵

کتابنامه خدیجه کبری عَلَیْهَا السَّلَام

اشاره

ارباب

قلم و صاحبان اندیشه ولایی، از دیرزمان، دربارهی شخصیت حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام به اجمال یا تفصیل، تحقیق و تألیف داشته اند، که بعضاً به صورت کتابی مستقل، عرضه شده است و عمده در ضمن کتابی دربارهی همسران رسول خدا صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ و یا اصحاب و یاران آن حضرت و یا زنان برجسته تاریخ اسلام و مکتب اهل البیت عَلَیْهِمُ السَّلَام و یا دایره المعارف و یا رجال حدیث و و یا به صورت مقاله ای در مجله های دینی و علمی و اجتماعی در اختیار علاقه مندان قرار گرفته است.

در این یادواره، بر آنیم که شماری از این کتابها و مقاله ها را نام برده و زمینه را برای طالبان تحقیق دربارهی آن بانوی بزرگوار آماده نماییم و از طرف دیگر، مقدمات تهیه یک کتابنامه مفصل و جامع را در این موضوع مهم، فراهم نماییم.

بدین منظور، ابتداءً دو مجموعه فراهم شده را تقدیم نمود (۴۷) و در پایان موارد دیگری را اشاره نموده و در انتظار تلاش بیشتر محققین دلباخته اهل البیت عَلَیْهِمُ السَّلَام روز شماری می نمائیم:

۱ - پژوهشکده باقرالعلوم در شهر مقدس قم، در پی تحقیقات گسترده خود مجموعه ای در اختیار ما قرار داده که تقدیم می داریم:

۱: آخرین گفتارها در پایان زندگی، ج ۲

مکان نشر: باختران

ناشر: محمد راجی قمی

نوبت چاپ: ۱

تاریخ نشر: ۱۳۶۷ ش

کتابخانه: پژوهشکده باقرالعلوم

رده کتابخانه: شرح حال ۴ / ۴ / ۲

ریز موضوعات:

۲۷۱ - ۲۵۷ حبیب بن عدی، خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام

۲: آخرین مرد آسمانی

مکان نشر: باختران

تاریخ نشر: ۱۳۵۶ ش

نویسنده:

جعفری - رحیم

کتابخانه: دفتر تبلیغات اسلامی

ریز موضوعات:

۱۳۲ - ۱۲۳ نقش ابوطالب عَلَیْهِ السَّلَام و خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام، اسلام در طایف

۳: آسیه الکوی مقاومت

مکان نشر: قم

ناشر: نورالسجاد

نوبت چاپ: ۱

تاریخ نشر: ۱۳۸۰

نویسنده:

جلالوند - علی

کتابخانه: پژوهشکده باقر العلوم عَلَیْهِ السَّلَام

رده کتابخانه: شرح حال ۳ / ۳ / ۸

ریز موضوعات:

۷۴ - ۶۷ فضایل آسیه (پرستاری از خدیجه - همسر بهشتی پیامبر - همنشین خدیجه و فاطمه)

۴: آموزشهای دینی برای نوجوانان، ج ۲

مکان نشر: مشهد

ناشر: آستان قدس رضوی

نوبت چاپ: ۱

تاریخ نشر: ۱۳۷۱ ش

نویسنده:

سید امیر علی رسولی

کتابخانه: آیه الله مرعشی نجفی

ریز موضوعات

۳۸ - ۲۷ ازدواج محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلهِ وَ سَلَّمَ، خدیجه، معنی سنت و علی عَلَيْهِ السَّلَام

۵: اخلاق در قرآن، حالات خوب نفس

مکان نشر: تهران

ناشر: فیض کاشانی

نوبت چاپ: ۲

تاریخ نشر: ۱۳۷۵ ش

نویسنده:

سید کاظم رفیع

کتابخانه: پژوهشکده باقر العلوم

رده کتابخانه: اخلاق ۴۳ / ۲ / ۲

ریز موضوعات:

۲۰۸ - ۲۰۴ رابطه خدیجه با پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلهِ وَ سَلَّمَ

۶: از اسلام چه می دانیم (محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلهِ وَ سَلَّمَ)

مکان نشر: قم

ناشر: حرم

نوبت چاپ: ۲

تاریخ نشر: ۱۳۷۵ ش

نویسنده:

سید حسن اسلامی

کتابخانه: دانشگاه باقر العلوم عَلَيْهِ السَّلَام

ریز موضوعات:

۵۰ - ۴۸ از دواج خدیجه و پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله وَ سَلَّمَ

۷: اعتصام ش ۳

مکان نشر: تهران

ناشر: سازمان تبلیغات اسلامی

نوبت چاپ: ۱

تاریخ نشر: ۱۳۶۱ ش

نویسنده:

گروهی از نویسندگان

کتابخانه: پژوهشکده باقر العلوم

ریز موضوعات:

۰ - ۵۲ خدیجه عَلَيْهَا السَّلَام

۸: افق وحی

مکان نشر: تهران

ناشر: جمعیت راه خدا

نوبت چاپ: ۱

تاریخ نشر: ۱۳۴۷ ش

نویسنده:

میرزا خلیل کمره ای

کتابخانه: آیه الله مرعشی نجفی

ریز موضوعات:

۲۵۴ - ۲۲۳ فجر اسلام، خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام

۹: الدر الثمین فی ایقاظ النائمین

مکان نشر: قم

ناشر: علمیه

نوبت چاپ: ۱

تاریخ نشر: ۱۳۸۸ ق

نویسنده:

حسینعلی امامی نائینی

کتابخانه: دفتر تبلیغات اسلامی

ریز موضوعات:

۱۷۱ - ۱۶۳ حجاب زن و فاطمه عَلَیْهَا السَّلَام و خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام

۱۰: الوقایع و الحوادث، ج ۷

مکان نشر: قم

ناشر: دارالکتاب

نوبت چاپ: ۱

نویسنده:

محمد باقر ملبوبی

کتابخانه: آیه الله مرعشی نجفی

ریز موضوعات:

۲۸ - ۲۵ وفات ابوطالب علیه السلام و خدیجه علیها السلام

۱: الوقایع و الحوادث، ج ۱

مکان نشر: قم

ناشر: کتابفروشی خرد

نوبت چاپ: ۱

تاریخ نشر: ۱۳۴۱ ش

نویسنده:

محمد باقر ملبوبی

کتابخانه: پژوهشکده باقر العلوم

کتابخانه: آیه الله مرعشی نجفی

رده کتابخانه: تاریخ اسلام ۱۲ / ۱ / ۱

ریز موضوعات:

۱۳۲ - ۱۲۷ زندگی خدیجه علیها السلام

۱۲: امام علی علیه السلام از ولادت تا شهادت

مکان نشر: قم

ناشر: دليل ما

نوبت چاپ: ۱

تاريخ نشر: ۱۳۸۰ ش

نويسنده:

قزوینی - محمد کاظم و دیگران

کتابخانه: پژوهشکده باقرالعلوم علیه السلام

رده کتابخانه: اهل بیت ۳ / ۳ / ۸

ريز موضوعات:

۱۰۲ - ۸۵ امام علی علیه السلام ايتار، هجرت، ليله المبيت،

و وفات حضرت خديجه و ابوطالب

۱۳: اميران ايمان يا زندگينامه خديجه

مکان نشر: تهران

ناشر: موسسه اهل بيت، بنياد بعثت

نوبت چاپ: ۲

تاريخ نشر: ۱۳۶۰ ش

نويسنده:

هاشم معروف الحسنی و دیگران

کتابخانه: استان قدس رضوی علیه السلام

۱۴: انيس العهد و مونس اللحد

مکان نشر: اراک

ناشر، چاپخانه محمود شفیعی اصفهانی

تاریخ نشر: ۱۳۷۴ ق

نویسنده:

صدرالدین واعظ قزوینی

کتابخانه: آیه الله مرعشی نجفی

ریز موضوعات:

۱۸۸ - ۱۷۵ سفر پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ، عروسی

خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام

۱۵: بانوی بانوان جهان

مکان نشر: تهران

ناشر: سازمان تحقیقات خود کفایی بسیج

نوبت چاپ: ۱

تاریخ نشر: ۱۳۷۶

نویسنده:

دوانی - علی

کتابخانه: پژوهشکده باقر العلوم عَلَیْهِ السَّلَام

رده کتابخانه: اهل بیت ۳۱ / ۳ / ۷

ریز موضوعات:

۲۷ - ۲۳ شرح حال حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام

۱۶: بررسی تاریخی منزلت زن از دیدگاه اسلام و ...

مکان نشر: تهران

ناشر: سازمان تبلیغات اسلامی

نوبت چاپ: ۱

تاریخ نشر: ۱۳۷۴ ش

نویسنده:

ثریا مکنون، مریم صانع پور

کتابخانه: پژوهشکده باقر العلوم

رده کتابخانه: تربیتی ۲۲ / ۵ / ۳

ریز موضوعات:

۹۴ - ۸۹ خدیجه همسر پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله وَ سَلَّمَ

۹۵ - ۹۴ خدیجه و بعثت پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله وَ سَلَّمَ

۹۶ - ۹۴ فرزندان خدیجه و محمد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله وَ سَلَّمَ

۹۷ - ۹۶ وفات خدیجه

۹۸ - ۹۷ پیامبر پس از مرگ خدیجه

۱۷: پاسدار اسلام شماره ۹۲، سال ۸

مکان نشر: قم

نوبت چاپ: ۱

تاریخ نشر: ۱۳۶۸ ش

نویسنده:

گروهی

کتابخانه: پژوهشکده باقرالعلوم

ریز موضوعات:

۲۲ - ۲۰ وفات ابوطالب و خدیجه

۱۸: پاسدار اسلام ش ۴۷

مکان نشر: قم

ناشر: دفتر تبلیغات اسلامی

نوبت چاپ: ۱

تاریخ نشر: ۱۳۶۴ ش

نویسنده:

گروهی از نویسندگان

کتابخانه: پژوهشکده باقرالعلوم

ریز موضوعات:

- استدراج: پیامبر، خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام ۱۹

۱۹: پاسدار اسلام ش ۴۹

مکان نشر: قم

ناشر: دفتر تبلیغات اسلامی

تاریخ نشر: ۱۳۶۴ ش

نویسنده:

گروهی از نویسندگان

کتابخانه: پژوهشکده باقرالعلوم

ریز موضوعات:

۲۶- پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ وَخَدِيجَهُ عَلَيْهَا السَّلَام

۲۰: پاسدار اسلام ش ۸۹

مکان نشر: قم

ناشر: دفتر تبلیغات اسلامی

نوبت چاپ: ۱

تاریخ نشر: ۱۳۶۸ ش

نویسنده:

گروهی از نویسندگان

کتابخانه: پژوهشکده باقر العلوم

ریز موضوعات:

۰ - ۲۰ وفات ابوطالب عَلَيْهِ السَّلَام وَخَدِيجَهُ عَلَيْهَا السَّلَام

۲۱: پاسدار اسلام ش ۹۴

مکان نشر: قم

ناشر: دفتر تبلیغات اسلامی

نوبت چاپ: ۱

تاریخ نشر: ۱۳۶۸ ش

نویسنده:

گروهی از نویسندگان

کتابخانه: پژوهشکده باقر العلوم

ریز موضوعات:

۰ - ۲۰ وفات ابوطالب عَلَيْهِ السَّلَام و خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام

۲۲: پاسدار اسلام ش ۹۲

مکان نشر: قم

ناشر: دفتر تبلیغات اسلامی

نوبت چاپ: ۱

تاریخ نشر: ۱۳۶۸ ش

نویسنده:

گروهی از نویسندگان

کتابخانه: پژوهشکده باقر العلوم

ریز موضوعات:

۰ - ۲۰ وفات ابوطالب عَلَيْهِ السَّلَام و خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام

۲۳: پیام انقلاب ش ۱۲

مکان نشر: تهران

ناشر: سپاه پاسداران

نوبت چاپ: ۱

تاری نشر: ۱۳۵۹ ش

نویسنده:

سپاه پاسداران

کتابخانه: پژوهشکده باقر العلوم

ریز موضوعات:

۰ - ۲۷ حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام

۲۴: پیام انقلاب ش ۶۱

مکان نشر: تهران

ناشر: سپاه پاسداران

نوبت چاپ: ۱

تاریخ نشر: ۱۳۶۱ ش

نویسنده:

سپاه پاسداران

ریز موضوعات:

- خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام ۶۲

۲۵: پیامبران، سه جلد در یک مجلد

مکان نشر: تهران

ناشر: کتابفروشی زوار

تاریخ نشر: ۱۳۵۳ ش

نویسنده:

زین العابدین رهنما

کتابخانه: سپاه پاسداران انقلاب

ریز موضوعات:

۴۵۸ - ۲۴۳ حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام

۲۶: پیامبر موعود در تورات و انجیل

مکان نشر: تهران

ناشر: بنیاد فرهنگی امام مهدی عَلَیْهِ السَّلَام

نوبت چاپ: ۱

تاریخ نشر: ۱۳۷۶ ش

نویسنده:

دریایی - محمد رسول

کتابخانه: پژوهشکده باقر العلوم عَلَیْهِ السَّلَام

رده کتابخانه: اهل بیت ۱۱ / ۲ / ۲

ریز موضوعات:

۵۴ - ۴۶ شخصیت پیامبر صَلَّی اللّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ پیش از اسلام و چگونگی ازدواج با حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام

۲۷: پیام زن س ۲ ش ۱۲ (ماهنامه)

مکان نشر: قم

ناشر: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه قم

نوبت چاپ: ۱

تاریخ نشر: ۱۳۷۲ ش

صاحب امتیاز: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم و دیگران

کتابخانه: پژوهشکده باقر العلوم عَلَیْهِ السَّلَام

ریز موضوعات:

۱۰ - ۶ شرح حال حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام:

ازدواج، کرامت، مقام

۲۸: پیام زن س ۳ ش ۱ (ماهنامه)

مکان نشر: قم

ناشر: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه قم

نوبت چاپ: ۱

تاریخ نشر: ۱۳۷۳ ش

صاحب امتیاز: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم و دیگران

کتابخانه: پژوهشکده باقر العلوم عَلَیْهِ السَّلَام

ریز موضوعات:

۱۲ - ۶ ازدواج پیامبر صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ و حضرت خدیجه

۲۹: پیشوای اسلام

مکان نشر: تهران

نوبت چاپ: ۵

تاریخ نشر: ۱۳۵۵ ش

نویسنده:

حسین عماد زاده

کتابخانه: سپاه پاسداران انقلاب

کتابخانه: آیه الله مرعشی نجفی

ریز موضوعات:

۲۲۳ - ۲۱۹ عمر و ابوطالب عَلَیْهِ السَّلَام و خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام

۳۰: پیغمبر و یاران ج ۲

مکان نشر: قم

ناشر: دانش

تاریخ نشر: ۱۳۴۶ ش

نویسنده:

محمد علی عالمی

کتابخانه: آیه الله مرعشی نجفی

ریز موضوعات:

- خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام ۳۴۰ - ۳۵۴

۳۱: تاریخ اسلام از آغاز تا هجرت

مکان نشر: قم

ناشر: جامعه مدرسین

تاریخ نشر: ۱۳۶۳ ش

نویسنده:

دوانی - علی

ریز موضوعات:

۶۹ - ۵۹ ولادت و ازدواج پیامبر با خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام

۳۲: تاریخ اسلام (دوران پیغمبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ)

مکان نشر: تهران

ناشر: سپاه پاسداران انقلاب اسلامی

نوبت چاپ: ۱

تاریخ نشر: ۱۳۶۴ ش

گرد آور: واحد آموزش عقیدتی سیاسی سپاه

کتابخانه: پژوهشکده باقر العلوم عَلَیْهِ السَّلَام

رده کتابخانه: تاریخ اسلام ۲ / ۱ / ۱۰

ریز موضوعات:

۱۰۳ - ۸۵ وفات خدیجه و ابوطالب و بیعت پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ اهل مدینه

۳۳: تاریخ اسلام در آثار شهید آیت الله مطهری رحمه الله ج ۱

مکان نشر: قم

ناشر: نمایندگی ولی فقیه در دانشگاهها

نوبت چاپ: ۱

تاریخ نشر: ۱۳۷۸

نویسنده:

مطهری - مرتضی و دیگران

کتابخانه: پژوهشکده باقر العلوم عَلَیْهِ السَّلَام

رده کتابخانه: تاریخ اسلام ۲ / ۱ / ۳

ریز موضوعات:

۱۸۴ - ۱۵۷ عوامل موفقیت و گسترش اسلام (تبلیغ اسلام، اموال خدیجه، شجاعت علی عَلَیْهِ السَّلَام)

۳۴: تاریخ ایران اسلامی دفتر اول از پیدایش اسلام، ایران اسلامی

مکان نشر: تهران

ناشر: مؤسسه فرهنگی اندیشه معاصر

نوبت چاپ: ۱

تاریخ نشر: ۱۳۷۷ ش

نویسنده:

جعفریان - رسول

کتابخانه: پژوهشکده باقر العلوم عَلَیْهِ السَّلَام

رده کتابخانه: تاریخ ۴ / ۵ / ۲

ریز موضوعات:

۵۹ - ۵۵ پیامبر در شعب ابوطالب، وفات ابوطالب و خدیجه،

سفر پیامبر به طائف

۳۵: تاریخ پیامبر اسلام

مکان نشر: تهران

ناشر: دانشگاه تهران

نوبت چاپ: ۳

تاریخ نشر: ۱۳۶۲ ش

نویسنده:

آیتی - محمد ابراهیم

کتابخانه: پژوهشکده باقر العلوم

ریز موضوعات:

۱۷۲ - ۱۶۸ وفات ابوطالب و خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام و سفر به طائف

۷۱ - ۶۳ ازدواج پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ با خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام

۳۶: تاریخ پیغمبر خاتم ج ۱

مکان نشر: تهران

تاریخ نشر: ۱۳۷۶ ق

نویسنده:

لواسانی نجفی و دیگران

کتابخانه: سپاه پاسداران انقلاب

کتابخانه: آیه الله مرعشی نجفی

ریز موضوعات:

۳۸۰ - ۳۲۸ خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام

۳۷: تاریخ تحلیلی اسلام

مکان نشر: قم

ناشر: بضعه الرسول

نوبت چاپ: ۱

تاریخ نشر: ۱۳۸۱ ش

نویسنده:

زرگری نژاد - غلامحسین

کتابخانه: پژوهشکده باقر العلوم عَلَیْهِ السَّلَام

رده کتابخانه: تاریخ اسلام ۱۵ / ۱ / ۲

ریز موضوعات: ۲۹ - ۱۵ تولد، ازدواج با خدیجه، بعثت و دعوت پیامبر

۳۸: تاریخ تحلیلی اسلام ج ۲

مکان نشر: قم

ناشر: پاسدار اسلام

نوبت چاپ: ۱

تاریخ نشر: ۱۳۶۷ ش

نویسنده:

سید هاشم رسولی محلاتی

کتابخانه: سپاه پاسداران انقلاب

ریز موضوعات:

۱۸ - ۱۳ ازدواج پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ با خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام

۲۹ - ۱۸ سفر تجاری پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ برای

خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام

۴۷ - ۳۳ سن پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ و خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام هنگام ازدواج

۵۵ - ۵۱ عدم ازدواج پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ در حیات خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام

۶۰ - ۵۵ فضایل خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام

۳۹: تاریخ تحلیلی و سیاسی اسلام

مکان نشر: تهران

ناشر: دفتر نشر فرهنگ اسلامی

نوبت چاپ: ۱

تاریخ نشر: ۱۳۷۳ ش

نویسنده:

علی اکبر حسنی

کتابخانه: دانشگاه باقر العلوم عَلَيْهِ السَّلَام

ریز موضوعات:

۱۳۵ - ۱۳۲ ازدواج پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلهِ وَ سَلَّمَ با خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام

۴۰: تاریخ سیاسی اسلام

مکان نشر: تهران

ناشر: پیروز

نوبت چاپ: ۳

تاریخ نشر: ۱۳۶۲ ش

نویسنده:

قاضی شکیب - نعمت الله

کتابخانه: دفتر تبلیغات اسلامی

ریز موضوعات:

۱۶ - ۲ ازدواج پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلهِ وَ سَلَّمَ با خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام

۲۴ - ۱۷ خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام و فرزندان او

۴۱: تاریخ صدر اسلام

کتابخانه: پژوهشکده باقرالعلوم عَلَيْهِ السَّلَام

رده کتابخانه: تاریخ اسلام ۴ / ۱ / ۲

ریز موضوعات:

۱۹۲ - ۱۷۶ زندگی پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله وَ سَلَّمَ از تولّد تا ازدواج با خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام

۱۹۸ - ۱۹۳ ازدواج پیامبر و خدیجه

۲۹۳ - ۲۷۹ مقاومت مسلمین در شعب ابی طالب و رحلت ابوطالب و خدیجه

۴۲: تاریخ فقه و فقها

مکان نشر: تهران

ناشر: سمت

نوبت چاپ: ۲

تاریخ نشر: ۱۳۷۷ ش

نویسنده:

گر جی - ابوالقاسم

کتابخانه: پژوهشکده باقر العلوم عَلَیْهِ السَّلَام

رده کتابخانه: فقه ۳ / ۳ / ۲

ریز موضوعات:

۳۷ - ۳۰ آغاز دعوت پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله وَ سَلَّمَ و اولین مسلمانان (علی عَلَیْهِ السَّلَام، خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام)

۴۳: تاریخ مختصر اسلام

مکان نشر: تهران

ناشر: جامعه تعلیمات اسلامی

تاریخ نشر: ۱۳۲۷ ش

نویسنده:

میر خلیل نقوی

کتابخانه: آیه الله مرعشی نجفی

ریز موضوعات:

۱۳ - ۶ عربستان، پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ، خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام، بعثت

۴۴: تاریخ مقدس

مکان نشر: تهران

نوبت چاپ: ۱

تاریخ نشر: ۱۳۴۴ ق

نویسنده:

واشینگتن ارونیك آمریکایی و دیگران

کتابخانه: آستان قدس رضوی عَلَیْهِ السَّلَام

کتابخانه: آیه الله مرعشی نجفی

ریز موضوعات: ۴۶ - ۴۰ تجارت پیامبر و ازدواج با خدیجه

۴۵: تاریخنامه طبری ج ۱

مکان نشر: تهران

ناشر: نو

نوبت چاپ: ۱

تاریخ نشر: ۱۳۶۶ ش

نویسنده:

طبری - محمد بن جریر و دیگران

کتابخانه: پژوهشکده باقر العلوم

کتابخانه: آیه الله مرعشی نجفی

رده کتابخانه: تاریخ اسلام ۱ / ۲ / ۱

ریز موضوعات:

۳۱ - ۲۳ ازدواج پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ با خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام، ویرانی کعبه

۴۶: تاریخنامه طبری، ج ۳ تا ۱

مکان نشر: تهران

ناشر: نو

نوبت چاپ: ۲

تاریخ نشر: ۱۳۶۸

نویسنده:

ابوجعفر بن جریر طبری و دیگران

کتابخانه: ارشاد اسلامی قم

ریز موضوعات: ۲۶ - ۲۳ ازدواج پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ با خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام

۴۷: تحلیلی از تاریخ اسلام ج ۱

مکان نشر: تهران

ناشر: نهضت زنان مسلمان

تاریخ نشر: ۱۳۵۹ ش

نویسنده:

شهیدی - سید جعفر

کتابخانه: پژوهشکده باقر العلوم

رده کتابخانه: تاریخ اسلام ۲۳ / ۲ / ۲

ریز موضوعات:

۴۸ - ۴۲ ابوطالب و خدیجه، پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله وَ سَلَّمَ در مدینه

۴۸: تشخیص، تصمیمگیری و اقدام خواص در وقت لازم

مکان نشر: تهران

ناشر: مؤسسه فرهنگی هنری بشیر علم

نوبت چاپ: ۱

تاریخ نشر: ۱۳۷۷

نویسنده:

نیارئیس - سید مهدی

کتابخانه: پژوهشکده باقر العلوم عَلَيْهِ السَّلَام

ریز موضوعات:

۵۱ - ۴۹ خدیجه عَلَيْهِ السَّلَام و بعثت پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله وَ سَلَّمَ و جانبازی علی عَلَيْهِ السَّلَام در ليله المبيت

۴۹: جایگاه زن در اندیشه امام خمینی قدس سره

مکان نشر: تهران

ناشر: موسسه تنظیم و نشر آثار امام قدس سره

نوبت چاپ: ۱

تاریخ نشر: ۱۳۷۴ ش

نویسنده:

موسسه تنظیم آثار امام خمینی قدس سره

کتابخانه: دانشگاه باقر العلوم عَلَيْهِ السَّلَام

ریز موضوعات:

۴۸ - ۴۶ شخصیت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام و امام خمینی

۵۰: جایگاه زن در اندیشه امام خمینی قدس سره (تبیان آثار موضوعی هشتم)

مکان نشر: تهران

ناشر: مؤسسه نشر آثار امام خمینی قدس سره

نوبت چاپ: ۱

تاریخ نشر: ۱۳۷۴ ش

گرد آور: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام قدس سره و دیگران

کتابخانه: پژوهشکده باقر العلوم عَلَيْهِ السَّلَام

کتابخانه: پژوهشکده باقر العلوم عَلَيْهِ السَّلَام

رده کتابخانه: تربیتی ۳ / ۵ / ۱

رده کتابخانه: امام ۳ / ۳ / ۸

ریز موضوعات:

۵۳ - ۴۶ حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام، زینب و مریم از نظر امام خمینی

۵۱: جمال و کمال زن

مکان نشر: قم

ناشر: طلعه نور

نوبت چاپ: ۱

تاریخ نشر: ۱۳۷۸

نویسنده:

ابراهیمی - رحمت الله

کتابخانه: پژوهشکده باقرالعلوم علیه السلام

رده کتابخانه: تربیتی ۳ / ۵ / ۳۱

ریز موضوعات:

۱۷۴ - ۱۵۷ زنان نمونه (فاطمه علیها السلام، خدیجه، زینب علیها السلام، فضا، مریم)

۵۲: چشمه در بستر (تحلیل از زمان شناسی حضرت زهرا علیها السلام)

مکان نشر: قم

ناشر: حضور

نوبت چاپ: ۲

تاریخ نشر: ۱۳۷۵ ش

کتابخانه: پژوهشکده باقرالعلوم علیه السلام

رده کتابخانه: اهل بیت ۷ / ۱ / ۱۷

ریز موضوعات:

۲۲۴ - ۲۱۰ انس زهرا علیها السلام با پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، خدیجه علیها السلام، علی علیه السلام و فرزندان

۵۳: حضرت خدیجه علیها السلام

مکان نشر: تهران

ناشر: امیر کبیر

نوبت چاپ: ۳

تاریخ نشر: ۱۳۶۳ ش

نویسنده:

علی محمد علی دخیل و دیگران

کتابخانه: پژوهشکده باقرالعلوم

کتابخانه: آیه الله مرعشی نجفی

رده کتابخانه: شرح حال ۸ / ۲ / ۳

۵۴: حضرت فاطمه عَلَیْهَا السَّلَام

مکان نشر: تهران

ناشر: تربیت

نوبت چاپ: ۱

تاریخ نشر: ۱۳۷۹ ش

نویسنده:

ارفع - کاظم

کتابخانه: پژوهشکده باقرالعلوم عَلَیْهِ السَّلَام

رده کتابخانه: اهل بیت ۷ / ۳ / ۱۵

ریز موضوعات:

۱۷ - ۶ نامگذاری حضرت فاطمه زهرا عَلَیْهَا السَّلَام و دوران بارداری حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام

۵۵: حج

مکان نشر: باختران

ناشر: انتشارات جامعه مدرسین

نوبت چاپ: ۱

تاریخ نشر: ۱۳۶۵ ش

نویسنده:

محسن قرائتی

کتابخانه: پژوهشکده باقر العلوم

ریز موضوعات: ۱۷۲ - ۱۶۰ خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام

۵۶: حجاب مقدس ترین وسیله استحکام

مکان نشر: قم

ناشر: دارالنشر

نوبت چاپ: ۲

تاریخ نشر: ۱۳۶۴ ش

نویسنده:

حشمت الواعظین قمی - محمد تقی

کتابخانه: موسسه امام صادق عَلَیْهِ السَّلَام

ریز موضوعات

۱۶۱ - ۱۵۹ خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام بانوی نمونه صدر اسلام

۵۷: حوادث تاریخی

مکان نشر: تهران

ناشر: صدر

نویسنده:

لطف الله صافی

کتابخانه: آیه الله مرعشی نجفی

ریز موضوعات:

۶ - وفات ابوطالب و خدیجه علیها السلام ۳۸ - ۶۶

۵۸: حیات القلوب، ج ۲

مکان نشر: تهران

ناشر: جاویدان

نوبت چاپ: ۱

نویسنده:

علامه محمد باقر مجلسی

کتابخانه: آیه الله مرعشی نجفی

ریز موضوعات:

۱۰۴ - ۸۷ فضائل خدیجه علیها السلام ازدواج با پیامبر

۵۹: خدیجه شکوه زندگی

مکان نشر: قم

ناشر: نورالسجاد

نوبت چاپ: ۱

تاریخ نشر: ۱۳۸۱ ش

نویسنده:

کمالی نیا - محمد تقی و دیگران

کتابخانه: پژوهشکده باقر العلوم علیه السلام

ریز موضوعات:

۳۴ - ۲۲ پدر، مادر، خاندان خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام و حمایت از پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ

۵۶ - ۳۵ ازدواج خدیجه با پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ زمینه ها و چگونگی آن

۹۴ - ۷۷ خدیجه و بعثت پیامبر (قاسم، عبدالله، زینب، رقیه، ام کلثوم، فاطمه)

۶۰: خدیجه کبری عَلَیْهَا السَّلَام

مکان نشر: قم

ناشر: امید

نوبت چاپ: ۲

نویسنده:

محمد تقی کمالی نیا

کتابخانه: آستان قدس رضوی عَلَیْهَا السَّلَام

کتابخانه: آیه الله مرعشی نجفی

ریز موضوعات:

۳۱ - ۱۴ ضرورت بررسی زندگی خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام

۳۴ - ۳۲ همسران خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام قبل از محمد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ

۴۷ - ۳۵ آشنایی خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام با محمد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ

۵۳ - ۴۸ ملاک ارزیابی و انتخاب خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام

۹۷ - ۷۴ فرزندان خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام از پیامبر

۶۱: خدیجه کبری عَلَیْهَا السَّلَام

مکان نشر: قم

ناشر: امید

نوبت چاپ: ۲

نویسنده:

محمد تقی کمالی نیا

کتابخانه: آستان قدس رضوی عَلَیْهِ السَّلَام

کتابخانه: آیه الله مرعشی نجفی

ریز موضوعات:

ضرورت شناخت قهرمانان -

۱۳ - ۶

ضرورت بررسی زندگی خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام - ۳۱ - ۱۴

همسران خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام قبل از محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ - ۳۴ - ۳۲

آشنایی خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام با محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ - ۴۷ - ۳۵

ملاک ارزیابی و انتخاب خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام - ۵۳ - ۴۸

چهل سالگی محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ و دریافت پیام - ۷۳ - ۵۴

فرزندان خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام از پیامبر - ۹۷ - ۷۴

راز خدیجه - عَلَیْهَا السَّلَام و پیامبر ۹۸ - ۱۰۷

چهره ف - ۱۰۹ - ۱۲۳

۶۲: خصایص فاطمه عَلَیْهَا السَّلَام

مکان نشر: تهران

ناشر: عبدالله تهرانی

نوبت چاپ: ۱

تاریخ نشر: ۱۳۶۹ ش

نویسنده:

محمد باقر واعظ تهرانی

کتابخانه: آستانه حضرت معصومه عَلَیْهَا السَّلَام

ریز موضوعات:

۱۲۸ - ۱۲۲ فضایل خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام

۱۳۱ - ۱۲۸ اولاد خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام

۶۳: خلاصه تاریخ اسلام از پیدایش عرب ج

مکان نشر: تهران

ناشر: دفتر نشر فرهنگ اسلامی

نوبت چاپ: ۱

تاریخ نشر: ۱۳۷۳ ش

نویسنده:

سید هاشم رسولی محلاتی

کتابخانه: پژوهشکده باقر العلوم

ریز موضوعات:

۵۷ - ۵۲ ازدواج پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ با خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام

۵۸ - ۵۶ فرزندان و فضایل خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام

۶۴: خلاصه زندگانی فاطمه زهرا عَلَیْهَا السَّلَام

مکان نشر: تهران

ناشر: سازمان تحقیقات خود کفایی بسیج

نوبت چاپ: ۳

تاریخ نشر: ۱۳۷۸ ش

نویسنده:

شهیدی - جعفر

کتابخانه: پژوهشکده باقر العلوم عَلَیْهِ السَّلَام

رده کتابخانه: اهل بیت ۴۹ / ۳ / ۷

ریز موضوعات:

۱۸ - ۱۶ مرگ حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام و حضرت ابوطالب

۶۵: خورشید رسالت محمدی

مکان نشر: تهران

ناشر: موسسه الغدیر

تاریخ نشر: ۱۳۵۹ ش

نویسنده:

جعفریان - عزیز الله

کتابخانه: آیه الله مرعشی نجفی

ریز موضوعات:

۳۶ - ازدواج محمد صَلَّی اللهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ با خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام

۶۶: خون و خورشید

مکان نشر: تهران

ناشر: خیام

نوبت چاپ: ۱

تاریخ نشر: ۱۳۴۴ ش

نویسنده:

نعمت الله قاضی

کتابخانه: آستانه حضرت معصومه عَلَیْهَا السَّلَام

ریز موضوعات:

۲۱۹ - ۱۹۴ فاطمه عَلَیْهَا السَّلَام - خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام - عایشه

۶۷: داستان پیامبران، ج ۳

مکان نشر: تهران

ناشر: اسلامیه

نوبت چاپ: ۱

تاریخ نشر: ۱۳۵۹ ش

نویسنده:

علی قرنی گلپایگانی

کتابخانه: آیه الله مرعشی نجفی

ریز موضوعات:

۵۰۹ - ۵۰۰ فضائل خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام و فرزندان

۶۸: درسهایی از تاریخ تحلیلی اسلام، ج ۴

مکان نشر: تهران

ناشر: وزارت ارشاد اسلامی

نوبت چاپ: ۱

تاریخ نشر: ۱۳۷۲ ش

نویسنده:

سید هاشم رسولی محلاتی

کتابخانه: آیه الله مرعشی نجفی

ریز موضوعات: ۶۹ - ۲۹ وفات ابوطالب

و خدیجه

۶۹: در مکتب فاطمه علیها السلام

مکان نشر: تهران

ناشر: امیری

نوبت چاپ: ۶

تاریخ نشر: ۱۳۷۷ ش

نویسنده:

قائمی - علی

کتابخانه: پژوهشکده باقر العلوم علیه السلام

رده کتابخانه: اهل بیت ۱۵ / ۱ / ۷

ریز موضوعات:

۴۷ - ۲۸ خدیجه و محمد و خانواده و تربیت

۱۹۹ - ۱۸۹ صبر و تحمل حضرت فاطمه: وفات پیامبر، حضرت خدیجه

۷۰: دروس تاریخ اسلام دوره ۱

مکان نشر: قم

ناشر: دارالتبلیغ اسلامی

تاریخ نشر: ۱۳۸۸ ق

نویسنده:

صدر بلاغی

کتابخانه: دفتر تبلیغات اسلامی

ریز موضوعات:

۹۴ - ۸۲ حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام

۷۱: دلائل النبوه ج ۲

مکان نشر: تهران

ناشر: علمی و فرهنگی

نوبت چاپ: ۱

تاریخ نشر: ۱۳۶۱ ش

نویسنده:

احمد بن حسین بیهقی و دیگران

کتابخانه: پژوهشکده باقر العلوم

کتابخانه: آیه الله مرعشی نجفی

رده کتابخانه: اهل بیت ۶ / ۱ / ۲

ریز موضوعات:

۸۱ - ۷۷ وفات ابوطالب عَلَيْهِ السَّلَام و خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام

۷۲: رسول الله، محمد بن عبدالله

مکان نشر: تهران

ناشر: آیین

تاریخ نشر: ۱۳۵۵ ش

نویسنده:

محسن شفایی

کتابخانه: سپاه پاسداران انقلاب

ریز موضوعات: ۱۲۷ - ۱۲۲ خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام

۷۳: رمضان در آینه تاریخ

مکان نشر: قم

ناشر: مرکز نشر علوم دانشگاهی

نوبت چاپ: ۱

تاریخ نشر: ۱۳۷۳ ش

نویسنده:

محمد حسن پناهیان

کتابخانه: پژوهشکده باقر العلوم

ریز موضوعات:

۵۸ - ۵۳ خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام و پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ

۷۴: رمضان در تاریخ

مکان نشر: تهران

ناشر: قدر

تاریخ نشر: ۱۳۶۲ ش

نویسنده:

صافی - لطف الله

ریز موضوعات:

۷۹ - ۶۵ شخصیت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام

۷۵: روضه الصفا، ج ۲

مکان نشر: تهران

ناشر: علمی

نوبت چاپ: ۱

تاریخ نشر: ۱۳۷۳ ش

نویسنده:

محمد بن خاوند شاه بلخی و دیگران

کتابخانه: پژوهشکده باقر العلوم

کتابخانه: دانشگاه باقر العلوم عَلَیْهِ السَّلَام

رده کتابخانه: تاریخ اسلام ۳ / ۳ / ۱

ریز موضوعات:

۲۳۸ - ۲۳۴ مرگ ابوطالب و خدیجه و خزر جیان

۷۶: رویدادها ج ۳ مناسبت های ماه های قمری

ناشر: دبیرخانه مرکزی ائمه جمعه

نوبت چاپ: ۱

تاریخ نشر: ۱۳۷۰ ش

نویسنده:

دبیرخانه مرکزی ائمه جمعه

کتابخانه: پژوهشکده باقر العلوم

ریز موضوعات:

۴۲۰ - ۴۱۳ خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام

۷۷: ره توشه راهیان نور (ویژه ماه مبارک رمضان) ۱۴۱۹ ق - ۱۳۷۷ ش

مکان نشر: قم

ناشر: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه قم

نوبت چاپ: ۱

تاریخ نشر: ۱۳۷۷ ش

نویسنده:

استادی رضا و دیگران

کتابخانه: پژوهشکده باقر العلوم عَلَیْهِ السَّلَام

ریز موضوعات:

۱۰۲ - ۹۷ زندگی حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام

۷۸: ره توشه راهیان نور، (ویژه ماه مبارک رمضان) ۱۴۲۱ ق - ۱۳۷۹ ش

مکان نشر: قم

ناشر: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه قم

نوبت چاپ: ۱

تاریخ نشر: ۱۳۷۹ ش

تهیه: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم و دیگران

کتابخانه: پژوهشکده باقر العلوم عَلَیْهِ السَّلَام

ریز موضوعات:

۲۱۹ - ۲۰۹ فضایل و مقام و علاقه پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلهِ وَ سَلَّمَ و وفات حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام

۷۹: ریاحین الشریعه، ج ۲

مکان نشر: تهران

ناشر: دارالکتب الاسلامیه

نوبت چاپ: ۲

تاریخ نشر: ۱۳۶۴ ش

نویسنده:

محلاتی - ذبیح الله

کتابخانه: پژوهشکده باقر العلوم

کتابخانه: آیه الله مرعشی نجفی

رده کتابخانه: شرح حال ۸ / ۱ / ۱

ریز موضوعات:

- خدیجه کبری عَلَیْهَا السَّلَام ۲۰۲ - ۲۷۱

- ۲ ضرای خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام و مریم عَلَیْهَا السَّلَام ۲۷۱ - ۲۸۳

۸۰: زنان اسوه در قرآن

مکان نشر: تهران

ناشر: فردابه

نوبت چاپ: ۲

تاریخ نشر: ۱۳۸۰ ش

نویسنده:

اسلامی فرد - زهرا

کتابخانه: پژوهشکده باقر العلوم عَلَیْهِ السَّلَام

رده کتابخانه: شرح حال ۲۲ / ۲ / ۸

ریز موضوعات:

۱۴۲ - ۱۰۲ خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام و حضرت فاطمه عَلَیْهَا السَّلَام در قرآن

۸۱: زنان پیامبر اسلام

مکان نشر: تهران

ناشر: نشر محمد

نوبت چاپ: ۶

تاریخ نشر: ۱۳۶۸ ش

نویسنده:

عماد الدین حسین اصفهانی

کتابخانه: آستان قدس رضوی عَلَيْهِ السَّلَام

کتابخانه: آیه الله مرعشی نجفی

ریز موضوعات:

۳۱۸ - ۳۰۴ خدیجه عَلَيْهَا السَّلَام

۸۲: زنان مرد آفرین تاریخ

مکان نشر: تهران

ناشر: نبوی

نوبت چاپ: ۲

تاریخ نشر: ۱۳۷۶

نویسنده:

محمد مهدی اشتهااردی

کتابخانه: پژوهشکده باقر العلوم

کتابخانه: ارشاد اسلامی قم

رده کتابخانه: شرح حال ۳۶ / ۲ / ۸

ریز موضوعات: ۸۲ - ۷۹ حضرت خدیجه اولین زن پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آله وَ سَلَّمَ

۸۳: زنان نامدار در قرآن، حدیث و تاریخ

مکان نشر: تهران

ناشر: سازمان تبلیغات اسلامی

نوبت چاپ: ۱

تاریخ نشر: ۱۳۶۸ ش

نویسنده:

بهشتی - احمد

کتابخانه: پژوهشکده باقر العلوم

رده کتابخانه: شرح حال ۲۷ / ۲ / ۸

ریز موضوعات: ۲۹ - ۱۵ آمنه و خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام

۸۴: زن در زندگی پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ

مکان نشر: تهران

ناشر: شرکت چاپ و نشر بین المللی

نوبت چاپ: ۱

تاریخ نشر: ۱۳۸۳ ش

نویسنده:

صدر - بنت الهدی و دیگران

کتابخانه: پژوهشکده باقر العلوم عَلَیْهَا السَّلَام

رده کتابخانه: تربیتی ۴۴ / ۵ / ۳

ریز موضوعات:

۳۰ - ۱۸ اجمالی از زندگی فاطمه بنت اسد و خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام همسر پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ

۸۵: زندگانی حضرت محمد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ

مکان نشر: تهران

ناشر: انتشار

تاریخ نشر: ۱۳۴۰ ش

نویسنده:

سعیدی - سید غلامرضا

کتابخانه: آیه الله مرعشی نجفی

ریز موضوعات:

۱۸ - ۱۷ ازدواج رسول خدا با خدیجه

۸۶: زندگانی حضرت فاطمه علیها السلام

مکان نشر: تهران

ناشر: حافظ

تاریخ نشر: ۱۳۲۰ ش

نویسنده:

ابوالنصر - عمر و دیگران

کتابخانه: آیه الله مرعشی نجفی

ریز موضوعات:

۸ - ۲ خدیجه علیها السلام دختر خویلد

۳۹ - ۳۱ خدیجه علیها السلام در اخلاق و نسب و دارایی

۵۰ - ۴۰ زناشویی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم با خدیجه علیها السلام

۸۷: زندگانی صدیقه کبری فاطمه زهرا علیها السلام

مکان نشر: شیراز

ناشر: کاوه

تاریخ نشر: ۱۳۵۴ ش

نویسنده:

دستغیب - سید عبدالحسین

کتابخانه: آیه الله مرعشی نجفی

ریز موضوعات:

۱۰۳ - ۹۶ خدیجه نخستین زن مؤمنه

۸۸: زندگانی علی علیه السلام، ج ۱

مکان نشر: باختران

ناشر: چاپ اراک

نوبت چاپ: ۱

تاریخ نشر: ۱۳۲۰ ش

نویسنده:

علی اکبر خدیور محسنی

ریز موضوعات:

۳۰۹ - ۳۰۵ زنان پیامبر، خدیجه س، عایشه

۸۹: زندگانی فاطمه زهراء علیها السلام و زینب کبری علیها السلام

مکان نشر: شیراز

ناشر: کانون تربیت

نوبت چاپ: ۳

تاریخ نشر: ۱۳۶۵ ش

نویسنده:

سید عبدالحسین دستغیب

کتابخانه: پژوهشکده باقر العلوم

رده کتابخانه: اهل بیت ۵۴ / ۳ / ۷

ریز موضوعات:

۱۲۶ - ۱۰۲ آسیه، مریم، خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام و

فاطمه عَلَیْهَا السَّلَام

۹۰: زندگانی محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آله وَ سَلَّمَ

مکان نشر: تهران

ناشر: کتابفروشی علمی

نویسنده:

محمد حسنین هیکل و دیگران

کتابخانه: سپاه پاسداران انقلاب

کتابخانه: آیه الله مرعشی نجفی

ریز موضوعات:

۲۰۰ - ۱۷۳ خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام و پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آله وَ سَلَّمَ و فرزندان

۹۱: زندگانی محمد پیامبری که از نو باید شناخت

مکان نشر: تهران

ناشر: آسیا

نوبت چاپ: ۱

تاریخ نشر: ۱۳۴۳ ش

نویسنده:

کنستان ویرژیل کتورگیو و دیگران

کتابخانه: آستان قدس رضوی عَلَيْهِ السَّلَام

ریز موضوعات:

۵۲ - ۴۱ ازدواج با خدیجه عَلَيْهَا السَّلَام و بعثت

۹۲: زندگانی محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ پیامبر اسلام

مکان نشر: تهران

ناشر: اقبال

نوبت چاپ: ۱

تاریخ نشر: ۱۳۷۸ ش

نویسنده:

خلیلی - محمدعلی

کتابخانه: پژوهشکده باقر العلوم عَلَيْهِ السَّلَام

رده کتابخانه: اهل بیت ۲ / ۲ / ۷

ریز موضوعات:

۹۱ - ۷۶ چوپانی حضرت محمد، ازدواج با خدیجه و بازرگانی شام

۱۱۰ - ۱۰۴ بعثت پیامبر - ایمان خدیجه و امام علی، داستان زید

۱۷۵ - ۱۶۵ وفات ابوطالب و خدیجه، سفر طائف، ازدواج حضرت

۹۳: زندگی پیامبر اسلام از بعثت تا هجرت

مکان نشر: تهران

ناشر: فروغی

تاریخ نشر: ۱۳۳۸ ش

نویسنده:

خدیور محسنی - علی اکبر

کتابخانه: سپاه پاسداران انقلاب

ریز موضوعات:

۵۱ - ۴۱ خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام، امام علی عَلَیْهِ السَّلَام، زید بن حارثه

۳۲۹ - ۳۱۷ ابوطالب و خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام

۹۴: زندگی حضرت محمد خاتم النبیین

مکان نشر: تهران

ناشر: علمیه اسلامیة

تاریخ نشر: ۱۳۵۶ ش

نویسنده:

رسولی محلاتی - سید هاشم

کتابخانه: پژوهشکده باقر العلوم

کتابخانه: سپاه پاسداران انقلاب

رده کتابخانه: اهل بیت ۴ / ۲ / ۲

ریز موضوعات: ۲۱۹ - ۱۹۸ عمر و معراج و ابوطالب و خدیجه

۹۵: زندگی محمد پیامبر اسلام، ج ۱

مکان نشر: تهران

ناشر: کتابفروشی اسلامیة

تایخ نشر: ۱۳۴۷ ش

نویسنده:

ابن هشام و دیگران

کتابخانه: سپاه پاسداران انقلاب

ریز موضوعات:

۱۵۸ - ۱۵۴ ورقه بن نوفل - خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام

۲۷۷ - ۲۶۵ خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام، سفر پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلهِ وَ سَلَّمَ

به طائف

۹۶: زندگینامه خدیجه کبری و فاطمه علیهما السلام

مکان نشر: تهران

ناشر: بنیاد بعثت

تاریخ نشر: ۱۳۶۰ ش

نویسنده:

معروف الحسنی - هاشم و دیگران

کتابخانه: آیه الله مرعشی نجفی

ریز موضوعات:

کلمه اهل بیت - ۵۱ - ۲۳

تصريح بر امامت ائمه از طرف - ۶۲ - ۵۳

زندگی خدیجه - ۸۵ - ۶۵

فرزندان محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ از خدیجه - ۹۷ - ۸۶

تولد کودکی فاطمه عَلَیْهَا السَّلَام ۱۱۲ - ۹۹

هجرت فاطمه عَلَیْهَا السَّلَام به مدینه ۱۱۹ - ۱۱۳

ازدواج و زندگی علی عَلَیْهِ السَّلَام و فاطمه عَلَیْهَا السَّلَام - ۱۴۳ - ۱۲۰

مصحف فاطمه عَلَیْهَا السَّلَام - ۱۴۹ - ۱۴۴

فاطمه عَلَیْهَا السَّلَام در فتح مکه - ۱۶۰ - ۱۵۱

دفاع فاطمه عَلَیْهَا السَّلَام از خلافت علی عَلَیْهِ السَّلَام - ۲۰۶ - ۱۷۱

بیماری و شهادت فاطمه عَلَیْهَا السَّلَام - ۲۱۳ - ۲۰۷

هجرت فاطمه عَلَیْهَا السَّلَام به مدینه - ۱۱۹ - ۱۱۳

فاطمه عَلَیْهَا السَّلَام در رحلت محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ - ۱۶۹ - ۱۶۱

۹۷: زندگی سیاسی حضرت فاطمه زهرا عَلَیْهَا السَّلَام

ناشر: عابد

نوبت چاپ: ۱

تاریخ نشر: ۱۳۷۸ ش

نویسنده:

خفاوی - شهین و دیگران

کتابخانه: پژوهشکده باقر العلوم عَلَیْهِ السَّلَام

ریز موضوعات:

۵۸ - ۵۱ زندگانی حضرت خدیجه قبل از ازدواج با پیامبر و نقش او در تبلیغ اسلام

۹۸: زن و شوهر: ج ۲

مکان نشر: مشهد

ناشر: شهید هاشمی نژاد

نوبت چاپ: ۱

تاریخ نشر: ۱۳۷۱ ش

نویسنده:

محمد علی صفوی (زرافشان)

کتابخانه: آیه الله مرعشی نجفی

ریز موضوعات: ۲۸۵ - ۲۳۲ عروسی محمد و خدیجه علیها السلام

۹۹: ستارگان درخشان، ج ۱

مکان نشر: تهران

ناشر: اسلامیه

نوبت چاپ: ۶

تاریخ نشر: ۱۳۶۲ ش

نویسنده:

محمد جواد نجفی

کتابخانه: فیضیه

ریز موضوعات:

۵۸ - ۴۶ پیامبر و ازدواج با خدیجه علیها السلام

۱۰۰: سروش، ش ۱۵۴

مکان نشر: تهران

ناشر: صدا و سیما

نوبت چاپ: ۱

تاریخ نشر: ۱۳۶۱ ش

نویسنده:

گروهی از نویسندگان

کتابخانه: دفتر تبلیغات اسلامی

ریز موضوعات:

۰ - ۳۴ ازدواج پیامبر با خدیجه

۱۰۱: سلام بر خورشید، ج ۱

مکان نشر: تهران

ناشر: اطلاعات

نوبت چاپ: ۲

تاریخ نشر: ۱۳۷۴ ش

نویسنده:

سید علی اکبر حسینی

کتابخانه: دانشگاه باقر العلوم عَلَیْهِ السَّلَام

ریز موضوعات:

۱۹ - ۱۱ زندگی پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ و آشنایی با خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام

۳۰ - ۲۰ ازدواج پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ با خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام

۱۰۲: سلام در اسلام

مکان نشر: قم

ناشر: محمود ارگانی حائری

نوبت چاپ: ۱

تاریخ نشر: ۱۳۷۷ ش

نویسنده:

ارگانی حائری محمود

کتابخانه: پژوهشکده باقر العلوم عَلَیْهِ السَّلَام

ریز موضوعات:

۶۸ - ۶۵ سلام خداوند به یوسف عَلَیْهِ السَّلَام، اسماعیل عَلَیْهِ السَّلَام، خدیجه

۱۰۳: سیرت رسول الله، ج ۱

مکان نشر: تهران

ناشر: خوارزمی

نوبت چاپ: ۲

تاریخ نشر: ۱۳۶۱ ش

نویسنده:

ابن هشام متوفی ۲۱۸ و دیگران

کتابخانه: پژوهشکده باقر العلوم

رده کتابخانه: اهل بیت ۱ / ۲ / ۷

ریز موضوعات:

۴۱۸ - ۴۱۳ وفات خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام و ابوطالب

۱۰۴: سیره چهارده معصوم علیه السلام

مکان نشر: تهران

ناشر: مطهر

نوبت چاپ: ۴

تاریخ نشر: ۱۳۸۱ ش

نویسنده:

محمدی اشتهااردی - محمد

کتابخانه: پژوهشکده باقر العلوم علیه السلام

رده کتابخانه: اهل بیت ۱ / ۳ / ۱

ریز موضوعات:

چوپانی حضرت محمد، ازدواج با خدیجه، فرزندان پیامبر

۱۰۵: سیره صحیح پیامبر بزرگ اسلام ج ۲

مکان نشر: قم

ناشر: آزاد گرافیک

نوبت چاپ: ۱

تاریخ نشر: ۱۳۷۳ ش

نویسنده:

جعفر مرتضی عاملی و دیگران

کتابخانه: دانشگاه باقر العلوم علیه السلام

ریز موضوعات:

۲۷۱ - ۲۶۹ خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام و زینب دختر جحش

۱۰۶: سیری در تاریخ صدر اسلام

مکان نشر: تهران

ناشر: امیر کبیر

نوبت چاپ: ۱

تاریخ نشر: ۱۳۷۹ ش

نویسنده:

قنبری همدانی - حشمت الله

کتابخانه: پژوهشکده باقر العلوم عَلَیْهِ السَّلَام

رده کتابخانه: تاریخ اسلام ۱۸ / ۲ / ۲

ریز موضوعات:

۵۵ - ۴۹ خواستگاری، ازدواج حضرت محمد، حضرت خدیجه

۱۰۷: سیف الواعظین

مکان نشر: تهران

ناشر: عباسعلی ناصری

نوبت چاپ: ۱

نویسنده:

ناصری - عباسعلی

کتابخانه: سپاه پاسداران انقلاب

کتابخانه: آیه الله مرعشی نجفی

ریز موضوعات:

۲۰ - ۱۰ تولد پیامبر ازدواج با خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام

- و خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام ۲۰ - ۲۲

۱۰۸: سیمای زنان در آئینه زمان

مکان نشر: تهران

ناشر: حقایقی

نوبت چاپ: ۱

تاریخ نشر: ۱۳۵۵ ش

نویسنده:

محمد عباد زاده کرمانی

کتابخانه: دانشگاه باقرالعلوم عَلَیْهِ السَّلَام

کتابخانه: پژوهشکده باقرالعلوم

رده کتابخانه: ۴۱ / ۶ / ۳

ریز موضوعات:

۲۰۳ - ۱۹۹ خدیجه، فاطمه عَلَیْهَا السَّلَام، زینب عَلَیْهَا السَّلَام، معصومه عَلَیْهَا السَّلَام

۱۰۹: سیمای زنان فداکار صدر اسلام

مکان نشر: قم

ناشر: ناصر

نوبت چاپ: ۳

تاریخ نشر: ۱۳۷۰ ش

نویسنده:

سید علی اکبر صداقت

کتابخانه: دانشگاه باقر العلوم عَلَيْهِ السَّلَام

ریز موضوعات:

۸ - ۵ زندگی خدیجه عَلَيْهَا السَّلَام

۱۱۰: سیمای زنان در قرآن

مکان نشر: تهران

ناشر: شرکت سهامی انتشار

نوبت چاپ: ۹

تاریخ نشر: ۱۳۵۹ ش

نویسنده:

سید خلیل خلیلیان

کتابخانه: دانشگاه باقر العلوم عَلَيْهِ السَّلَام

ریز موضوعات:

۵۲ - ۴۸ خدیجه عَلَيْهَا السَّلَام، سمیه، سهله، فارعه

۱۱۱: شاهد ش ۹

مکان نشر: تهران

ناشر: بنیاد شهید

نوبت چاپ: ۱

تاریخ نشر: ۱۳۶۰ ش

نویسنده:

گروهی از نویسندگان

کتابخانه: پژوهشکده باقر العلوم

ریز موضوعات:

۰ - ۱۴ ازدواج پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ با خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام

۱۱۲: شرح حال و فضایل خاندان نبوت

مکان نشر: مشهد

ناشر: به نشر

نوبت چاپ: ۱

تاریخ نشر: ۱۳۷۹ ش

نویسنده:

ابن جوزی - یوسف بن قزاوغلی و دیگران

کتابخانه: پژوهشکده باقر العلوم عَلَیْهِ السَّلَام

رده کتابخانه: اهل بیت ۱ / ۲ / ۹

ریز موضوعات:

۴۲۵ - ۳۹۸ شرح حال حضرت خدیجه و فاطمه عَلَیْهَا السَّلَام

۴۰۳ - ۳۹۸ ازدواج حضرت خدیجه و فضایل و وفات آن حضرت

۱۱۳: شکوه زندگی

مکان نشر: باختران

ناشر: امید

نوبت چاپ: ۱

نویسنده:

محمد تقی کمالی

کتابخانه: دفتر تبلیغات اسلامی

ریز موضوعات:

۲۱ - ۱۴ ویژگی زندگی خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام

۳۱ - ۲۷ خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام پناهگاه زنان

۴۴ - ۳۵ چگونگی ازدواج خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام و پیامبر

۱۰۸ - ۹۸ زندگی دختران خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام و پیامبر

۱۱۴: شمع انجمن

مکان نشر: قم

ناشر: چاپخانه اسلامی

نوبت چاپ: ۱

تاریخ نشر: ۱۳۵۱ ش

نویسنده:

رضا علماء قمی

کتابخانه: آیه الله مرعشی نجفی

ریز موضوعات:

۵۹۲ - ۵۸۶ وفات خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام

۱۱۵: شهبانوی اسلام

مکان نشر: باختران

نوبت چاپ: ۱

تاریخ نشر: ۱۳۴۵ ش

نویسنده:

ایرج زندبگله (صفا علی)

کتابخانه: آیه الله مرعشی نجفی

ریز موضوعات:

۱۶ - ۱۱ خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام و تولد زهرا عَلَیْهَا السَّلَام

۱۱۶: صدیقه شهیده، زهرا عَلَیْهَا السَّلَام

مکان نشر: قم

ناشر: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم

نوبت چاپ: ۳

تاریخ نشر: ش

نویسنده:

سید عبدالرزاق موسوی مقرر و دیگران

کتابخانه: پژوهشکده باقر العلوم

رده کتابخانه: اهل بیت ۱ / ۳ / ۷

ریز موضوعات:

۲۷ - ۱۲ ازدواج پیامبر صَلَّی اللهُ عَلَیْهِ وَ آلهِ وَ سَلَّمَ با خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام

۱۱۷: صدیقه طاهره بانوی نمونه اسلام

مکان نشر: تهران

ناشر: هیأت فاطمیون تهران، نوید اسلام

نوبت چاپ: ۱

تاریخ نشر: ۱۳۶۴ ش

نویسنده:

عقیقی بخشایشی

کتابخانه: آیه الله مرعشی نجفی

ریز موضوعات:

۴۷ - ۳۶ پیامبر و خدیجه علیها السلام

۵۴ - ۴۸ فضایل خدیجه علیها السلام

۱۱۸: طبقات، ج ۱

مکان نشر: تهران

ناشر: نو

نوبت چاپ: ۱

تاریخ نشر: ۱۳۶۵ ش

نویسنده:

کاتب واقدی - محمد بن سعد و دیگران

کتابخانه: آیه الله مرعشی نجفی

ریز موضوعات:

۱۳۹ - ۱۲۶ فرزندان پیامبر و خدیجه علیها السلام

۱۱۹: طریق المؤمنین

مکان نشر: قم

ناشر: علمیه

نوبت چاپ: ۱

تاریخ نشر: ۱۳۶۵ ش

نویسنده:

عباس علی وحیدی منفرد

کتابخانه: آیه الله مرعشی نجفی

ریز موضوعات:

۲۷۹ - ۲۴۶ خدیجه بزرگترین روح اسلام

۱۲۰: طریق المؤمنین در بیان ارکان دین

مکان نشر: قم

ناشر: عباسعلی وحیدی منفرد

نوبت چاپ: ۲

تاریخ نشر: ۱۳۷۷

نویسنده:

وحیدی منفرد - عباسعلی

کتابخانه: پژوهشکده باقر العلوم علیه السلام

ریز موضوعات:

۲۹۱ - ۲۴۶ زندگانی حضرت خدیجه علیها السلام، عبدالمطلب و ابوطالب

۱۲۱: فاطمه الزهرا عَلَیْهَا السَّلَامُ از ولادت تا شهادت

مکان نشر: قم

ناشر: مرتضی

نوبت چاپ: ۳

تاریخ نشر: ۱۳۸۰ ش

نویسنده:

قزوینی - محمّد کاظم و دیگران

کتابخانه: پژوهشکده باقر العلوم عَلَیْهِ السَّلَام

رده کتابخانه: اهل بیت ۱۳ / ۱ / ۷

ریز موضوعات:

۱۷۸ - ۱۷۴ رحلت حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام

۱۲۲: فاطمه چه گفت؟ مدینه چه شد؟

مکان نشر: تهران

ناشر: سروش

نوبت چاپ: ۱

تاریخ نشر: ۱۳۸۱ ش

نویسنده:

زورق - محمّد حسن و دیگران

کتابخانه: پژوهشکده باقر العلوم عَلَیْهِ السَّلَام

رده کتابخانه: اهل بیت ۱۴ / ۱ / ۷

ریز موضوعات:

۱۸۷ - ۱۷۷ محمد و خدیجه قبل از بعثت

۱۲۳: فاطمه زهراء عَلَیْهَا السَّلَام

مکان نشر: تهران

ناشر: شرکت سهامی طبع کتاب

نوبت چاپ: ۲

تاریخ نشر: ۱۳۴۳ ش

نویسنده:

عماد زاده - حسین

کتابخانه دفتر تبلیغات اسلامی

ریز موضوعات:

۵۴ - ۲۲ اهل بیت و خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام

۱۲۴: فاطمه بر کرسی رهبری

مکان نشر: تهران

ناشر: روزبه

نوبت چاپ: ۱

تاریخ نشر: ۱۳۵۵ ش

نویسنده:

دین پرور - سید جمال الدین

کتابخانه: آیه الله مرعشی نجفی

رئز موضوعات:

۲۱ - ۹ شخصیت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام

۱۲۵: فاطمه زهراى عَلَیْهَا السَّلَام

مکان نشر: تهران

ناشر: کتابفروشى رجبى

تاریخ نشر: ۱۳۴۸ ش

نویسنده:

زندبگه - ایرج

کتابخانه: آیه الله مرعشى نجفى

رئز موضوعات:

۱۵ - ۷ خدیجه بانوى فداکار اسلام

۱۲۶: فاطمه زهرا عَلَیْهَا السَّلَام از ولادت تا شهادت

مکان نشر: تهران

ناشر: آفاق

نوبت چاپ: ۱

نویسنده:

قزوینى - سید محمد کاظم و دیگران

کتابخانه: پژوهشکده باقر العلوم

کتابخانه: آیه الله مرعشى نجفى

رده کتابخانه: اهل بیت ۱۳ / ۱ / ۷

ریز موضوعات:

۵۸ - ۴۴ ازدواج پیامبر با خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام

۱۴۶ - ۱۳۲ وفات خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام و کودکی

فاطمه عَلَیْهَا السَّلَام

۱۲۷: فاطمه زهرا عَلَیْهَا السَّلَام

مکان نشر: تهران

ناشر: سازمان تبلیغات اسلامی

نوبت چاپ: ۱

تاریخ نشر: ۱۳۶۷ ش

نویسنده:

سازمان تبلیغات اسلامی

ریز موضوعات:

۲۱ - ۱۱ پیامبر و ازدواج با خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام

۲۱ - ۱۸ مقام خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام

۱۲۸: فرهنگ فاطمیه (القبای شخصیتی حضرت زهرا عَلَیْهَا السَّلَام)

مکان نشر: اصفهان

ناشر: مرکز فرهنگی شهید مدرس

نوبت چاپ: ۱

تاریخ نشر: ۱۳۸۰ ش

نویسنده:

نیلی پور - مہدی

کتابخانہ: پژوهشکده باقر العلوم عَلَیْهِ السَّلَام

ردہ کتابخانہ: اہل بیت ۷ / ۱ / ۴

رئز موضوعات:

۲۶۷ - ۲۶۶ خدیجہ مادر حضرت فاطمہ عَلَیْهَا السَّلَام

۳۶۷ - ۳۶۶ خدیجہ مادر حضرت فاطمہ عَلَیْهَا السَّلَام

۱۲۹: فریاد یک رسالت

مکان نشر: قم

ناشر: دارالتبلیغ اسلامی

نویسنده:

محمد یوسف حریری

کتابخانہ: سپاہ پاسداران انقلاب

رئز موضوعات:

۳۳ - ۲۷ ازدواج پیامبر با خدیجہ عَلَیْهَا السَّلَام

۱۳۰: فہرست موضوعی تراجم

مکان نشر: قم

ناشر: کتابخانہ عمومی آیت اللہ مرعشی

نوبت چاپ: ۱

تاریخ نشر: ۱۳۷۱ ش

گرد آور: ایرانی قمی - اکبر و دیگران

کتابخانه: پژوهشکده باقر العلوم عَلَيْهِ السَّلَام

ریز موضوعات:

۲۶۵ - ۲۶۱ خدیجه، عایشه و زنان دیگر پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ (۲۸ عنوان)

به فارسی و عربی

۱۳۱: قصص الانبیاء

مکان نشر: تهران

ناشر: کتابفروشی اسلامیة

نوبت چاپ: ۱۰

نویسنده:

مولانا محمد جویری

کتابخانه: سپاه پاسداران انقلاب

ریز موضوعات:

۲۵۲ - ۲۵۲ داستان تزویج خدیجه عَلَيْهَا السَّلَام

۱۳۲: قصص قرآن، تاریخ انبیاء

مکان نشر: تهران

ناشر: صدوق

نوبت چاپ: ۷

تاریخ نشر: ۱۳۶۷ ش

نویسنده:

سید محمد باقر موسوی - اکبر غفاری

کتابخانه: پژوهشکده باقر العلوم

رده کتابخانه: اهل بیت ۲ / ۲ / ۸

ریز موضوعات:

۴۱۸ - ۴۱۶ وفات ابوطالب عَلَيْهِ السَّلَام و خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام هجرت

۱۳۳: کامل ج ۱ تاریخ بزرگ اسلام و ایران

مکان نشر: تهران

ناشر: علمی

نوبت چاپ: ۱

نویسنده:

عز الدین علی بن الاثیر و دیگران

کتابخانه: آیه الله مرعشی نجفی

ریز موضوعات:

۳۹ - ۳۴ ازدواج با خدیجه - حلف الفضول

۱۳۴: کتابی که باید خواند

مکان نشر: تهران

ناشر: چاپخانه پایا

نوبت چاپ: ۱

تاریخ نشر: ۱۳۴۴ ش

نویسنده:

بانو جلالی خمینی

کتابخانه: آیه الله مرعشی نجفی

ریز موضوعات:

۲۵ - ۲۳ ازدواج پیامبر و خدیجه

۹۸ - ۹۵ وفات ابوطالب علیه السلام و خدیجه

۱۳۵: کوثر س ۱ ش ۱

مکان نشر: قم

ناشر: آستان مقدسه حضرت معصومه علیها السلام

نوبت چاپ: ۱

تاریخ نشر: ۱۳۷۶ ش

صاحب امتیاز: آستانه مقدسه حضرت معصومه علیها السلام و دیگران

کتابخانه: پژوهشکده باقر العلوم علیه السلام

ریز موضوعات:

۳۳ - ۲۴ زندگی حضرت خدیجه علیها السلام، اوضاع اجتماعی زنان در عصر جاهلیت

۱۳۶: گلستان قرآن س ۴ ش ۹۵ پیاپی ۱۳۹ سال ۱۳۸۰

مکان نشر: تهران

ناشر: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

نوبت چاپ: ۱

تاریخ نشر: ۱۳۸۰

زیر نظر: مسجد جامعی - احمد

کتابخانه: پژوهشکده باقر العلوم علیه السلام

ریز موضوعات:

۲۲ - ۱۹ تأثیر حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام بر زندگی سیاسی پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ

۲۸ - ۲۷ روایت های تاریخ دربارهی ازدواج پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ و خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام

۳۰ - ۲۹ فرزندان حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام

۳۶ - ۳۲ فضیلت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام در گفتار بزرگان

۱۳۷: گنجینه های ویران

مکان نشر: قم

ناشر: دفتر تبلیغات

نوبت چاپ: ۱

نویسنده:

محمد عبایی خراسانی

کتابخانه: پژوهشکده باقر العلوم

ریز موضوعات:

۵۵ - ۴۹ ارقام، خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام، کلثوم بن هدم و پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ

۱۳۸: ماتمکده

مکان نشر: تهران

نوبت چاپ: ۱

تاریخ نشر: ۱۲۸۷ ق

نویسنده:

ملا محمد خراسانی

کتابخانه: آیه الله مرعشی نجفی

ریز موضوعات:

۱۳ - ۳ ظلم قریش بر پیامبر، خدیجه علیها السلام

۱۳۹: مادر نمونه اسلام

مکان نشر: قم

ناشر: امیر

نوبت چاپ: ۱

تاریخ نشر: ۱۳۵۴ ش

نویسنده:

غلامعلی رحیمیان

ریز موضوعات:

۱۳ - ۵ خدیجه علیها السلام، پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ، فاطمه علیها السلام

۱۴۰: مجالس الواعظین، ج ۳

مکان نشر: تهران

ناشر: اسلامیة

تاریخ نشر: ۱۳۵۴ ش

نویسنده:

محلاتی - ذبیح الله و دیگران

کتابخانه: آیه الله مرعشی نجفی

ریز موضوعات: ۱۲۸ - ۱۲۰ وفات خدیجه علیها السلام و بیعت با القادر

۱۴۱: مجموعه زندگانی چهارده معصوم

مکان نشر: تهران

ناشر: طلوع

نوبت چاپ: ۵

تاریخ نشر: ۱۳۴۸ ش

نویسنده:

عماد زاده - حسین

کتابخانه: پژوهشکده باقرالعلوم

ریز موضوعات:

۲۲۶ - ۲۱۳ خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام

۱۴۲: مُحَمَّدٌ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ پیامبر خدا

مکان نشر: باختران

ناشر: کتابفروشی صحافیان

تاریخ نشر: ۱۳۴۷ ش

نویسنده:

دنت - ای و دیگران

کتابخانه: آیه الله مرعشی نجفی

ریز موضوعات:

۴۵ - ۳۹ پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ و ریاست کاروان

خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام

۵۳ - ۴۷ ازدواج پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ با خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام
۵۳ - ۴۷ حل منازعه پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ با خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام

۱۴۳: مُحَمَّدٌ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ پیام آور آزادی، ج ۱

مکان نشر: تهران

ناشر: حکمت

تاریخ نشر: ۱۳۵۶ ش

نویسنده:

شرقاوی - عبدالرحمن و دیگران

کتابخانه: دفتر تبلیغات اسلامی

ریز موضوعات:

۷۶ - ۷۰ ازدواج پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ با خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام

۱۹۷ - ۱۹۴ وفات خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام و ابوطالب

۱۴۴: مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ

مکان نشر: تهران

ناشر: روزنامه آریان

تاریخ نشر: ۱۳۵۸ ش

نویسنده:

قدیمی رضوانی - ذبیح الله

کتابخانه: آیه الله مرعشی نجفی

ریز موضوعات:

- خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام ۱۸۹ - ۲۰۴

- خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام ۲۱۶ - ۲۲۸

۱۴۵: مُحَمَّدٌ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ بِيغْمَبِرِي كَهْ از نو باید شناخت

مکان نشر: تهران

ناشر: خواندنیها

نوبت چاپ: ۱

تاریخ نشر: ۱۳۴۲ ش

نویسنده:

کونستان ویرژیل کیورکیو و دیگران

کتابخانه: آستان قدس رضوی عَلَیْهِ السَّلَام

کتابخانه: آیت الله مرعشی نجفی

ریز موضوعات:

۳۸ - ۳۰ ازدواج مُحَمَّدٌ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ و خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام

۱۴۶: مُحَمَّدٌ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ بِيغْمَبِرِي شَنَاخْتَهْ شَدَه

مکان نشر: قم

ناشر: چاپ حکمت

نوبت چاپ: ۱

تاریخ نشر: ۱۳۴۴ ش

نویسنده:

محمد علی انصاری

کتابخانه: سپاه پاسداران انقلاب

کتابخانه: آیه الله مرعشی نجفی

ریز موضوعات:

۴۳ - ۲۹ ازدواج محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلهِ وَ سَلَّمَ با خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام

۱۴۷: محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلهِ وَ سَلَّمَ خاتم پیغمبران، ج ۱

مکان نشر: تهران

ناشر: حسینیه ارشاد

تاریخ نشر: ۱۳۴۷ ش

نویسنده:

گروهی از نویسندگان

کتابخانه: سپاه پاسداران انقلاب

کتابخانه: آیه الله مرعشی نجفی

ریز موضوعات:

۳ - ۹۲ خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام و ازدواج های پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلهِ وَ سَلَّمَ

- خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام ۳۸۴ - ۳۸۸

۱۴۸: محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلهِ وَ سَلَّمَ در شیرخوارگی و خردسالی

مکان نشر: باختران

تاریخ نشر: ۱۳۴۲ ش

نویسنده:

محمد شوکت التونی و دیگران

کتابخانه: آیه الله مرعشی نجفی

ریز موضوعات:

۹ - محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ و قافله سالاری خدیجه ۳۸۹

۵۲ - ۴۲۲ مراجعت مکه و ازدواج با خدیجه ۴

۱۴۹: مکتب انقلاب ش ۵

مکان نشر: تهران

ناشر: سپاه پاسداران

نوبت چاپ: ۲

تاریخ نشر: ۱۳۶۲ ش

نویسنده:

گروهی از نویسندگان

ریز موضوعات:

۰ - ۶۸ ازدواج پیامبر با خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام

۱۵۰: ناسخ التواریخ حضرت عیسیٰ عَلَیْهِ السَّلَام ج ۳

مکان نشر: تهران

ناشر: اسلامیه

نوبت چاپ: ۲

تاریخ نشر: ۱۳۶۳ ش

نویسنده:

محمد تقی سپهر

کتابخانه: پژوهشکده باقرالعلوم

رده کتابخانه: ادیان ۱ / ۴ / ۱

ریز موضوعات:

۵۱۴ - ۵۰۸ ابوطالب عَلَيْهِ السَّلَام، خدیجه عَلَيْهَا السَّلَام

۱۵۱: وفات حضرت فاطمه عَلَيْهَا السَّلَام

مکان نشر: قم

ناشر: خیام

نوبت چاپ: ۱

تاریخ نشر: ۱۳۶۱ ش

نویسنده:

سید عبدالرزاق موسوی مقرر و دیگران

کتابخانه: آستان قدس رضوی عَلَيْهِ السَّلَام

ریز موضوعات:

۲۲ - ۱۳ ازدواج پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ با خدیجه عَلَيْهَا السَّلَام

۱۵۲: همراه با پیامبران در قرآن

مکان نشر: قم

ناشر: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه قم

نویسنده:

طباره - عقیف عبدالفتاح و دیگران

کتابخانه: پژوهشکده باقرالعلوم عَلَيْهِ السَّلَام

رده کتابخانه: قرآن ۵ / ۵ / ۶

ریز موضوعات:

۵۴۱ - ۵۳۶ همسران پیامبر (خدیجه، سوده، عایشه، حفصه، ام حبیبه)

۱۵۳: همسران رسول خدا

مکان نشر: قم

ناشر: دارالتبلیغ اسلامی

نوبت چاپ: ۳

تاریخ نشر: ۱۳۵۲ ش

نویسنده:

عقیقی بخشایشی - عبدالرحیم

کتابخانه: جامعه الزهراء علیها السلام

ریز موضوعات:

۱۹ - ۱۳ خدیجه

۳۰ - ۲۶ سوده، عایشه - زینب بنت خدیجه

۱۵۴: یک بحثی تحلیلی و تاریخی درباره همسر

مکان نشر: قم

ناشر: دارالتبلیغ اسلامی

نوبت چاپ: ۳

تاریخ نشر: ۱۳۵۲ ش

نویسنده:

عقیقی بخشایشی

کتابخانه: دفتر تبلیغات اسلامی

ریز موضوعات:

۱۹ - ۱۳ خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام

۱۵۵: منابع الموده ج ۱

مکان نشر: تهران

ناشر: بوذرجمهری

نوبت چاپ: ۱

تاریخ نشر: ۱۳۵۷ ش

نویسنده:

سلیمان بلخی قندوزی حنفی و دیگران

کتابخانه: پژوهشکده باقرالعلوم

کتابخانه: آیه الله مرعشی نجفی

رده کتابخانه: اهل بیت ۱ / ۱ / ۷

ریز موضوعات:

۴۳۰ - ۳۹۷ پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ و فضایل خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام و فاطمه عَلَیْهَا السَّلَام

ب - محقق و نویسنده دلسوخته اهل البیت عَلَیْهِمُ السَّلَام حجه الاسلام و المسلمین، آقای حاج شیخ علی اکبر مهدی پور، مجموعه ای را در اختیارمان قرار داده اند، که به محضرعلاقه مندان به تحقیق دربارهی حضرت خدیجه تقدیم می نماییم.

کتابنامه حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام

الف؛ به عربی

۱. ام المؤمنین، خدیجه بنت خویلد / علی محمدعلی دخیل / بیروت / ۱۳۹۹ هـ.

۲. ام المؤمنین خدیجه بنت خویلد / عبدالمنعم محمد عمر / قاهره / ۱۹۸۲ م.
 ۳. خدیجه ام المؤمنین / احمد عبدالجواد الدومی / بیروت.
 ۴. خدیجه ام المؤمنین / بشینه توفیق / قاهره / ۱۹۵۵ م.
 ۵. خدیجه ام المؤمنین / ذوالفقار مهران / قاهره /
 ۶. خدیجه ام المؤمنین / عبدالله علایلی / بغداد /
 ۷. خدیجه ام المؤمنین / عبدالحمید محمد شاکر زهراوی / قاهره / ۱۹۸۲ م.
 ۸. خدیجه ام المؤمنین / ؟ / قاهره / ۱۹۵۵ م.
 ۹. خدیجه، اول ام للمؤمنین / احمد عبد المنعم عبدالسلام حلوانی / قاهره / ۱۹۶۹ م.
 ۱۰. خدیجه بنت خویلد / محمد عبدالغنی حسن / قاهره / ۱۹۶۲ م.
 ۱۱. خدیجه بنت خویلد / محمد علی قطب / بیروت / ۱۹۸۸ م.
 ۱۲. خدیجه زوجه الرسول / طه عبدالباقی سرور / قاهره / ۱۹۵۷ م.
 ۱۳. خدیجه الكبرى / عبدالستار بعاج / نجف اشرف / ۱۹۵۶ م.
- برای کودکان:

خدیجه بنت خویلد ام المؤمنین / مؤسسه اعلمی / بیروت / ۱۴۲۴ هـ.

ب؛ مقاله عربی:

۱۴. خدیجه / ام مریم / مجله الرائد / بُن / ش ۹۰ و ۹۱ / ۱۴۰۶ هـ.
۱۵. خدیجه بنت خویلد / مجله منار الاسلام / سال ۹ / ش ۱۰ / ۱۴۰۴ هـ.
۱۶. خدیجه بنت خویلد / محمد خلیفه تونسسی / مجله الكويت / ش ۵۴ / ۱۴۰۷ هـ.
۱۷. خدیجه الكبرى ام المؤمنین / هنا عبدالحمید / مجله رساله ی الجهاد / ش ۲۱ / ۱۹۸۴ م.

ج؛ به فارسی:

۱۸. خدیجه / دخیل / ترجمه دکتر فیروز حریر چی / تهران / ۱۳۶۱ ش.

د؛ مقاله:

۱۹. خدیجه بزرگ بانوی اسلام / مجله پیام انقلاب / سال ۳ / ش ۶۱ / ۱۳۶۱ ش.

۲۰. خدیجه، ملکه اسلام / جعفر سبحانی / مکتب اسلام / سال ۲ / ش ۱۱ / ۱۳۸۰ ه.

ه؛ ضمنی:

۲۱. ام سیده نساء العالمین / امتهات المعصومین / عبدالعزیز کاظم البهادلی / ص ۴۸ - ۶۸.

۲۲. خدیجه ابنه خویلد / سیر اعلام النبلاء / ذهبی / ج ۲ / ص ۱۰۹.

۲۳. خدیجه، اولی زوجات النبی / بول / دائره المعارف الاسلامیه / ج ۸ / ص ۲۳۴ / ۲۳۶.

۲۴. خدیجه بنت خویلد / اسدالغابه / ابن اثیر / ج ۵ / ص ۴۳۴ - ۴۳۹.

۲۵. خدیجه بنت خویلد / الاستیعاب / ابن عبدالبر / ج ۴ / ص ۲۷۹ - ۲۸۹.

۲۶. خدیجه بنت خویلد / الاصابه / ابن حجر / ج ۴ / ص ۲۸۱ - ۲۸۳.

۲۷. خدیجه بنت خویلد / اعلام النساء / کحاله / ج ۱ / ص ۳۲۶ - ۳۳۱.

۲۸. خدیجه بنت خویلد / اعیان النساء / محمدرضا حکیمی / ص ۱۰۵ - ۱۱۰.

۲۹. خدیجه بنت خویلد / تراجم اعلام النساء / اعلمی / ج ۲ / ص ۴۱ تا ۵۴.

۳۰. خدیجه بنت خویلد / تراجم سیدات بیت النبوه / عایشه بنت الشاطی / ص ۲۱۳ - ۲۳۸.

۳۱. السیده خدیجه / امتهات المعصومین / آیه الله شیرازی / ص ۵۳ - ۹۶.

۳۲. فضائل خدیجه / مقتل الحسین / خوارزمی / ج ۱ / ص ۴۱ - ۵۶.

و؛ ضمنی / به فارسی:

۳۳. خدیجه الکبری / لغتنامه / دهخدا / حرف خ / ص ۳۵۵.

۳۴. زندگانی ام المؤمنین خدیجه / ریاحین الشریعه / محلاتی / ج ۲ / ص ۲۰۲ - ۲۸۳.

در پایان، موارد دیگری را اشاره می‌نمایم

در دائره المعارف ها، همانند «دائرة المعارف تشیع» در لغت خدیجه و لغتنامه ها همانند «لغتنامه دهخدا» و کتب حدیث، همانند «بحار الانوار» علامه مجلسی و کتب تاریخ، که مربوط به دوره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می باشد، همانند ناسخ التواریخ و کتب تراجم همانند:

«اعیان الشیعه» در لغت خدیجه و «ریحانه الادب» (در لغت ام المؤمنین) و کتب رجال حدیث، همانند «تنقیح المقال» و «معجم رجال الحدیث»، درباره‌ی خدیجه کبری علیها السلام بحث و بررسی انجام گرفته است و علاوه بر اینها، کتابهای مستقل دیگری تألیف گشته و یا در ضمن کتابی مربوط به موضوعی گسترده، درباره‌ی حضرت خدیجه، فصلی قرار داده شده است که ذیلاً ذکر می‌نمایم.

۱ - الانوار الساطعه، من الغزأ الطاهره / غالب السیلاوی

۲ - خدیجه نخستین مسلمان و همسر پیامبر / رسیت هیلامازر / ۱۳۸۵ ش / ترکیه / به زبان انگلیسی

۳ - مثلهن الاعلی، خدیجه / عبدالله العلائلی / ۱۴۱۲ قمری / بیروت

۴ - الکوثر فی احوال فاطمه بنت النبی / موسوی / بخش مربوط به خدیجه

۵ - السیده خدیجه، رمز التضحیه / علی اصغر مدرسی / ۱۳۸۱ شمسی

۶ - المجموعه الكامله لمؤلفات العقاد / عباس محمود عقاد / بخش مربوط به خدیجه

۷ - عظماً الاسلام / شیخ محمد حسن قیسی عاملی / بخش مربوط به خدیجه

۹ - فصلنامه قرآنی کوثر / مجله / شماره ۲۰ سال ششم / ۱۳۸۵ ش

۱۰ - الذریه الطاهره

۱۱ - فروغ آسمان حجاز، خدیجه / علی کرمی فریدنی / چاپ دوم / ۱۳۸۳

۱۲ - نگاهی نو به زندگی درخشان خدیجه / علی کرمی فریدنی / ۱۳۸۵ ش

۱۳ - سرچشمه کوثر / علی اکبر مهدی پور / ۱۳۸۵ ش

۱۴ - شمع محفل طه / سید محمد حسن سجاد / علیرضا مهرپرور / ۱۳۸۵

مقاله هایی دربارهی حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام

اشاره

نویسندگان محقق و اندیشمند و دلسوخته خاندان رسالت و امامت، مقاله های ارزشمندی دربارهی حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام نوشته و منتشر نموده اند، که با تفاوت ها و تنوعهایی که از نظر انتخاب موضوعات مورد بحث و سبک نگارش و اجمال و تفصیل مطلب و ... دارد، می تواند نقش مؤثری در آگاهی نسبت به عظمت و شخصیت و فداکایهای آن حضرت داشته باشد.

بخشی از این مقاله ها، در مجله های معتبر منتشر گردیده و بعضی در ضمن کتابی دربارهی پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ و یا مجموعه ای دربارهی زنان برجسته و یا همسران رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ و ... درج گردیده است و هم اکنون، به منظور زمینه سازی برای آشنایی با زندگی و شخصیت حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام و دسترسی آسان به شماری از این مقاله ها که در کتابها و مجله های گوناگون منتشر گردیده، گزیده ای از این مقالات را در این یادواره، به محضر علاقه مندان به آن بانوی بزرگ تقدیم می نمایم و در بخش «کتابها و مقاله ها دربارهی حضرت خدیجه» آدرس و مشخصات شمار بسیاری از آثار منتشر شده دربارهی آن حضرت را در اختیار پژوهشگران علاقه مند قرار می دهیم.

مقاله اول

اشاره

استاد محقق و نویسنده عالیقدر و نامدار حضرت آیه الله حاج شیخ جعفر سبحانی دامت برکاته در کتاب بسیار نفیس و محققانه «فروغ ابدیت» در بخش نهم، قسمت قابل توجهی را به ازدواج پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ و حضرت خدیجه پرداخته اند، که هم اینک در اختیار علاقه مندان قرار می دهیم:

... کاروان «قریش» آماده حرکت شد، کالاهای بازرگانی «خدیجه» نیز در آن میان بود، در این هنگام «خدیجه» شتری راهوار

و مقداری کالای گرانها در اختیار وکیل خود گذارد و ضمناً به دو غلام خود دستور داد، که در تمام مراحل کمال ادب را به جا آورند و هر چه او انجام داد، ابداً اعتراض ننمایند و در هر حال مطیع او باشند.

بالاخره کاروان به مقصد رسید و همگی در این مسافرت سودی بردند، ولی پیامبر بیش از همه سود برد و چیزهایی نیز برای فروش در بازار «تهامه» خرید.

کاروان «قریش» پس از پیروزی کامل، راه مکه را پیش گرفت، جوان قریش در این سفر برای بار دوم از دیار عاد و ثمود گذشت، سکوت مرگباری که در محیط زندگی آن گروه سرکش حکمفرما بود، او را بیشتر به عوالم دیگر متوجه نمود، علاوه بر این، خاطرات سفر سابق تجدید شد، بیاد روزی افتاد که همراه عموی خود همین بیابانها را پشت سر می نهاد، کاروان قریش به مکه نزدیک شد، «میسره» رو به رسول خدا نمود و گفت:

چه بهتر شما پیش از ما وارد «مکه» شوید و «خدیجه» را از جریان تجارت و سود بی سابقه ای که امسال نصیب ما گشته است، آگاه سازید، پیامبر اکرم، در حالی که «خدیجه» در غرفه خود نشسته بود، وارد مکه شد، «خدیجه» به استقبال او دوید و او را وارد غرفه نمود؛ پیامبر با بیان شیرین خود جریان کالاها را تشریح کرد، چیزی نگذشت که «میسره» وارد شد.

(۴۸)

غلام «خدیجه» (میسره) آنچه را در این سفر دیده بود که تمام آنها بر عظمت و معنویت «محمد امین صَلَّی اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ» گواهی می داد برای خدیجه مو به مو تعریف کرد، از جمله اینکه: «امین» بر سر موضوعی

با تاجری اختلاف پیدا نمود، آن مرد به او گفت به «لات» و «عزی» سوگند بخور، تا من سخن تو را بپذیرم، «امین» در پاسخ او چنین گفت، پست ترین و مبغوض ترین موجودات پیش من همان لات و عزیزت که تو آنها را می پرستی (۴۹) و نیز میسره اضافه نمود که در «بصری» «امین» به منظور استراحت، زیر سایه درختی نشست، در چنین هنگام، چشم راهبی که در صومعه خود نشسته بود به امین افتاد و آمد از من نام او را پرسید سپس چنین گفت:

«این مرد که در زیر سایه این درخت نشسته است همان پیامبر است که در «تورات و انجیل» در باره او بشارت های فراوانی خوانده ام!» (۵۰)

خدیده بانوی اسلام

تا آن روز وضع مالی و اقتصادی رسول اکرم مرتب نشده بود و هنوز به کمک های مالی عمومی خود ابوطالب نیازمند بود، وضع کار و کسب او ظاهراً چندان ریشه دار نبود، که بتواند همسری انتخاب کند و تشکیل عائله دهد.

سفر اخیر وی به شام آن هم به طرز وکالت و نمایندگی از طرف یکی از زنان ثروتمند و سرشناس قریش (خدیده) تا حدی وضع مالی و اقتصادی او را تثبیت نمود، دلاوری و کاردانی جوان قریش مورد اعجاب خدیده قرار گرفت، حاضر شد که مبلغی را علاوه بر قرارداد، به عنوان جایزه بپردازد ولی «جوان قریش» فقط اجرتی را که در آغاز کار معین شده بود دریافت نمود و سپس راه خانه ابوطالب را پیش گرفت و آنچه در این راه به دست آورده بود، برای اینکه گشایشی در وضع زندگی ابوطالب به وجود آید؛ همه را در اختیار او گذارد.

عموی چشم به راه، با

دیدن برادر زاده خود که یادگار پدیر (عبدالمطلب) و برادر بود، اشک شوق در چشمان او حلقه زد و از پیروزی او در کار تجارت و سودی که عاید او گشته بود بسیار خوشحال گشت و حاضر شد که دو اسب و دو شتر در اختیار برادر زاده بگذارد، تا به شغل بازرگانی ادامه دهد و از طلا و نقره ای که در این سفر به دست آورده و همه را در اختیار عمو گذارده بود، همسری برای او انتخاب کند.

در چنین شرائط، رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم تصمیم قاطع گرفت که همسری به عنوان شریک زندگی انتخاب نماید. ولی چطور شد این قرعه به نام خدیجه افتاد، که قبلاً پیشنهاد ثروتمندترین و متنفذترین رجال قریش را، مانند عقبه بن ابی معیط و ابوجهل و ابوسفیان دربارهی ازدواج با خود، رد کرده بود و چه عللی پیش آمد که این دو شخص را که از نظر زندگی کاملاً مختلف بودند، به هم نزدیک کرد و آن چنان رابطه و الفت و محبت و معنویت میان آنان به وجود آورد، که خدیجه تمام ثروت خود را در اختیار محمد صلی الله علیه و آله و سلم گذارد و تجارتیکه دامنه آن به مصر و حبشه کشیده بود، در راه توحید و اعلاء کلمه حق مصرف گردید، خانه ای که اطراف آن را کرسیهای عاج نشان و صدف نشان پر کرده بود و حریرهای هند و پرده های زربفت ایران آرایش داده بود، بالاخره پناهگاه مسلمانان شد.

ریشه این حوادث را باید در تاریخ زندگی خدیجه پیدا نمود. چیزی که مسلم است اینست که: این نوع خدمات

و گذشت و فداکاری تا ریشه ثابت و پاک و معنوی نداشته باشد، به طور مسلم پیوسته نمی گردد.

صفحات تاریخ گواهی می دهد که این ازدواج معلول و مولود ایمان خدیجه به تقوی و پاکدامنی و عفت و امانت عزیز قریش بود و شرح زندگانی خدیجه و روایاتی که در فضیلت او وارد شده است، این مطلب را بیشتر روشن می نماید.

چون وی زنی پاکدامن و عفیف بود، همواره دنبال شوهر متقی و پرهیزگار می گشت و از این نظر پیامبر دربارهی وی فرمود: «خدیجه از زنان با فضیلت بهشت است» و اول کسی که از زنان به محمد صَلَّی اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ ایمان آورد، خدیجه بود.

امیر مؤمنان در خطبه ای که به غربت اسلام در آغاز بعثت اشاره می نماید، می فرماید:

خانواده مسلمانی در اسلام نبود، جز خانواده ای که از پیامبر و خدیجه تشکیل یافته بود و من سومین نفر آنها بودم (۵۱)

«ابن اثیر» می نویسد:

که تاجری «عفیف» نام، وارد مسجد الحرام شد و از اجتماع و عبادت یک جمعیت سه نفری کاملاً در شگفت مانده؛ دید وی با خدیجه و علی عَلَيْهِ السَّلَام مشغول نماز است، برگشت، با عموی پیامبر «عباس» ملاقات کرد و آنچه را دیده بود به وی گفت و از حقیقت امر پرسید، وی گفت:

پیشوای آن سه نفر مدعی نبوت و پیامبری و آن زن، همسر وی خدیجه است و نفر سوم فرزند برادرم علیست سپس افزود:

در روی زمین کسی را سراغ ندارم که پیرو این آیین باشد جز همین سه نفر. (۵۲) و تفصیل و نقل روایاتی در فضیلت او وارد شده است که از حوصله گفتار ما بیرونست چه بهتر به تفصیل عللی که

این حادثه تاریخی را به وجود آورد پردازیم.

علل ظاهری و باطنی این ازدواج

مردان مادی که همه چیز را از دریچه مادیگری مطالعه می کنند، پیش خود چنین تصور می کنند که: چون خدیجه ثروتمند و تجارت پیشه بود، برای امور تجارتي خود به یک مرد امین، بیش از هر چیزی نیازمند بود، از این لحاظ با محمد صلی الله علیه و آله و سَلَّمَ ازدواج نمود و محمّد نیز از وضع زندگی آبرومندان او آگاه بود با اینکه توافق سنی نداشتند؛ تقاضای او را پذیرفت.

ولی آنچه را تاریخ نشان می دهد اینست که محرک خدیجه برای ازدواج با امین قریش، یک سلسله جهات معنوی بود، نه جنبه های مادی، اینک شواهد ما:

۱ - هنگامی که از «میسره» سرگذشت سفر جوان قریش را می پرسد او کراماتی را که در طول این سفر از او دیده بود و آنچه را از راهب شام شنیده بود برای او نقل می نماید، «خدیجه» شوق مفرطی که سرچشمه آن علاقه به معنویت «محمد» صلی الله علیه و آله و سَلَّمَ بود، در خود احساس می کند و بی اختیار به او می گوید، میسره کافی است، علاقه مرا به محمد دو چندان کردی، برو، من تو و همسرت را آزاد کردم و دویست درهم و دو اسب و لباس گرانبهایی در اختیار تو می گذارم.

سپس آنچه را از «میسره» شنیده بود برای «ورقه بن نوفل» که دانای عرب بود، نقل می کند او می گوید:

صاحب این کرامات پیامبر عربیست (۵۳)

۲ - روزی «خدیجه» در خانه خود نشسته و دور او را کنیزان و غلامان گرفته بودند، یکی از دانشمندان «یهود» نیز در آن محفل بود، اتفاقاً «جوان قریش» از کنار منزل آنها گذشت و چشم

دانشمند «یهود» به پیامبر افتاد، فوراً از خدیجه در خواست نمود؛ که از «محمد» تقاضا کند از مقصد خود منصرف شود و چند دقیقه در این مجلس شرکت نماید، رسول اکرم صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلِّمْ؛ تقاضای دانای «یهود» را که مبنی بر نشان دادن علائم نبوت در بدن او بود پذیرفت، در این هنگام «خدیجه» رو به دانشمند «یهودی» کرد و گفت:

هر گاه عموهای او از تفتیش و کنجکاوی تو آگاه گردند، عکس العمل بدی نشان می دهند، زیرا آنان از گروه یهود به برادر زاده خود هراسانند. در این موقع، دانای «یهود» گفت: مگر می شود به محمد کسی صدمه ای برساند، در صورتی که دست تقدیر او را برای ختم نبوت و ارشاد مردم پرورش داده است «خدیجه» گفت:

از کجا می گویی که او حائز چنین مقام می شود؟ وی گفت:

من علائم پیامبر آخر الزمان را در تورات خوانده ام و از نشانه های او اینست که پدر و مادر او می میرند و جد و عموی وی، از او حمایت می نمایند و از «قریش» زنی را انتخاب می نماید که سیده قریش است، سپس اشاره به «خدیجه» نمود و گفت:

خوشا به حال کسی که افتخار همسری او را پیدا کند! (۵۴)

۳ - ورقه عموی خدیجه از دانایان عرب بود و اطلاعات فراوانی درباره ی کتب عهدین داشت و مکرر می گفت که:

مردی از میان «قریش» از طرف خدا برای هدایت مردم برانگیخته می شود و یکی از ثروتمندترین زنان قریش را می گیرد و چون «خدیجه» ثروتمندترین زنان قریش بود، از این لحاظ گاه و بیگاه به خدیجه می گفت:

روزی فرا رسد که تو با شریفترین مرد روی زمین وصلت می کنی!

شبی در خواب دید:

خورشید بالای مکه چرخ خورد و کم کم پایین آمد و در خانه او فرود آمده، خواب خود را برای ورقه نقل کرد وی چنین تعبیر نمود:

با مرد بزرگی ازدواج خواهی نمود و شهرت او عالم گیر خواهد شد.

اینها جریاناتیست که بعضی از مورخان و مرحوم علامه مجلسی (۵۵) نقل نموده اند و در بسیاری از کتب تاریخی نیز ثبت شده است.

مجموع اینها علل تمایل خدیجه را آفتابی می کنند، که این تمایل بیشتر مولود ایمان و اعتقاد به معنویت جوان قریش بود و اینکه امین برای تجارت او از دیگران مناسبتر است، شاید کمترین اثری در ایجاد این وصلت نداشته است.

کیفیت خواستگاری خدیجه

قدر مسلم اینست که پیشنهاد، ابتدا از طرف خود خدیجه شده است، حتی ابن هشام (۵۶) نقل می کند که خدیجه شخصاً تمایلات خود را اظهار کرد و چنین گفت:

عمو زاده! من بر اثر خویشی که میان من و تو برقرار است و آن عظمت و عزتی که میان قوم خود داری و امانت و حسن خلق و راستگویی که از تو مشهود است، جداً مایلم با تو ازدواج کنم. «امین قریش» او را پاسخ داد که، لازم است عموهای خود را از این کار آگاه سازد و با صلاحدید آنها؛ این کار صورت پذیرد.

بیشتر مورخان معتقدند که نفیسه دختر «علیه» پیام خدیجه را به پیامبر به طرز زیر رساند.

محمد! چرا شبستان زندگی خود را با چراغ همسر روشن نمی کنی، هر گاه من تو را به زیبایی و ثروت، شرافت و عزت دعوت کنم می پذیری؟ پیامبر فرمود:

منظورت کیست؟

وی «خدیجه» را معرفی کرد، حضرت فرمود:

آیا (خدیجه) به این کار حاضر می شود، با اینکه وضع

زندگی من با او فرق فاحش دارد؟

نقیسه گفت:

اختیار او در دست من است و من او را حاضر می‌کنم، تو ساعتی را معین کن، که وکیل او (عمرو بن اسد) (۵۷) با شما و خویشانتان دور هم گرد آمده و مراسم عقد و جشن برگزار شود.

رسول اکرم با عموی بزرگوار خود (ابوطالب) جریان را مذاکره کرد، مجلس با شکوهی که از شخصیت‌های بزرگ قریش را در برداشت، تشکیل گردید؛ نخست ابوطالب خطبه ای خواند که آغاز آن حمد و ثنای خداست و برادرزاده خود را چنین معرفی کرد:

برادر زاده من محمد بن عبدالله با هر مردی از قریش موازنه و مقایسه شود؛ بر او برتری دارد؛ او اگر چه از هر گونه ثروتی محروم است لکن ثروت سایه ایست رفتنی واصل و نسب چیز است ماندنی ... (۵۸)

چون خطبه ابوطالب مبنی بر معرفی قریش و خاندان هاشم بود در برابر آن، ورقه عموی خدیجه ضمن خطابه ای گفت:

کسی از قریش منکر فضل شما نیست، ما از صمیم دل می‌خواهیم دست به ریسمان شرافت شما بزنیم ...

عقد نکاح جاری شد و مهریه چهارصد دینار معین شد و بعضی گفته اند که مهریه بیست شتر بوده است.

مقاله دوم

اشاره

محقق عالیقدر و دل‌باخته اهل بیت عَلَیْهِمُ السَّلَام مرحوم آیت الله سید محمد کاظم قزوینی قدس سره در کتاب گرانسنگ «فاطمه الزهراء من المهد الی اللحد» که به وسیله نویسنده گرانمایه و عالیمقام، آقای حاج شیخ علی کرمی فریدنی دامت برکاته ترجمه شده، سه بخش را به مسائل مربوط به حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام اختصاص داده است که ذیلاً در اختیار علاقه مندان قرار می‌گیرد.

مام گرانمایه او

مام گرانمایه فاطمه عَلَیْهَا السَّلَام بانوی ارجمندیست به نام خدیجه.

بانویی سپید چهره و نورانی و بلند قامت و زیبا، که در میان جامعه و مردمش پر شرافت و سخت محترم بود و در کارهایش اندیشور و بسیار خردمند. از هوشمندی و درایت بهره ای بسیار داشت و در امور و شئون، از بینشی ژرف و فراوان برخوردار بود.

در پرتو استقلال فکر و عمل و اعتماد به نفس خویش می‌زیست و به برکت مغز متفکر و هوشمند خود چرخهای امور

اقتصادی و تجاری گسترده خویش را به حرکت می آورد و به اصول و مبانی و مقررات صادرات و واردات و مدیریت شایسته اقتصادی آگاه بود.

اینها همه از صفات شایسته و ویژگی های آن بانوی بزرگ به عنوان یک انسان شریف و یک زن با شخصیت بود.

اما صفات برجسته او به عنوان یک همسر و برای زندگی مشترک.

بانویی بود که هزاران هزار، از ثروت و دارایی خویش را به شوی گرانقدرش بخشید، تا به هر صورتی که می خواهد و می پسندد در آن تصرف نماید و بی هیچ تردیدی دارایی هنگفت و سرمایه عظیم تجاری و اقتصادی این بانوی هوشمند و فداکار در پیشرفت و استواری اسلام نقش اساسی داشت.

چرا که اسلام در آن مرحله از حیاتش، در حال

شکل گرفتن و قدرت یافتن بود و نیاز شدیدی به ثروت و امکانات اقتصادی و زندگی داشت و خداوند بر اثر درست اندیشی و اخلاص آن بانو، این افتخار را به او داد که دارایی و امکانات تجاری و مالی اش را برای اسلام مهیا ساخت و با تأمین نیاز اقتصادی اسلام، در آن مرحله حساس، هدف پیامبر نیز که پیشرفت اسلام بود به طور عملی تحقق یافت و پایه های آن، استوار گردید.

به همین جهت است که پیامبر فرمود:

هیچ ثروتی همانند ثروت «خدیجه» برای اهداف بلند من سود بخش و مفید نیفتاد.

مَا نَفَعَنِي مَالٌ قَطُّ مِثْلَ مَا نَفَعَنِي مَالُ خَدِيجَةَ

پیامبر گرامی با بهره گیری از ثروت «خدیجه» وام و امداران را می پرداخت و بردگان را آزاد می نمود و به درماندگان کمک می کرد و بار را از دوش آنان بر می داشت و در رخدادهای ناگوار زندگی، از آن به هر اندازه لازم بود مصرف می کرد و زیر بال محرومان را می گرفت و هنگامی که در مکه بود به یاران بینوای خویش کمک می کرد و پول و امکانات لازم برای هجرت مهاجران را می پرداخت.

پیامبر در زمان حیات این بانوی فداکار آنچه صلاح می دانست از دارایی او هزینه می کرد و پس از رحلت او نیز باقیمانده ثروتش را، او و فرزندانش به ارث بردند. (۵۹)

و درست به همین جهت است که سخن جاودانه پیامبر مفهوم روشن خویش را پیدا می کند که فرمود:

اسلام پس از جاذبه و معنویت خود، تنها با شجاعت و شهامت و شمشیر عدالت علی و دارایی خدیجه بر پای ایستاد و استواری یافت.

مَا قَامَ وَلَا اسْتَقَامَ الدِّينُ إِلَّا بِسَيْفِ عَلِيٍّ وَمَالِ خَدِيجَةَ

نام بلند آوازه او

زندگی و همگامی

و همراهی این بانوی بزرگ و فداکار با پیامبر، در طول همه زندگی مشترک، در خور هر گونه تحسین و تکریم است.

به همین دلیل است که پیشوای بزرگ توحید، هر گاه پس از رحلت او نیز از وی و نام بلند آوازه اش یاد می کرد، یا نامش به میان می آمد، با همه وجود برای او طلب آمرزش می کرد و قلب مصفاً یش به یاد او می شکست و چه بسا که قطرات اشک دیدگانش، در اندوه فقدان آن یار مهربان و همسنگر و پشتیبان فداکار و هوشمند، بر گونه هایش می غلتید و فرو می ریخت.

روزی آن گرانمایه عصرها و نسلها، از خدیجه، همانند همیشه با عظمت و احترام بسیار یاد کرد که عایشه گفت:

ای پیامبر خدا! او بانویی سالخورده و از کار افتاده بود و خداوند بهتر از او را به شما داده است! پیامبر فرمود:

«هرگز این گونه که تو می پنداری نیست. خدا بهتر از او را به من نداده است، چرا که او هنگامی به من ایمان آورد، که مردم به من کفر ورزیدند و زمانی مرا تصدیق کرد، که مردم دروغگویم شمردند و آنگاه او مرا در ثروت و دارایی هنگفت خویش شریک ساخت، که مردم مرا از ثروت خویش محروم ساختند و خدا فرزندان از آن بانوی پاک و فداکار به من ارزانی داشت و از دیگر زنان، فرزندی به من ارزانی نداشت و یا طبق خواست حکیمانه اش باقی ن نهاد.»

پیامبر و پیمان زندگی مشترک

درست ۲۵ بهار از عمر گرانبها و پر برکت پیامبر می گذشت، که با بانوی چهل ساله ای به نام «خدیجه» که برترین بانوی روزگار خویش بود، پیمان زندگی مشترک را امضاء کرد و فصل جدیدی در زندگی اش

آغاز شد.

برخی سن و سال خدیجه، آن بانوی هوشمند و پاک را ۲۶ و ۲۸ سال نیز نوشته اند، اما مشهورترین دیدگاه، همان است که او به هنگام ازدواج با پیامبر، ۴۰ بهار از عمرش می گذشت.

برخی بر آنند که «خدیجه» پیش از پیمان زندگی مشترک با پیامبر، دو بار ازدواج کرده و همسرانش یکی پس از دیگری از دنیا رفته بودند و برخی نیز بر این اندیشه اند که او تا هنگام ازدواج با پیامبر دختر و ازدواج نکرده بود.

ازدواج پیامبر با «خدیجه» شباهتی به ازدواج های شناخته شده نداشت، بلکه در نوع خود بی نظیر و دارای ویژگی هایی بود، چرا که این پیوند مبارک و مقدس، نه ثمره عشق زودگذر و دوستی بی پایه و اساس بود و نه برخاسته از انگیزه های مادی یا دیگر امور و اغراض و اهداف رایج، که در ازدواج چهره های مشهور و سرشناس دنیا وجود دارد.

و نیز هدف های سیاسی نیز در امضاء و تشکیل این زندگی مشترک و ساختار آن، نقشی نداشت.

افزون بر اینها، زندگی و شرایط اقتصادی پیامبر و «خدیجه» نیز با یکدیگر تناسبی نداشت و میان آنان فاصله بسیاری بود، چرا که پیامبر خود دارای ارزشهای مادی و امکانات اقتصادی نبود و همانگونه که دوران کودکی راتحت سرپرستی و کفالت عموی گرانقدر خویش زندگی کرده بود، باز هم با او می زیست، امّا «خدیجه» ثروتمندترین و بی نیازترین زن در مکه و جهان عرب بود.

به همین جهت فاصله زیادی میان سطح زندگی پیامبر و ثروتمندترین بانوی عرب می نگریم، اما آن بانوی خردمند شنیده بود و خوب می دانست که آینده درخشان و بسیار امید بخشی در انتظار پیامبر است.

شاید این واقعیت را از غلام

هوشمند خویش «میسره» دریافته بود، که در سفر اقتصادی پیامبر با کاروان تجارتي «خدیجه» به سوی دمشق، همسفر پیامبر بود و نشانه های بسیاری از شکوه و عظمت و درایت و امانت و اقتدار را در او دیده و همه را ضمن تقدیم گزارش کار به بانوی خردمند حجاز، گزارش نموده بود، یا اینکه پیشگویی آن راهب و عابد دیر «بصری» در منطقه شام، در مورد آینده شکوهبار «محمد» به گونه ای به گوش «خدیجه» رسیده بود و او نیز در پرتو ژرف نگری و الهام قلبی خویش، به آن آینده درخشان دل بسته بود.

بر این اساس بود که بانوی پر شرافت حجاز، برنامه پیوند با پیامبر را تهیه نمود و خود با قداست و هوشمندی ویژه اش، سخن را در مورد آن مطلب، با پیامبر آغاز کرد و از آن حضرت تقاضا نمود که گام به پیش نهد و از راه پدرش «خویند» یا عمویش از او خواستگاری نماید، اما پیامبر با وجود پیشگامی بهترین و ثروتمندترین بانوی جهان عرب برای پیوند با او، بهتر می دید که با بانویی که از نظر اقتصادی و مادی با او هماهنگ باشد زندگی مشترک را آغاز کند و به همین دلیل هم از «خدیجه» پوزش خواست و به او پاسخ مثبت نداد.

اما از آنجایی که «خدیجه» بانویی خردمند و دوراندیش و آگاه و با فضیلت بود، در برابر دلیل پاسخ منفی پیامبر به ازدواج با او گفت:

«آیا کسی که تصمیم گرفته است خویشتن را به پیامبر ببخشد و جان ناقابل را فدای او کند، برای او مشکل است که ثروت و دارایی خویش را نیز بر او ببخشد و هر

آنچه دارد همه را نثار قدم دوست کند؟»

و با این دیدگاه بود که از پیامبر تقاضا نمود، تا عموهای خویش را به خانه پدرش «خوینلد» گسیل دارد و به طور رسمی از او خواستگاری کند.

عموهای پیامبر پس از شنیدن این خبر شادی بخش، که در نوع خود بی نظیر بود، شگفت زده شدند و عمه های آن حضرت نیز با شنیدن خبر این پیشنهاد از سوی بانوی حجاز، در بهت و حیرت فرو رفتند، چرا که به راستی هم، رخداد شگرفی بود!

بانویی که هزاران هزار دینار، ثروت و امکانات در اختیارش بود و ده ها و صدها کارگزار و کارمند از برکت سود سرشار کاروانهای تجاری او - که در فصل های گوناگون سال، میان «یمن» و «مکه» از یکسو و «مکه» و «دمشق» از سوی دیگر در حرکت بود - زندگی می کردند، بانویی که دارایی و امکانات گسترده اش، لحظه به لحظه در حال پیشرفت و توسعه بود، بانویی که بزرگان و سرشناسان و قدرتمندان روزگار از او خواستگاری نموده و به همه پاسخ منفی داده بود، اینک چگونه دل در گرو مهر مقدس و عشق پاک و پر معنویت جوانی نهاده است، که از ارزشهای مادی و زرق و برق روزگار، چیزی ندارد و در کنار عموی گرانقدر خویش ابوطالب زندگی می کند؟

راستی بانوی حجاز چگونه از او تقاضای ازدواج نموده و از آن حضرت خواسته است که این افتخار را به او بدهد و بپذیرد؟ چگونه؟!

آیا این گزارش درست است و به راستی حقیقت دارد؟

عمه پیامبر «صفیه» دخت بزرگوار «عبدالمطلب» برخاست و به سوی اقامتگاه «خدیجه» رفت، تا در این مورد تحقیق و بررسی نماید و آنگاه که با

بانوی حجاز دیدار کرد و با او روبرو شد به طور شگفت انگیزی با خوش آمد گویی و احترام و تکریم او روبرو شد و آمادگی او را با همه وجودش دریافت و دید، آری بهترین و هوشمندترین و ثروتمندترین بانوی عرب، آماده امضاء پیمان زندگی مشترک با والاترین جوان عرب می باشد.

خردمندترین بانوی عرب در آستانه نیک بختی

«صفیه» پس از دیدار با بانوی حجاز و اطمینان از درستی خبر، به سوی برادرانش بازگشت و حقیقت را با آنان در میان نهاد.

عموهای پیامبر پس از دریافت صحّت گزارش، شادمان شدند، اما شادمانی آنان با نوعی بهت و حیرت همراه بود.

چرا که «خدیجه» بانوی بزرگی بود که قدرتمندان و اشراف و امیران عرب به خواستگاریش شتافته بودند و او آنان را همشأن و همتای خویش ندیده و دست رد بر سینه همه آنان زده بود.

اینک چه انگیزه ای او را بر آن داشته است که دل در گرو عشق مقدّس جوانمردی نهد که از زرق و برق و ارزش و امکانات مادی و مالی، نه زر و سیمی دارد و نه از زمین پهناور خدا، یک وجب خاک را مالک است؟!

عموهای پیامبر برخاستند و به اقامتگاه بانوی حجاز شتافتند و او را از پدرش «خویلد» یا عمویش، برای پیامبر خواستگاری کردند.

پدرش در برخورد نخست، پاسخ مثبت نداد، اما به اشاره دخترش با آن پیوند موافقت کرد.

موضوع مهریه پیش آمد و اینک باید مهریه ای در خور مقام و موقعیت بانوی بزرگ حجاز، از سوی پیامبر تقدیم گردد، اما از کجا و چگونه؟ و چه کسی می تواند این مبلغ سنگین و در خور شخصیت و موقعیت «خدیجه» را تقدیم دارد؟

درست

در این لحظات بود که، دگر باره بانوی حجاز به کار جالب و شگرفی دست زد و با هدیه نمودن چهار هزار دینار به پیامبر، از آن گرانمایه جهان هستی تقاضا کرد که آن را به عنوان مهریه به پدرش «خویند» پردازد، گرچه در یک روایت آمده است که جناب «ابوطالب» مهریه را با سرفرازی و شادمانی از اموال خویش تقدیم داشت و پیمان زندگی مشترک به امضاء رسید.

آری، با اینکه بانوی خردمند حجاز به ارزشهای والای اخلاقی و انسانی بهاء می دهد و در راه به دست آوردن شرافت و کرامت، ارزشهای مادی را فدا می کند.

با این وصف پدرش «خویند» از این اندیشه بلند بی بهره است و این اختلاف دیدگاه را تنها میان این پدر و دختر نمی نگریم، بلکه این نا هماهنگی در اندیشه و این دو طرز تفکر میان پدران و فرزندان و میان دو برادر و دو همسر و پدر و فرزند نیز، هم در روزگاران گذشته و هم در جهان معاصر، بسیار فراوان است.

به هر حال، جریان به خوبی پیش رفت، اما رخدادی بی سابقه و بی نظیر و بهت آور بود.

در میان عرب کسی به خاطر نداشتن که زنی خود مهریه اش را به همتای زندگی اش هدیه کند.

به همین جهت جای شگفت ندارد که حس حسادتورزیِ ابوجهل فوراً ن کند و آتش حسد در دل او زبانه کشد و فریاد زند که:

هان ای مردم! ما دیده بودیم که مردان مهریه زنان را می پردازند، اما ندیده بودیم که زنان مهریه خویش را به مردان زندگی آینده خویش هدیه کنند و ابوطالب، فرزانه عرب پر خاشگرا نه به او پاسخ داد که:

«مردک کم خرد و پست، چه می گویی؟»

به جوانمردی همانند «محمد» هم دختر می دهند و هم مهریه اش را خود هدیه می کنند، اما مردک کم خردی چون تو، اگر هدیه هم تقدیم داری، پذیرفته نمی شود و پاسخ مثبت نخواهی شنید.»

و بنا بر روایتی، او را این گونه سرزنش کرد:

«اگر خواستگار همانند برادرزاده سرفراز من باشد، او را به بالاترین و گرانبهاترین قیمت ها می برند و پرشکوه ترین مهریه ها را به او هدیه می دهند. اما اگر بسان تو باشد، با مهریه سنگین هم نمی تواند با زنی شایسته ازدواج کند.»

این پیوند مبارک به بهترین صورت تحقق پذیرفت و پیامبر به تقاضای «خدیجه» به اقامتگاه او گام نهاد.

از آن لحظات بیاد ماندنی بود که دیگر «خدیجه» همواره احساس می نمود که نیکبختی در کامل ترین شکل ممکن به او روی آورده و خورشید خوشبختی اش طلوع نموده است، چرا که او به بزرگترین آرزوی خویش - یعنی ازدواج با پیامبر - رسیده بود.

بانوی بزرگ حجاز در این زندگی مشترک، پسرانی به دنیا آورد که همگی آنان در کودکی از دنیا رفتند و دخترانی به نامهای «زینب» و «ام کلثوم» و «رقیه» و «فاطمه» به او و پیامبر ارزانی شد، که کوچکترین، اما برترین و پرشکوه ترین آنان فاطمه عَلَیْهَا السَّلَام بود.

مورخان در مورد دو دختر او، «زینب» و «ام کلثوم» دیدگاه متفاوتی دارند برخی بر این اندیشه اند که آن دو، از ثمرات شیرین این پیوند مقدس نیستند. اما درست اینست که این دو تن نیز، فرزندان پیامبرند. (۶۰)

دوری از بار مهربان

در روایت آمده است که:

فرشته وحی بر پیشوای بزرگ توحید فرود آمد و گفت:

ای «محمد»! خداوند بلند مرتبه درودت می فرستد و به تو دستور می دهد که به مدت چهل شبانه روز از همسرت «خدیجه» دوری گزینی.

این فرمان

بر پیامبر گران آمد، چرا که او آن بانوی خردمند و باایمان را بسیار دوست می داشت.

آن حضرت با وجود عشق و علاقه فراوان به «خدیجه»، فرمان خدا را به جان خرید و این مدت چهل شبانه روز را، شب ها به نیایش و عبادت و روزها به روزه داری کمر بست و به «خدیجه» نیز به وسیله عمار پیام فرستاد که:

«هرگز چنین مپنداری که دوری گزیدن از تو، به خاطر بی توجهی و یا کدورت و ناراحتی است، بلکه حقیقت اینست که پروردگرم مرا به این کار فرمان داده است و من تنها به انجام دستور می اندیشم. از این رو این دوری گزیدن را جز به نیکی و خیر نسبت به من گمان نداشته باش، چرا که خداوند هر روز چندین مرتبه، به وجود شایسته تو بر فرشتگان گرانمایه اش مباحث می کند».

از این رو هنگامی که شب فرا می رسد در را ببند و برای استراحت به بستر خویش درآی و آگاه باش که من نیز در خانه «فاطمه بنت اسد» هستم.

هنگامی که پایان چهلمین روز فرا رسید، فرشته وحی بر پیامبر فرود آمد و گفت:

هان ای «محمد!» خدای بلند مرتبه درودت می فرستد و فرمان می دهد که خویشتن را برای دریافت تحیت و ارمغان او آماده سازی.

غذای بهشت

پیامبر از فرشته وحی پرسید:

ارمغان پروردگار جهانیان چیست؟

«جبرئیل» گفت:

من نمی دانم.

پیامبر آماده بود که «میکائیل» فرود آمد و طبقی را که بر روی آن روپوشی از دیا بود، در برابر او، به زمین نهاد.

فرشته وحی پیش آمد و گفت:

ای محمد! پروردگارت به تو فرمان می دهد، که امشب با این غذا افطار نمایی.

امیر مؤمنان در این مورد آورده است که:

«روش همیشگی پیامبر این بود

که هر گاه می خواست افطار نماید، به من دستور می داد که درب خانه را باز گذارم، تا هر کس از راه می رسد وارد شود و اگر میل به غذا دارد، بتواند غذا بخورد. اما آن شب مرا بر درب خانه نشانند، تا مانع ورود مردم گردهم و فرمود:

علی جان! این غذایست که جز بر من، حرام است».

امیر مؤمنان می افزاید:

من به دستور پیامبر، کنار درب خانه نشستم و پیامبر با ارمغان آسمان تنها ماند. هنگامی که سرپوش را از روی طبق برداشتم، دیدم خوشه ای خرمای تازه و خوشه ای انگور در آن سینی نهاده شده است.

پیامبر از آن ارمغان آسمانی سیر خوردند و آب گوارا نیز نوشیدند.

آنگاه دست مبارک را برای شستشو دراز کردند، فرشته وحی بر دست آن حضرت آب ریخت و «میکائیل» آن را شست و «اسرافیل» آن را با دستمال خشک کرد و باقیمانده غذا نیز با همان سینی به آسمان بالا رفت.

پیامبر برخاست تا نماز آغاز کند که «جبرئیل» پیش آمد و گفت:

اینک نماز بر شما ممنوع است، تا به سرای «خدیجه» بروید، چرا که خدا به ذات پاکش سوگند یاد کرده است که امشب از شما، فرزند پاک و پاکیزه و نسل سرفرازی را پدید آورد.

پیامبر شتابان به سرای «خدیجه» آمد. آن بانوی بزرگ می گوید:

من دیگر با تنهایی خو گرفته بودم. از این رو هنگامی که شب فرا می رسید:

سرم را می پوشانیدم و پرده ها را می انداختم و پس از نماز و بستن درب خانه، چراغ را خاموش می کردم و در بستر خویش می آرامیدم.

آن شب درست میان خواب و بیداری بودم، که به ناگاه پیامبر محبوب، در خانه را به صدا در آورد

صدا زدم

چه کسی حلقه در خانه ای را می گوید، که جز «محمد» نباید دیگری باشد؟

پیامبر با نوای دلنشین و لکن آرام بخش و زیبایش فرمود، خدیجه! منم «محمد»، درب را باز کن، منم، من!

خدیجه می گوید:

در اوج شادمانی از آمدن پیامبر، برخاستم و درب خانه را گشودم و پیامبر وارد شد.

آن حضرت این گونه بود که پس از ورود به خانه، ظرف آبی می طلبد و وضو می ساخت و دو رکعت نماز می خواند و پس از نماز به بستر می رفت. اما آن شب آب نخواست و آماده نماز نشد، بلکه میان من و او، آنچه میان دو همسر انجام می شود، انجام شد.

آنگاه «خدیجه» سوگند یاد می کند که:

به خدایی که آسمان بلند را برافراشت و آب را از زمین جوشانید و جاری ساخت که آن شب هنوز پیامبر خدا از کنار من دور نشده بود، که سنگینی وجود و حضور گرانمایه دخت سرفرازم «فاطمه» را در سازمان وجود خود حس کردم ... (۶۱)

از این روایت نکاتی چند دریافت می گردد:

۱ - خدا به پیامبرش دستور می دهد که از بانوی خردمند حجاز برای مدتی جدا شود، تا بر اثر دوری از او، شور و شوق پیامبر بر او بسیار گردد.

۲ - پیامبر در این چهل شبانه روز، بیش از همیشه به عبادت و راز و نیاز پرداخت و بر اثر ارتباط همیشه و پیوسته با عالم بالا، از روحانیت و معنویت و شرایط روانی و روحی ویژه ای بهره ور می گردد.

۳ - آن حضرت با ارمغان آسمان افطار می نماید، با موهبتی که به خاطر لطافت ویژه اش به سرعت به نطفه تبدیل می شود.

۴ - نطفه، از آن ارمغان آسمانی و بهشتی، که هیچ

شبهاتی به غذاهای جهان ماده ندارد، فراهم می آید.

۵- و دیگر حرکت فوری پیامبر به اقامتگاه «خدیجه» به منظور انتقال دادن نطفه با آن مُقَدَّمات و تدابیر شگرف و هدف خاص.

لازم به یادآوریست که این روایت را دانشمندان اهل سنت نیز با اندک تغییر آورده اند.

(۶۲)

رحلت بزرگ بانوی جهان عرب

چرخ روزگار به گردش خویش ادامه می داد و سالها یکی پس از دیگری می گذشت، در حالی که زندگی دخت فرزانه پیامبر، همچنان با رویدادهای تکان دهنده و حوادث حزن انگیز آمیخته می گشت و او کودکی را پشت سر می نهاد و به سوی بهاران نوجوانی و جوانی گام می سپرد.

او در هشتمین بهار زندگی بود، که ناگهان با فاجعه ای بزرگ روبرو شد.

فاجعه ای که غم آن بر زندگی اش سایه افکند و اندوه جانکاه آن، بر قلب پر مهرش خیمه زد و حزن آن، دلش را آکنده ساخت. این فاجعه غمبار، فاجعه رحلت جانسوز مام گرانمایه اش خدیجه بود.

همان مام اندیشمند و شایسته کرداری که با نگاهی سرشار از حزن و اندوه، به دخت عزیز و کوچک خویش می نگریست، چرا که می دانست «زهرای» او به زودی به سوک مام پر مهر خویش خواهد نشست.

بانوی بزرگ حجاز در بستر رحلت افتاده و شَبَح مرگ بر او سایه افکنده بود، آخرین لحظات زندگی را می گذرانید، که پیامبر بر او وارد شد و با مهر و بزرگواری همیشه فرمود:

«خدیجه» رحلت تو بر ما گران است امّا، هنگامی که بر بانوان برگزیده جهان هستی و دوستان همدریف خویش وارد شدی، سلام مرا به آنان برسان.

بانوی بزرگ حجاز پرسید:

ای پیامبر خدا! آنان کیانند؟

پیامبر فرمود:

«مریم» دختر عمران، «کلثوم» خواهر موسی و «آسیه».

«خدیجه» گفت:

به خوشی و مبارکباد، ای پیامبر خدا! (۶۳)

پیامبر گرامی

خطاب به او می فرمود:

من دستور یافته ام که «خدیجه» را به اقامتگاهی پر شکوه در بهشت پرتراوت و زیبا که از مروارید ساخته شده است، مژده دهم. اقامتگاهی که نه در آن سر و صدا و هیاهوی دنیا است و نه رنج و فرسودگی آن.

زمان به سرعت می گذشت، بانوی خردمند جهان عرب گریه می کرد و آه می کشید. «اسماء» به او گفت:

شما که سالار زنان هستی و همسر پر مهر و با وفای پیامبر و از آن حضرت مژده بهشت دریافت داشته ای، چرا گریه می کنی؟

او پاسخ داد:

گریه ام برای آن است که دخت گرانمایه ام را ترک می کنم و شب عروسی اش، در کنارش نیستم تا او را یاری کنم. دخترم نوجوان است، نگران آنم که در شب عروسی اش یار پر مهر و مشاور و مددکار دلسوزی نداشته باشد.

«اسماء» گفت:

سرورم! من اینک با تو پیمان می بندم که اگر تا آن زمان زنده بودم، به جای تو او را مادری کنم و آنگاه بود که بزرگ بانوی جهان عرب «خدیجه» آرام و مطمئن، چشم بر هم نهاد و در سن شصت و سه سالگی جهان را بدرود گفت.

ضربه هولناک مرگ خدیجه

مرگ غمبار این بانوی بزرگ، ضربه ای هولناک بر پیکر پیامبر فرود آورد و قلب مقدس او را آکنده از حزن و اندوه ساخت، به ویژه که آن پیشوای بزرگ، چندی پیش از مرگ خدیجه، به سوگ عمومی گرانقدر و مدافع بزرگ و نستوه خویش نشسته بود، که این مصیبت نیز بر غم و اندوه او افزون گشت. به گونه ای که آن سال را، سال اندوه نامید، چرا که دو یار پر مهر و دو پشتیبان پر اقتدار خود را در آن سال از

دست داده بود.

آن حضرت از سویی به سوک «خدیجه» نشست، به سوک بانویی که نه تنها همسر وفادار و پر مهرش بود، بلکه نخستین ایمان آورنده به خدا نیز بود.

بانویی بود که پشتیبان پر اقتدار پیامبر در فراز و نشیب زندگی به حساب می آمد و شخصیت بزرگی بود که ثروت و دارایی بسیار خویش را برای پیشرفت اهداف اسلام و پیامبر به او هدیه کرد و نه تنها در میان زنان مکه، که در همه جهان عرب بی نظیر بود.

آری خدیجه، جهان را بدرود گفت و بیکر او را در نقطه ای بنام «حجون» به خاک سپردند. پیامبر کنار قبرش آمد و پیش از به خاک سپاری او، به قبرش فرود آمد، در حالی که «فاطمه» دخت ارجمندهش دامان پدرش، پیامبر را گرفته بود و دور پدر می گشت و می پرسید:

پدر جان! مادرم کجاست؟

و پیامبر پرسش او را بی پاسخ می گذاشت. او به سوی دیگران می رفت و از آنان سراغ مادر پر مهر خویش را می گرفت، که در این هنگام «جبرئیل» فرود آمد و به پیامبر خبر داد که:

«پروردگارت به شما فرمان می دهد که، سلام ما را به «فاطمه» برسان و به او بگو:

مادرش «خدیجه» اینک در بهشت زیبا و پر طراوت خداست.

در کاخی از مروارید که غرفه هایش از طلا و ستونهایش از یاقوت سرخ است و او در کنار «آسیه» و «مریم» دختر «عمران» و مادر «مسیح» است.

پیامبر، «فاطمه» را در آغوش گرفت و مورد محبت قرار داد و پیام خدا را به او رسانید.

او گفت:

پروردگارم سر چشمه سلام و برکت و نعمت و آرامش است.

سلام از اوست و سلام به او باز می گردد. (۶۴)

مقاله سوم

اشاره

از نویسنده و

شاعر اهل البیت عَلَیْهِمُالسَّلَام، حجه الاسلام آقای حاج شیخ جواد محدثی دام عَزَّه، در مجله «پیام زن» سال دوم، شماره دوازدهم، مقاله جالبی درباره‌ی حضرت خدیجه عَلَیْهَاالسَّلَام منتشر گردیده است، که ذیلاً در اختیار علاقه مندان قرار می‌گیرد:

گاهی دست تقدیر و نظر لطف خدا، فرجامی نیک برای برخی رقم می‌زند که از افتخار، سر بر فلک می‌سایند و بر فرشتگان هم می‌بالند.

«خدیجه» یکی از این چهره‌های نمونه و الگو است، که لیاقت آن را یافت تا ظرف پدید آمدن گوهری چون «فاطمه» گردد.

اگر خدیجه کبری، که شرافت و ارجمندی والایی دارد، هیچ فضیلتی نداشت جز آنکه «مادر زهراء» باشد، برای او بس بود.

در این بخش، با گوشه‌هایی از حیات پرفروغ این بانوی بزرگ، آشنا می‌شویم:

کرامت نفس

خدیجه را از انسانهای اندیشمند، با شرافت، آینده‌نگر، عقیف و فرزانه شمرده‌اند.

شرافت دودمان از یک سو، همسری رسول خدا از سویی دیگر و خدمات او در راه آیین مقدس اسلام از طرف دیگر، به او عظمت و موقعیت خاص بخشیده است.

پدرش، «خُوَیَلِد بن اسد» از قبیله «بنی کلاب» بود.

مادرش «فاطمه بنت زایده» نام داشت.

از ثروت و شهرت ویژه‌ای در جزیره العرب برخوردار بود.

در میان هم‌تایان و همسالان خود، همچون ستاره‌ای می‌درخشید. وقتی هم‌که در خدمت اسلام و پیامبر قرار گرفت، آنچه را داشت، وقف راه خدا و رضای رسول کرد و در سایه حمایت از «دین آسمانی» نام خویش را زنده جاوید ساخت.

همسران پیشین

گرچه بعضی مدعی شده‌اند که حضرت خدیجه، پیش از ازدواج با رسول خدا، همسری نداشته و ازدواج نکرده بوده است، اما مشهور میان سیره‌نویسان، آن است که وی بیوه‌ای بود که قبلاً شوهر داشت.

شوهر پیشین او «عتیق بن عائد» بود.

از این ازدواج، دختری داشت به نام «هند». شوهرش درگذشت و پس از مدتی به همسری «ابوهاله بن بناش» درآمد. از این ازدواج نیز خداوند به او پسری داد. نام او را هم هند گذاشتند.

درباره‌ی فرزندان خدیجه، سخنان دیگری هم گفته اند.

از جمله آن که خدیجه خواهری داشته، که چندان معروف نبوده است.

پس از درگذشت آن خواهر، دختران او در دامن خدیجه بزرگ شدند. هنگام ازدواج پیامبر با خدیجه، آن دو دختر کوچک بودند. چون سنت عرب بر آن بود که تربیت شده در دامن کسی را به او نسبت می دادند، خواهر زادگان خدیجه را هم دختر خدیجه شمردند و به رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ نسبت

دادند.

به هر حال، شوهر خدیجه کبری در گذشته بود و این بانوی ثروتمند و نام آور، همچنان بیوه می زیست و خواستگاران متعددی را هم که مشتاق وصلت با او بودند رد می کرد.

سر انجام، ستاره اقبال او طلوع کرد و افتخار همسری رسول خدا را یافت و اما خلاصه ماجرا:

ازدواج با پیامبر

عشق محمد صلی الله علیه و آله و سلم در دل خدیجه بود، عشقی پاک و آسمانی. علاقه ای که از صداقت و پاکی و امانتداری پیامبر سرچشمه می گرفت. محمد صلی الله علیه و آله و سلم بیست و پنج سال داشت و بانوی مشهور حجاز، چهل سال. خدیجه، با ثروت هنگفتی که داشت به تجارت می پرداخت. سرمایه در اختیار بازرگانان قرار می داد، تا مال التجاره او را به آفاق برند و بفروشند و برایش داد و ستد کنند.

ابوطالب (عموی پیامبر) آگاهی یافت که خدیجه، قصد دارد مال التجاره خود را با کاروانی تجارتنی به شام بفرستد. به حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم پیشنهاد کرد که حضری تو را برای این کار بفرستیم؟

فرمود:

هر طور دوست داری.

ابوطالب نزد خدیجه رفت و گفت:

شنیده ایم در نظر داری فلانی را همراه اموال خویش به تجارت بفرستی، آیا ممکن است به جای او «محمد» را بر این کار بگماری؟

خدیجه گفت:

اگر این درخواست را، برای دشمن بیگانه ای می کردی، حرف تو را رد نمی کردیم، تا چه رسد به اینکه برای یک دوست نزدیک می خواهی!

سر انجام توافق شد.

پیامبر خدا، با غلام خدیجه بنام «میسره» به سفر رفتند و در آن داد و ستد، سود سرشاری به دست آوردند و خدیجه از نتیجه سفر بسیار خوشنود شد و احساس کرد که «محمد»

را قلباً دوست می دارد. پیش خود درباره‌ی ازدواج با محمد فکر می کرد و تصمیم به این کار گرفت، ولی بهانه ای لازم بود.

با «نفیسه» (که خواهر یا دوستش بود) این تصمیم را در میان گذاشت. نفیسه مقدمات کار را از قبیل گفتگو با عمویش و با خود پیامبر فراهم کرد. طی تشریفات خاصی ازدواج صورت گرفت. دو ماه پس از بازگشت از سفر تجاری شام بود که در سایه این پیوند مقدس، خدیجه و محمد علیهما السلام زندگی مشترک خود را آغاز کردند.

نخستین مسلمان

سالها از این زندگی خجسته گذشت.

فصل نوینی در زندگی حضرت محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ آغاز شد، که فصل جدید حیات خدیجه هم محسوب می شد.

نخستین جلوه های ملکوت، بر این خانه سرنوشت ساز تابیدن گرفت.

پیش از بعثت پیامبر، ابتدا آن حضرت خوابهایی می دید.

آنچه در خواب می دید، چون روز روشن به حقیقت می پیوست و تعبیر می شد.

از آن پس بود که پیامبر، علاقه مند به تنهایی و خلوت با خویش شد.

گاهی چندین شبانه روز پیایی به «غار حرا» می رفت و خلوت می کرد و به تفکر و عبادت می پرداخت. نزد خدیجه می آمد. پس از مدتی باز هم پای به فراز «حرا» می کشید و به پرستش خدا می پرداخت.

در یکی از همین نوبتها بود که جبرئیل در حرا، بر آن حضرت فرود آمد و پیام آسمانی «اقرأ باسم ربك الذي خلق...» را آورد.

و محمد، مبعوث به رسالت شد.

از حرا فرود آمد و نزد خدیجه بازگشت.

حالتی شگفت داشت و از خدیجه طلب کرد که او را بپوشاند، تا به حالت عادی برگردد. آیات «يا ايها المدثر...» و «يا ايها المزمّل» در همین دوره نازل شد.

خدیجه،

حالات خاص رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ را به پسر عموی خویش «ورقه بن نوفل» باز گفت. وی به کتب آسمانی پیشین آشنا بود و در جاهلیت، کیش مسیحی داشت و به عبری می نوشت. البته در اواخر عمر نابینا شده بود.

به خدیجه بشارت داد که آنچه بر او نازل شده است، ناموس بزرگ خلقت و وحی آسمانی است، که بر موسای کلیم هم نازل می شد.

به خود محمد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ هم گفت:

کار تو بالا خواهد گرفت، قومت تو را بیرون خواهند کرد. نه تنها تو، بلکه هر که چنین دعوت داشته، مورد ستم قرار گرفته است.

اگر من آن روزگار را درک کنم، حتماً به یاری تو برخوام خاست.

خدیجه، اولین بانویی بود که اسلام را پذیرفت و به دین محمد در آمد. حمایت و پشتیبانی او از شوهرش پیامبر خدا، ستودنی است.

حضرت رسول هم همواره او را به نیکی یاد می کرد و فضایل او را از نظر دور نداشت.

محمد در مسجد الحرام، در برابر کعبه به نماز می ایستاد و همراهش جز یک زن و یک نوجوان، کسی نبود.

یک طرفش خدیجه می ایستاد، طرف دیگر علی ابن ابیطالب.

عباس بن عبدالمطلب، دربارهی آن مقطع، به کسی که برای تجارت به مکه آمده و آن صحنه را دیده بود، ضمن معرفی آن سه چهره ایستاده در برابر کعبه و در آستان خانه خدا، گفت:

این پسر برادرم می گوید:

که پروردگارش، پروردگار آسمان و زمین است و خدای هستی او را به این دین فرمان داده است.

به خدا قسم که غیر از این سه نفر، در حال حاضر هیچ کسی در روی زمین، بر این

آیین نیست! ...

پشتیبان مکتب

ثروت خدیجه، پشتوانه مالی دعوت به حق بود.

از روزهای آغازین بعثت پیامبر، تا سالهای سخت و پر مخاطره گرویدن مسلمانان نخستین به اسلام عزیز، خدیجه کبری از بذل هیچ گونه مساعدتی در راه «مکتب وحی» دریغ نکرد.

برای بسیاری، ثروت و مال «پای بند» است، ولی آنان که دل به ارزشهای متعالی سپرده باشند، ثروت و دنیا، نه تنها مانع کمال جویی نیست، بلکه ابزاری و وسایلی در خدمت ارزشهاست.

حضرت خدیجه، هم پشتیبان روحی و معنوی همسر گرامی خویش بود و رسول خدا دلگرم به حمایتها و یاریهای همه جانبه همسر وفادار و حقشناس خود بود و هم به لحاظ نیاز مسلمانان و دعوت اسلام در آن دوره سخت، همه دارایی خویش را در بست، در اختیار پیامبر نهاد، تا آنها را صرف مصالح دین خدا کند و به خدا باوران تهیدست و محرومان با ایمان، مساعدت نماید.

قلب پر مهر خدیجه، همواره رسول خدا صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَاٰلِهٖ وَسَلَّمَ را مأمن و مأوا بود، خانه اش نیز محل آرامش و اطمینان پیامبر رحمت.

خدیجه، همواره پیامبر را احترام می کرد، سخن او را تصدیق می نمود و این حالت پذیرش و اطاعت و همدلی، هم پیش از بعثت رسول اکرم صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَاٰلِهٖ وَسَلَّمَ بود و هم پس از بعثت.

آزارها و تکذیبهای مشرکان و سخنان زشت و زخم زبانهای قریش، کافی بود که هر صاحب عزمی را به تزلزل وادارد. اما پیامبر اکرم صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَاٰلِهٖ وَسَلَّمَ غیر از صلابت و صداقت و استواری شخصی خویش، از حمایت و دلداری و تشویق همسر فهمیده و آگاهش، برخوردار بود.

خدیجه، غم

از چهره محمد صلی الله علیه و آله و سلم بر می گرفت و با آب زلال محبت و حمایت، غبار یأس و خستگی را از سیمای گروندگان به وحی، به ویژه صاحب رسالت می زدود. خدیجه به پسر عمویش «ورقه بن نوفل» گفت، اعلام می کنم که هر چه مال و ثروت و غلام دارم، همه را به محمد بخشیدم تا آنگونه که می خواهد تصرف کند.

ورقه بن نوفل، در جایگاهی میان زمزم و مقام ابراهیم ایستاد و با صدای بلند فریاد برآورد:

«ای گروه عرب! خدیجه شما را گواه می گیرد که خود، اموال و غلامان و همه دارایی خود را به محمد بخشیده است، تا نشان دهد که او را بزرگ می دارد و مقامش را تکریم می کند و به او علاقه مند است.»

خدیجه، لباس و عطر و گوسفندان و اموال فراوانی را پیش ابوطالب فرستاد و از او خواست تا مهمانی مفصلی را برای اهل مکه ترتیب دهد. ابوطالب هم بساط ولیمه ای گسترده و سه روز اهل مکه را طعام داد که شهرنشینان و بادیه نشینان همه بر سفره او بهره مند شدند.

این گونه ایثار و فداکاری و گذشتن از دارایی در راه دین و رسول خدا، نشانه عمق باور و اوج عشق و خلوص خدیجه نسبت به دین اسلام بود.

در چشم و دل محمد صلی الله علیه و آله و سلم

رسول خدا، حدود ۲۵ سال با خدیجه بزرگ، زندگی مشترک داشت، همراه با یک دنیا صفا و صمیمیت و محبت. زندگانی همراه با حمایت از دین و فداکاری در راه شوهر، آن هم به خاطر خدا. پشتیبانیهای مادی و روحی خدیجه از رسول اکرم، چنان بود که جایگاه و پایگاه عمیقی در دل رسول امین خدا پیدا کند.

تا خدیجه

زنده بود، پیامبر به احترام او و وفا و صفایش، همسر دیگری نگرفت. پس از وفات خدیجه هم نام و یادش، از زبان و دل پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ نمی افتاد.

عایشه نقل می کند که پیامبر، هر گاه از خانه بیرون می رفت، از خدیجه یاد می کرد و او را می ستود. روزی که از خدیجه یاد کرد، مرا غیرت در گرفت و گفتم:

خدیجه جز بیوه ای پیر نبود و خدا بهتر از او را به تو داده است.

پیامبر خدا به شدت خشمگین شد و فرمود:

نه به خدا قسم! هرگز بهتر از او را خدا روزی من نساخته است! او در دوره ای به من ایمان آورد، که مردم کافر بودند و زمانی مرا تصدیق کرد، که دیگران مرا تکذیب می کردند و در دورانی که مردم دارایی خود را از من دریغ می داشتند، او همه هستی و ثروت خود را در اختیارم نهاد و خداوند از خدیجه به من فرزند بخشید، در حالی که از همسران دیگرم فرزندی برایم نبود.

عایشه می گوید:

پیش خودم گفتم:

هرگز دیگر خدیجه را به بدی یاد نخواهم کرد!

مورخان گفته اند:

در مراسم ازدواج فاطمه زهراء عَلَیْهَا السَّلَام وقتی همسران پیامبر با آن حضرت صحبت می کردند و از خدیجه (که در گذشته بود) یاد کردند، به نقل از ام سلمه، همین که نام خدیجه را شنید گریست و فرمود:

خدیجه! کیست که مثل خدیجه باشد؟ و به ستایش از او پرداخت.

مقام خدیجه

در مجموع احادیث ما، ستایشهای عظیمی از خدیجه کبری شده است.

یاد چند نمونه از آنها مفید است:

پیامبر فرموده است:

جبرئیل نزد من آمد و گفت:

ای پیامبر خدا! اینک این خدیجه است که نزد تو آمده است، با ظرفی پر از

غذا و آب، وقتی آمد، سلام خدا و سلام مرا به او برسان و مزده بده که خانه ای شایسته و آسوده در بهشت دارد. (۶۵)

پیامبر خدا فرمود:

بهترین زنان جهان چهار نفرند:

مریم، آسیه، خدیجه و فاطمه. (۶۶) و نیز فرمود:

خدیجه، پیشتاز زنان جهان در ایمان به خدا و به محمد است.

(۶۷)

و فرمود:

از مردان، بسیاری به کمال رسیده اند، ولی از زنان، تنها چهار نفر به کمال وجودی رسیدند:

مریم، آسیه، خدیجه و فاطمه (۶۸).

عایشه می گوید، هر گاه رسول خدا گوسفندی ذبح می کرد، می فرمود:

مقداری هم برای دوستان خدیجه بفرستید.

من روزی در این باره حرفی زدم، حضرت فرمود:

من، دوستدار خدیجه را هم دوست می دارم! (۶۹)

برای خدیجه، همین افتخار و مقام بس، که قلب عالم امکان و حبیب خدا، او را دوست بدارد، چرا که محبوب پیامبر، محبوب خدا نیز هست.

جدایی

زندگی خدیجه، با حیات رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ گره خورده است.

روشن است که جدایی، برای دل هر دو سنگین باشد و غمی جانکاه. خدیجه، وقف اسلام و محمد بود و جز رضای خدا و پیامبر، چیزی نمی خواست، همین گونه نیز شد.

هم خدا از او راضی بود و از زبان جبرئیل، به او سلام رساند، هم رسول گرامی اسلام، از وی دلشاد و خرسند بود.

خدیجه، به ۶۵ سالگی رسیده بود.

پیامبر هم دوران سخت و پر فشار مکه را می گذرانند. سه سال پیش از هجرت به مدینه، این بانوی بزرگ، دیده از جهان بست.

در لحظه مرگ، رسول خدا نزد خدیجه بود، فرمود:

خدیجه! آیا مرگ را کراهت داری؟ مرگ برای تو خیر است، به بهشت الهی می روی. پیامبر، هنگام دفن خدیجه، خود وارد قبر شد و با دستان

مبارکش، پیکر سرد و بی جان خدیجه را گرفت و در گور وارد کرد و به خاک سپرد.

وفات خدیجه در مکه بود، قبرش نیز در همین شهر است.

این جدایی، برای پیامبر اکرم صَلَّی اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم بسیار ناگوار و سنگین بود، اما او عادت داشت که به خاطر خدا، غمهای سنگین و مصیبت‌های توان فرسا را تحمل کند و اجرِ صبوری را از خدا بگیرد.

سلام بر خدیجه و ایمانش. درود بر آنان که از خدیجه، الهام ایمان و وفا می گیرند و خدیجه، برایشان اسوه صبوری و الگوی ایثار، در راه عقیده و باور است.

مقاله چهارم

اشاره

در ماهنامه مبلغان، شماره سی و پنجم، مقاله ای به قلم نویسنده محقق و توانا، حجه الاسلام آقای حاج شیخ عبدالکریم پاک نیا دام عزه، با عنوان «نگاهی به آموزه های تربیتی، در زندگی حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام» منتشر گردیده، که دارای درسهای سازنده ای برای پیروان مکتب قرآن و اهل بیت عَلَیْهِمُ السَّلَام می باشد، که در اختیار علاقه مندان قرار می دهیم:

... در این نوشتار بر آن شدیم که، نقش این بانوی خجسته را در گسترش آموزه های مکتب تربیتی اسلام مورد توجه قرار داده و مواردی قابل توجه از آن را به خوانندگان گرامی تقدیم داریم. به امید اینکه بتوانیم از این شخصیت برجسته و بانوی نمونه در جهان اسلام، درس ها آموخته و با شناخت فضائل و مناقب آن بزرگوار، از او به عنوان اسوه و الگوی تربیتی پیروی کنیم.

۱ - فضائل اخلاقی و علمی

مطالعه تاریخ زندگی حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام نشان می دهد که او، هم در دوران جاهلیت و هم بعد از بعثت خاتم الانبیاء صَلَّی اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم دارای فضائل اخلاقی و کمالات معنوی بوده است.

او در جامعه خود به عنوان یک الگوی زن برتر، تأثیر بسزایی در گسترش صفات نیک انسانی داشته است.

سخاوت، کرامت، ایثار و فداکاری، عفت و پاکدامنی، دور اندیشی و درایت و توجه به مستمندان، عطوفت و مهربانی و صبر و استقامت، از جمله فضیلت های پسندیده ایست که صفحات تاریخ این زن نمونه را نشان می دهد.

به همین جهت، آن بانوی یگانه در میان زنان رسول خدا صَلَّی اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم شرایط هم گُفو بودن را احراز نمود و یک همتای واقعی برای حضرت محمد صَلَّی اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم بود.

عدم ازدواج مجدد پیامبر

اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ در زمان حیات خدیجه کبری عَلَیْهَا السَّلَام نشانگر جاذبه های معنوی و فضائل اخلاقی بی شمار در وجود آن حضرت است، که بدون تردید برخوردار از آن صفات، نقش مهم و اساسی در زندگی رسول خدا صَلَّی اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ داشته است.

به همین جهت، پیامبر اکرم صَلَّی اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ این بانوی تربیت یافته را از برترین زنان بهشتی شمرده و می فرماید:

أَفْضَلُ نِسَاءِ أَهْلِ الْجَنَّةِ خَدِيجَةُ بِنْتُ خُوَيْلِدٍ وَ فَاطِمَةُ بِنْتُ مُحَمَّدٍ

وَ مَرْيَمُ بِنْتُ عِمْرَانَ وَ آسِيَةُ بِنْتُ مُرَّاحِمٍ اِمْرَأَةٌ فِرْعَوْنَ (۷۰)

«بهترین زنان اهل بهشت عبارتند از:

خدیجه دختر خویلد و فاطمه دختر محمد و مریم دختر عمران و آسیه دختر مزاحم (یعنی) زن فرعون.»

وفاداری این بانوی آسمانی، در راه رسیدن به اهداف والای همسر خویش، مورد توجه سیره نویسان و محققان قرار گرفته است.

او از اولین لحظات بعثت، به رسول خدا صَلَّی اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ ایمان آورد و تا آخرین لحظات بر ایمان خود پای فشرد و لحظه ای شک و تردید به دل راه نداد.

گذشته از فضائل اخلاقی، او از کمالات علمی نیز برخوردار بود.

تاریخ گواهی می دهد که خدیجه در مورد دانش عصر خود اطلاعات فراوانی داشت و از کتابهای آسمانی آگاه و از نظر عقل و درایت و زیرکی، بر تمام زنان حتی بسیاری از مردان معاصر برتری داشت. بنا بر این او دارای تمام کمالات و امتیازهایی بود که یک زن می تواند داشته باشد.

با توجه به نکات یاد شده، خدیجه به عنوان اولین بانوی مسلمان در ترویج فرهنگ اسلامی و الگوهای یک زن مسلمان و با کمال، نقش والای

خود را ایفا کرده است و بانوان بسیاری از تربیت عملی وی درس‌ها آموخته‌اند.

اهمیت فضائل اخلاقی و کمالات انسانی در وجود این بانوی با فضیلت، آنگاه به اوج خود می‌رسد، که نگاهی به وضع زن در ایام جاهلیت و قبل از بعثت پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ بیندازیم.

زن در آن روز، نه تنها از حقوق خود محروم بود و با رقت‌آورترین وضع زندگی می‌کرد، بلکه به عنوان مایه ننگ و عار و موجودی شوم، زنده به گور می‌شد.

خدیجه در چنین عصری اثبات نمود که یک زن نه تنها حق حیات دارد و باید حقوق مسلم خود را استیفا نماید، بلکه می‌تواند با اعمال شایسته و تلاش و کوشش، به مرحله‌ای برسد که خداوند متعال به او سلام برساند؛ همچنان که امام باقر عَلَيْهِ السَّلَام از پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ نقل می‌کند، شبی که در معراج بودم، به هنگام بازگشت از سفر معراج، به جبرئیل گفتم:

ای جبرئیل! آیا خواسته‌ای از من داری؟ گفت:

خواهش من اینست که از طرف خداوند و من؛ به خدیجه سلام برسانی (۷۱).

۲- پرورش فرزندان صالح

بدون تردید، مادر به عنوان مؤثرترین عامل محیطی و وراثتی، در پرورش و رشد شخصیت کودک نقش به‌سزایی دارد.

حضرت خدیجه علاوه بر این که به نص قرآن، مادر روحانی همه مؤمنین است، به عنوان مادری شایسته و با ایمان در دامن خویش، فرزندان نیک و صالحی برای رسول الله صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ تربیت نمود. وی شش فرزند برای پیامبر به دنیا آورد و در دامن پر مهر خویش پرورش داد که در میان آنها حضرت

فاطمه عَلَیْهَا السَّلَام از رتبه خاصی برخوردار است.

دختری که رهبری اسلام بعد از پیامبر اکرم و علی علیهما السلام از نسل او پدید آمد و ادامه یافت.

این دختر با مادرش، آنچنان ارتباط تنگاتنگ داشت، که هنگام رحلت حضرت خدیجه، فاطمه عَلَیْهَا السَّلَام که در حدود پنج سال داشت، شدیداً بی تابی می کرد و به دور پدر بزرگوارش می چرخید و می گفت:

«یا اَبهَ اَیْنِ اُمِّی؛ پدر جان! مادرم کجاست؟» حضرت جبرئیل نازل شد و فرمود:

یا رسول الله! خداوند می فرماید:

سلام ما را به فاطمه برسان و به او اطلاع بده که مادرش خدیجه در خانه های بهشتی، با آسیه و مریم زندگی می کند (۷۲).

این دختر پاکیزه، هنگام رحلت مادر وقتی احساس کرد که حضرت خدیجه شدیداً در فراق او و پدر ارجمندش ناراحت است و نگران تنهایی و بی یآوری حضرت محمد صَلَّی اللهُ عَلَیْهِ وَ آلهِ وَ سَلَّم می باشد، به مادرش دلداری داد و گفت:

«یا اُمِّیاءُ لَا تَحْزَنی وَ لَا تَزْهَبی فَإِنَّ اللهَ مَعَ اَبی (۷۳)؛ مادر جان! اندوهگین و مضطرب نباش، زیرا خداوند یار و یاور پدرم می باشد.»

امامان معصوم علیهما السلام نیز همیشه به وجود چنین مادری افتخار می کردند؛ همچنانکه حضرت مجتبی عَلَیْهِ السَّلَام هنگامی که با معاویه مناظره می کرد، در مورد یکی از علل انحراف معاویه از محور حق و انحطاط اخلاقی وی و سعادت و خوشبختی خود، به نقش مادر در تربیت افراد اشاره کرده و فرمود:

معاویه! چون مادر تو «هند» و مادر بزرگت «نثیله» می باشد (و در دامن چنین زن پست و فرومایه ای پرورش یافته ای) این گونه اعمال زشت از تو سر می زند و سعادت ما خانواده در اثر تربیت در دامن مادرانی پاک و پارسا، همچون

خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام و فاطمه عَلَیْهَا السَّلَام می باشد (۷۴).

امام حسین عَلَیْهِ السَّلَام در روز عاشورا برای معرفی خویش و آگاه کردن دل های بیدار، به مادرش فاطمه عَلَیْهَا السَّلَام و مادر بزرگ شایسته و فداکارش، حضرت خدیجه اشاره نموده و فرمود:

أُنشِدُكُمْ اللَّهُ هَلْ تَعْلَمُونَ أَنَّ أُمِّي فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ بِنْتُ مُحَمَّدٍ؟! قَالُوا: اللَّهُمَّ نَعَمْ... أُنشِدُكُمْ اللَّهُ هَلْ تَعْلَمُونَ أَنَّ جَدَّتِي خَدِيجَةَ بِنْتُ خُوَيْلِدٍ

أَوَّلُ نِسَاءِ هَذِهِ الْأُمَّةِ إِسْلَامًا؟! قَالُوا: اللَّهُمَّ نَعَمْ (۷۵)

«شما را به خدا قسم می دهم! آیا می دانید که مادر من «فاطمه زهرا» دختر محمد (مصطفی صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ) است؟! گفتند:

آری ... (فرمود:)

شما را به خدا قسم می دهم! آیا می دانید که مادر بزرگ من خدیجه، دختر خویلد، نخستین زنی است که اسلام را پذیرفت؟! گفتند:

آری.»

حضرت خدیجه علاوه بر اینکه در دامان پر مهر و عطوفت خویش فرزندان پیامبر را پرورش داد، فرزندان شایسته ای را نیز قبل از ازدواج با پیامبر تربیت کرده بود، که از جمله آنها هند بن ابی هاله می باشد.

او (هند) در مدت سه شبانه روزی که پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ در هنگام هجرت در غار ثور مخفی شده بود، به همراه علی عَلَیْهِ السَّلَام دور از چشم مشرکان مکه، محرمانه برای پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ آذوقه می برد و بر می گشت. وی مردی بزرگوار، شریف، فصیح و محدث بود و از شوهر دیگر خدیجه بنام ابی هاله بن زراره تمیمی متولد شده بود (۷۶).

هند پسر خدیجه، همان کسیست که امام حسن عَلَیْهِ السَّلَام به عنوان دایی خود از وی نام می برد. وی اوصاف و شمایل رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ را برای

امام مجتبی علیه السلام توصیف می کرد و بسیار مورد علاقه رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ بود.

او بت های مشرکان را می شکست (۷۷) و در جنگ جمل در رکاب حضرت علی علیه السلام به شهادت رسید. (۷۸) و (۷۹)

۳ - توجه به نیازهای عاطفی و خواسته های فرزندان

مهرورزی و محبت به کودکان و رفع نیازهای معنوی و عاطفی فرزندان، یکی دیگر از اصول تربیتی اسلام می باشد.

حضرت خدیجه به عنوان یک مادر دلسوز و مربی آگاه در این مورد حساسیت ویژه ای داشت. ماجرای زیر بیانگر این ویژگی حضرت خدیجه می باشد.

در ایام بیماری خدیجه که به مرگ وی انجامید، روزی اسماء بنت عمیس به عیادتش آمد، او خدیجه را گریان و ناراحت مشاهده کرد و به او دلداری داده و گفت:

تو از بهترین زنان عالم محسوب می شوی، تو تمام اموالت را در راه خداوند بخشیدی، تو همسر رسول گرامی اسلام هستی و بارها تو را به بهشت بشارت داده است.

با این همه چرا گریان و نگران هستی؟

خدیجه علیه السلام فرمود:

اسماء! من در فکر این هستم که دختر هنگام زفاف، نیاز به مادر دارد، تا نگرانی ها و اسرارش را به مادر بگوید و خواسته هایش را به عنوان محرم اسرار مطرح نماید، فاطمه علیه السلام کوچک است، می ترسم کسی نباشد که متکفل کارهای وی در هنگام عروسی شود و برایش مادری کند.

اسماء بنت عمیس گفت:

ای بانوی من! نگران نباش من با تو عهد می کنم که اگر تا آن موقع زنده ماندم به جای تو برای فاطمه مادری کنم و نیازهای روحی و عاطفی وی را برطرف نمایم.

بعد از وفات خدیجه علیه السلام هنگامی که شب زفاف حضرت فاطمه علیه السلام فرا رسید، پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ

وَ سَلَّمَ فرمود:

همه زن ها از اتاق عروس خارج شوند و کسی در آنجا باقی نماند. همه رفتند، اما پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ متوجه شد که هنوز اسماء بنت عمیس در اتاق باقی مانده است.

فرمود:

آیا نگفتم همه زنان بیرون روند؟ اسماء گفت:

چرا یا رسول الله من شنیدم و قصد مخالفت با فرمایش شما را نداشتم، ولی عهد من با خدیجه مرا بر آن داشت که در این جا بمانم؛ چون با خدیجه پیمان بسته ام که در چنین شبی برای فاطمه مادری کنم. (۸۰)

حضرت رسول اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ با شنیدن این سخن به گریه در آمد و فرمود:

تو را به خدا سوگند برای این کار ایستاده ای؟ اسماء عرض کرد:

آری. پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ دست به دعا برداشته و برای اسماء بنت عمیس دعا کرد. (۸۱)

همچنین حضرت خدیجه در مورد آینده دختر خردسال خویش خطاب به پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ دغدغه هایی را به این ترتیب بیان نمود:

یا رسول الله! این دختر من - با اشاره به حضرت فاطمه عَلَيْهَا السَّلَام - بعد از من غریب و تنها خواهد شد.

مبادا کسی از زنان قریش او را آزار برساند، مبادا کسی به صورتش سیلی بزند، مبادا کسی صدای خود را بر روی او بلند کند، مبادا کسی با او رفتاری تند و خشن داشته باشد (۸۲).

۴ - رعایت آیین شوهرداری

یکی از برنامه های تربیتی اسلام، آموزش آیین شوهرداری به بانوان می باشد.

اگر به آمار اختلافات خانوادگی و طلاق و ناهنجاری های خانواده ها توجه شود، بخش قابل توجهی از این مشکلات، به رفتارهای بانوان و زنان و دختران جوان بر

می گردد و این همه، به خاطر ناآگاهی و عدم توجه به حقوق شوهران، رعایت نکردن آداب معاشرت، عدم آگاهی از اصول شوهرداری در اسلام است.

حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام در ترویج آیین شوهرداری اسلامی و رعایت حقوق همسر، نهایت تلاش را به عمل می آورد.

حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام با شیوه های مختلفی، فضای خانواده را آرام نگاه داشته و امنیت روحی و روانی را برای شوهر و فرزندان برقرار و زمینه را برای رشد فضائل اخلاقی فراهم می آورد. در اینجا به برخی از روش های تکریم شوهر و همسر داری حضرت خدیجه اشاره می کنیم:

(الف)

ابراز محبت:

حضرت خدیجه در فرصت های مناسب، به همسر گرمی خویش ابراز علاقه و محبت می کرد. او در قالب اشعاری زیبا، دربارهی پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ مکنونات قلبی خویش را چنین ابراز می دارد:

فَلَوْ أَنِّي أَمْشَيْتُ فِي كُلِّ نِعْمَةٍ

وَ دَامَتْ لِي الدُّنْيَا وَ مُلْكُهَا كَأَسْرِهِ

فَمَا سُؤْيْتُ عِنْدِي جَنَاحَ بَعُوضَةٍ

إِذَا لَمْ يَكُنْ عَيْنِي لِعَيْنِكَ نَاطِرَةً (۸۳)

«اگر تمام نعمت های دنیا و سلطنت های پادشاهان را داشته باشم و ملک آنها همیشه از آن من باشد، به نظر من به اندازه بال پشه ای ارزش ندارد، زمانی که چشم من بر چشم تو نیفتد».

(ب)

طرح غیر مستقیم خواسته ها

بدون شک هر زنی از شوهر خویش انتظارات و توقعاتی دارد. این درخواست های معقول زن، اگر در محیطی محبت آمیز و همراه با حفظ حریم های اخلاقی باشد، امری پسندیده تر و جذاب خواهد بود.

اگر این خواسته ها به صورت غیر مستقیم انجام گیرد، در تحکیم روابط خانوادگی و افزایش محبت، تأثیری فوق العاده خواهد داشت.

حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام خدمات زیادی را در خانه پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ انجام داده و صدمات فراوانی

متحمل شده بود، از این رو به صورت طبیعی می توانست انتظارات و توقعاتی را نیز از آن حضرت داشته باشد، اما او هیچ گاه خواسته های شخصی خویش را به صورت مستقیم بیان نمی کرد، بلکه سعی می کرد آنها را به عنوان یک پیشنهاد و یا خواهش غیر مهم و در کمال ادب و احترام مطرح نماید.

حضرت خدیجه در آستانه وفات خویش، هنگامی که وصیت های خود را بیان می کرد، آنها را در قالب یک گفت و گوی صمیمانه و محبت آمیز، مطرح نمود. وی خطاب به پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ عرض کرد:

«یا رسول الله! چند وصیت دارم، البته من در حق تو کوتاهی کردم، مرا عفو کن.

پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ فرمود:

هرگز از تو تقصیری مشاهده نکردم. تو نهایت درجه تلاش خود را به کار گرفتی و در خانه من زحمات و مشکلات زیادی را متحمل شدی و تمام دارایی خود را در راه خدا مصرف کردی.

حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام عرض کرد:

یا رسول الله! می خواهم خواسته ای را توسط دخترم فاطمه به شما برسانم و شرم دارم آن را مستقیماً بازگو نمایم.

پیامبر از منزل خدیجه بیرون رفت، آنگاه خدیجه دخترش فاطمه را صدا کرد و به او گفت:

عزیزم! به پدر بزرگوارت بگو که مادرم می گوید:

من از قبر هراسناکم، دوست دارم مرا در لباسی که هنگام نزول وحی بر تن داشتی، کفن کرده و در قبر بگذاری. فاطمه عَلَیْهَا السَّلَام به نزد پدر آمده و پیام مادرش را رساند. پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ آن لباس را برای خدیجه فرستاد. هنگامی که فاطمه عَلَیْهَا السَّلَام آن را آورد، نشاط زاید الوصفی وجود

خدیجه را فرا گرفت.

آنگاه حضرت خدیجه با دلی آرام چشم از جهان فرو بست. پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ مشغول تجهیز و غسل و حنوط وی شد، هنگامی که خواست خدیجه را کفن کند، حضرت جبرئیل امین نازل شد و گفت:

یا رسول الله! خداوند سلام می رساند و می فرماید:

کفن خدیجه به عهده ماست و آن یک کفن بهشتی خواهد بود.

پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ اول با پیراهن خود و از روی آن با کفن بهشتی خدیجه را کفن کرد.

(ج)

دلجویی و دلداری همسر

خانواده کانون آرامش و راحتی بخش هر انسانی است.

مردی که در بیرون خانه با هزاران مشکل و گرفتاری رو به روست و گاهی در راه رسیدن به هدف و کسب روزی حلال، سخنان ناروا شنیده و لطمات روحی و جسمی زیادی را متحمل می شود، انتظار دارد که کسی از وی دلجویی کرده و حرف دلش را شنیده و با کلمات شفا بخش و برخوردارهای آسایش آفرین، مرهم گذار در دهای انباشته در دل او باشد.

حضرت خدیجه، چنین همسری برای پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ بود.

مشرکان با سخنان توهین آمیز و اعمال وقیحانه ای پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ را ناراحت می کردند و از این ناحیه، مشکلات فراوانی پیش روی پیامبر اکرم بود، اما همه این گرفتاری ها به وسیله خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام جبران می شد.

او شخص پیامبر و مشکلات آن حضرت را آگاهانه درک می کرد و بدین جهت در پیشرفت اهداف آن حضرت تلاش می نمود و سخنانش را تصدیق می کرد و او را از تمام غم ها و غصه ها می رهانید.

علامه، سید شرف الدین، در

این مورد می نویسد:

«او مدت ۲۵ سال با پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله وَ سَلَّمَ زندگی کرد بدون آنکه زن دیگری در زندگی او شریک شود و اگر در حیات باقی می ماند، پیامبر باز هم شریک دیگری انتخاب نمی کرد. او در تمام طول زندگی زناشویی، شریک درد و رنج پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله وَ سَلَّمَ بود، زیرا با مال خود به او نیرو می بخشید و با گفتار و کردار از او دفاع می نمود و به او در مقابل عذاب و درد کافران که در راه رسالت و ادای آن نصیبت می کردند، تسلی می داد. او به همراه علی عَلَيْهِ السَّلَام هنگام نزول نخستین وحی آسمانی به پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله وَ سَلَّمَ در غار حرا بود (۸۴).»

پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله وَ سَلَّمَ در مورد همسر گرامی خویش می فرماید:

«خدیجه زنی بود که چون همه از من روی می گردانیدند، او به من روی می کرد و چون همه از من می گریختند، به من محبت و مهربانی می کرد و چون همه دعوت مرا تکذیب می کردند، به من ایمان می آورد و مرا تصدیق می کرد.

در مشکلات زندگی مرا یاری می داد و با مال خود کمک می کرد و غم از دلم می زدود. (۸۵)

خدیجه آنچنان در روح و جان همسر بزرگوارش تأثیر گذاشته بود، که مدت ها بعد از رحلت حضرت خدیجه عَلَيْهَا السَّلَام هر گاه حضرت رسول صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله وَ سَلَّمَ گوسفندی را ذبح می کرد، می فرمود:

سهمی هم به دوستان خدیجه بفرستید، زیرا من دوست خدیجه را هم دوست می دارم.

۵ - برترین معیارهای انتخاب همسر

هر جوانی در زندگی خویش نیاز به ازدواج دارد و ازدواج در اسلام، یک امر مقدس

و عبادت محسوب می شود. دختر و پسری که می خواهند به سوی امر مقدس ازدواج قدم بردارند، اولین گام را از خود دوستی، به سوی غیر دوستی بر می دارند، آنان با امضای پیمان مقدس زناشویی، از دایره خودخواهی بیرون رفته و با وارد شدن به مرحله جدیدی از زندگی، بخشی از کمبودهای خود را جبران می کنند، که از جمله آنها می توان به بقای نسل، رسیدن به آرامش و سکون، تکمیل و تکامل، تأمین نیاز جنسی، سلامت و امنیت اجتماعی و تأمین نیازهای روحی و روانی اشاره کرد. اما در این میان مهم ترین دغدغه های هر دختر و پسر جوان، که در آستانه ازدواج قرار می گیرد، برترین معیارها و ملاک های ازدواج در انتخاب همسر آینده اش می باشد.

حضرت خدیجه عَلِيهَا السَّلَام به عنوان الگوی دختران و زنان مسلمان در مورد انتخاب حضرت مُحَمَّد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ به عنوان همسر آینده خویش، ملاک ها و اصولی را مطرح می کند، که از گفت و گوی وی با پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ معلوم می شود.

خدیجه هنگام پیشنهاد ازدواج با رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ به وی گفت:

به خاطر خویشاوندیت با من، بزرگواریت، امانتداری تو در میان مردم، اخلاق نیک و راست گویت، مایلم با تو ازدواج کنم.
(۸۶)

ارزش این انتخاب خدیجه آنگاه نمایان می شود که بدانیم او در آن هنگام، موقعیتی عالی و ممتاز در جامعه خود داشت و تمام امکانات و زمینه ها برای ازدواج وی با هر یک از جوانان نامدار و ثروتمند قریش فراهم بود.

مقاله پنجم

در کتاب «ره توشه راهیان نور» که به قلم گروهی از نویسندگان می باشد، مقاله ای دربارهی حضرت

خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام آمده است، که تقدیم می گردد:

خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام بانوی بزرگ اسلام، مظهر مقاومت و تجلی ایمان

«ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ كَفَرُوا امْرَأةَ نُوحٍ وَ امْرَأةَ لُوطٍ كَانَتَا تَحْتَ عَبْدَيْنِ مِنْ عِبَادِنَا صَالِحَيْنِ فَخَانَتَاهُمَا فَلَمْ يُغْنِيَا عَنْهُمَا مِنَ اللَّهِ شَيْئًا وَقِيلَ ادْخُلَا النَّارَ مَعَ الدَّٰخِلِينَ * وَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ آمَنُوا امْرَأةَ فِرْعَوْنَ اِذْ قَالَتْ رَبِّ ابْنِ لِي عِنْدَكَ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ وَ نَجِّنِي مِنْ فِرْعَوْنَ وَ عَمَلِهِ وَ نَجِّنِي مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ * وَ مَرْيَمَ ابْنَةَ عِمْرَانَ الَّتِي أَحْصَيْنَا فَفَخَنَّا فِيهِ مِنْ رُوحِنَا وَ صَدَقَتْ بِكَلِمَاتِ رَبِّهَا وَ كُتِبَ لَهَا مِنَ الْقَانِتِينَ.» (۸۷)

مقدمه

زنان همواره سنگ زیربنا و بنیادین اجتماعات بشری هستند و به همین جهت گرایشها، افکار، تمایلات و خواستههای ایشان، در اجتماع منشأ اثر و تحولات بزرگی بوده است.

این گرایشها و خواستهها، گاه از سوی خود آنان به منصفه ظهور و بروز رسیده و گاه، به جهت تأثیر انکارناپذیر روحیات بانوان، در بروز تحولات اجتماعی، به دست فرزندان آنان و مردان اجتماع، به تجلی نشسته است.

از این رو، قرآن کریم زن مؤمن را منشأ و خاستگاه جامعه ایمانی و زن کافر را منشأ و خاستگاه جامعه کفر معرفی کرده است.

در آیات شریفه فوق، چون خداوند در صدد بیان ضرب المثلی از انسانهای مؤمن بر آمده، به ذکر نام و شرح حال دو بانو می پردازد و چون احوال انسانهای کافر را به مثال می کشد، به ذکر نام دو زن از این طایفه اکتفا می نماید.

زنان نه تنها نیمی از پیکره اجتماع انسانی را تشکیل می دهند، بلکه به مقتضای سمت مادری و مدیریت خانه، منشأ حضور یک نسل، در جامعه انسانی خواهند بود و

چنین است که زن مؤمن برابر با جامعه مؤمن و زن کافر به معنی جامعه کفر است.

گاه در میان صفحات تاریخ می بینیم که، وظیفه حفظ دین و پاسداری آن از گزند دشمنان و بدخواهان، بر دوش بانوانی سنگینی می کند که سند افتخار «بیان رسالات الهی» و «تبلیغ دین» را به نام خویشتن زده اند.

در این رهگذر، یکی از درخشانترین چهره های تاریخ اسلام «خدیجه کبری عَلَیْهَا السَّلَام» است که به حق، مظهر مقاومت و تجلی ایمان می باشد؛ هم او بود که در اولین ساعات بعثت پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ به او ایمان آورد و تا آخرین لحظات عمر، بر این هدف پای فشرد و استقامت ورزید. علامه مجلسی در بحار می گوید:

«کانت خدیجهُ وزیرةَ صدقِ علیِ الإسلامِ وَ کانَ رسولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ يسكنُ إليها.» (۸۸)

فضایل خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام

۱ - معرفت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام نسبت به رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ

خدیجه کبری عَلَیْهَا السَّلَام با پیشنهاد ازدواج به رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ (قبل از بعثت پیامبر) افتخار همسری او را یافت؛ راز این پیشنهاد را خود آن حضرت چنین بیان می کند:

«أِنِّي قَد رَغِبْتُ فِيكَ لِقَرَابَتِكَ مِنِّي وَ شَرَفِكَ فِي قَوْمِكَ وَ أَمَانَتِكَ عِنْدَهُمْ وَ حُسْنِ خُلُقِكَ وَ صِدْقِ حَدِيثِكَ ...» (۸۹) به سبب خویشاوندی ات با من و شرف و بزرگی و امانتداری ات در میان قوم خود و به جهت اخلاق نیک و راستگویی ات، مایلم با تو ازدواج کنم.

از این سخن دانسته می شود که، علاقه و ارادت این بانوی بزرگ به پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ تنها به سبب علقه زوجیت

و محبت‌های شهوانی نبوده است، بلکه او فوق العادگیهای شخصیتی رسول اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ را به درستی دریافته بوده و لذا به پاس این معرفت، جان خویش را در طبق اخلاص نهاده، با اهداف پیامبر تشریک مساعی می نموده است.

او ایثار و از خود گذشتگی را به آنجا رسانید که به واسطه علاقه و ارادت فراوان به رسول اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ در میان بانوان قریش مهجور ماند و در لحظات ولادت فاطمه زهرا عَلَیْهَا السَّلَام هیچکدام از آنان بر بالین خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام حاضر نشدند (۹۰)؛ اما این همه فشار برای این بانو، به خاطر معرفتی که در سینه دارد سنگین نیست!

۲ - خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام اولین زن مسلمان

«يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ لَسْتُنَّ كَأَحَدٍ مِنَ النِّسَاءِ إِنِ اتَّقَيْتُنَّ...» (۹۱)

به نقل همه مورخین، خدیجه کبری عَلَیْهَا السَّلَام نخستین بانویست که به شرافت اسلام مشرف گردید؛ «ابن عبدالبر» از قول «قتاده» می گوید:

اولین کسی که به خدا و رسولش ایمان آورد خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام بود.» (۹۲)

«ابن عبدالبر» به سند خود از «پدر ابی رافع» می نویسد:

«صَلَّى رَسُولُ اللَّهِ يَوْمَ الْاِثْنَيْنِ وَ صَلَّى خَدِيجَةُ آخِرَ يَوْمِ الْاِثْنَيْنِ» (۹۳) پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ در روز دوشنبه (روز مبعث) نماز گذارد و خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام در ساعات آخر همان روز نماز خواند.

۳ - خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام برترین بانوان اهل بهشت

«عکرمه» از «ابن عباس» نقل می کند که گفت:

«خَطَّ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ فِي الْأَرْضِ أَرْبَعَةَ خُطُوطٍ ...»

فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ: أَفْضَلُ نِسَاءِ أَهْلِ الْجَنَّةِ، خَدِيجَةُ بِنْتُ خُوَيْلِدٍ وَ فَاطِمَةُ بِنْتُ مُحَمَّدٍ وَ مَرْيَمُ ابْنَةُ عِمْرَانَ وَ آسِيَةُ بِنْتُ مُرَّاحِمٍ اِمْرَأَةٌ فِرْعَوْنَ.» (۹۴)؛ رسول

خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ چهار خط بر روی زمین کشید و سپس فرمود:

بهترین زنان بهشت اینانند:

خدیجه دختر خُوَیَلِد، فاطمه دختر مُحَمَّد و مریم دختران عمران و آسیه دختر مزاحم، همسر فرعون.

ابن اثیر به سند خود از انس بن مالک از رسول الله صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ روایت کرده که فرمود:

خَيْرُ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ، مَرِيْمٌ وَّ اَسِيَةُ وَّ خَدِيْجَةُ وَّ فَاطِمَةُ (۹۵)

مریم، آسیه، خدیجه و فاطمه برترین زنان عالمند.

این حدیث را شیعه و سنی با عبارات مشابه و به طرق مختلف روایت نموده اند

۴ - خدیجه برترین همسر پیامبر: «أُمُّ الْمُؤْمِنِينَ»

«و ازواجُهُ أُمَّهَاتُهُمْ.» (۹۶) همسران پیامبر مادران مؤمنین هستند.

شیخ صدوق از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام نقل می کند:

«تَزَوَّجَ رَسُولُ اللَّهِ بِخَمْسِ عَشْرَ امْرَأَةً اَفْضَلَهُنَّ خَدِيْجَةُ بِنْتُ خُوَیَلِدٍ» (۹۷) پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ با پانزده زن ازدواج کرد که برترین آنان خدیجه بنت خویلد بود.

۵ - خدیجه عَلَيْهَا السَّلَام مادر فرزندان رسول الله صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ

خدیجه کبری عَلَيْهَا السَّلَام با آنکه بنا به نص قرآن مادر روحانی همه مؤمنین است.

اما بی واسطه و به طور مستقیم سمت مادری بر همه فرزندان پیامبر را نیز دارد. مؤرخین می گویند به جز «ابراهیم» که از «ماریه قبطیه» بود، سایر فرزندان پیامبر از خدیجه عَلَيْهَا السَّلَام هستند و این خود بر جایگاه این بانو و فضیلت قدر و جلالت معنوی او می افزاید.

فرزندان حضرت عبارتند از:

«قاسم، عبدالله، زینب، ام کلثوم، رقیه و فاطمه عَلَيْهَا السَّلَام؛ پسران در خردسالی از دنیا رفتند، ولی دختران زنده ماندند (۹۸).

از میان همه عظمت‌های این بانو، همین بس که شرافت مادری فاطمه زهرا عَلَيْهَا السَّلَام را داشت. او مادر بانویست که

امامت و وصایت پس از نبی اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله وَ سَلَّمَ از نسل او استمرار یافت.

محدث قمی قدس سره در منتهی الآمال در ضمن حدیثی از زبان خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام نقل می کند که «از اولین لحظاتی که به فاطمه عَلَیْهَا السَّلَام حمل یافتم، نور او را در شکم خویش می دیدم.»

افزون بر این، صدوق از «مفضل بن عمرو» از امام صادق عَلَیْهِ السَّلَام نقل می کند که «چون خدیجه کبری عَلَیْهَا السَّلَام به فاطمه عَلَیْهَا السَّلَام حامله شد، فاطمه عَلَیْهَا السَّلَام در شکم با او سخن می گفت و مونس او بود و او را به صبر توصیه می فرمود. خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام این حالت را از پیامبر صَلَّی اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله وَ سَلَّمَ پنهان می کرد. تا آنکه روزی پیامبر صَلَّی اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله وَ سَلَّمَ داخل شد و شنید که خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام با آنکه شخصی نزد او نیست سخن می گوید.

فرمود:

ای خدیجه با که سخن می گویی؟ خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام پاسخ داد:

فرزندی که در شکم من است با من سخن می گوید.

آنگاه پیامبر صَلَّی اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله وَ سَلَّمَ فرمود:

اینک جبرئیل مرا خبر می دهد که این فرزند دختر است و او صاحب نسل طاهر، با میمنت و با برکتیست و حق تعالی نسل مرا از او به وجود خواهد آورد و امامان و پیشوایان دین از نسل او به وجود خواهند آمد.»

چون لحظات ولادت فاطمه عَلَیْهَا السَّلَام نزدیک شد، خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام کسی را نزد زنان قریش و فرزندان هاشم فرستاد تا نزد او حاضر شوند؛ اما آنان در پاسخ گفتند:

تو فرمان ما را نبردی و همسر یتیم ابوطالب شدی که فقیر است و مالی ندارد، به همین سبب ما به خانه تو نمی آییم!

وقتی

پاسخ را به خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام عرض کردند، اندوهناک شد، اما ناگاه دید که چهار زن گندمگون و بلند بالا نزد او حاضر شدند. خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام از دیدن آنها ترسید، اما یکی از آنان گفت:

ای خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام نترس که ما فرستادگان پروردگاریم و به جهت کمک و یاری تو آمده ایم. اولی گفت:

من ساره ام همسر حضرت ابراهیم و دومی گفت:

من آسیه دختر مزاحم و سومی گفت:

من مریم هستم، دختر عمران و چهارمی خود را کلثوم خواهر موسی بن عمران معرفی کرد.

این چهار بانوی بهشتی به همراه ده حورالعین، خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام را در ولادت فاطمه عَلَیْهَا السَّلَام یاری دادند (۹۹).

۶ - خدیجه و ایمان او به علی ابن ابیطالب عَلَیْهِ السَّلَام

مرحوم مجلسی قدس سره در بحارالانوار در زمینه محبت و علاقه حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام نسبت به علی عَلَیْهِ السَّلَام مطالبی را نقل کرده که مضمون آن چنین است:

«پس از ازدواج پیامبر صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم با خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام، علی عَلَیْهِ السَّلَام به دنیا آمد. رسول خدا با خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام دربارهی دوستی و محبت علی عَلَیْهِ السَّلَام سخن گفت و خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام از آن پس به علی عَلَیْهِ السَّلَام محبت فراوان داشت و برای آن حضرت به وسیله خدمتکارانش لباس، زیور آلات و ملزومات می فرستاد، به گونه ای که مردم می گفتند:

علی محبوبترین افراد نزد او و نور چشم خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام است.

الطاف و محبتهای خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام صبح و شام به خانه ابوطالب روان بود.» (۱۰۰)

علاوه بر این، خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام ولایت علی عَلَیْهِ السَّلَام و اولادش را پذیرفته بود، با آنکه در آن زمان به این امر مکلف نشده بود.

مرحوم محلاتی به نقل از مجلسی قدس سره می گوید:

«روزی رسول

خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام را نزد خود خواست و فرمود:

این جبرئیل است و می گوید برای اسلام شروطی است:

اول اقرار به یگانگی خداوند.

دوم:

اقرار به رسالت پیامبران.

سوم:

اقرار به معاد و عمل به اصول و مهمات شریعت.

چهارم:

اطاعت اولی الامر و ائمه طاهرین از فرزندان او و براءت از دشمنان آنها. خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام به همه آنها اقرار نمود و تصدیق کرد. (۱۰۱)

۷ - انفاق خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام

مورخان ثروت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام را بدین ترتیب نگاشته اند:

۱ - هزاران شتر (شتران فراوانی) اموال تجارتنی او را حمل می کردند.

۲ - قبه ای از حریر سبز با طنابهای ابریشمی بر بام خانه اش افراشته شده بود و نمایانگر ثروت فراوان او بود.

۳ - چهارصد غلام و کنیز خدمات ارجاعی او را انجام می دادند. (۱۰۲)

ثروت این بانوی معظمه به قدری زیاد بود که ثروتمندان درجه یک قریش چون «ابوجهل» و «عقبه بن ابی معیط» در نزد او ناچیز به شمار می رفتند. پس از ازدواج با پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام همه این ثروت را بیدرنگ در اختیار رسول اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ قرار داد. (۱۰۳)

در مقابل سخن سخیف منافقین، که سعی داشتند با محاصره اقتصادی راه نفوذ اسلام را سد نمایند:

«يَقُولُونَ لَا- تُنْفِقُوا عَلٰی مَنْ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ حَتَّىٰ يَنْفَضُوا مِنْ حَوْلِهِ». (۱۰۴) بانوی فداکار و ثروتمندی چون خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام، همه هستی خود را در راه اعتلای اسلام خرج کرد و در روزهای سخت اسارت در شعب ایطالب، علاوه بر همراهی پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ و دلگرمیهای عاطفی و روانی او، همه سرمایه اش را نیز برای نجات اسلام و

حمایت از مسلمانان صرف کرد.

به حق دربارهی او باید گفت که او مصداق متّقین در سوره بقره است؛ «الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنفِقُونَ.» (۱۰۵) تقوا پیشگان آنانند که به غیب ایمان دارند و نماز بر پای می دارند و از آنچه خدای روزیشان نموده انفاق می کنند.

«يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِأَزْوَاجِكَ إِنْ كُنْتُمْ تُرِيدُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَزِينَتَهَا فَتَعَالَيْنَ أُمَتِّعْكُنَّ وَأُسَرِّحْكُنَّ سَرَاحًا جَمِيلًا وَإِنْ كُنْتُمْ تُرِيدُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَالْآخِرَةَ فَإِنَّ اللَّهَ أَعَدَّ لِلْمُحْسِنَاتِ مِنْكُنَّ أَجْرًا عَظِيمًا.» (۱۰۶) ای پیامبر، به همسرانت بگو:

اگر شما زندگی خوب و زیور دنیا را طالبید، بیاید تا مهریه شما را پرداخته و طلاقتان دهم. اما اگر طالب خدا و رسول و مشتاق خانه آخرتید، همانا خدا به نیکوکاران از شما اجر عظیم عنایت می فرماید.

«وَمَنْ يَقْتُلْ مِنْكُنَّ لِلَّهِ وَرَسُولِهِ وَتَعَمَّلَ صَالِحًا نُؤْتِهَا أَجْرَهَا مَرَّتَيْنِ وَاعْتَدْنَا لَهَا رِزْقًا كَرِيمًا.» (۱۰۷) و هر که از شما مطیع فرمان خدا و رسولش باشد و نیکوکار شود، او را دو بار پاداش می دهیم و برایش روزی با کرامتی مهیا می سازیم.

مقام خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام در نزد خداوند

«زُرَّارَةُ وَحُمْرَانُ ابْنُ أَعْيُنٍ وَ مُحَمَّدٌ بْنُ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

حَدَّثَ أَبُو سَعِيدٍ الْخَدْرِيُّ: أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ قَالَ:

إِنَّ جَبْرَيْلَ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ لِي لَيْلَةَ أُسْرِي بِي حِينَ رَجَعْتُ وَقُلْتُ يَا جَبْرَيْلُ هَلْ لَكَ مِنْ حَاجَةٍ؟ قَالَ:

حَاجَتِي أَنْ تَقْرَأَ عَلَيَّ خَدِيجَةَ مِنَ اللَّهِ وَ مِنْهُ السَّلَامُ وَحَدَّثَنَا عِنْدَ ذَلِكَ أَنَّهَا قَالَتْ حِينَ لَقِيَهَا نَبِيُّ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ. فَقَالَ لَهَا الَّذِي قَالَ جَبْرَيْلُ. فَقَالَتْ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

ان

اللَّهُ هُوَ السَّلَامُ وَ مِنْهُ السَّلَامُ وَ إِلَيْهِ السَّلَامُ وَ عَلَى جِبْرِئِيلَ السَّلَامُ.» (۱۰۸) امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ به حرمان و زراره و محمد بن مسلم چنین روایت کرده که رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ فرمود:

همانا شبی که در معراج بودم، به هنگام بازگشت از سفر روحانی به جبرئیل گفتم:

ای جبرئیل، آیا حاجتی داری؟ جبرئیل پاسخ داد:

حاجت من اینست که از طرف خدا و من، به خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ سلام برسانی، چون رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ پیغام جبرئیل را به خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ رسانید، آن حضرت پاسخ داد:

همانا خدا سلام است و سلام از اوست و سلام به سوی اوست و بر جبرئیل سلام باد!

امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:

آن زمان که خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ وفات یافت، فاطمه عَلَیْهَا السَّلَامُ اطراف پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ می گشت و از او می پرسید:

یا رسول الله مادرم کجاست؟

ولی رسول خدا پاسخ او را نمی داد. فاطمه عَلَیْهَا السَّلَامُ در سؤالش اصرار می کرد و رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ نمی دانست چه پاسخی باید به فاطمه عَلَیْهَا السَّلَامُ بدهد. پس جبرئیل نازل شد و گفت:

همانا خدایت به تو امر می کند که به فاطمه سلام برسانی و به او بگویی:

همانا مادرت در خانه ای از زمرد است که دیوارهایش از طلاست و پایه هایش از یاقوت قرمز. او در میان آسیه - همسر فرعون - و مریم دختر عمران جای دارد. پس فاطمه عَلَیْهَا السَّلَامُ گفت:

همانا خداوند خود سلام است و سلام از اوست و به سوی اوست! (۱۰۹) همچنین روایت شده است که وقتی رسول اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ در بستر

احتضار بود؛ فاطمه زهرا عَلَیْهَا السَّلَام در بارهی جایگاه آن حضرت در قیامت سؤالاتی پرسید. از آن جمله پرسید:

«أین والدتی خدیجه؟» در آن روز مادرم خدیجه کبری کجاست؟

رسول اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ فرمود:

فی قصرٍ لَهُ أَرْبَعَةُ أَبْوَابٍ إِلَى الْجَنَّةِ خدیجه در قصریست که چهار درب به سوی بهشت دارد. (۱۱۰)

در سفینه البحار، مرحوم محدث قمی می گوید:

«در وحی خداوند به حضرت مسیح، از خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام به «مبارکه» تعبیر شده، به این صورت که در رابطه با پیامبر آمده:

«نسله من مبارکه.» (۱۱۱)

در کنز العمال آمده:

«و عَلَى الْأَعْرَافِ رِجَالٌ يَعْرِفُونَ كُلَّمَا بَسِمَاهُمْ.» خدیجه با پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ و علی و فاطمه و حسن و حسین عَلَیْهِمُ السَّلَام بر اعراف بودند. (۱۱۲) و نیز «ابومسلم خولایی» از پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ در بارهی آیه شریفه: «إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَى آدَمَ وَ نُوحًا وَ...» نقل کرده که حضرت فرمود:

«و عَلِيًّا وَ الْحَسَنَ وَ الْحُسَيْنَ وَ حَمْزَةَ وَ جَعْفَرًا وَ فَاطِمَةَ وَ خَدِيجَةَ عَلَيْهِمُ السَّلَام.» (۱۱۳)

علاقه رسول الله صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ به خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام

خدیجه کبری ۲۴ سال با پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ زندگی کرد. (۱۱۴) و تا زنده بود پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ همسر دیگری اختیار ننمود. پس از مرگ خدیجه نیز، ابتدا رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ در قبر آن حضرت داخل شد و سپس خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام را در آن جای داد. (۱۱۵)

«عبدالله بن جعفر عن علی عَلَیْهِ السَّلَام قال رسولُ الله صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ:

أَفْضَلُ نِسَاءِ أُمَّتِي خَدِيجَةُ وَ أَفْضَلُ

نِسَاءِ الْأُمَمِ الْمَاضِينَ مَرْيَمُ.» رسول اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ فرمود:

برترین بانوان ائمتّم خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام است و برترین بانوان امتهای گذشته مریم عَلَیْهَا السَّلَام بود.

«روی عن انس قال:

كَانَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ إِذَا أَتَى بِهَدِيَةٍ قَالَ أَذْهَبُوا بِهَا إِلَى بَيْتِ فُلَانَةٍ فَإِنَّهَا كَانَتْ صَدِيقَةً لِخَدِيجَةَ أَنَّهَا كَانَتْ تُحِبُّ خَدِيجَةَ.» (۱۱۶) از انس بن مالک (غلام پیامبر) روایت شده که هر وقت برای پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ هدیه ای می آوردند، حضرت می فرمود:

آن را به خانه فلان خانم ببرید، او دوست خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام بود و خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام را دوست می داشت.

عایشه گوید:

هرگز آن مقدار که بر خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام غیرت ورزیده و حسد بردم، بر زنی غیرت نورزیدم؛ آن هنگام که پیامبر او را یاد می کرد و من می شنیدم و نیز هنگامی که گوسفند ذبح می کرد و آن را به دوستان خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام هدیه می داد.

«عن عایشة: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ لَا يَكَادُ يَخْرُجُ مِنَ الْبَيْتِ حَتَّى يَذْكُرَ خَدِيجَةَ فَيُحْسِنُ الثَّنَاءَ عَلَيْهَا وَ الْإِسْتِغْفَارَ لَهَا فَذَكَرَهَا ذَاتَ يَوْمٍ فَحَمَلْتَنِي الْغَيْرَةَ فَقُلْتُ عَوْضَكَ اللَّهُ مِنْ كِبِيرِهِ السِّنِّ، قَالَتْ: فَرَأَيْتُ رَسُولَ اللَّهِ غَضِبَ غَضَبًا شَدِيدًا...»؛ عایشه گوید:

رسول خدا از خانه بیرون نمی آمد، مگر اینکه خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام را یاد می کرد و برایش استغفار می نمود. روزی از او یاد کرد و من حسد بردم و گفتم:

او پیرزنی بیش نبود.

خدا بهتر از او را به شما عوض داده؟! پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ خشمگین شد و فرمود:

نه به خدا قسم، که بهتر از او را به من نداده است؛ «خدیجه و این مثل خدیجه، صدقتنی حین کذبنی الناس و وازرتنی علی دین الله

و أَعَانَتْنِي بِمَا لَهَا؛ خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ و دیگر کجاست مثل خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ؟ او به من ایمان آورد، آن هنگام که مردم مرا انکار می کردند.

او مرا تصدیق کرد آن گاه که مردم مرا تکذیب می نمودند. او با مال خود مرا یاری کرد و خداوند از میان همسران، فقط از خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ به من فرزند داد.

و گویند:

هر وقت پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ نام خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ را می شنید، گریه می کرد و نیز روایت شده:

زمانی پیرزنی بر پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ وارد شد، پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ بر او تلفت و مهربانی نمود؛ پس از خروج او عایشه علت آن را جویا شد، حضرت فرمود:

این بانو در زمان خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ بر من وارد می شد.

(۱۱۷)

وفات خدیجه کبری عَلَیْهَا السَّلَامُ

پس از آنکه تازه مسلمانان سه سال سختی و رنج را در شِغْبِ ابیطالب تحمل کرده و با فداکاریها و اتفاقات مالی خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ از شعب ابیطالب به سلامت رهایی یافتند. متأسفانه، تحمل رنجها و سختیها کمر استقامت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ را خم کرد و عمر او را کوتاه نمود؛ لذا از آن پس خدیجه عَلَیْهَا السَّلَامُ در بستر بیماری افتاد.

ابتدا ابوطالب عَلَیْهِ السَّلَامُ، بزرگ حامی رسول اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ، وفات یافت و سپس، به نقل بعضی از مورخین: سه روز بعد، خدیجه کبری عَلَیْهَا السَّلَامُ در ۶۵ سالگی وفات کرد و در محلی به نام «حجون» دفن شد.

آنچه در انتهای این مقال گفتنی است آنکه، خدیجه کبری عَلَیْهَا السَّلَامُ در لحظات احتضار «اسماء بنت عمیس» را به نزد خویش طلبید و در مورد دخترش فاطمه زهرا عَلَیْهَا السَّلَامُ به او

سفارشاتى کرد و سپس فاطمه عَلَیْهَا السَّلَام را به نزد پیامبر فرستاد و از طریق فاطمه عَلَیْهَا السَّلَام و به وساطت او، از رسول اللّهِ صَلَّى اللّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ خواهش کرد که یکی از لباسهای خود را کفن او قرار دهد؛ سپس چشم از جهان فرو بست!

این حادثه، چنان بر رسول اللّهِ صَلَّى اللّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ ناگوار بود که پس از آن، چند روز از خانه خارج نشد و آن سال را «عام الحزن» نامید.

علی ابن ابیطالب عَلَیْهِ السَّلَام نیز در رثای آن دو بزرگوار اشعاری سرود:

«أَعْيَنِي جُودًا بَارَكَ اللَّهُ فِيكُمَا

علی هَالِكَيْنِ لَا تَرَى لَهُمَا مَثَلًا...»

ای چشمان من! آفرین بر شما! بر آن دو رفته ای که دیگر مانندشان را نمی بینند، بر بزرگ بطحاء و بر بانوی بانوان؛ آن نخستین کسی که نماز گذارد؛ بر آن زن پیراسته و خجسته ای که خداوند او را پاک داشت و برتری اش داد، اشک بریزید. مرگ این دو، روز را بر من تاریک ساخته و از این پس، شبها را درانده و سوگ آن دو سر می کنم. آن دو در برابر ستمکاران به دین، آیین محمّد را یاری کردند و پاس پیمان خویش داشتند! (۱۱۸)

مقاله ششم

بانوی نویسنده، خانم عذرا انصاری دام عَزَّها، در مجله «پیام زن» سال سوم شماره اول، در مقاله ای دربارهی حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام عرض ادب و اخلاص نموده و به مناسبت سالروز ازدواج پیامبر اکرم صَلَّى اللّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ و حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام نکات برجسته ای از عظمت آن حضرت و عقیده و روحیات و فداکاریهای آن افتخار عالم نسوان را به تصویر کشیده است، که ذیلاً گزیده ای از آن مقاله

تقدیم می گردد.

... خدیجه دلش با محمّد صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ بود، زیرا از علمای یهود و نصارا مطالبی درباره‌ی نبوت آن حضرت شنیده بود.

او عقیده داشت که همسری پیامبر خوشبختی و سعادت دنیا و آخرت، افتخار و نشاط را برایش به ارمغان می آورد (۱۱۹). بدین جهت نزد پسر عموی خود ورقه بن نوفل رفت و گفت، می خواهم ازدواج کنم، لیکن نمی دانم با چه کسی، خواستگاران زیادی برایم آمده اند، دلم هیچ یک را نمی پذیرد.

در این هنگام «ورقه» با تخصصی که در کتاب و ادیان داشت، او را از خصوصیات و کمالات و ویژگیهای پیامبر آینده آگاه کرده، گفت:

محمّد صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ تاج کرامت بر سر و نعمت و شفاعت در کف دارد، سرور و بزرگ عرب بوده، فرزند عبدالله بن عبدالمطلب است.

پس از شنیدن اوصاف پیامبر صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ بر علاقه قلبی و محبت شدید حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام افزوده شد، تا جایی که قرار و آرام را از او گرفت و در تنهایی به یاد او می گریست (۱۲۰).

بی مناسبت نیست برخی ویژگیهای حضرت خدیجه را بازگو کنیم:

۱ - سبقت در ایمان به خدا و رسول او.

۲ - معرفت و زیرکی و تلاش در راه رسیدن به حقیقت و سیراب کردن کام تشنه خویش از سرچشمه زلال معنویت و شرافت.

۳ - شکستن سنتهای جاهلیت.

۴ - پاسداری از جان و سلامت رسول خدا صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ، گویی خدا به وسیله خدیجه پیامبرش را از گزند دشمنان حفظ کرد.

۵ - برخورداری از ثروت سرشار و سهم کردن مردم در سود تجارت، به نقاط مختلف

نظیر حجاز، مصر، حبشه و غیره (۱۲۱).

حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام زنی بود که بیشترین محبت و توجه پیامبر صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ را به خود جلب کرد، به گونه ای که رسول خدا صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ تا خدیجه زنده بود، همسر دیگری نگرفت و پس از مرگ خدیجه نیز همیشه به یاد او بود و چون گوسفندی را قربانی می کرد، دستور می داد، اول برای خویشان و دوستان خدیجه ببرند.

۷- یاور سالهای تنهایی و غربت رسول خدا صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ و مایه تسکین قلب و رفع اندوه و غصه آن حضرت بود.

۸- گسستن از همه و پیوستن به حق.

۹- ایثار تمام ثروت خویش به پیشگاه پیامبر صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ در راه تحقق آرمانهای اسلام

۱۰- حفظ نسل پاک رسول خدا صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ به خصوص وجود مقدس حضرت زهرا عَلَیْهَا السَّلَام که جریان کوثر برکت و خیر و فضیلت او، به ابدیت متصل است.

۱۱- بیعت با حضرت علی عَلَیْهِ السَّلَام و پذیرش امامت آن حضرت. شیوه این بیعت بدین گونه بود که رسول خدا دست خود را روی دست امیرمؤمنان علی عَلَیْهِ السَّلَام گذاشت، سپس خدیجه دست خود را روی دست پیامبر صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ نهاد.

۱۲- عبادت، استقامت و حسن خانه داری و همسر داری.

۱۳- شهامت طرفداری از حق و تحت تأثیر محیط قرار نگرفتن.

۱۴- پاک سرشت و مورد اعتماد بودن، به گونه ای که در زمان جاهلیت او را «طاهره» نامیدند.

منزلت حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام در پیشگاه خدا به اندازه ای

بود که جبرئیل به پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله وَ سَلَّمَ عرض کرد:

من هر گاه از سدره ی المنتهی فرود می آیم، خدای تبارک و تعالی می فرماید:

سلام مرا به خدیجه برسان. یکی از همسران پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله وَ سَلَّمَ می گوید:

هر وقت نام خدیجه برده می شد، پیامبر خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله وَ سَلَّمَ به خوبی از او یاد می کرد و برایش غفران الهی را طلب می نمود (۱۲۲). من عرض کردم:

خدیجه مسن بود و خدا بهتر از او به شما داده است.

رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله وَ سَلَّمَ خشمگین شد، به طوری که من پشیمان شدم و تصمیم گرفتم دیگر چنین حرفی نزنم. پیامبر فرمود:

چرا این گونه سخن می گویی! به خدا قسم او زمانی به من ایمان آورد که مردم مرا تکذیب می کردند، زمانی به من پناه داد که دیگران طردم می کردند.

او مرا تصدیق کرد و فرزندان من از آن اوست (۱۲۳).

روزی خدیجه عَلِيهَا السَّلَام با عده ای از زنان در خانه نشست، یکی از علمای یهود آنجا حضور داشت، در این بین حضرت محمد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله وَ سَلَّمَ از آنجا عبور کرد، مرد یهودی به حضرت خدیجه عَلِيهَا السَّلَام گفت:

این جوان را به اینجا دعوت کن، خدیجه کنیز خود را به دنبال ایشان فرستاد، چون محمد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله وَ سَلَّمَ وارد شد، مرد یهودی از آن حضرت خواست که کتف خود را نشان دهد، وقتی که چشم مرد یهودی به شانه محمد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله وَ سَلَّمَ افتاد و مهر نبوت را دید، گفت:

به خدا قسم این مهر پیامبری صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله

وَسَلَّمَ اسْت.

خدیجه گفت:

اگر عمویش اینجا بود، نمی گذاشت به بدن او نگاه کنی. یهودی گفت:

هیچ کس نمی تواند به مُحَمَّد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ زیان برساند، به موسی قسم که او پیامبر خاتم است.

در این هنگام که دل خدیجه از عشق به مُحَمَّد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ لبریز شده بود، از مرد یهودی پرسید:

تو از کجا دانستی که ایشان پیامبر است.

او در جواب گفت:

در تورات آمده است که پیامبری به نام مُحَمَّد مبعوث می شود، او در کودکی پدر و مادر خود را از دست می دهد و جد و عموی او کفالتش را به عهده می گیرند. سپس به طرف خدیجه اشاره کرد و گفت:

او زنی از قریش را به عقد خود در می آورد و خوشا به حال کسی که همسر او باشد (۱۲۴) که او بزرگ و سرور خاندان است.

سپس هنگام بیرون رفتن به خدیجه گفت:

مواظب باش که مُحَمَّد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ را از دست ندهی، چرا که پیوند با او سعادت دو جهان را تأمین می کند.

این مطلب در ذهن خدیجه باقی ماند.

روزها برای خدیجه به کندی می گذشت و او به دنبال فرصتی بود تا زمینه ای فراهم کند و به همسری اشرف مخلوقات نایل شود.

مدتی گذشت، روزی ابوطالب به مُحَمَّد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ چنین گفت:

من ثروت و اندوخته ای ندارم، پیر و ضعیف شده ام و دلم می خواهد زندگی ات را سامان داده و همسر بگیری تا در کنار او آرامش بیابی.

حضرت مُحَمَّد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ گفت:

نظر شما چیست؟

ابوطالب پاسخ داد:

خدیجه هر ساله عده ای را به تجارت می فرستد، اگر می خواهی از او

برایت سرمایه ای بگیرم، تا با آن تجارت کنی و از سود آن زنی برایت خواستگاری کنم، آن حضرت نیز پذیرفت.

ابوطالب، عباس و دیگر بستگان محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ تصمیم گرفتند، به خانه خدیجه بروند. سر انجام، جملگی به راه افتادند تا به خانه خدیجه رسیدند. چون آهنگ در نواختند شوقی در قلب خدیجه پدیدار شد و به کنیز خود گفت:

برو بین چه کسی در می زند.

کنیز خبر آورد که بزرگان عرب و فرزندان عبدالمطلب اجازه ورود می خواهند. خدیجه شادمان شد و گفت:

زود در را باز کن و به غلامان بگو:

فرشها را بگسترانند و هر کس را در جایگاه خود قرار دهند و از آنها پذیرایی نیکویی به عمل آورند.

خدیجه گفت:

ای بزرگواران مکه و کعبه! کلبه ما را صفا دادید، هر خواهشی که داشته باشید، پذیرا هستم. ابوطالب گفت:

ما تقاضایی داریم که بهره اش به شما هم می رسد و آن درخواست سرمایه ای است، برای پسر برادرم. چون خدیجه نام محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ را شنید دلش آرام گرفت. سپس گفت:

محمد کجاست تا خواسته اش را از زبان خود او بشنوم. در این هنگام عباس برای آوردن محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ حرکت نمود. قدری جستجو کرد تا اینکه او را در خوابگاه ابراهیم یافت. بی درنگ به آن حضرت گفت:

به خانه خدیجه برویم که می خواهد تو را امین مال خود گرداند.

آن حضرت چون خورشیدی درخشان رو به خانه خدیجه نهاد. عباس با عموهای محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ به استقبال ایشان شتافته، حضرتش را به داخل خانه آوردند و در بالای مجلس نشاندند. خدیجه عَلَيْهَا السَّلَام دستور

داد از ایشان پذیرایی کنند.

سپس خطاب به محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ گفت:

خانه ما را روشن کردی، آیا میل داری امین من در امور تجارت باشی. محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ جواب داد:

آری، مایلم سفری به شام داشته باشم. خدیجه گفت:

هر طور دوست دارید، عمل کنید، من در این سفر برای شما بهره قابل توجهی معین کرده ام، آیا به این راضی هستید؟ ابوطالب گفت، همه راضی هستیم، شما نیز به چنین شخص امین و درستکاری نیاز داری. تمام مردم حسن دیانت و امانت و تقوای او را قبول دارند.

پس از آن، به دستور خدیجه عَلِيهَا السَّلَام شتری قوی که دارای چشمانی سرخ بود، آوردند تا پیامبر شیوه بار بستن را بیازماید و نکات لازم را فرا گیرد.

چون شتر را پیش آوردند، در مقابل محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ زانو زد و صورت خود را به پای محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ چسباند (۱۲۵). محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ او را نوازش کرد و بر پشت او دست کشید، شتر از این محبت بر خود بالید. این صحنه باعث شگفتی حاضران شد.

خدیجه عَلِيهَا السَّلَام نگاهی به او کرد و گفت:

ای بزرگوار! این لباسهای شما مناسب سفر نیست، اجازه دهید برایتان لباس بیاورند. سپس دستور داد، دو دست لباس یکی مصری و دیگری عدنانی، دو برد یمانی، عمامه، کفش و عصا برای حضرتش آوردند. پس از آنکه لباس آوردند، خدیجه به محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ گفت:

این لباسها برای شما بلند است، اجازه دهید آن را کوتاه کنم.

و محمد صَلَّى اللهُ

عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ جواب داد:

لازم نیست، من هر لباسی که بپوشم، بر اندامم برازنده است (۱۲۶). مُحَمَّدٌ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ لباسها را پوشید و همه برازنده ایشان بود، گویی در میان آن جامه ها چون قرص ماه می درخشید. خدیجه چون به ایشان نظر انداخت، دلش از مهر مُحَمَّدٌ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ به وجد آمد.

عزیزم کاسه چشمم سرایت

میان هر دو چشمم جای پایت

از آن ترسم که غافل وانهی پا

نشیند خار مژگانم به پایت

باباطاهر عریان

خدیجه عَلِيهَا السَّلَام دستور داد شتر مخصوص خویش را برای سواری آن حضرت آوردند. سپس دو غلام خود «میسره» و «ناصر» را طلبید و گفت:

بدانید که من مُحَمَّدٌ را بر اموال خویش امین و حاکم قرار دادم. او بالاترین مقام است و در مورد اموال من اختیار تام دارد، شما در هیچ مورد با او سخن مگویید و بیشترین احترام و تکریم را داشته باشید و در خرید و فروش او دخالت نکنید. «میسره» گفت:

من از قبل، مُحَمَّدٌ را دوست می داشتم و اکنون که شما او را دوست دارید، علاقه من نیز بیشتر شد.

حضرت مُحَمَّدٌ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ با خدیجه خداحافظی کرد، سوار مرکب شد و از خانه خارج گشت، در حالی که دو غلام خدیجه با او بودند (۱۲۷).

مسافرت با جریانات آن طی شد و سود سرشاری نیز نصیب محمد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ گردید، پس از مدتی مُحَمَّدٌ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ از راه رسید و کاروان در خانه خدیجه فرود آمد و خدیجه از سودی که نصیبش شده بود، آگاه شد.

آن بانوی

بزرگوار از سود چشمگیر این سفر در شگفت ماند و مطلب را با پدر خود «خوید» در میان گذاشت. سپس از میسره غلام خود پرسید:

در این مسافرت چه چیزهایی از مُحَمَّد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ دیدی؟ او جواب داد:

کرامات ایشان بیشتر از آن است که من بتوانم بیان کنم. سپس بعضی از حوادث بین راه را تعریف کرد، از جمله پیام «فلیق» راهب را به خدیجه رساند. آن گاه خدیجه «میسره» و زن و فرزندان را آزاد کرد و او را با هدایای گرانبها از جمله دو شتر و دو یست درهم نقره خوشحال کرد. پس از آن، دستور داد صندلی مخصوصی برای مُحَمَّد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ درست کنند، تا هر وقت حضرت صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ تشریف آورد، روی آن بنشیند.

صندلی مخصوص فراهم شد و حضرت مُحَمَّد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ روی آن نشست. شکوه و هیبت از قیافه آن حضرت می بارید، گویی قرص ماه بر صندلی طلوع کرده است.

خدیجه بار دگر سخن از شعر و تجارت به میان آورد و گفت، دیدار شما برای من بس گوارا و خوش است، ای آقای عالم! پادشاه شما نزد من است، اگر اجازه می دهید، پردازم، آن حضرت فرمود:

اجازه می خواهم که ابتدا با عموی خود ابوطالب ملاقات کنم و بر می گردم.

پس از آن مُحَمَّد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ نزد ابوطالب رفت و داستان تجارت و حوادث آن را بیان کرد و گفت:

می خواهم سود این سفر را به شما هدیه کنم. ابوطالب از شدت محبت، او را در آغوش کشید و پیشانی حضرتش

را بوسید و گفت:

دوست دارم از سود این تجارت، زنی در خور شخصیت تو برایت عقد کنم. مُحَمَّد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ فرمود:

هر چه شما بفرمایید، می پذیرم.

حضرت پس از این گفتگو، گرد و غبار سفر از تن خود شست و لباسهای نیکو پوشیده، عصر دوباره به خانه خدیجه بازگشت.

در این حال، خدیجه از دیدار او به شوق آمد.

صورت خوبت نگارا خوش به آیین بسته اند

گویا نقش لب، از جان شیرین بسته اند

خط سبز عارضت، بس خوب و دلکش یافتم

سایبان از گرد عنبر گرد نسرین بسته اند

از برای مقدم خیل خیالت مردمان

ز اشک رنگین در دیار دیده آیین بسته اند

...

جمله وصف عشق من دو دست و حسن روی او

پیش از این آنها که بر فرهاد و شیرین بسته اند

خدیجه از مُحَمَّد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ پرسید:

با سود این تجارت چه خواهی کرد؟ آن حضرت فرمود:

عمویم ابوطالب قصد دارد که همسری از خویشانم برایم خواستگاری کند.

خدیجه گفت:

اجازه می دهی من برای شما زنی شایسته انتخاب کنم. مُحَمَّد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ فرمود:

بله، خدیجه گفت:

زنی برای شما سراغ دارم که اهل مکه و از خویشان شماست و ثروتمند و با جمال و کمال بوده، پاکدامن، با عفت، سخاوتمند و پسندیده است، در کارها به شما کمک می کند و به کم قانع است.

در این هنگام، رخسار مبارک محمد صلی الله علیه و آله و سلم گلگون شد و عرق آن را شستشو داد و سکوت کرد. خدیجه دوباره سخن خود را تکرار نمود و عرض کرد:

به خدا قسم من در هیچ کاری با شما مخالفت نمی کنم و از بذل مال در راه شما و اهداف دریغ

ندارم. در این حال، مُحَمَّد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ فرمود:

او را معرفی کن. خدیجه گفت:

کنیز شما خدیجه!! (۱۲۸)

شما را به کعبه و صفا قسم می دهم درخواست مرا بپذیرید. آن گاه سرشک اشک از دید گانش جاری شد.

حضرت خدیجه عَلِيهَا السَّلَام در میان گریه و اشک با مُحَمَّد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ چنین گفت:

اکنون برخیز و خویشان خود را برای خواستگاری نزد پدرم بفرست و از جهت مهریه نیز نگران مباش، زیرا آن را از مال خود می پردازم.

حضرت مُحَمَّد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ برخاست و نزد ابوطالب آمد. عموهای دیگرش نیز حضور داشتند. به آنها فرمود:

به خانه خویند بروید و خدیجه را برای من خواستگاری کنید. ابوطالب گفت:

ای برادر زاده! ثروتمندان از خدیجه خواستگاری کردند و او به هیچ کس راضی نشد، در حالی که تو فقیر هستی؛ شاید شوخی کرده باشد.

پس از گفتگو به این نتیجه رسیدند که صفیه خواهر خود، که عمه مُحَمَّد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ بود را به خانه خدیجه بفرستند، تا دربارهی این مطلب مهم تحقیق کند و معلوم شود که خدیجه جدی گفته یا نه.

صفیه وارد خانه خدیجه شد.

خدیجه دستور داد، از وی پذیرایی کنند، صفیه گفت:

آنچه من شنیده ام راست است؟

خدیجه جواب داد:

بله.

من به جلالت و امانت مُحَمَّد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ پی برده ام و ازدواج با او را پیروزی بزرگ می دانم و مهر را نیز خود می پردازم. سپس هدیه با ارزشی به صفیه داد و او شاد و خرم به خانه برگشت و به برادران خود خبر داد (۱۲۹). در این حال همه شاد شدند، جز

ابولهب که کینه دیرینه داشت.

ابوطالب لباس زیبا به محمد صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم پوشاند و شمشیر هندی بر کمرش بست و او را سوار اسب تازی کرده، عموهایش چون شمعی او را در بر گرفتند و به سوی خانه خویند حرکت کردند.

خویند چون جمع بنی هاشم را دید احترام کرده، خوشامد گفت و مقدم آنان را گرامی داشت.

ابوطالب لب به سخن گشود و چنین گفت:

ما از یک نژاد و فرزندان یک پدریم. اینک آمده ایم تا بین زن و مردی پیمان زناشویی بندیم. خویند گفت:

آن زن و مرد کیانند؟ ابوطالب جواب داد:

بزرگ و سرور ما محمد صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم و دختر شما خدیجه! خویند رخسارش دگرگون شد و گفت:

شما از بزرگان عرب هستید و میدانید که چه کسانی از او تقاضای ازدواج کرده اند و او نپذیرفت. کار محمد صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم چه می شود که فقیر و تنگدست است؟

حمزه بلند شد و گفت:

این نشانه جهل و گمراهی توست؛ مگر نمی دانی که اگر محمد صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم طلب کند، ما هر چه داشته باشیم از او دریغ نمی کنیم. سپس با همراهان از آنجا خارج شدند.

وقتی این خبر به خدیجه رسید، از برخورد پدرش به شدت آزرده شد و گفت:

هر چه زودتر پسر عمویم ورقه را حاضر کنید. چون ورقه بر خدیجه وارد شد و او را محزون دید، علت ناراحتی اش را جویا شد.

خدیجه جواب داد:

چگونه نگران نباشد کسی که مونس و پرستاری ندارد.

ورقه: فکر می کنم تصمیم ازدواج داری. خدیجه: همین طور است.

ورقه: سران عرب و بزرگان تو را می خواستند و برای رسیدن

به تو رنج زیاد کشیدند، ولی همه را رد کردی. خدیجه: دلم نمی خواهد از مکه بیرون بروم.

ورقه: عده ای از خواستگاران از جمله عتبه، شیبه، عقبه بن ابی معیط، ابوجهل و صلت بن ابی یهاب در مکه بودند.

خدیجه: اینها گمراهند. آیا غیر از این افراد کسی را سراغ داری.

ورقه: شنیده ام که محمد بن عبدالله صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ نیز تو را می خواهد (۱۳۰).

خدیجه: ای پسر عمو! اگر محمد عیبی دارد بگو.

ورقه مدتی سر به زیر انداخت، سپس گفت، محمد صَلَّی اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ از ریشه ای استوار و پایدار و شاخه های گسترده و خلقت زیبا و فضیلت فراوان و کمالات زیاد برخوردار است.

خدیجه: آنچه تو گفتی، همه فضایل او بود، عیبش را بگو.

سر انجام پس از مدتی گفتگو، خدیجه گفت:

من هر چه عیب او را جستجو می کنم، باز از حسن او سخن می گوئی.

ورقه: ای خدیجه! من کسی نیستم که بتوانم فضیلت و منزلت بی کران محمد صَلَّی اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ را توصیف کنم.

خدیجه: من به عظمت و بزرگواری و منزلت او آگاه هستم و به این نتیجه رسیده ام که جز او را به همسری نگیرم.

ورقه: حال که چنین است، به تو مژده می دهم که او به زودی پیامبر و فرمانروای شرق و غرب خواهد شد.

اگر همین امشب ترتیب ازدواج شما را بدهم چه مزدگانی به من می دهی؟

خدیجه: تمام ثروت من در اختیار توست، هر چه می خواهی بردار.

ورقه: از مال این جهان نمی خواهم. من شفاعت محمد در روز قیامت را می خواهم، زیرا رهایی و رستگاری آن جهان جز به تأیید و تصدیق او حاصل نمی شود.

خدیجه: من شفاعت تو را نزد

آن حضرت تضمین می کنم (۱۳۱).

پس از آن ورقه نزد خویند رفت و گفت:

این چه فکریست که در سر داری؟ چرا وسیله نابودی خود را فراهم کرده ای؟

خویند: مگر چه کرده ام؟

ورقه: دل خاندان عبدالمطلب را آزرده و برادرش را تحقیر کرده ای و خواسته آنها را نپذیرفته ای.

خویند:

ای پسر برادر! مقام و شخصیت محمد صلی الله علیه و آله و سلم برای همه روشن است، لیکن اگر او را بپذیرم، جواب خواستگاران قبلی را چه بگویم. آنها برای همیشه با من دشمن خواهند شد؛ به علاوه خود خدیجه نیز با این امر موافقت نمی کند.

ورقه: مردم عرب چون محمد را به پاکی و نیکی شناخته اند، از این جهت کارشکنی نمی کنند و خدیجه نیز او را کاملاً شناخته و به او دل بسته است؛ پس تا دیر نشده بر خیز و دل بنی هاشم را به دست آور، به خصوص دل حمزه را.

خویند و ورقه به خانه ابوطالب آمدند. بزرگان بنی هاشم همه آنجا جمع بودند. ورقه کوبه در را به صدا در آورد. محمد صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

ای خویشان من! خویند و ورقه پشت در اجازه ورود می خواهند. حمزه در را باز نمود و آنها را به داخل خانه راهنمایی کرد. ورقه و خویند خطاب به اهل خانه چنین گفتند:

همواره غرق نعمت بوده و خوش باشید، شر دشمنان از شما دور باد ای فرزندان زمزم و صفا!

ابوطالب به گرمی جواب آنها را داد، ولی حمزه گفت:

من جواب کسی را که از وصلت با ما سرباز می زند، به خوبی نمی دهم (۱۳۲).

خویند گفت:

شما خود می دانید که خدیجه زنی خردمند و داناست و من از میل قلبی او خبر

نداشتم، حال که علاقه او را به شما دریافتم، از شما می‌خواهم که گذشته را فراموش کنید و پوزش مرا پذیرا باشید.

حمزه: شما برای ما محترم هستید، ولی ما از شما انتظار نداشتیم این گونه با ما برخورد کنی. در این هنگام، ورقه گفت:

محمّد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ محبوب همه ماست.

من هم با این وصلت موافق هستم، اما بهتر است این مسأله را فردا نزد بزرگان عرب مطرح کنیم، تا همه بدانند.

حمزه: بسیار خوب.

ورقه: خویلد چنان زبان گویایی ندارد که بتواند بزرگان عرب را قانع کند، خوب است در کار خدیجه مرا وکیل کند.

خویلد:

تو وکالت داری.

ورقه: این سخن را کنار کعبه بگو، همان جایی که بزرگان عرب اجتماع می‌کنند سپس همه نزد کعبه آمدند و ورقه در جمع

بزرگان عرب فریاد زد:

روزگارتان به خیر و شادی باد ای ساکنان حرم!

آنها نیز جواب دادند:

اهلاً و سهلاً ای گوینده والا.

ورقه: ای مردم آیا شما شخصیت خدیجه را شناخته اید؟

مردم:

بله در میان عرب و عجم نظیری ندارد.

ورقه: آیا درست است که زنی با این مقام به تنهایی زندگی کند؟

مردم:

سران جهان خواستگار او بودند، ولی هیچ یک را نپذیرفت.

ورقه: خدیجه تصمیم گرفته با یکی از شخصیت‌های قریش ازدواج کند و پدرش خویلد مرا وکیل ازدواج او کرده است.

حال وکالت خویلد را گوش کنید و فردا در خانه خدیجه حاضر شوید.

خویلد نیز در حضور مردم به ورقه وکالت داد و مسئولیت را از دوش خود برداشت و نظر او را نافذ دانست. چون بزرگان قوم متوجه موضوع شدند به خویلد گفتند:

ما خواهان خدیجه ایم، لیکن او جواب داد که من مسئولیت ازدواج دخترم را از خود سلب کرده و

کفالت را به ورقه سپردم و رأی او صائب است و هیچ نظری بالای آن نیست.

ورقه: مردم بدانید که خویلد دیوانه و مجبور نیست و در کمال سلامت عقل می باشد و من دخترش را به هر کس که بخواهم می دهم.

مردم:

شنیدیم و اطاعت می کنیم و شهادت می دهیم (۱۳۳).

در این هنگام ورقه، روانه خانه خدیجه شد، در حالی که بسیار شادمان بود.

وقتی خدیجه او را دید گفت:

خوش آمدی! مثل اینکه قضیه را حل کردی.

ورقه جواب داد:

بله مبارک باشد.

اختیار از پدرت گرفتم و وکیل تو شدم، فردا تو را برای محمد صلی الله علیه و آله و سلم عقد می کنم.

خدیجه از این سخن خوشحال شد و جایزه ای به ارزش پانصد دینار طلا به او داد ورقه: من شفاعت محمد صلی الله علیه و آله و سلم را می خواهم و چشم به مال دنیا ندارم.

خدیجه: جایزه شفاعت هم داری (۱۳۴).

ورقه: ای دختر برادر! اینک خانه را آراسته و وسایل مهمانی و پذیرایی را آماده کن و چنان مهمانی تشکیل بده که نظیر نداشته باشد و دشمنان را مأیوس کن، زیرا بزرگان عرب فردا به خانه تو می آیند. خدیجه بی درنگ دستورات لازم را صادر کرد و هشتاد نفر کنیزان و غلامان و وسائل جشن را مهیا کردند و میوه و شیرینی و طعام به بهترین صورت تهیه شد.

در این بین ورقه به خانه ابوطالب آمد و موضوع عقد خدیجه را به اطلاع آنان رساند.

محمد صلی الله علیه و آله و سلم برای ورقه دعا کرد. ابوطالب گفت:

اینک قلبم آرام شد.

سپس به تدارک لوازم مهمانی و مراسم عقد پرداخت.

فردای آن روز بزرگان و اشراف قریش به خانه خدیجه آمدند. در این میان

ابوجهل وارد مجلس شد و یک راست به طرف صندلی با شکوهی رفت که مخصوص محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ بود.

«میسره» غلام خدیجه فریاد بر آورد که سر جای خود بنشین و شرمسار برگشت. در این هنگام محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ در حالی که حمزه با شمشیر کشیده پیشاپیش او حرکت می کرد و فرزندان عبدالمطلب بر گردش حلقه زده بودند وارد مجلس شد.

حمزه خطاب به حاضرین چنین گفت:

ادب را رعایت و سخن را کوتاه کنید، این محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ برگزیده خدای صاحب اقتدار است و در صورتش نور موج می زند و دارای هیبت و شوکت و وقار است.

در این حال، محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ عمامه ای سیاه بر سر، پیراهن عبدالمطلب در بر، عبای الیاس بر دوش، کفشهای شیث در پا، عصای ابراهیم در دست و انگشتری از عقیق سرخ در انگشت داشت و جمال درخشانش چنان خیره کننده بود که همه مبهوت شدند. او خرامان راه می رفت و قریش جملگی از جا برخاستند و ادای احترام کردند و حضرتش را بر صندلی مخصوص نشانند.

ابوطالب شروع به خواندن خطبه کرد و گفت:

خدای کعبه را شکر گذاریم که ما را از نسل ابراهیم و ذریه اسماعیل قرار داد و حرم امن خود را به ما سپرد و ما را مقتدای مردم قرار داد و در شهر ما برکت آفرید. سپس چنین گفت:

پسر برادر من، کسیست که در میان قریش همانندی ندارد و در عظمت و جلال کسی چون او یافت نمی شود، هر چند از نظر مال غنی نیست. همه بدانید که

مال از بین می رود و چون سایه ای محو می شود. مُحَمَّد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ به درخواست خدیجه از وی خواستگاری کرد و خدیجه نیز به او دل بسته و مهریه او پانصد درهم است که پرداخت می شود (۱۳۵).

خویلد گفت:

من دخترم خدیجه را به عقد مُحَمَّد در آوردم. پیامبر نیز قبول کرد.

حمزه برخواست و قدری پول در میان حاضران پاشید. ابوجهل بلند شد و به تمسخر گفت:

ما شنیده بودیم که مرد مهر زن را بدهد، ولی نشنیده بودیم که زن مهر خود را پرداخت کند! ابوطالب خشمگین شد و گفت:

اگر مرد، کسی چون پسر برادر من باشد، زن بالاترین مهریه را می پردازد، ولی اگر مرد، کسی مثل تو باشد، زن مهریه را می گیرد.

وقتی خطبه ازدواج خوانده شد، منادی در آسمان ندا داد که خداوند، طاهر و طاهره، صادق و صادق را به ازدواج یکدیگر در آورد و توسط جبرئیل بر در و بام جهان عطر افشانه شد و هر کس سؤال کند که این عطر از کجاست؟

جواب می شنود که این عطر مُحَمَّد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ است.

در این هنگام، خدیجه لب به سخن گشود و گفت، ای مُحَمَّد! من خود را به عقد تو در آوردم و مهریه را نیز خودم می پردازم. اکنون به عمویت بگو:

ترتیب پذیرایی را بدهد و من نیز در خدمت تو خواهم بود.

بدین گونه حضرت خدیجه به گفته های قبلی خود جامه عمل پوشاند و به افتخار همسری اشرف مخلوقات دست یافت و بیشترین نقش را در پیشبرد اهداف رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ ایفا کرد.

مقاله هفتم

اشاره

کتاب ارزشمندیست به نام «زنان صدر اسلام» تألیف نویسنده

عالیقدر آقای محمد علی بحر العلوم و ترجمه آقای محمد علی امینی، که بخشی از آن دربارهی حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام می باشد، که به صورت داستانی نگارش یافته، فرازهای جالبی از ازدواج و زندگی و همراهی و فداکاریهای آن حضرت را در دوره رسالت پیامبر گرامی اسلام به تصویر کشیده است، که ملاحظه می فرمائید.

خدیجه بنت خُوَیْلِد

شب فرا آمد و مردم در مسجد پیامبر صَلَّی اللّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم نماز گزارند. در حالی که یاد جاودان او، گرد مسجد موج می زد و آنگاه، مردم در آن جا دسته دسته، حلقه زدند و چون همیشه، در هول و هیبت شب، مجلس خویش بیاراستند ... همه چیز در اطراف آنها خاموش بود و آرامشی عجیب بر شهر سایه افکنده بود، که ترس می زاد و هراس می افکند، بدانگونه که هیأت خانه ها نیز می نمود که گویی همه چیز به خوابی عمیق در غلتیده است.

شیخ «ابومعاذ» به مجلس خویش می رسد. مشتاقان سخن شیخ و شیفتگان احوال گذشتگان، در هر سو او را در بر گرفته اند ... شیخ، سکوت می گزیند. سیلاب خاطره ها، در ذهنش موج می زند. یادهای آشفته را به رشته نظم می کشد و زنجیره ای از سخن، سراسر مایه پند و عبرت، به شنوندگانش عرضه می دارد، تا دلهایشان، از یاد دلیران شکوهمند، به تپش آید.

نسیم سرگذشت بانویی، از ذهن شیخ گذر می کند که حیاتی تازه بدو می بخشد.

آنگاه، انگشتانش را او می نهد، تا چشمش را نوازش کند.

چشمی که پیری بر شکوهش افزوده و بدان جلوه ای سپید و زیبا بخشیده بود.

با کلامی شیرین، لب به سخن می گشاید و می گوید:

«اما امشب، گفتاری از بانوی پاکدامن، خدیجه ام المؤمنین داریم.»

سرها به سوی او بر می گردد و

چشم‌ها بدو معطوف می‌شود. همه با شوقی سرشار، به انتظار شنیدن سرگذشت او و پایگاه بلندش در صدر اسلام هستند.

چنین آغاز می‌کند:

شبی از شبهای دل‌انگیز زمستان مکه بود، خواب از چشمان خدیجه دختر خویلد کوچیده بود و او در این اندیشه، که وقتش را با پسر عمویش «ورقه بن نوفل» به سرآرد. که هرگاه بی‌خوابی به ستوهش می‌آورد. به او پناه می‌جست و هر زمان که اندوهی او را می‌آزرد، به گفتارش انس می‌یافت و گاهی که سخت در اندیشه فرو می‌رفت، به صدق و وفای او روی می‌آورد.

کنیزش «امیمه @» را صدا زد و او با شتاب به نزدش آمد و در برابرش ایستاد:

- بله بانویم ...

- «میسره» را سوی «ورقه» روانه ساز، تا هم اکنون نزد من آید ...

- هر چه فرمان دهی اجرا می‌کنم، سرورم ...

کنیزک، نزد «میسره»، یکی از غلامان مقرب خدیجه رفت. او را از فرمان سرورش با خبر ساخت. میسره بر خاست و رو به سوی خانه ورقه گذارد ... و در زد.

مردی سیاه‌چهره از سوراخ در نمایان شد و از آنجا «میسره» را دید. در را به رویش گشود و پرسید چرا در آن تاریکی شب، بدانجا آمده است.

او گفت:

«سرورم! خدیجه، پسر عمویش را می‌طلبد، می‌خواهد فوراً او را ببیند».

- ورقه گوشه عزلت‌گزیده و روزهاست که با کسی دیدار نکرده است.

لحظه‌ای به من مهلت دهید. او را از گفته شما آگاه خواهم نمود.

آنگاه، به آن سوی خانه رفت. پس از لختی بیرون آمد. بدو گفت، که سرورش ورقه هم اکنون می‌آید تا رهسپار خانه خدیجه شود.

دیری نگذشت که ورقه به خانه دختر عمویش خدیجه، رسید

... همان لحظه، خانه ای که سیمایش، حاکی از مال و مکت صاحب ثروتمندش بود.

«امیمه» به پیشباز ورقه، جلو در شتافت. خوش آمد گفت و او را نزد سرورش برد ... چون خدیجه دید که ورقه پا به خیمه رنگینش نهاد، از جا برخاست، پیش او رفت و او را نزد خود، در نیکوترین جای مجلس نشاند، از کنیزش خواست، که کسی را اجازه دخول ندهد ...

آنگاه رو به پسر عمویش کرد و با حالی دردناک و رنجور گفت:

«این مردم، مرا تحت رنج و فشار قرار می دهند، در خانه ام را می کوبند و هر گاه که در خود داری اصرار ورزم حریصتر می گردند ... من، هر که را به قصد ازدواج آمده از نزد خود رانده ام، اما این خود داری سودی نبخشیده است ... امروز، ابولهب آمد و مالی را برای مهریه به من داد و من او را راندم، پیش از او نیز، ابوسفیان، عمرو بن هشام، شیبه و دیگران آمده بودند. چرا آنها مرا تحت فشار قرار می دهند ... و از غصه و اندوه، گریست.

ورقه او را تسکین بخشید و به او وعده داد که نهایت تلاش خود را به کار می گیرد، تا از این پس، کسی در خانه اش را (به مزاحمت) نکوبد.

پاره دوم شب سر آمد. از این رو ورقه، او را وداع گفت و مراجعت کرد. در حالی که خدیجه، به وفاداری او چشم دوخته و امید بسته است.

هنوز یک روز سپری نشده بود، که یکی از نزدیکان خدیجه به دیدارش آمد، به تلخی او را سرزنش کرد که چرا سرشناسان عرب و چهره های قومش را رد کرده است ... خدیجه پاسخ داد

که تمایلی به ازدواج ندارد و آنچه در زندگی مشترک پیشین به او رسیده، از ازدواج بی نیازش می گرداند. اما آن آشنا که در مرز امید و ناامیدی، پایداری می نمود، کوشید که او را به ازدواج معتقد سازد و بدو بگوید که: بزرگان عرب آماده اند که هر کالای ارزنده و نفیسی را برای خشنودی او عطا کنند.

خدیجه، از این سخن دلننگ شد، ناگزیر، قیافه متفکرانه ای به خود گرفت، تا آشنایش بپندارد که او به راستی در این اندیشه است و نیاز به آرامش و آسودگی دارد، تا پاسخ آن افراد را بدهد... روز دیگر، رباح - که می گویند نام آن فرد است - خدیجه را ترک گفت و به دنبال کارش رفت.

خدیجه، بانویی دوراندیش و از زنان خوش نسب قریش بود و نیز شریفترین و ثروتمندترین آنها.

تمام مردان قومش، خیال ازدواج با او را در سر می پروراندند. او آنها را یکی پس از دیگری می راند. پیش از این، با «عتیق بن عبدالله» و بعد با «ابوهاله» ازدواج نمود (۱۳۶) و پس از فوت آن دو، دیگر ازدواجی ننمود.

آنگاه، دست به تجارت زد. او بسیار ثروتمند بود و مردان را به کار می گرفت و بهره و در آمدی برایشان مقرر می ساخت. آنها را به شهرها می فرستاد و با این اشتغال، از ازدواج باز ماند.

«ابوطالب»، بزرگ بخشدگان، از کسانی بود که به امر بازرگانی خدیجه، می پرداخت و نزد او به شهادت، پارسایی و امانت شناخته شده بود.

اما ابوطالب، به علت سن زیاد و نیز سرپرستی پسر برادرش امین (محمّد صَیْلَى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَ آٰلِهِ وَ سَیِّمٍ)، از کار باز ماند و راهی تجارت خدیجه نگشت.

این، برای خدیجه ناگوار آمد زیرا که در آن شخصیت بی نظیر، سجایای عظیمی یافته بود، که کمتر چهره ای، در مکه مانند داشت.

تنگدستی و فقر، خاندان ابوطالب را در فشار نهاد و مرارت های روزگار، آنها را رنجانید. ابوطالب ناگزیر گشت که پسر برادرش امین (محمّد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ) را از جریان بیاگاهاند.

سر انجام آن دو به این نظر رسیدند که ابوطالب نزد خدیجه رود و به او بگوید که کاروانی برای حرکت محمّد به سوی شام، تدارک ببیند، بدان امید که خداوند، دریچه ای بر روزی آنها بگشاید.

محمّد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ چون عمومی مهربانش را دوست می داشت از پذیرش سخنش سر باز نزد، بدین امید که بتواند او را یاری دهد و از رنج و فقرش بکاهد.

ابوطالب، نزد خدیجه رفت و تصمیمش را با او باز گفت. خدیجه از سرگذشت امین راستگو، غافل نبود و او را کاملاً می شناخت. پس به ابوطالب گفت:

«اگر این را، حتی برای دشمنی سرسخت می خواستی، بجا می آوردیم. پس اکنون که آن را برای دوستی آشنا خواسته ای، چگونه نپذیرم.»

ابوطالب با چهره ای باز و روشن، نزد پسر برادرش باز آمد. پاسخ مهرآمیز خدیجه را با او گفت:

خدیجه کاروانی برای محمّد مهیا گرداند و غلامش «میسره» را به خدمت او گماشت، تا کارهایش را سامان دهد و خواست هایش را برآورد. «میسره» غلام برگزیده خدیجه است و در کارهای مهم، مورد اعتماد او.

خدیجه به دو علت، او را برای خدمت به محمّد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ، انتخاب کرد:

نخست آنکه، به رفاه و آسودگی محمّد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ بسیار علاقه داشت

و دیگر آنکه، می خواست تا آنجا که می شود از کار او با خبر گردد، زیرا به این مسأله، اهمیت زیادی می داد و بدان علاقه مند بود.

روزها می گذرد، کاروان به شام نزدیک می گردد و در این مسیر، بیش از حد انتظار، سود بدست می آورد، میسره آرزو می کرد که به سوی بانویش خدیجه پر گشاید و این چهره بی مانند را به او بشناساند و بزرگواریهایی را بازگو کند، که بیانگر مقام بلند پایه اوست.

کاروان به مکه عزیمت کرد، در حالی که خبر بازگشت آن پیشاپیش می رسید. قلب خدیجه، آن بانوی پاکدامن به تپش در می آید. وَجَدَ سَرَّشَارًا، بیش از آنکه به خاطر بازگشت کاروان و سود بازرگانش باشد، به سبب سلامت مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ و مراجعت پر بار او بود.

خدیجه، در ژرفای وجودش، چنان ایمانی به این شخصیت داشت و چنان احساس عجیبی به او می یافت، که در وصف نمی گنجد.

خدیجه، نزد میسره، امانتدار نیکرفتارش رفت، غلامی که از دوران کودکی، هرگز به او خیانت نکرده بود.

میسره با او از جوان هاشمیان، آن راستگوی امانتدار سخن گفت و از آنچه در سفرش از او دیده بود.

این همه، ایمان خدیجه را در محبت او افزود و او را در وفاداری نسبت به او پایدارتر کرد. زینده نبود که آثار شادی و سرور بر سیمای خدیجه، آن بانوی پارسای پر شوکت پدیدار شود. اما این، مانع از بروز محبت و اخلاصی که به مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ داشت و به اوج جانبازی می رسید نگشت.

یک شب، خواهر خدیجه به خانه او آمد. خدیجه احساس قلبی خویش را نسبت به آن جوان عبدالمطلب

و سرور قریش و امین راست کردار - که جوانی بیست و پنج ساله بیش نبود - با او در میان گذارد. تفاوت سنی، او را در درون، می آزرده. او چهل ساله گشته (۱۳۷) و با وجود این، به او روی آورده است.

آیا محمّد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ، او را با این سن می پسندد؟ در حالی که مال و ثروت، برای او اهمیتی ندارد.

تنها، ایمان این پارسا زن، او را به تلاش برای پیوند با محمّد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ واداشته، تا یآوری راستین در زندگی او باشد.

چه می شود که خدیجه خواستار انسانی باشد که در شرف و انسانیت، کسی به پای او نمی رسد و اگر چه، این با عرف عادی مردم بیگانه است، اما عرف و عادت ها در برابر جوان بنی هاشم، خوار و بی ارزشند.

سر انجام دو خواهر به این نتیجه رسیدند، که آن را با ابوطالب، عموی محمّد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ، در میان گذارند و آن دو به خوبی می دانستند که ابوطالب نزد محمّد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ، مقامی بی همتا دارد.

خواهر خدیجه نزد بزرگ بنی هاشم رفت و راز خواهرش را با او گفت و آمادگیش را برای صرف هر قدر مال ضروری، ابراز نمود. این خواهش، به دل ابوطالب نشست، زیرا خدیجه به صفات نیکی آراسته بود که بیشتر زنان قریش، از آن بهره ای نداشتند. او با همه اختلاف سن، شایسته پسر برادرش بود.

ابوطالب، با پسر برادرش در مورد خدیجه صحبت نمود. محمّد نسبت به این موضوع بی میل نبود، به ویژه که خدیجه، برای او مقامی پاک و پیراسته

داشت.

ابوطالب، برادران و بزرگان خاندان و سرشناسان قبیله اش را جمع کرد و آنها را به خانه خدیجه دختر خویند برد. بزرگان قبیله خدیجه و نامداران خانواده اش نیز حضور داشتند ... چون بنی هاشم در جای خود قرار یافتند، ابوطالب برخاست و چنین آغاز سخن کرد:

«سپاس خدایی راست که، ما را از بازماندگان ابراهیم و فرزندان اسماعیل قرار داد و سرزمین حرام و خانه ای برای به پا داشتن حج به ما بخشید و ما را فرمانروای مردم نمود ... همانا محمد، پسر برادرم عبدالله، که هیچ جوانی از قریش، همتای او نیست، از تمامی آنها پارساتر، متفکرتتر، بزرگوارتر و نجیب تر است ...»

اگر ثروت او اندک است، به راستی که مال سایه ای گذرا بیش نیست و عاریتست که بازستانده می شود ... او تمایلی به خدیجه دارد و خدیجه نیز او را دوست می دارد هر مقدار مهریه که معین کنید، من می پردازم. به خدا سوگند که خدیجه، نامزد محترمی برای اوست و آوازه محمد نیز همه جا را پر کرده است.»

چون ابوطالب، سخنش را تمام کرد، ورقه بن نوفل بپا خاست و به او چنین پاسخ گفت:

«حمد خدایی را سزد که ما را بد انسان که یاد نمودی، گرداند و فضائلی که بر شمردی، به ما عطا کرد ... ما سروران و پیشگامان عرب هستیم و شما نیز شانی دارید. قبیله من فضائل شما را انکار نمی نماید و هیچ کس افتخار و شوکت شما را نادیده نمی گیرد ... ما خواستار آن بودیم که با محبت و جلال شما، پیوند برقرار کنیم. پس ای گروه قریش، گواه باشید که ما خدیجه را به عقد محمد در آوردیم

بدین گونه پیوند میان مُحَمَّد صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلِّمْ - انسانی که کسی به او نمی مانست - و خدیجه، - که شرافتی عظیم داشت - تحقق پذیرفت. این واقعه برای مردم عرب و بزرگان مکه، به سادگی فرجام نگرفت، آنها به خواستگاری به در خانه خدیجه شتافته و او آنها را رانده، به دارایی، ریاست و مقامشان اندک توجهی نکرده بود ... او که مالی هنگفت دارد، ...

عمرو بن هشام بلرزید، ابوسفیان را غبار اندوه در میان گرفت و عقبه بن معیط دلتنگ شد و بسیاری چون اینان را، حیرتی عظیم سراپا بگرفت ... یکی از آنها، در حالی که حسد، چشم و دل و وجودشان را به تباهی می برد، گفت:

که این سحری بیش نیست ... بیچاره خدیجه، که مُحَمَّد یتیم او را به جادوی خود اسیر ساخت و او را دلباخته خود کرد!

شیخ ابومعاذ، چندی سکوت می گزیند، چشمانش را به زمین می دوزد و آنگاه رو به یارانش می کند و ادامه می دهد:

اینهایی که به شوق ازدواج خدیجه می آمدند، اکنون حسرتی بر مال او می خوردند، که بر محبتش نمی خوردند.

و چون او با چنین تمایل پر شوری با مُحَمَّد صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلِّمْ وصلت نمود و به همگان اعلام کرد که تمامی مال و غلامان و دیگر دارائی های خویش را به پاس بزرگداشت و احترام مُحَمَّد صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلِّمْ، به او واگذار ساخته است، کینه و حسد از اعماق وجودشان زبانه بر کشید و آنها را به بی تابی و افسردگی در افکند.

آنها حاضر بودند که هر چه خدیجه می خواهد، برایش فراهم آرند، اما مُحَمَّد صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ

وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ بِهِ چنين مال و منالی دست نیابد ...

قریشیان با پیامبر امین صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ، تا بدین پایه دشمنی می ورزیدند و سخت از او بیزار بودند و آسایش او بر آنها تلخ می نمود.

سالها از پی هم می آمد و بانوی پاکدامن در خانه رسالت، والاتر از یک همسر بود.

او زندگی مرفه و پر شکوه خویش را به فراموشی سپرد، همان دورانی که کنیزان در خدمتش، بر یکدیگر پیشی می جستند و غلامان بر در خانه اش، پاس می دادند. اکنون، همه چیز دگرگون شده است.

او آنها را به کلی رها ساخته و خانه نشین شده است.

تنها محمّد صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ به خانه اش می آید و او اکنون سراپا نعمت و رفاه را وداع گفته است ... اما با وجود این، در زندگی نوین خود، نیکبخت است ... هرگز زندگانی پیشین او، شادمانه تر از حیات تازه اش نبود.

حیاتی که در سایه پیامبر بزرگ، همراه با زهد و پارسایی می گذشت.

بنگاه، «دعوت آغاز گرفت» ...

وحی، بر رسول خدا صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ فرود آمد، «انذِرْ عَشِیرَتَكَ الْاَقْرَبِینَ» (پیام و دعوت را به خویشان نزدیک برسان) و سیمای خدیجه از سرور و ایمان، درخشیدن گرفت. که رسول صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ، همسر راستگوی امینش، او را به نیکی و سربلندی فرا می خواند. دستش را پیش آورد، تا با پیامبر صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ بیعت کند و به آیین او بگردد و به این گفته، اخلاص و وفا نشان دهد، که «مَا یَنْطِقُ عَنِ الْهَوَى، اِنْ هُوَ اِلَّا وَحْیٌ یُّوحِی» و در آن هنگام، کسی جز

علی بن ابیطالب عَلَیْهِ السَّلَام، در اسلام بر او پیشی نجسته بود.

سر انجام، در یک روز که مردم دسته دسته گرد خانه خدا حلقه زده بودند و آفتاب سر بر کشیده بود، مردی به کعبه نزدیک شد.

سر به آسمان گرفت، نگاهی کرد و آنگاه رو به قبله آورد. نوجوانی به او نزدیک شد و سمت راست او ایستاد. لحظه ای نگذشت که زنی آمد و پشت سر آن دو قرار گرفت.

مرد به رکوع رفت، آن دو نیز رکوع نمودند، سر برداشت، آن دو نیز اینچنین کردند و آنگاه به سجده در افتادند. شخصی از عباس بن عبدالمطلب، در مورد آنان پرسید:

«ابا عبدالله، چیز عجیبی می بینیم.»

عباس پاسخ داد:

سوگند به خدای کعبه که این امری بزرگ است تو می دانی که این جوان کیست؟

- نمی دانم.

- او محمّد بن عبدالله، پسر برادرم است.

این نوجوان، علی بن ابیطالب نیز پسر برادرم می باشد.

اما این زن، خدیجه، همسر محمّد صَلَّی اللّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ است و این پسر برادرم، محمّد را که می بینی، بما می گوید که پروردگارش، پروردگار آسمان ها و زمین است و او را به آیینی که بدان پایبند است، فرمان داده است ...

سوگند به خدا که جز این سه تن، کسی را نمی شناسم که بدین آیین گرویده باشد خدیجه، چون به ایمان فرا خوانده شد، اجابت نمود. نزول وحی، تنها یک روز، پیامبر صَلَّی اللّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ را به بهت و ابهام گرفت. در دومین روز دعوت خویش را آشکار ساخت و روز سوم بود که خدیجه ایمان آورد.

کدامین ایمان، یارای آن دارد که خدیجه را، این چنین وادار به ترک زندگیش گرداند، تا خود

را در راه این دعوت آسمانی - که به وسیله همسر امینش، شگفت آسا، بر سراسر دنیا سایه افکنده است - فنا نماید.

هر گاه، روزگار بنای ناسازگاری با این دعوت نوحاسته می گذارد، آن بانوی پارسا، دلبستگی بیشتری بدان یافته، فداکارتر می گشت و ایمان و اعتقاد بیشتری به همسرش می یافت. بدین گونه است که زندگی با مُحَمَّد صَلَّی اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ، عبادت، نیکی و سعادت است.

این همه شور و حرارت خدیجه، برای تحکیم پایه های عقیدتی، نه به خاطر محبت شوهرش بود و نه پاسخی به دعوت او، نه، هرگز چنین نبود ...

خدیجه، خود توانسته بود مفاهیم گسترده دعوت و حقیقت آن را از زبان همسرش دریابد. آن گاه، او بهترین یار پیامبر صَلَّی اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ، در راه پرورش نهال دعوت بود.

آری، او بهترین یاور بود و آنگاه، فاجعه «شعب» در رسید ...

قریش، از دعوت مُحَمَّد صَلَّی اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ به تنگ آمدند. هیچ حيله ای نتوانست مُحَمَّد صَلَّی اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ را از دعوتش رو گردان کند.

سر انجام، پس از آنکه قریش به ابوطالب اصرار نمودند، که با پسر برادرش سخن گوید و او را از دشنام خدایانشان باز دارد، مُحَمَّد صَلَّی اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ چنین فرمود:

«به خدا سوگند، اگر خورشید را در دست راست و ماه را در دست چپم بگذارند، تا از این دعوت دست بردارم، نخواهم کرد.»

قریش، از ابوطالب نومید شدند، هیچ راهی برای تسلیم پسر برادرش، در او مؤثر نیفتاد.

آنگاه رؤسای قریش، در «دارالندوه» گرد آمدند و تصویب نمودند که پیوندهای خود را با بنی هاشم قطع

کنند.

بدین سبب، سندی تنظیم کردند و آن را به دیوار کعبه آویختند.

بنی هاشم و پیروان محمد صلی الله علیه و آله و سلم ناگزیر شدند از جامعه مکه - که بر محمد صلی الله علیه و آله و سلم و دعوتش شوریده بودند - کناره گیری کنند و در درّه ای از کوه های خارج مکه، سکنی گزینند. اقامت آنان، سه سال متوالی به طول انجامید، که در سرتاسر آن، با رنج و گرسنگی، دست به گریبان بودند.

ولید بن مغیره، هر روز در بازارهای مکه می گردد و فریاد می زند:

«هر گاه، مردی از یاران محمد و خاندانش را یافتید، که برای تهیه غذا آمده بود، قیمت ها را بیفزائید، با او داد و ستد مکنید و هر که به آنها یاری نماید، خونش مباح است.»

ابوجهل، نزدیک شعب می ایستد و راه را می پاید، تا کسی توشه و آذوقه ای برای آنها نبرد، که از گرسنگی جان سپارند.

ابوسفیان (صخر بن حرب) آن کینه ورز انتقام کش، کعبه را پایگاهی برای طرح برنامه نابودی گروه مؤمنان قرار می دهد. او ولید را نیز بدین کار می خواند و عمرو بن هشام را با بی رحمی بر آنها می شوراند... کینه است و خشم و به راستی که کینه آنها از هر کینه ای تیزتر است، چه که از دیرباز، ریشه دوانیده است.

ابوسفیان، گاه می گوید:

«چه مناسبتی میان ما و بنی هاشم، که ما از یک سلاله ایم، اما آنها برتر از ما هستند.

اگر با آنها به مقابله برخیزیم، بر ما پیشی می گیرند و ما باز می مانیم. راهی جز این نیست که این خاندان را نابود کنیم، تا آتش خشممان فرو نشیند»

خدیجه، در این محاصره، مسؤولیتی عظیم داشت. او همه

دارایی خود را به شعب نشینان بخشید و این چنین بود که «حکیم بن حزام بن خویلد» به اسم عمه خود، برای آنها گندم می برد.

مسلمانان، سه سال زندگی وحشتبار را در این حصار، پشت سر نهادند و اگر ثروت خدیجه نمی بود، آنها از گرسنگی جان می دادند. او از روی صفا و سخاوت، تمامی دارایی خود را نثار دعوت پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ گرداند، تا اینکه خداوند گشایشی در کار آنها پیش آورد.

به سبب همین جانفشانی، او در دل پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ، تأثیری عظیم به جای نهاد و رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ، پس از وفات او، هر گاه مناسبتی می یافت، از نیکوئی های او سخن می راند. روزی عایشه دختر ابوبکر بر آشفت و گفت:

«مگر نه اینست که او پیرزنی از پیرزنان بنی اسد بود و خدا برتر از او را به تو ارزانی داشته است ...»

رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ را خشم فرا گرفت، به گونه ای که از فرط غضب، موهای جلوی پیشانی اش نیز بلرزید، آنگاه فرمود:

«نه! به خدا سوگند که نیکوتر از او را به من بخشیده است.»

هنگامی که مردم کفر می ورزیدند، او به من ایمان آورد و زمانی که مردم گفتارم را دروغ می پنداشتند، او مرا راستگو خواند و چون مردم مرا به تنگ آوردند، با اموال به یاری من برخاست و فرزندی به دنیا آورد، زمانی که شما نازا بودید.»

عایشه می گوید:

«آنگاه من همواره با یاد او نزد رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ عزیز می شدم.»

خدیجه یاور راستین پیامبر در راه اسلام محسوب می گردد

و اسلام بر دو پایه استوار بود:

دارایی خدیجه و شمشیر علی ...

و بدین گونه، او در تاریخ حیات رسول اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلهِ وَ سَلَّمَ، زنی عادی نبود، به سبب فداکاری شگفت انگیز این بانوی پارسا، پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلهِ وَ سَلَّمَ او را بسیار بزرگ می داشت او بسی فراتر از اینها بود، پیامبر دیدگانش را در زیر بال و پر مهر و عطوفت می یافت و بر لبهایش نشانه های چنان تصدیق و اعتمادی نسبت به خود می دید که بر دلگرمی و ایمان آن بزرگوار به خویش رونقی می بخشید.

سه سال پیش از هجرت، در تلاطم وقایع و تند باد مصائبی که از سوی قریش و سایرین بر پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلهِ وَ سَلَّمَ وارد می شد، شعله ای فروزان رنگ باخته، به خاموشی می گراید. همو که در سیر دعوت، چون یاری وفادار، تا سر حد توان، می کوشید.

رسول اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلهِ وَ سَلَّمَ، به سادگی نمی توانست این خبر دلخراش را بپذیرد. او بدین ترتیب، انسانی را از کف می نهاد، که عالیتزین نمونه وفا و فداکاری و جامع ترین بیانگر راستی بود ...

آخرین سخن خدیجه، به هنگامی که بر بستر مرگ خفته بود، از درد و رنجهایی که در راه اسلام پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلهِ وَ سَلَّمَ دیده بود، کمارج تر نبود.

لحظه ای که شَبَح مرگ، بر چهره او سایه افکنده بود، به پیامبر چنین می گوید:

«ای رسول خدا ... من در حق تو کوتاهی کردم و آنچه شایسته تو بود، انجام ندادم. از من در گذر و اگر اکنون، دل در طلب چیزی داشته باشم، خوشنودی تست.»

کلمات، بر لبان پاکش می لغزد و

آخرین نفسهایش را با خشوع و ایمان بر می آورد ... خدا، خدیجه را رحمت کند.

آن نمونه بارز زن مسلمان که برای عقیده و ... رسالتش، پیکار کرد.

مقاله هشتم

اشاره

اثر گرانمایه ای از نویسنده محقق و نامدار عرب، علی محمد دخیل درباره‌ی زندگی و فضائل حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام منتشر گردیده، که به وسیله آقای دکتر فیروز حریرچی، ترجمه شده است.

فصل آخر این کتاب، به سخنان بزرگان و دانشمندان درباره‌ی حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام اختصاص داده شده، که به محضر علاقه مندان به آن حضرت، تقدیم می نمایم.

سخنان بزرگان و دانشمندان درباره‌ی خدیجه

در صدد این نیستیم که با این سخنان، منزلت ام المؤمنین عَلَیْهَا السَّلَام را بالا ببریم، زیرا برای علو درجه و رفعت مقام این بانو، کفایت آن احادیثی که از رسول گرامی صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم در فضیلت و بیان مقام والای او روایت گردیده است.

غرض از این سخنان آن است که، خواننده گرامی لمس کند که دانشمندان و نویسندگان و مورخان، با گذشت ادوار و اختلاف مذاهب و فرقه ها، در ستایش و مقدس شمردن این بانو اتفاق نظر دارند. همه آنها خدیجه را با کمال نیکی یاد کرده اند، برای آنکه در وجود او عقیده صادق و ایمان استوار و فداکاری و از خود گذشتگی در راه مبدأ مشاهده نموده اند، در حالی که می بینیم در ارزشیابی زنان دیگر پیغمبر صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم اختلاف دارند. این نویسندگان و مورخان، برخی از زنان پیغمبر را با طعن و انتقاد یاد می کنند و در آنها به موقعیتهای و موضع گیریهای اشاره می نمایند، که هیچ یک از آنها جای رشک و حسد نیست و این همان فرقها و امتیازات است که میان آنها و خدیجه وجود دارد.

اکنون سخن آنها را ذکر می نمایم:

۱- اُمُّ سَلَمَه به پیغمبر صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم گفت:

تو از خدیجه امری را ذکر نمی کنی،

مگر اینکه او آنچنان بود که می گویی. جز اینکه به سوی پروردگارش شتافت. پس خداوند این را برای او گوارا کند و میان ما و او را در بهشت خود گرد آورد (۱۳۸).

۲ - زُبَیْر بن بَكَّار گفته است:

خدیجه در جاهلیت طاهره خوانده می شد (۱۳۹).

۳ - ابن اسحاق گفته است:

خدیجه برای اسلام وزیر صداقت بود (۱۴۰).

۴ - و ابن اسحاق گفته است:

خدیجه زنی دوراندیش و شریف و خردمند بود، با آن کرامتی که پروردگار آن را برای او خواسته بود (۱۴۱).

۵ - هِشام بن مُحَمَّد گفته است:

رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ خدیجه را دوست داشت و به او احترام می گذاشت و در همه کارها با او مشورت می کرد. او وزیر صدق و راستی بود و او نخستین کسیست که به پیغمبر ایمان آورد و پیغمبر تا زمانی که خدیجه حیات داشت، هرگز همسر دیگری برنگزید. همه فرزندان آن حضرت جز ابراهیم از خدیجه اند (۱۴۲).

۶ - ابن اثیر گفته است:

خدیجه زنی دوراندیش و خردمند و شریف بود، با آن همه بزرگواری و کرامتی که پروردگار برای او اراده کرده بود.

پس خدیجه به نزد رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ کس فرستاد و ازدواج خود را بر او پیشنهاد نمود. او شریف ترین زنان قریش از لحاظ نسبت بود و از همه آنها ثروتمندتر و شریفتر بود.

همه قوم او بر ازدواج با او حریص بودند، اگر بدین امر قدرت داشتند (۱۴۳).

۷ - مُحَمَّد ابن احمد ذَهَبی گفته است:

او اُمُّ الْمُؤْمِنِينَ و سرور زنان جهانیان زمان خویش است و او اُمُّ الْقَاسِمِ، دختر خویلد بن اسد بن عبدالعُزَّى بن قُصَى بن کلاب

قُرَشِي اسدی و مادر فرزند رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلهِ وَ سَلَّمَ است.

وی نخستین بانویست که اسلام آورد و پیش از هر کس پیغمبر را تصدیق نمود و به او پر دلی و شجاعت داد و او را به نزد پسر عموی خویش ورقه برد.

مناقب خدیجه فراوان است و او از میان زنان کسیست که به مرحله کمال رسیده است.

او خردمند و با جلال و متدین و پاکدامن و بزرگوار و از اهل بهشت بود.

پیغمبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلهِ وَ سَلَّمَ او را ستایش می کرد و بر دیگر زنان مؤمنان برتری می داد و او را بسیار بزرگ می داشت، تا جایی که عایشه می گفت:

به زنی رشک نبردم آنچنان که به خدیجه حسد ورزیدم، زیرا که پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلهِ وَ سَلَّمَ او را بسیار یاد می کرد.

دلیل بر گرامی بودن خدیجه نزد پیغمبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلهِ وَ سَلَّمَ آن است که آن حضرت پیش از او با زنی ازدواج ننمود. پیغمبر از او دارای فرزندان شد و با وجود او همسر دیگری انتخاب نکرد و کنیزی نگرفت، تا اینکه او دعوت حق را لبیک گفت. پس پیامبر از فقدان او غمگین گشت، زیرا او بهترین خویشاوند بود.

از مال خویش به پیغمبر انفاق می کرد و پیغمبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلهِ وَ سَلَّمَ برای او تجارت می نمود و خداوند به او فرمان داد که خدیجه را به خانه ای زبرجدین در بهشت، که در آن سر و صدایی و رنج و اندوهی نباشد بشارت دهد (۱۴۴).

۸ - جمال الدین ابوالفرج، عبدالرحمن بن جوزی گفته است:

چون امر نبوت ظاهر شد، خدیجه به اسلام

گروید. او نخستین بانویست که به او ایمان آورد و پیغمبر هم با زن دیگر ازدواج نمود، تا اینکه او از دنیا رفت. همه فرزندان آن حضرت جز ابراهیم از خدیجه اند (۱۴۵).

۹ - عبدالملک بن هشام گفته است:

خدیجه دختر خُوَیلِد به او ایمان آورد و آن چه را که از خداوند به پیغمبر آمده بود تصدیق کرد. پس پروردگار بدین امر بار اندوه را از پیغمبرش صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ سبک کرد و پیغمبر جوابی ناخوشایند و تکذیبی از برای رسالتش که او را غمگین کند نشنید، مگر اینکه خداوند آن را به وجود خدیجه برطرف ساخت، هنگامی که پیامبر به نزد او برگشت (۱۴۶).

۱۰ - حافظ عبدالعزیز جنابذی حنبلی در کتاب خود به نام (مَعَالِمُ الْعْتَرَةِ التَّبَوِيَةِ) گفته است:

خدیجه عَلِيهَا السَّلَام زنی دورانیش و خردمند و شریف بود.

او در آن روز از لحاظ نسب پاکترین قریش و شریفترین و ثروتمندترین آنها بود.

همه قومش سخت بر ازدواج با او حریص بودند، ولی او خود داری ورزید و ازدواج خود را بر پیغمبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ پیشنهاد کرد و گفت:

ای پسر عمویم من به تو میل و رغبت دارم، به خاطر خویشاوندی تو از من و شرف تو در قومت و امانتت نزد آنها و خوش اخلاقیت و راستی گفتارت (۱۴۷).

۱۱ - اشرف علی هندی گفته است:

خدیجه از بهترین زنان پیغمبر و محبوبترین آنها بدو بود.

او در انتظار نبوت پیغمبر بود و این امر را از پسر عمویش می پرسید و از دلایلی که آنها را می شناخت سؤال می کرد و این را به او خبر می داد و می گفت:

سوگند به پروردگار،

او نبی منتظر است.

۱۲ - سید عبدالحسین شرف الدین گفته است:

خدیجه صدیقه این امت و از حیث ایمان به پروردگار و تصدیق کتاب او و یاری رسول خدا صَلَّی اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آٰلِهِ وَ سَلَّمَ نخستین کس است.

او مدت بیست و پنج سال با پیغمبر بی آنکه زنی دیگر در زندگی او شریک باشد زندگی کرد و اگر در حیات باقی می ماند، پیغمبر باز هم شریک دیگری برای او انتخاب نمی کرد. او در تمام طول زندگانی زناشویی شریک درد و رنج پیغمبر بود.

زیرا که با مال خود به او نیرو می بخشید و با تمام گفتار و کردار از او دفاع می نمود و به او آنچه را که از عذاب و درد کافران در راه رسالت و ادای آن نصیبت می کردند تسلی می داد. او با علی عَلَیْهِ السَّلَام در غار حراء بود، هنگامی که اولین بار وحی نازل شد (۱۴۸).

۱۳ - عبدالله علایلی گفته است:

خدیجه از در دهای مبارزه ای که همنشین پیغمبر در آن وارد می شد استقبال می کرد و در امواج این مجاهده و پیکار دوشادوش با او در کمال فعالیت و شکیبایی و قاطعیت و خداجویی غوته ور می گشت، بی آنکه سست شود یا هراسی بدل راه دهد؛ بلکه از این پل های غم و اندوه و حوادث سنگین، با تبسمی از بزرگواری و عظمت عبور می کرد، آنچنان که نظیر این جز از سازندگان تاریخ سابقه نداشته است.

او با سینه باز و گشاده و قامت شعله ور از ایمان، خود از طوفان حوادث استقبال می کرد، بی آنکه احساسی از بازتابی ویرانگر و یا اضطرابی چون صاعقه داشته باشد (۱۴۹).

۱۴ - عمر ابونصر گفته است:

به خدیجه، دختر خویلد، بانوی

جلیل القدر عرب شرف نسب و کرامت گوهر و سروری قبیله و عزت عشیره و فراوانی مال ختم شده است.

به همین علت نیاز تهیدست را برآورده می کرد و گرسنه را اطعام می نمود و برهنه را می پوشانید. پس خدیجه در اخلاق و نسب و ثروتش میان قوم خود و همگنانش یگانه و منحصر بود (۱۵۰).

۱۵ - دکتر علی ابراهیم حسن گفته است:

هر گاه بخواهیم نمونه ای از یک همسر با اخلاص و پاکدامن و زنی با وقار و خردمند نشان دهیم، بهتر از خدیجه اُمّ المؤمنین (مادر مؤمنان) نمی توانیم پیدا کنیم. این بانوی بسیار خردمند، جاهلیت و اسلام را درک کرد و در هر دو دوره، از منزلتی ممتاز بهره داشت، تا جایی که طاهره نامیده می شد.

پس او میان مال و جمال و کمال را در یک جا جمع کرد و این صفات سه گانه هر گاه در یکجا جمع شوند، که معمولاً کم اجتماع می کنند، به زن آثاری از عظمت و بلندی مقام می دهند و حال خدیجه این چنین بود و او گفته است:

همچنین خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام نخستین بانویی بود که به اسلام گروید و از همان زمان با همسرش نماز می گزارد و با تشویق و شجاعت دادن او را یاری می نمود و از روح خود در وجود او استواری و نیرو می بخشید.

پیغمبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ بیرون می رفت، تا اسلام را به قوم بشارت دهد، ولی از آنها جز تکذیب و اهانت به دست نمی آورد. پس غمگین و نا امید به خانه بر می گشت و این خدیجه بود که غم را از چهره او می زدود و نا امیدیش را به امید مبدل می ساخت

و کار را بر او آسان می کرد (۱۵۱).

۱۶ - عمر رضا کَحَّالَه گفته است:

خدیده به سال ۶۸ هجری از خانه مجد و سروری متولد شد و بر اخلاق پسندیده پرورش یافت و به دور اندیشی و خرد و پاکدامنی متصف گردید، تا اینکه قومش او را در جاهلیت طاهره نامیدند (۱۵۲).

۱۷ - بودلی، در کتاب خود به نام (رسول) گفته است:

اطمینان خدیده به مردی که او را دوست می داشت و تصدیق او و ایمان به او، تا واپسین دم، افزایشده جو اعتمادیست که در نخستین مراحل عقیده وجود داشت، آن مراحلی که امروز هر یک نفر از شش نفر ساکنان عالم مدیون آن است (۱۵۳).

۱۸ - سلیمان کَتَّانی گفته است:

خدیده دوستی خود را به همسرش بخشید و حال آنکه احساس بخشش نمی کرد، بلکه احساس می کرد محبت و دوستی از او می گیرد و همه سعادت را از او کسب می کند.

ثروتش را به او بخشید و حال آنکه احساس نداشت که می بخشد، بلکه این احساس داشت، که از او هدایت را که بر همه گنجهای روی زمین برتری دارد کسب می نماید. پیغمبر به نوبه خود به او دوستی و قدرشناسی داد، که همین امر او را به عالیترین درجه رسانید و او هم احساس نمی کرد که آن را به خدیده داده است، بلکه می گفت:

«ما قامَ الاسلامُ اَلا بِسَيفِ عَلِيٍّ وَ تَرَوَهُ خَدِيجَه»؛ (اسلام جز به شمشیر علی و ثروت خدیده بر پا نشد). پیغمبر عمر و بهترین دوره جوانی خود را به او بخشید و به جای او همسر دیگری هم انتخاب نکرد، تا اینکه او روی در نقاب خاک کشید و پیغمبر باز هم این احساس

را نداشت، که آن را به او بخشیده است، بلکه می گفت:

نه، سوگند، پروردگار مرا بهتر از او عوض نداده است.

او به من ایمان آورد، هنگامی که مردم مرا تکذیب کردند و با مال خویش مرا یاری نمود، هنگامی که دیگران مرا محروم کردند (۱۵۴).

۱۹ - خانم دکتر بنت شاطیء گفته است:

خدیده دختر خویلد، نخستین مادر برای مؤمنین و نزدیکترین زنان پیغمبر از لحاظ خویشاوندی و گرمی ترین آنها بر او در حیات و ممات است.

او به محبت و گرمی داشت پیغمبر مدت بیست و پنج سال منحصر و یگانه بود و در آن مدت زن دیگری با او شریک نمی بود.

خدیده در کنار پیغمبر در سالهای نخستین مظلومیت او، مانند یاری غمخوار و مبارز قرار گرفت و مقاومت کرد و رنج و عذابی را که پیغمبر در راه رسالتش از قریش نصیبش شد بر او آسان نمود (۱۵۵).

و همین بانو گفته است:

به زودی، پس از خدیده، میلیونها زن در اسلام وارد خواهند شد، ولی فقط او به عنوان نخستین زن مسلمانی که پروردگار او را برگزید، تا نقش عظیم خود را در زندگانی رسول قهرمان ایفا کند، باقی خواهد ماند و در آینده تمام مورخان مسلمان و غیر مسلمان این نقش را در تاریخ ثبت خواهند کرد (۱۵۶).

۲۰ - زینب دختر علی فواز عاملی گفته است:

خدیده، خردمند و دوراندیش و شریف و از لحاظ نسب شریفترین قریش و ثروتمندترین آنها بود.

همه قوم او آرزوی ازدواج با او را داشتند، ولی نتوانستند (۱۵۷).

۲۱ - سئیه قزاعه گفته است:

خدیده سرور قریش و ثروتمند چشمگیر آنها بود و منزلتی والا و نسبی عالی داشت و او گفته است:

خدیده آن زنی

نبود که این آرزوی محمد امین صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ را به زودی برآورده کند.

زیرا خداوند متعال او را خواسته بود و مقدر کرده بود و خدیجه از مدتها پیش در علم او بوده است و گفته است:

تاریخ در مقابل عظمت ام المؤمنین خدیجه، سر فرود می آورد و در برابرش متواضعانه و دست بسته می ایستد. نمی داند این بانو را در کدام شناسنامه بزرگان ثبت نماید (۱۵۸).

۲۲ - قدریه حسین گفته است:

سرور زنان، خدیجه کبری نمونه ای از پاکترین و باشکوهترین و والامقام ترین نمونه های زنان اسلام است (۱۵۹).

سروده های شعراء در بارهی حضرت خدیجه

اشاره

از دیر زمان، شعراء عالیقدر، در بارهی حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام سروده هایی را به محضر آن حضرت تقدیم داشته اند، ولی شمار آنها بسیار محدود می باشد و بعضاً در اختیار عموم قرار نگرفته است، ولی در دو سال گذشته، در اثر تلاش های انجام شده، برای بزرگداشت آن بانوی بزرگ، سرودن شعر در بارهی حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام بسیار گسترده شده است.

در سال ۱۴۲۶ مجموعه ای از سروده ها، بنام «غروب ماه حجاز» و در سال ۱۴۲۷ مجموعه ای گسترده تر بنام «شمع محفل طه» به وسیله مداح اهل البیت عَلَیْهِمُ السَّلَام آقای حاج علیرضا مهرپرور دام عزّه، تهیه و منتشر گردید.

از سال گذشته تا کنون (۱۴۲۸ قمری) عده ای از شعراء خاندان رسالت و امامت، شعرهای تازه ای سرودند و شماری از آنها، شعرشان به دستمان رسید، که شایسته می دانیم، که در این یادواره، این دو بخش از سروده ها را که در دو مجموعه نامبرده، به چاپ نرسیده، در اختیار علاقه مندان قرار دهیم، که عرض ادبی به ساحت مقدس حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام و قدرشناسی از سرایندهگان آنها باشد و اینک، اشعار یاد شده را، به ترتیب حروف تهجی عنوان

تخلّص آنها، تقدیم می‌نماییم.

مظهر آزادی و ایثار ... «آثم همدانی»

ای مظهر آزادی و ایثار، خدیجه

بر ختم رسل یار وفادار، خدیجه

ای باعث آزادی و آزادگی زن

ای نام تو یادآور پایداری زن

ای یاور و همسنگر پیغمبر اسلام

با ختم رسل یاور و همسنگر اسلام

محتاج سخای تو، دو صد حاتم طایی

در پیش عطای تو، سلیمان به گدایی

هم اسوه شرم و شرف و پاکی و عفت

هم مادر زهرایی و هم مظهر عصمت

هم در دو جهان، جلوه تو، مظهر ایثار

هم بهر نبی مدنی، یار وفادار

در برج مقام تو ملک راه ندارد

گردون به سخا، چون تو یکی ماه ندارد

ظاهر شده از دامن تو پرتو زهراء

پرورده دامان تو، انسیه حوراء

ز اسلام زمانی که بُد هیچ پیامی

معلوم بُد هیچ حلالی و حرامی

آثار حقیقت، ز کلام تو عیان بود
اسلام، درون دل پاک تو نهان بود
چون دید خداوند همه حسن صفات
تغییر بدادی به جهان، سیر حیات
در بین همه پادشهان حضرت سرمد
آورد تو را در کنف پاک محمد
حق عشق نبی را به دل پاک تو جا داد
با عشق نبی، بر دل و جان تو صفا داد
چون مهر نبی در دل پاک تو نهان گشت
قدر تو فزون تر ز همه کون و مکان گشت
در راه وصالش ز جهان دست کشیدی
قبل از همه بر ختم رسولان گرویدی
از عشق نبودی به دلت صبر و قراری
کردی به دو صد شوق، از او خواستگاری
چون دید و پسندید تو را، آن گل سرمد
گشتی به جهان، همسر محبوب محمد
دیدی به وجودش چو دو صد حجب و نجابت
دادی به رهش، هستی بی حد و حساب
چون حق بنمودی به تو این لطف و عنایت
کردی تو ز آیین خداوند حمایت

چون ذات احد، آن همه ايتار تو را ديد

ی کجا همه هستی خود را

به تو بخشید

مهر تو به جان و دل معبود چو جا کرد

از بین همه، فاطمه را بر تو عطا کرد

تو هستی خود را به خدا دادی و او هم

هستی خودش را به تو بخشید، به یک دم

پس هستی تو، ای به نبی مونس و یاور

با هستی خلاق مبین گشت برابر

آری تویی آن شیر زن پاک، خدیجه

مهرورز تو خواجه لولاک، خدیجه

آن روز که دین را بُدّی هیچ پناهی

شد ثروت تو، حافظ آیین الهی

ای گشته وجوت به جهان مظهر پاکی

جای تو نبودی چو در این عالم خاکی

حق برد از این دار فنا، روح عزیزت

ای خلق جهان ریزه خورِ خوان کنیزت

بہتر که از این غمکده رفتی و نبودی

بینی به رخ دختر خود، رنگ کبودی

از داغ تو ای نخل امیدِ شه بطحا

جان و دل «آثم» شده زندانیِ غمها

سعی خدیجه میان بیت و حرا ... حامد اهور «اُهورِ همدانی»

حرا، دو چشم تو هر روز قامتش می دید

خراب و خسته این راه های ناهموار

به دوش عاطفه اش سفره ای ز نان و رطب

میان کام عطشناک او، سرود بهار

حرا، دو چشم تو هر روز می پرستیدش

میان آن همه احساس ناب یکرنگی

دمی که آبله پا، بی قرار می پوید

هزار باره ره پر تلاطم سنگی

حرا، دو چشم تو امیدوار می دیدش

که باز قصد تماشای آسمان دارد

نشد که یک سحر از خستگیش، بی لبخند

قدم به خلوت ماه منیر بگذارد

حرا، خوشا به سعادت تو را که هر شب و روز

تو میزبان چنین آسمان دلی بودی

چه رازها که به گوش تو خوانده هر وعده

چه رمزها که تو از حق به دوست بنمودی

سراست از همه عالم به اعتبار، گلی

که در کویر، نگاه محمدش می کاشت

تمام دار و ندارش فقط محمد بود

رسول نیز به عالم، خدیجه را می داشت

کجاست حضرت حوّا که تا وفا گیرد

ز دسته ای کریمانه اش به

رسم وفا

کجاست هاجر سعی و صفا، که تا بیند

کمی ز سعی خدیجه، میان بیت و حرا

کجاست مریم عذرا، که تا قیام کند

به پیش پای قیامت بپا کننده او

کجاست فرصت یک امتحان که تا بلقیس

تمام ملک بریزد، به پای خنده او

نه اینکه جمله زنان، بلکه جمله مردان

سر نیاز به پای خدیجه می ساینند

مجال نیست، و گرنه فدای او کردند

قرار نیست و گرنه ذبیح آریند (۱۶۰)

حریم حرمت ایشان، حریم توحید است

که عشق از دم ایشان، چراغ افروزد

سکوت می کنم از این مقال، می ترسم

که غیرتش پر جبریل شعر را سوزد عصمت داور، خدیجه

امیر ایزدی «ایزدی همدانی»

الا ای عصمت داور، خدیجه

به ختم الانبیا یاور، خدیجه

تو پیش از آن که او گردد پیمبر

نمودی بعثتش باور، خدیجه

به قدر و کوثری مادر، ز رتبت

فروغ مشعل خاور، خدیجه

تو اول بانوی اسلام هستی

نبی را یار، در ایام هستی

خدیجه، معنی ایثار و ایمان

تویی اول زنی کاو شد مسلمان

کنی تا یاری دین محمّد

به بستی با خدای خویش پیمان

تو را این فخر بس، کز خیل زنها

تو زهرا پروراندی روی دامان

تو معیار سخا و بذل و جودی

تو هم، چون فاطمه مام و جودی

الا ای رشته عشقت مطوّل

یقین دارم که در آن روز اوّل

شدی چون میزبانِ ختم مرسل

در آن قصر مصفاً و مجلّل

نمودی از دل و جان بر پیمبر

کلید خانه دل را محوّل

نبی هم کاو لوای عشق افراشت

تو را از جان و از دل، دوست می داشت

الا ای مست صهای الستی

که دل از غیر پیغمبر گسستی

در آن تحریم سخت اقتصادی

ز جاه و ثروت خود دیده بستی

سپس با ثروت بی حد و حصرت

تو سد مشکلات دین شکستی

بسی سختی به راه دین کشیدی

غم و اندوه را بر جان خریدی

الا ای عصمت دادار هستی

که عهد یكدلی با یار

بستی

چو شد تحریم اصحاب پیمبر

پی آن عهد کز اوّل بیستی

سه سال از جور کفار جفا جو

تو در شعب ابوطالب نشستی

نه تنها زر، ره دادار دادی

که جان را بر سر این کار دادی

تو ای بانوی والای قریشی

که هم پیمان مولای قریشی

نمی دانست کس آن روز، کز حق

دلیل فخر فردای قریشی

چو گشتی همسر آن پاک گوهر

بریدند از تو زنهای قریشی

دلت خون گشت، ای دلدار احمد

کسی یارت نشد، ای یار احمد

خدیدجه، دختر حوا و آدم

به وقت زادنِ مام دو عالم

نشد چون یاورت کس، زار و خسته

نهادی سر به روی زانوی غم

که از امر خدا، آندم رسیدند

پی خدمت برت، سارا و مریم
تو را، هم صحبت و غمخوار گشتند
پرستار تو، از دادار گشتند
زمان درد و هجرانت سرآمد
ز گنج غیب، بهرت گوهر آمد
خدایت دختری شایسته بخشید
که او بر خیل زنها سرور آمد
فروغ دیدگانت بهر احمد
به رتبه در جلالت، مادر آمد
تلافی کرد، ایثار تو خالق
شدی مادر تو بر مام خلاق
الا ای جود مسکین در بر تو
که می گردد کرم، بر محور تو
سلام خاص حق را بر تو، جبریل
رسانیده است بر پیغمبر تو
مشام مصطفی را عطر جنت
رسد از دختر نیک اختر تو
خدا را جلوه در آئینه ات بود
سپهر برد باری، سینه ات بود
سلام ای محرم راز محمد

طرفدار سر افراز محمد

در آن روزی که پیغمبر شبان بود

خبر بودت ز اعجاز محمد

در آن دوران که در موج بلا بود

ز جان بودی تو دمساز محمد

نبی بعد از تو با داغ تو سر کرد

روان بر تربت اشک بصر کرد

چو شد از سیر این دنیای فانی

بهار زندگی تو خزانی

نبودت یک کفن حتی مهیا

از آن ثروت که می بودت زمانی

همی می کرد بر احوال زهرا

سپهر دیده ات اختر فشانی

کفن شد پیش چشم دختر تو

لباس مصطفی

بر پیکر تو

شنیدستم که در ساعات آخر

به اسما گفته ای، با دیده تر

تو می دانی که در شام زفافش

بود هر دختری محتاج مادر

بگیریم، چونکه هنگام عروسی

ندارد مادری زهرای اطهر

به اسما گفتی: ای بانوی مذهب

به زهرایم تو مادر باش آن شب

تو گفتی دخترت یاور ندارد

شب وصلت، به بر مادر ندارد

بسی افغان نمودی زین غم او

تو گویی کاو غمی دیگر ندارد

سزابد گریه ات، از بهر این بود

که او یاور به پشت در ندارد

چو طفلش پشت در جان هدیه می کرد

به حالش میخ در، خون گریه می کرد

یکی زد آتشی بر درب خانه

که از آن شعله ها می زد زبانه

یکی بشکست پهلویش ز کینه

یکی زد بر تن او تازیانه
غلاف تیغ آن دیگر به بازوش
بر چشم علی زد وحشیانه
عدو بر زخم های او نمک زد
فدک را برد و زهرا را کتک زد
خدیجه! دختری با آن کمالش
که می باشد جلال الله، جلالش
نبودی بعد احمد، تا به بینی
نشان ضرب سیلی بر جمالش
نمی دانم چه شد کاندرا جوانی
کمان شد قامت طوبی مثالش
دعا هر وقت آن دلریش می کرد
ز حق درخواست مرگ خویش می کرد
نه تنها مقتل او پشت در شد
که زهرا پشت آن در بی پسر شد
نه تنها پهلوی او شد شکسته
شکسته حرمت پیغامبر شد
بگو ای «ایزدی» با دیده ی تر
کزین غم چشم حیدر نیز تر شد
قلم مُسَمَّار و لوحش سینه گردید

رخ زهرا کبود از کینه گردید

همسر خیرالوری خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام ... مصطفی بهرامی از شهر ری

ای همسر خیرالوری، خدیجه

ای مادر خیرالنساء، خدیجه

هنگام کفر و شورِ بت پرستی

یار و معین مصطفی، خدیجه

در روزگار غربتِ رسالت

ای با رسالت آشنا، خدیجه

در راه دینِ خاتم النبیین

لطف تو شد بی منتها، خدیجه

کوکب برج شرف، خدیجه کبری ... «جان نثار»

کوکب برج شرف، بانوی نام آور، خدیجه

همسر خیرالوری، محبوبه داور، خدیجه

فخر نسوان، اسوه عفت، جلودار نجابت

آسمان فضل را تابان ترین اختر، خدیجه

زوج او معصوم و خود معصومه، نسلش پاک و معصوم

عصمت کبرای حق را مُظهر مظهر، خدیجه

پاک می بود از پلیدی ها عصر جاهلیت

جامه ایمان و تقوی داشتی در بر، خدیجه

بر کنار از کفر و شرک و ظلمِ ورانِ ظلال

بود بیزار از خصال قوم کین پرور، خدیجه

گشت در آن روزگار تیره از جهل و تباهی

یار و همدست رسول معدلت گستر، خدیجه

با وجود منع دشمنهای سرسخت و مخالف

گشت ختم انبیا را همدم و همسر، خدیجه

در زمان غربت اسلام و توحید و عدالت

مکتب اسلام را شد بهترین یاور، خدیجه

پیشگام جمله زنها در قبول دین حق بود

داشت چون اسلام را از ابتدا باور، خدیجه

ثروت انبوه خود را داد در دست پیامبر

هم گذشت از جان و هم از مال و سیم و زر، خدیجه

در طریق یاری احمد نمی دادی به خود راه

ترسی از طعن زنان مشرک و کافر، خدیجه

داعی حق را اجابت کرد و از روی بصیرت

دین حق را داد یاری تا دم آخر، خدیجه

تا نبرد مصطفی با کفر و باطل گشت آغاز

بود او را از وفا همراه و همسنگر، خدیجه

با چنین سعی بلیغ و همت والا و ایثار

باشد از اهل جهاد اصغر و اکبر، خدیجه

بود با رفتار و با گفتار آرامش قرینش

مايه اميد و دلگرمي پيغمبر، خديجه

در حمايت از نبي و نصرت دين الهی

اولين شخص است حيدر، تالی

حیدر، خدیجه

زان همه خدمت که آن بانو به دین حق نموده

شد میان مسلمین بانوی نام آور، خدیجه

ای عجب، کاندرا زمین نشناخت کس او را کماهی

هست نزد قدسیان آسمان اشهر، خدیجه

با چنین جاه و جلال و منزلتهایی که دارد

در فضیلت برتر است از مریم و هاجر، خدیجه

هر چه در اوصاف او گویند تا صبح قیامت

باز هم در فضل دارد دفتری دیگر، خدیجه

من چه گویم در مدیح آن مهین بانوی عظمی

در ثنایش هر چه گویم، هست بالاتر، خدیجه

در مناقب گوی سبقت برده از زندهای عالم

چونکه باشد مادر صدیقه اطهر، خدیجه

افتخار او همین بس کز میان جمله زنها

اوصیای پاک احمد را بود مادر، خدیجه

حق تعالی مصطفی را نعمت کوثر عطا کرد

حضرت زهراست کوثر، مادر کوثر، خدیجه

هر زنی شایسته دختری چنین والا گهر نیست

چونکه لایق بود، شد مادر بر این دختر، خدیجه

بر پیمبر گشت عام الحزن سال رحلت او

ز آنکه بودی حضرتش را بهترین یاور، خدیجه
من کجا و گفتن مدحش یکی از صد هزاران
چون بُود بر عالم هستی، سرو و سزور، خدیجه
خواستم تا بیشتر نامش بلند آوازه گردد
گرچه دارد خود مقام و رتبه برتر، خدیجه
مدتی در انتخاب وزن بودم در تفکر
تا که شد در عالم رؤیا هدایتگر، خدیجه
یک اشارت بود و چون بیدار گشتم
شد خروشان چشمه طعم به مدح زوج پیغمبر، خدیجه
رحمت بی منتهای حق به روح پاک او باد
کز همه خیرات دارد بهره اکثر، خدیجه
در ثنایش چند بیتی «جان نثار» ناتوان گفت
ورنه دارد عز و شأن بی حد و بی مر، خدیجه

خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام مهین بانوی اسلام ... محمد حیاتی کاشانی «حیاتی»

خدیجه ای مهین بانوی اسلام

نظیرت را ندیده چشم ایام

که باشد همسرت ختم رسولان

حبیب خالق منان سبحان

پی ترویج آیین محمد

بدادی ثروت بسیار و بی حد

که تا احیا کنی دین مبین را

فنا سازی

رژیم ظلم و کین را
تو یاری بخش اسلام مبینی
به پیغمبر تو یار بی قریمی
ز تو اسلام و حق باقی بماند
ستمگر را به جای خود نشاند
بگو با مردم و خلق زمانه
خدیجه نام او شد جاودانه
«حیاتی» رد مطلع کن تو اعلام
خدیجه ای مهین بانوی اسلام

جهان بانوی اسلام حضرت خدیجه کبری عَلَیْهَا السَّلَام ... حسین زارعی «خائف»

خدیجه اولین بانوی عالم
که باشد بر همه نسوان مُقَدَّم
بهین محبوبه ی خلاق یکتا
به احمد همسر و همراز و همدم
به استقلال ایمان کرد کوشش
برای یاری دین شد مُصَمَّم
به زخم بینوایان و فقیران
نهاد از درهم و دینار، مَرهم
درخت دین شد از جود و سخایش
بلی، بی حد و مر، سرشار و خرّم

برای بیدلان و غم نصیبان

بساط شادمانی شد فراهم

نمی گویم بود بهتر ز حوا

بود بل بهتر از سارا و مریم

به پاس حرمت دین داد از کف

تمام هستی، آن بانوی عالم

ز نیروی کرامت، حضرت او

ستون دین حق را کرد محکم

نوا بخشید بر کل فقیران

ز دل ها کرد بیرون، غصه و غم

خداوندا به حق ذات احمد

به تقوای رسول الله اعظم

به عقبی ساز «خائف» را تو محشور

به آل مرتضی شاه دو عالم

الگوی زهای عالم ... شیخ علی اکبر وزنه «ذره»

خدیجه بانوی اسلام، جان جانان است

خدیجه همسر احمد، عزیز یزدان است

تمام ثروت خود را به پای احمد ریخت

و این نهایت احسان و حد امکان است

خدیجه هستی خود را فدای احمد کرد

عوض ز حق به خدیجه، چه کوثر احسان است

خدیجه الگوی زنهای عالم امکان

خدیجه اسوه ایثار، همچو مردان است

خدیجه مادر زهرا، حبیبه داور

خدیجه مادر امت، به حکم ایمان است

خدیجه جدّه زینب، که زین اب باشد

خدیجه جدّه آن سید شهیدان است

خدیجه جدّه سبط نبی، حسن باشد

چه جدّه ای که به ارض و سما فروزان است

خدیجه شاعره دهر، در زمان رسول

یگانه مادح احمد، بسان حسّان است

خدیجه مظهر علم و تدبّر و ادراک

خدیجه صاحب عقل و دلیل و برهان است

خدیجه آنکه در انجیل نام او باشد

کنار مریم و عذرا، به باغ رضوان است

خدیجه آن زن یکتا که حضرت سبحان

ستوده نزد ملائک، که خیر نسوان است

خدیجه در همه اوصاف بی نظیر و بدیل

ولی ز فرط حیا، در حجاب پنهان

است

خدایچه ز امر پیمبر، لقب به کبری یافت

خدایچه سینه بانوان دوران است

خدایچه چون که ز دنیا روان به جنت شد

نبی ز داغ خدایچه، همیشه گریان است

خدایچه چون ز جهان رفت، حضرت زهرا

دلش ز رحلت مادر، همیشه سوزان است

شب زفاف عزیزش، خدایچه را به جنان

غم نبودن مادر، ز رخ نمایان است

سروده مدح خدایچه ز لطف حق «ذره»

به پاس اینکه خدایچه عزیز یزدان است

ام فاطمه ... مهدی روحی همدانی «روحی»

ای بانوی بزرگ حرم، ام فاطمه

ای سر دبیر دفتر غم، ام فاطمه

ای در کتاب شعر نبی بهترین غزل

ای مادر خدای دلم، ام فاطمه

نامت خدایچه، همسر محبوب مصطفی

کارت همیشه بذل و کرم، ام فاطمه

شمشیر مرتضی شد و دارایی شما

سرمایه نجات امم، ام فاطمه

مجموع عشقهای جهان مثل قطره ای

عشق تو بر رسول، @چریم، ام فاطمه

با خلعت بهشتی و با جامه نبی

بگذاشتی به عرش قدم، ام فاطمه

دارم امید آنکه شفاعت کنی مرا

ای سایه ات بروی سرم، ام فاطمه

روشنی بخش شب تار ... «ژولیده نیشابوری»

خدایچه بهر نسوان بهترین نام

خدایچه اولین بانوی اسلام

خدایچه ثروتش سرمایه دین

که ازو مکتب ما یافت آذین

خدایچه مظهر احسان و ایثار

خدایچه روشنی بخش شب تار

خدایچه بین زنها شد سر آمد

از آن روزی که شد کفو محمّد

خدایچه مظهر پاکی و تقوا

خدایچه از بدیها هست منها

خدایچه رونق بازار دین شد

کز او خشنود ختم المرسلین شد

خدایچه هستی خود را فدا کرد

خدا را زین فداکاری رضا کرد

خدیجه مصطفی را بود همدم

به نقد جان شریک شادی و غم

بود قدرش ز درک ما فراتر

که بر پیغمبر ما هست همسر

خدیجه دین خود بر دین ادا کرد

تمام هستی خود را فدا کرد

خدا او را یگانه محوری داد

چو زهرای مطهر دختری داد

چه دختر، بانی هستی عالم

شکوه آفرینش را مجسم

چه دختر، عصمت کبرای داور

چه دختر، صاحب قدر و جلالت

چه دختر، زینت ملک ولایت

زنان را مشعل راه هدایت

پرتو جاوید ... فضل الله شیرانی «سخای اصفهانی»

آیت عز و وقار و مظهر تقوا

پرتو جاوید «شمع محفل طه»

مبدأ و سرچشمه زلال حقیقت

محرم اسرار حق، خدیجه ی کبری

همسر محبوب و با وفای پیمبر

جده سادات، اُمّ «ام ابیها»

اوج شرف، آسمان پاکی و ایمان

مشرق نشو و نمای زهره زهرا

معنی ایثار و ترجمان سخاوت

منشأ فکر بلند و منطق گویا

در دلِ پر نورِ او صداقت خورشید

در سرِ پر شورِ او، کرامت دریا

پیش ز بعثت شناخت قدر محمد

در اثر روح پاک و دیده بینا

بود علیرغم دشمنان بد آیین

در ره دین، راسخ و صبور و شکیا

چون به محمد رسید وحی رسالت

از طرف کردگارِ قادر یکتا

گشت نخستین کسی که پیرو اسلام

بود همان حضرت خدیجه کبری

طبق روایات، زان وجود مقدس

فاطمه چون می گشود دیده به دنیا

از پی دیدارش آمدند ز جنت

آسیه، کلثوم، ساره، مریمِ عذرا

فاطمه چون زاده شد، ز عطر وجودش

گشت فضا سر به سر، بهشت مصفا

طبع

«سَخا» طرح این چکامه چومی ریخت

خواست مدد از علی عالی اعلا

خدیجه در تاریخ اسلام ... صدیقه صابری «شهلا»

دوباره در دلم امروز شورشی بر پاست

که سالروز وفاتِ خدیجه کبراست

فضای خاطرَم آنگونه گشته حزن انگیز

که جای اشک اگر خون رود ز دیده رواست

صدیقه، طاهره، مرضیه، پاک بانویی

که از عفاف، نمودارِ عصمت و تقواست

بزرگ بانوی اسلام، کز سخاوت طبع

همیشه در دل تاریخ نام او برجاست

همان حمیده خصلی که همسرش «احمد»

همان صدف، که گرانمایه گوهرش «زهراست»

وجود فاضله و فیض بخش و با ایمان

که از وقار و شرف، همسر رسول خداست

هم آنکه پیش ز بعثت، ز چشم دل می دید

که نور وحی، ز سیمای مصطفی پیداست

به خلق و خوی «محمد» ز بس که عاشق بود

ز جان و دل، پی همراهِش بپا برخاست

عزیز داشت خدایش چنانکه در نسوان

ز قدر و عز و شرف، بی نظیر و بی همتاست

پی جلالتِ قدرش همین بس است که او

شفیعه همه ی مسلمین، به روز جزاست

نثار در ره دین کرد، هر چه از خود داشت

جهان معرفت و کوه بذل و بحر سخاست

به وصف جدّه سادات، گفته ی «شهلا»

به سان قطره باران و ساحت دریاست

رباعی در بارهی حضرت خدیجه ... علی شیرانی اصفهانی «صحت»

بود آینه در بزم سحر نوش چمن

گلبانگ زلال نور، در گوش چمن

می آمد و بود غرق شبنم، که بهار

انداخت قباى سبز، بر دوش چمن

خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام ... «شادروان طالع»

در روز دهم، گشت به ماه رمضان

سُکَّان سما زار و پریش و نالان

گردید پیا غلغله در کون و مکان

از داغ خدیجه شد محمّد گریان

حضرت خدیجه کبری عَلَیْهَا السَّلَام ... عباس «عنقا تهرانی»

خدیجه همسر پیغمبر خداوند است

که بر وصال نبی، از دل آرزومند است

چنان به شوهر خود عرضه ی محبت کرد
که تا به روز جزاء، نا گسسته پیوند است
ندیده، دیده، زنی چون خدیجه، شوهر دوست
که مهر و عاطفه اش، بر زنان ما پند است
به راه دین خدا، داده ثروت خود را
از آن، به سنت احمد، زمانه پابند است
بزرگ بانوی اسلام و دین و دنیا بود
نهال دین حق، از همّتش برومند است
سلام حق به خدیجه، امین به احمد داد
نگر مقام خدیجه، به پیش حق چند است
به دامنش به جهان، پرورانده زهرا را
که قلب کون و مکان، زین ودیعه خرسند است
شرف ز احمد و زهرا و مرتضی دارد
که قدر و منزلت او، رهین فرزند است
اگر چه شعر و سخن در زمانه بسیار است
کلام و مدحت «عنقا» به کام ما قند است

سلام آورده جبریش ز سرمد ... علی اصغر فراهی «فاطر»

خدیجه همسر پاک پیمبر

فروزان ماه افلاک پیمبر

خدیجه آن که می باشد مؤید

سلام آورده جیریلش ز سرمد

خدایچه آنکه بهر نشر اسلام

بسی دیدست درد و رنج و آلام

خدایچه آنکه بهر یاری دین

گذشت از ثروتش در راه آیین

خدایچه مادر دخت پیمبر

که از او مفتخر باشد پیمبر

خدایچه مادری نیکو سرشت است

که مشتاق جمال او بهشت است

خدایچه آنکه زهرای مطهر

به خود می بالد از این گونه مادر

خدایچه آنکه غمخوار نبی بود

نکو مادر زنی، بهر وصی بود

خدایچه وقت زادن بُد مکدر

نبودی بهر او چون یار و یاور

خدایچه دید ناگه پنج بانو

نکو روی و نکو بوی و نکو خو

برای وضع حملش یار گشتند

برایش یاور و غمخوار گشتند

خدایا حق این بانوی عظمی

تو «فاطر» را ببخش، ای حی یکتا

در وصف خدیجه کبری عَلَیْهَا السَّلَام ... «مرحوم فراهی کاشانی»

هیچ تو دانی که شاهبانوی اسلام

داشت بر مؤمنین، مقام مهین مام

آنکه ورا برگزیده ایزد علّام

آنکه ز هستی گذشت در ره احکام

بانوی روز جزا خدیجه کبراست

مادر والامقام حضرت زهراست

همت مردانه داشت، گرچه بُدی زن

در ره دین و رضای قادر ذوالمن

پای توکل به بحر معرفتش زن

دست توّسل، به ذیل مرحمتش زن

کاو همه مشمول لطف خالق یکتاست

مادر والامقام حضرت زهراست

همسر نیکو خصال ختم رسولان

پیرو حق گشته، پیش از همه نسوان

برده ره از صدق، بر حقیقت ایمان

شد دلش از نور کردگار فروزان

زین روش از هر مقام و مرتبه والاست

مادر والامقام حضرت زهراست

مال و منالشی، ز حد و حصر فزون بود

نقد زر و سیمش، از شماره برون بود

شرح دهم چون که او ب مرتبه چون بود

پیش جلالش هر آنکه بود زبون بود

فخر سزاوار از او به ساره و حواست

مادر والا مقام حضرت زهراست

خواست نبی را چو بانوی حرم آید

وز شرف و قدر و رتبه، محترم آید

در همه عالم نمونه کرم آید

خاک درش

رشک روضه ارم آید

مهر خود از مال خویش کرده مهیاست

مادر والا مقام حضرت زهراست

دین خدا را سه چیز کرده مقّر

زان سه، یکی خُلق نازنین پیمبر

و آن دگری تیغ و دست قدرت حیدر

سوّم آن، ثروت خدیجه اطهر

آنکه فضیلت در او به مریم عذراست

مادر والا مقام حضرت زهراست

از همه اموال خویش چشم پوشید

در ره دین از صمیم قلب بکشید

هر چه شماتت ز اهل کفر بنوشید

دیده ز شوی و خدای خویش نپوشید

اوست که اسلام از او مؤید و بر پاست

مادر والا مقام حضرت زهراست

حامله گردید چون به زهره زهرا

شد صدفِ آن ستوده گوهر یکتا

آنکه بُد او را هر آنچه خواست مهیا

بود ز جور زمانه بیکس و تنها

لیک چه غم بهر او، که بانوی عظماست

مادر والامقام حضرت زهراست

خواست در آندم که وضع حمل نماید

کس تَبَدُّش، تا که عقده ای بگشاید

بهر ملاقات او، ز مهر بیاید

وز دل تنگش، ملامتی بزدايد

آنکه مباحات از او به جمله زنهاست

مادر والامقام حضرت زهراست

بود ز تنهایی آن زمانه مکدر

کس ز زَنانِش نبود مونس و یاور

در برش آمد ز امر خالق اکبر

آسیه، حوّا، ساره، مریم و هاجر

خادمه او ز رتبه آمده لعیاست

مادر والامقام حضرت زهراست

آنکه به مُکنت، شهیر عصر و زمن بود

شُهره به شام و عراق و مصر و یمن بود

حامی دین خدا به سر و علن بود

برتن پاکش ردا، به جای کفن بود

قدر و مقام آنکه را فرود ز تن کاست

مادر والا مقام حضرت زهراست

هست روا از مقام لا یتناهی

کامده او را عطا، ز فضل الهی

بر همه عالم بود، همیشه مُباهی

آری، تادین حق به جاست «فراهی»

زان زن آزاده ای که قدر هویداست

مادر والا مقام حضرت زهراست

خدیجه بنت خویلد عَلَیْهَا السَّلَام ... محمود شریفی کاشانی «کمیل»

شعب ابی طالب چه سخت و جانگزا بود

زندان طاقت سوزِ مردانِ خدا

بود

بیش از سه سال آنجا چه غربتها کشیدند

در راه دین بر خود مرارتهای خریدند

مرد و زن تازه مسلمان، در تب و تاب

در تنگنای قحطی نان، قحطی آب

دشمن که با این کار قصد سرکشی داشت

پیروزی خود را در اول سهل پنداشت

می خواست تا از دین نشان دیگر نماند

حتی اثر از نام پیغمبر نماند

او را نداد این کار شرم آور نتیجه

با این که شد بیمار و دل خسته خدیجه

هر روز حالش بدتر از روز دگر بود

زخم زبانها بر دل او نیشتر بود

تا عاقبت از این جهان بار سفر بست

از انزوای غربت دنیا نظر بست

آن زن که در اسلام شأنش هست والا

همپای زنهای بهستی مثل حوّا

آن زن که هست خویشت را در پای دین داد

دارائیش را در پی احیای دین داد

بنت خویلد، افتخار دین توحید

جاوید شد از جود او آیین توحید
در روزهای آخر عمر از تب و درد
شمع وجودش آب می شد، گریه می کرد
بنت عمیس اسما، کنیز خانه اش بود
بر گرد شمع او، چنان پروانه اش بود
پرسید بی بی جان، چرا در التهایی
از مرگ می ترسی و یا فکر حسابی؟
تو شوهری چون مصطفی داری خدیجه
در پیشگاه حق، جزا داری خدیجه
با اینکه می دانی به محشر یاورت کیست
بر گریه و اندوه تو، دیگر سبب چیست؟
فرمود با اسما خدیجه، غرق ناله
بی تاب زهرایم، که باشد چار ساله
آینه جان من است این روح پرور
سخت است بر آن چار ساله، داغِ مادر
اندوه من از بهر آن روح عفاف است
بی مادری، جان سوز در شام زفاف است
اسما، تو بر زهرایم آن شب مادری کن
آن شب به جای من، تو او را یاوری کن
شام زفافِ فاطمه، اسما وفا کرد

پیغمبر اکرم برای او دعا کرد

بگذشت چندین سال، تا یک شام دیگر

آن شام

یلدای غم و اندوه حیدر

اشک غم از چشم شب و مهتاب می ریخت

اسما به روی جسم زهرا آب می ریخت

خدیجه، بانوی اینار ... محمود شریفی کاشانی «کمیل»

از خدا بر تو سلام آورده جبریل امین

ای خدیجه بانوی اینار و خاتون یقین

هم طراز هاجر و حوّا و مریم در مقام

خرمن فیض و کمالت را ملائک خوشه چین

در سخاوت گوی سبقت برده ای از آفتاب

در طواف تربتت خورشید می بوسد زمین

روز سختی ها شدی سنگ صبور مصطفی

خاتم پیغمبران را نام تو نقش نگین

سینه ات شد گوهر ناب ولایت را صدف

مادر ام ابیهایبی و ام المؤمنین

ریختی در پای پیغمبر، تمام هست خویش

چشم عالم خیره بر این عشق پاک و راستین

شمع جانت آب شد در التهاب دردها

ساختی با غصه ها، تا سوختی در پای دین

پنجه شعب ابی طالب، گلویت را فشرد

پر کشیدی تا خدا، در باغ فردوس برین

غربت و بی مادری، بر دوش او آوار شد

فاطمه بعد از تو تنها ماند، با قلبی حزین

سال مرگت را رسول الله عام الحزن خواند

بس که سنگین بود داغت بر دل جبل المتین

سلام بر خدیجه ... «علی غفر الهی، ماهر اصفهانی»

همسر ختم رسولان بانوی با اقتدار

مادر زهرا خدیجه دینستا و حق شعار

اختر تابنده ای از آسمان عاطفت

گوهر ارزنده ای از بحر عز و افتخار

نادی فطرت ندا دادش بر این عزم عظیم

تا نماید یاری پیغمبر والاتبار

پاک بانویی مجاهد، کز تلاش مستدام

بهر استعلای دین بنمود عزمی استوار

عصمت اللّهی که از تقوی و آیین پروری

اهتمامش ساخت شرع احمدی را پایدار

همّت مردانه ی این زن پی ترویج دین

برد الحق گوی سبقت از رجال نامدار

در طریق وحدت و یکتا پرستی بی امان

کرد همراه پیمبر هستی خود را نثار

گشت اقدام خدیجه در میان مسلمین

باعث تحکیم وحدت، موجب عز و وقار

کرد تا سر حد امکان، بهر نشر دین تلاش

با نثار ثروت خود، آن زن ایمان مدار

تا ابد بازار احکام خدا رونق گرفت

زان حمایتها که بنمود از حبیب کردگار

خاتم پیغمبران پیروز شد بر دشمنان

زان

رشادتها که از او شد به عالم آشکار

مادری دیگر نزاید، دختری چون فاطمه

تا ز والایی، شود خیر النساء روزگار

جای دارد نام والای خدیجه تا ابد

زیب تاریخ جهان گردد، به کلک زرنگار

مسألت دارد ز حق «ماهر» که باشد از وفا

در شمار خادمان حضرتش روز شمار

بانوی خردمند و وفا کیش، خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام ... «علی غفراللهی» ماهر اصفهانی»

از لطف خدایی، ز سرا پرده ی اسرار

گردید عیان، شیر زنی راد و فداکار

پرورده ی مهد شرف و شوکت و اعزاز

گنجینه ی سرشار سخا، مظهر ایثار

آینه ی آیین گرانقدر عطوفت

سرچشمه ی جوشان وفا، نخبه ی اخیار

بانوی خردمند و وفا کیش، خدیجه

کز اصلِ گهر بود به تمجید سزاوار

در محضر سرخیل رسل، از ره ایمان

بنمود به یکتایی رب الفلق اقرار

بنمود قبول از دل و جان، دین نبی را

پیش از همه زنهای عرب، با دل بیدار

از جانب خلاق جهان گشت شرف یاب

بر همسری ختم رسل، احمد مختار

از صلب نبی و ز صدف بطن خدیجه

گردید عیان فاطمه، آن گوهر شهوار

زهره که نبی خواند و را ام ابیها

زهره که بود خاک رهش سرمه ی دیدار

چون دید خدیجه، که محمد شده تنها

او را نبود غیر خدا یار و مددکار

مردانه کمر بست ز جان، یاری او را

با آنکه بسی دید ز هر طایفه آزار

همراه نبی یاری دین کرد ز ایمان

آن مظهر ایثار و کرم، زبده ابرار

در عهد سیاه ستم و کفر و قساوت

گردید خدیجه به نبی، یاور و غمخوار

بسیار جفا دید از اقوام مخالف

وز کینه ی اهل ستم و طعنه ی کفار

پیوسته ز جان کرد حمایت ز پیمبر

تا دین خدا شد به جهان، محکم و ستوار

دارائی خود را به ره دین خدا داد

در عهد فساد و ستم و فتنه ی اشرار

گردید علی رغم عدو، یار محمد

از راه گذشت و کرم و ثروت بسیار

«ماهر» به جهان نام گرانسنگ خدیجه

تا حشر

بود ثبت، به تاریخ و به طومار

ام الائمه ... شیخ علیرضا محمدی «مسافر»

ای خدیجه، آفرین بر همت والای تو

فخر باید کرد بر اندیشه زیبای تو

پایه اسلام از انفاق تو شد استوار

چون فدای دین و قرآن شد همه دنیای تو

در وقار و عفت و عصمت که بودی بی نظیر

شد زبانزد در میان مردمان تقوای تو

فخر می کردی به عالم چون که از لطف خدا

بود در بیت محمد، منزل و مأوای تو

گر چه تنها گشتی و بودند یاران بی وفا

در کنارت بود لیکن، شوی بی همتای تو

سرزنشها می شدی از ازدواجت با نبی

لیک آمد فاطمه، شد بر طرف غمهای تو

ما بصیرت را در این عالم ز تو آموختیم

دیده بینا شد ز یمن دیده بینای تو

صبر کردی در میان آن همه رنج و ستم

صبر را آموخت از تو، زینب کبرای تو

ما تو را الگوی خود دانیم و از سوی دگر

سرور و تاج سر زنها بود زهرای تو

یازده ماه درخشان ز آسمان معرفت
گشت ظاهر از طلوع کوثر رخشای تو
من نمی دانم چها بگذشت بر ختم رُسل
در زمان رحلت و آن داغ جانفرسای تو
چشم امید «مسافر» در قیامت، مادرم
سوی خوانِ پر نعیمت باشد و اعطای تو

مدح حضرت خدیجه کبری عَلَیْهَا السَّلَام ... سید رضا مؤید خراسانی «مؤید»

ترجیع بند - بند اول

ای رسول خدای را همدم
در حریم رسالتش محرم
اولین زن تویی که قامت بست
در نمازِ پیمبرِ خاتم
شوهرت کیست، بهتر از عیسی
دخترت کیست، برتر از مریم
دامت جای زُهره الزُّهرا
که بود نور نیر اعظم
کهکشانش در رهِت مشعل
آفتابست بر گُلت شبنم
مکه و صخره های سْتوارش
طائف و نخلهای سر در هم

عاشق بردباریت همه جا

شاهد جانفشانیت همه دم

بُد ز تیغ علی و ثروت تو

که شد این گونه کاخ دین محکم

یار احمد شدی که تا نشود

یکسرِ موی از سر او کم

زخم پاهای سنگ خورده او

یافت از دست لطف تو مرهم

سر بلند از شہامت تو صفا

اشک ریز از مصائب زمزم

به علی

و محمّد و زهرا

اشفعی یا خدیجه الکبری

بند دوم

خیمه ی عشق را عمود تویی

صفت مهر را نمود، تویی

در کنار تمامی رحمت

مظهري بر تمام جود، تویی

فاطمه گوهر وجود بُود

مخزن گوهر وجود، تویی

اولین زن که از زنان رسول

سخن وحی را شنود، تویی

با سلام پیمبری به رُخش

اولین کس که در گشود، تویی

آنکه با جبرئیل، در هر وحی

آمدش از خدا درود، تویی

مادری که چهار قابله اش

آمد از آسمان فرود، تویی

منعمی را که با تهیدستی

کرد گارش بیازمود، تویی

آنکه در خانه بود و یکدم هم

غافل از رهبرش نبود، تویی

باغبانی که شد گل یاسش

بین دیوار و در کبود، تویی

به علی و محمّد و زهرا

اشفعی یا خدیجه الکبری

بند سوم ... ای خریدار جان پیغمبر

همسر مهربان پیغمبر

احترامی نداشت چون تو کسی

در میان زنان پیغمبر

در حیات و ممات تو، نَفْتاد

نام تو از زبان پیغمبر

در شب ازدواج زهرایش

وان دل شادمان پیغمبر

آمد از یادِ جایِ خالیِ تو

اشک از دیدگان پیغمبر

ای چراغ همیشه تاریخ

در صف دودمان پیغمبر

به وجود تو افتخار کند

همه جا خاندان پیغمبر

هستی خویش را فدا کردی

در ره آرمان پیغمبر
سر زد از مشرق گریبانت
کوثر جاودان پیغمبر
روزگاری بود که دارم من
داغ دارالامان پیغمبر
تا نهم بار دیگر ای مادر
جبهه بر آستان پیغمبر
به علی و محمد و زهرا
اشفعی یا خدیجه الکبری

تشکر و سپاسگزاری ...

از همه شعرای عالیقدری که سروده های خودشان را در اختیار ما قرار دادند و همچنین از همکاری شاعر و مداح اهل البيت عَلَيْهِمُالسَّلَام آقای امیر ایزدی همدانی و نیز مداح اهل البيت عَلَيْهِمُالسَّلَام آقای حاج حسین باقری تهرانی و همچنین مداح اهل البيت عَلَيْهِمُالسَّلَام آقای حاج محمد علی موبدی کاشانی «دام توفیقهم» که در تشویق شعراء شهرهایشان جهت سرودن شعر برای حضرت خدیجه عَلَيْهِمُالسَّلَام تلاش نمودند و سروده های آنها را برای چاپ در یادواره بزرگداشت حضرت خدیجه ارسال نمودند، کمال سپاسگزاری را داریم.

امید است مورد لطف خاص الهی و عنایات گسترده رسول خدا صَلَّی اللهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ و علی مرتضی عَلَیْهِ السَّلَام و فاطمه زهراء عَلَیْهَا السَّلَام قرار گیرند.

پینوشت

(۱) علاوه بر دو اثر یاد شده، ایشان تا کنون، مجموعه های نفیسی از سروده های ولایی شعرا مکتب اهل البيت عَلَيْهِمُالسَّلَام را به نامهای:

نوای بهشت،

خزان در بهاران،

پیمانه ای از غدیر،

سوگواره سامراء

منتشر نموده اند و در حال اقدام برای مجموعه ای بنام «سرود روح القدس» می باشند که مجموعه های یاد شده و سایر آثار ایشان، تأثیر بسزایی در نشر آثار اهل بیت (ع) داشته است.

(۲) نمونه ای از جمله های مناسب، که در نامه هایی زیبا چاپ شود و به خانواده های نیازمند داده شود.

(۳) برخی از علاقه مندان، با جستجو در سایت های گوناگون، به موارد مورد اشاره، دست یافته اند، که امیدواریم دعای خیر علاقه مندان به حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام بدرقه راه و پشتوانه زندگیشان باشد.

(۴) آیت الله العظمی صافی گلپایگانی مد ظلّه العالی، علاوه بر اطلاعیه مذکور در ذیل، پیام دیگری در سال ۱۴۲۷ صادر فرمودند.

و همچنین آیت الله العظمی شیرازی مد ظلّه العالی، علاوه بر متن مذکور در ذیل، پیام دیگری در سال ۱۴۲۶

ارسال فرموده اند.

۵) در شهر اصفهان از دیر زمان، در شبهای ماه مبارک رمضان، جلسات بسیار مفصلی برای خواندن تمام دعای ابوحمزہ ثمالی تشکیل می گردید. با حضور جمعیت های فراوان، که این مجالس در مساجد بزرگی همانند:

«مسجد جامع» و «مسجد سید» و ... و مراکز مهمی همانند:

ساختمان «قائمیه» و «مهدیه صاحب العصر» و ... تشکیل می گردد.

۶) امامزاده جعفر بن الرضا عَلَیْهِ السَّلَام معروف به «شاه کرم» از امامزاده های مورد توجه می باشد و مردم زیادی با فیض گرفتن از توسل به آن حضرت، دلبستگی خاصی به آن بزرگوار دارند و کرامات فراوانی در جریانات مختلف دیده اند.

ساختمان بقعه و بارگاه این بزرگوار، با گستردگی و عظمت بسیار، در حال انجام می باشد و مجموعه حرم و رواقها و صحن و ساختمان های اطراف آن، بسیار عظیم می باشد و شعرای عالیقدر دربارهی این امامزاده و صحن و سرایشان، سروده هایی دارند، که به عنوان نمونه، سروده استاد محمد علی صاعد (رئیس انجمن ادبی صائب) را در اینجا تقدیم علاقه مندان می نمایم.

مدح امامزاده جعفر بن الرضا عَلَیْهِ السَّلَام

معروف به شاه کرم «استاد صاعد اصفهانی»

این روضه ی منیر، که چون خلد جانفزا است

میعاد استجابت و مقبولی دعاست

هم مورد عنایت خلاق اکبر است

هم مورد توجه امجاد اولیاست

این مضجع مطهر و این مرقد شریف

از سرو دلنواز و گل باغ مصطفاست

نور دل و دو دیده و فرزند سوّمین

از هشتمین امام هدی، حضرت رضا است

جعفر کریم آل محمد، که مشتهر

بر «شه کرم» شده و این شهرتش سزااست

در این مقام جای خضوع و ارادت است

دست دعا بر آر، که منظور کبریاست

از روی صدق حاجت خود را از او بخواه

کز صدق هر چه را طلبی، بی سخن رواست

بیرون در گذار، هواهای نفس را

اینجا ز حق طلبِ مغفرت

«صاعد» چه احتیاج به ابراز حاجت است

در محضری که گفته و ناگفته، بر ملاست

(۷) سخنرانی یاد شده، به وسیلهی (سی - دی) در سطحی گسترده در شهرهای مختلف پخش گردیده و هم چنین متن پیاده شده آن، در تیراژی وسیع چاپ و منتشر شد.

(۸) تجارَه لن تَبُور - قرآن کریم.

(۹) ای کسی که ذکر بر او فرود آمده، تو مجنون هستی.

(۱۰) مَنْ طَلَبَ شَيْئًا نَالَهُ أَوْ بَعْضَهُ.

(۱۱) حتی تعبیر عشق هم در اینجا زیبا نیست، که امری بالاتر و فراتر از اینهاست.

(۱۲) بلاذری، انساب الاشراف، ص ۹۸؛ ذهبی، سیر اعلام النبلاء، ج ۲، ص ۱۱۱؛ حلبی، سیره حلبیه، ج ۱، ص ۱۴۰؛ ابن عساکر، مختصر تاریخ دمشق، ج ۲، ص ۲۷۵.

(۱۳) ابن کثیر، البدایه و النهایه، ج ۲، ص ۳۵۹.

(۱۴) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ج ۱، ص ۱۵۹، کوفی، الاستغاثه، ج ۱، ص ۷۰؛ حصینی، الهدایه الکبری، ص ۴۵؛ اصفهانی، دلایل النبوه، ص ۱۷۸.

(۱۵) حصینی، الهدایه الکبری، ص ۱۷۹.

(۱۶) خوارزمی، مقتل الحسین، ج ۱، ص ۱۰۹.

(۱۷) مجلسی، بحار الانوار، ج ۲۲، ص ۱۹۱.

(۱۸) طبرسی، اعلام الوری، ج ۱، ص ۲۷۵.

(۱۹) کلینی، الکافی، ج ۵، ص ۳۷۴.

(۲۰) علامه حلی، القواعد، ج ۳، ص ۷۳.

(۲۱) آیه الله شیرازی، امهات المؤمنین، ص ۹۰.

(٢٢) مجلسى، بحار الانوار، ج ٢٢، ص ٢١٦.

(٢٣) محدث قمى، كحل البصر، ص ٧٠.

(٢٤) مجلسى، بحار الانوار، ج ١٨، ص ٢٤٣.

(٢٥) بخارى، الصحيح، ج ٥، ص ١١٢.

(٢٦) ابن حجر، الاصابه، ج ٤، ص ٢٨١.

(٢٧) زرقانى، شرح المواهب اللدنيّه، ج ١، ص ١٩٩.

(٢٨) ابن عساكر، تاريخ دمشق، ج ٧٤، ص ٨٧.

(٢٩) كلينى، الكافى، ج ١، ص ٤٥٩.

(٣٠) ابن جوزى، تذكرة الخواص، ص ٣١٢.

(٣١) ذهبى، سير

اعلام النبلاء، ج ۲، ص ۱۱۰.

(۳۲) سیلاوی، الانوار الساطعه، ص ۷.

(۳۳) ابن عساکر، تاریخ دمشق، ج ۷۴، ص ۸۷.

(۳۴) طبرانی، المعجم الکبیر، ج ۲۲، ص ۳۷۶.

(۳۵) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ج ۴، ص ۷۰.

(۳۶) طبرانی، همان.

(۳۷) مسعودی، اثبات الوصیه، ص ۱۴۴.

(۳۸) ابن شهر آشوب، همان، ج ۳، ص ۳۸۳.

(۳۹) ابن حجر، فتح الباری، ج ۷، ص ۱۳۴.

(۴۰) عبدالرزاق، المصنّف، ج ۱۰، ص ۱۵۴.

(۴۱) ابن حجر، همان، ص ۱۳۷.

(۴۲) طبری، تاریخ الامم و الملوک، ج ۳، ص ۵۵.

(۴۳) ابن شهر آشوب، همان، ج ۴، ص ۱۷۰.

(۴۴) ابن هشام، السیره النبویه، ج ۱، ص ۱۷۰.

(۴۵) یعقوبی، التاریخ، ج ۲، ص ۱۶.

(۴۶) تفسیر روح المعانی / ج ۳ / ص ۱۵۵؛ در المنثور ذیل آیه ی ۴۲ از آل عمران.

(۴۷) به منظور قدرشناسی از زحمات ارادتمندان به حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام هر مجموعه ای را با نام فراهم کننده آن عرضه می نمایم.

(۴۸) الخرایج ص ۱۸۶ - بحار ج ۱۶ ص ۴

(۴۹) طبقات کبری، ج ص ۱۴۰

(۵۰) بحار، ج ۱۵ ص ۱۸.

(۵۱) لم یجمع بیت واحد، یومئذ فی الاسلام غیر رسول اللہ و خدیجه و انا ثالثهما. نهج البلاغه خطبه قاصعه

(۵۲) ما علمت علی ظهر الارض کلها علی هذا الدین غیر هؤلاء الثلثه. اسدالغابه ماده «عفیف»

(۵۳) سیره ابن هشام، ج ۱، ص ۲۶.

(۵۴) بحار، ج ۱۶ ص ۱۹.

(۵۵) بحار الانوار، ج ۶، ص ۱۰۴.

(۵۶) سیره ابن هشام، ج ۱، ص ۲۰۴.

(۵۷) معروف اینست که پدر خدیجه (خویند) در جنگ فجار فوت کرده بود از این جهت عموی او از طرف او صیغه عقد جاری کرد، روی این حساب، مطلبی که برخی از تاریخ نویسان، ضبط کرده اند که خویند در آغاز کار،

رضایت نداشت، سپس روی تمایلات شدید خدیجه راضی شد، بی اساس است.

(۵۸) تهان ابن اخی هذا محمّد بن عبد الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ لا يوازن برجل من قريش الارجح به ولا يناس باحد منهم، الاعظم منه و ان كان في المال مقلانان المال، ورق حائل و ظل زائل.. مناقب ج ۱، ص ۲۰ بحار، ج ۱۵، ص ۶.

(۵۹) امالی طوسی، ج ۲، ص ۸۲.

(۶۰) برداشت از بحار الانوار، ج ۱ ص ۱۶. در اینجا بخش اول نوشته آیت الله قزوینی پایان می یابد.

(۶۱) بحار الانوار، ج ۱۶، ص ۷۸.

(۶۲) از جمله: «خوارزمی» در مقتل الحسین، ص ۶۳ و ۶۸.

«ذهبی» در میزان الاعتدال، ج ۲، ص ۲۶.

«عسقلانی» در لسان المیزان، ج ۴، ص ۳۶.

و تلخیص المستدرک، ج ۳، ص ۱۵۶. در اینجا بخش دوم نوشته آیت الله قزوینی راجع به حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام پایان می یابد.

(۶۳) طبق برخی روایات؛ این بانوان نامدار، در بهشت در عقد پیامبر خواهند بود.

به همین جهت پیامبر تعبیر به «ضرائرک» فرمود. بحار الانوار، ج ۱۹، ص ۲۴ به نقل از «من لا یحضره الفقیه»

(۶۴) در اینجا قسمت سوم نوشته آیت اله قزوینی دربارهی حضرت خدیجه به پایان می رسد.

(۶۵) اسد الغابه، ۵ / ۴۳۸.

(۶۶) اسد الغابه، ۵ / ۵۳۷.

(۶۷) مستدرک صحیحین ۳ / ۱۸۴.

(۶۸) الفصول المهمه / ۱۲۹.

(۶۹) الأصابه ۴ / ۲۸۱.

(۷۰) مناقب امیرالمؤمنین عَلَیْهِ السَّلَام، ج ۲، ص ۱۸۶.

(۷۱) بحار الانوار، ج ۱۸، ص ۳۸۵.

۷۲) امالی شیخ طوسی، ص ۱۷۵.

۷۳) فرهنگ سخنان حضرت فاطمه عَلَیْهَا السَّلَام، ص ۱۶۴.

۷۴) الاحتجاج، طبرسی، ج ۱، ص ۲۸۲.

۷۵) الامالی شیخ طوسی، ص ۴۶۳.

۷۶) همان.

۷۷) اکمال الکمال، ج ۱، ص ۱۱۹.

۷۸) مکارم الاخلاق، ص ۱۱.

۷۹) برخی از متفکران

اسلامی معتقدند که، حضرت خدیجه قبل از حضرت رسول صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ ازدواج نکرده بود و فرزندان هم چون هند خواهر زادگان وی بودند، که حضرت خدیجه آنان را در دامان خود پرورش داد.

(۸۰) اعیان الشیعه، ج ۱، ص ۳۸۰.

(۸۱) شجره طوبی، ج ۲، ص ۳۳۴.

(۸۲) همان.

(۸۳) مستدرک سفینه البحار، ج ۵، ص ۴۴.

(۸۴) خدیجه، علی محمد علی دخیل، ص ۳۱.

(۸۵) بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۱۳۱.

(۸۶) کشف الغمه، ج ۲، ص ۱۳۲.

(۸۷) تحریم؛ ۹ - ۱۲.

(۸۸) بحار الانوار، ج ۲۲، ص ۱۵۲ و ج ۱۶، ص ۱۱، نقل از فاطمه الزهراء بهجه قلب المصطفی، ص ۱۲۶.

(۸۹) ریاحین الشریعه، ج ۲ - بحار الانوار، ج ۱۶.

(۹۰) منتهی الآمال، مرحوم محدث قمی.

(۹۱) احزاب، ۳۲.

(۹۲) ابن سعد، ال طبقات الکبری، ج ۸، ص ۱۷، نقل از محدثات شیعه، تألیف نهلا غروی نائینی.

(۹۳) استیعاب، ج ۲، ص ۳۱۹، ش ۱۳.

(۹۴) اسد الغابه، ج ۵، ص ۴۳۷ و استیعاب، ج ۴، ص ۲۱ ش ۱۸ نقل از محدثات شیعه، تألیف نهلا غروی نائینی.

(۹۵) خصال صد و ق، باب اربعه.

(۹۶) احزاب، ۵.

(۹۷) خصال صدوق، باب اربعه.

٩٨) بحار الانوار، ج ٢٢، ص ١٥١ و سيره ابن هشام، ج ١، ص ١٩٠.

٩٩) منتهى الآمال، باب ولادت فاطمه زهرا عَلَيْهَا السَّلَام

١٠٠) بحار الانوار، ج ٣٤، ص ٤٣.

١٠١) رياحين الشريعة، ج ٢، ص ٢٠٩.

١٠٢) الوقايع و الحوادث، محمّد باقر ملبوبى، به نقل از ناسخ التواريخ، ص ١٣.

١٠٣) همان.

١٠٤) سوره منافقون، ٧.

١٠٥) بقره، ٣.

١٠٦) احزاب، ٢٩ - ٢٨.

١٠٧) احزاب، ٣١.

١٠٨) بحار الانوار، ج ١٨، ص ٣٨٥.

١٠٩) بحار الانوار، ج ٤٣، باب مناقب فاطمه عَلَيْهَا السَّلَام، ص ٢٧.

١١٠) بحار الانوار، ج ٢٢، باب وفاته و غسله

صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ، ص ٥١٠.

(١١١) التعبير عن خديجه بمباركه فى الوحى الى المسيح فى وصف النبى صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله وَ سَلَّمَ:

نسله من مباركه.»

(١١٢) همان.

(١١٣) همان.

(١١٤) سفينه البحار، ج ١، باب خاء، ص ٣٧٩.

(١١٥) سفينه البحار، ج ١، باب خاء، ص ٣٨٠.

(١١٦) سفينه البحار، ج ١، باب خاء، ص ٣٨٠.

(١١٧) سفينه البحار، ج ١، ص ٣٧٩ و ٣٨١.

(١١٨) ديوان امام على عَلَيْهِ السَّلَام، قطب الدين حسن بيهقى نيشابورى، ص ٣٦٠.

(١١٩) بحار الانوار، ج ١٦، ص ٢٣.

(١٢٠) تاريخ طبرى، ج ٢، ص ٢٨١.

(١٢١) بحار الانوار، ج ١٦، ص ٢٢.

(١٢٢) كشف الغمه، ج ٢، ص ١٣٨.

(١٢٣) بحار الانوار، ج ١٦، ص ١٢ و رياحين الشريعة، ج ٢، ص ٢٠٤.

(١٢٤) بحار الانوار، ج ١٦، ص ٢٠ و رياحين الشريعة، ج ٢، ص ٢١١.

(١٢٥) بحار الانوار، ج ١٦، ص ٢٧.

(١٢٦) بحار الانوار، ج ١٦، ص ٢٨ و رياحين الشريعة ج ٢ ص ٢١٦.

(١٢٧) بحار الانوار، ج ١٦، ص ٢٩.

(١٢٨) بحار الانوار، ج ١٦، ص ٥٤.

(۱۲۹) ریاحین الشریعه، ج ۲، ص ۲۳۸.

(۱۳۰) بحار الانوار، ج ۱۶، صفحه ۶۰.

(۱۳۱) بحار الانوار، ج ۱۶، ص ۶۱.

(۱۳۲) بحار الانوار، ج ۱۶، ص ۶۳.

(۱۳۳) بحار الانوار، ج ۱۶، ص ۶۵.

(۱۳۴) ریاحین الشریعه، ج ۲، ص ۲۴۲.

(۱۳۵) السیره الحلبیه، ج ۱، ص ۱۶۵.

(۱۳۶) طبق تحقیقات کامل محقق عظیم الشان، علامه بزرگوار، جعفر مرتضی عاملی، خدیجه کبری عَلَیْهَا السَّلَام قبل از رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ با شخص دیگری ازدواج نموده اند.

(۱۳۷) طبق نقل برخی از محققین، حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام در آن هنگام ۲۶ ساله بودند.

(۱۳۸) اعیان الشیعه - ۱۵ - ص ۷۹.

(۱۳۹) سیر اعلام النبلاء - ۲ - ۸۲ -

اسد الغابه -

٥ - ص ٤٣٥ -

الاصابه - ٤ - ص ٢٧٣ -

السمط الثمين.

(١٤٠) اسد الغابه - ٥ - ص ٤٣٩.

(١٤١) سيره ابن هشام - ١ - ص ٢٠٠.

(١٤٢) تذكرة الخواص - ص ٣١٢.

(١٤٣) الكامل فى التاريخ - ٢ - ص ١٤.

(١٤٤) سير اعلام النبلاء - ٢ - ص ٨١.

(١٤٥) صفوه الصفوه - ٢ - ص ٢.

(١٤٦) السير النبويه - ١ - ص ٢٥٧.

(١٤٧) الفصول المهمه - ص ١٣٣.

(١٤٨) عقيله الوحى - ص ٢٠.

(١٤٩) مثلهن الاعلى - خديجه بنت خويلد - ص ٩٨.

(١٥٠) فاطمه بنت محمد - ص ٦.

(١٥١) نساء لهن فى التاريخ الاسلامى نصيب - ص ٢١ - ٢٣.

(١٥٢) اعلام النساء - ١ - ص ٣٢٦.

(١٥٣) بطله كربلاء - ١٤.

(١٥٤) فاطمه الزهراء و ترفى غمد - ص ١١٢.

(١٥٥) بطله كربلاء - ١٣.

(١٥٦) موسوعه آل النبى - ٢٣٠.

۱۵۷) الدر المنثور، فی طبقات ربّات الخدور - ص ۱۸۰.

۱۵۸) نساء محمّد - ۱۶ - و ص ۲۰ و ص ۳۷.

۱۵۹) شهيرات النساء، فی العالم الاسلامی - ص ۲ - ۵.

۱۶۰) اشاره است به آراستن ذبیح و قربانی، برای بردن به قربانگاه.

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریان‌های اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می‌نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه
اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

